

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



فصلنامه رهپویه معماری و شهرسازی
دوره سوم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۴۰۳



فصلنامه رهپویه معماری و شهرسازی

دوره سوم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: دانشگاه بین‌المللی سوره

مدیر مسئول: محمدحسین ساعی

سردبیر: سید غلامرضا اسلامی

ناشر: دانشگاه بین‌المللی سوره

اعضای هیات تحریریه اصلی و مشورتی

- محمدحسین ساعی
رئیس دانشگاه سوره و استادیار، گروه ارتباطات، دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران.
- سید غلامرضا اسلامی
استاد، گروه معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه سوره، تهران، ایران.
- حسین سلطانزاده
استاد، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
- علیرضا عینی‌فر
استاد، گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- ریما فیاض
استاد، گروه فناوری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
- مینو قره بگلو
استاد، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
- ناصر براتی
دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه سوره، تهران، ایران.
- حسین ذبیحی
دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
- عبد الحمید نقره‌کار
دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.
- مهران هوشیار
دانشیار، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران.
- حیدر جهانبخش
دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
- آزاده شاهچراغی
دانشیار، گروه معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
- قاسم مطلبی
دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- نجمه دشتکی
استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- زکیه‌السادات طباطبایی لطفی
استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مدیر داخلی: ساره نیک‌آبادی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه؛ بها: ۲۰۰۰۰۰ ریال

آماده‌سازی، چاپ و انتشار: انتشارات دانشگاه سوره، زیر نظر وحید روزبهانی

ویرایش فنی و ادبی بخش فارسی و صفحه‌آرایی: و. روزبهانی؛ ویرایش بخش انگلیسی: زکیه‌السادات طباطبایی لطفی

نستعلیق «بسم الله...»: برگرفته از سوره حمد به خط میرعماد حسینی

نشریه رهپویه معماری و شهرسازی در ویرایش مقالات آزاد است. مسئولیت مطالب و تصاویر درج شده به عهده نویسندگان محترم است. استفاده از مطالب و تصاویر منتشر شده در نشریه، تنها با درج و ارجاع صحیح مجاز است.

نشانی: تهران، خ نجات‌اللہی، خ شهید فلاح پور، شماره ۲۹، کد پستی: ۱۴۱۵۹۳۳۴۳۵۷

وبگاه: <http://rau.soore.ac.ir>

رایانامه: architecture.rahpooeyeh@soore.ac.ir



دانشگاه بین‌المللی سوره

- | صفحه | عنوان |
|-------|---|
| ۷-۱۸ | □ ارتقای شاخص‌های بازآفرینی بافت‌های آسیب‌پذیر شهری با تأکید بر نو-شهرگرایی (مطالعه موردی: منطقه ۷ اصفهان)
پریسا محسنی، کرامت اله زیاری، مسعود الهی، سید محمدرضا خطیبی |
| ۱۹-۳۴ | □ تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بهبود فضای داخلی مسکن آپارتمانی با تکیه بر کیفیت فضامندی (بر اساس دیدگاه ساکنان)
فرهاد چگنی، محسن افشاری |
| ۳۵-۵۰ | □ مدل‌یابی اثرگذاری مؤلفه‌های طراحی حسی در معماری داخلی فروشگاهی
مژده سلطان توبه، رضا نقدبیشی |
| ۵۱-۶۲ | □ منظر باغ ملکوت
مرسده بیدریغ کسمائی، مهرانوش مفیدی |
| ۶۳-۷۸ | □ تبیین مؤلفه‌های فرایند طراحی معماری مبتنی بر نظام معرفت‌شناسی حکمت وجود
علی اکبری |
| ۷۹-۹۴ | □ بازشناسی مفهوم حریم در سلسله‌مراتب ورود به خانه در اقلیم گرم و مرطوب (بررسی تطبیقی خانه‌های بوشهر ایران و کوتای مالزی)
فرشید مصباح |

ارتقای شاخص‌های بازآفرینی بافت‌های آسیب‌پذیر شهری با تأکید بر نو-شهرگرایی (مطالعه موردی: منطقه ۷ اصفهان)^۱

پریسا محسنی^۲، کرامت اله زیاری^۳، مسعود الهی^۴، سید محمد رضا خطیبی^۵

تاریخ دریافت: ۱۶-۱۰-۱۴۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴-۰۵-۱۴۰۴

DOI: 10.22034/rau.2025.2049973.1115

چکیده

بافت‌های شهری آسیب‌پذیر، تصویری از سیستمی پیچیده را ارائه می‌دهند که از عوامل متعدد و درهم‌تنیده تشکیل شده‌اند. این موضوع باعث می‌شود که تعریف فرسودگی بافت‌های شهری بسته به اولویت‌ها و دغدغه‌های هر شهر در کشور متفاوت باشد. یکی از چالش‌های اصلی در بافت‌های فرسوده، نادیده گرفتن اصول نو-شهرگرایی در جوامع مدرن است. بنابراین، هدف از این تحقیق، شناسایی و تشریح شاخص‌های بازآفرینی بافت‌های آسیب‌پذیر شهری با تأکید بر اصول نو-شهرگرایی در منطقه هفت شهر اصفهان است. این مسئله به دلیل تأثیر مستقیم بر کیفیت زندگی شهروندان، مدیریت شهری و توسعه پایدار، اهمیت بالایی دارد. این تحقیق از لحاظ روش‌شناسی از نوع ترکیبی (Mixed Methods) است که در آن از روش‌های کمی (پرسشنامه و تحلیل آماری) و کیفی (مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته و تحلیل محتوا) استفاده شده است و از جنبه کاربردی طراحی شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی جمع‌آوری شدند و ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بود. جامعه آماری شامل کارشناسان حوزه مسکن و توسعه شهری و شهرداری منطقه هفت اصفهان بود که پرسشنامه‌ها به صورت هدفمند بین ۵۰ نفر از این خبرگان توزیع شد. برای تحلیل داده‌ها از معادلات ساختاری و نرم‌افزار (Smart-PLS) استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که شاخص‌های کالبدی و زیرساختی بیشترین تأثیر را در بازآفرینی منطقه هفت اصفهان داشتند و پس از آنها، شاخص‌های اقتصادی-نهادی و سپس شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی قرار داشتند. همچنین مشخص شد که مشارکت شهروندان و نظارت در تصمیم‌گیری‌های محلی، پایبندی به قوانین را تقویت کرده و مدیران و مقامات را در اجرای قوانین متعهد و پاسخگو می‌سازد. رعایت قوانین توسط مردم و عملکرد مؤثر مدیران و ذینفعان مرتبط با ساختار کلان مدیریت شهری، شهرها را به سمت قانون‌مداری بیشتر سوق داده و آینده آنها را تضمین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: بازآفرینی شهری، بافت‌های آسیب‌پذیر، نو-شهرگرایی، منطقه هفت اصفهان

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تدوین الگوی بازآفرینی مبتنی بر نو-شهرگرایی در محلات فرسوده شهری (مطالعه موردی: منطقه ۷ اصفهان)» می‌باشد، که با راهنمایی نگارنده دوم و نگارنده سوم و مشاوره نگارنده چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین در حال انجام است.

۲. دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

Email: pa.mohseni@iau.ac.ir

0009-0002-6571-0890

۳. استاد، گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: zayyari@ut.ac.ir

0000-0001-9135-4768

۴. استادیار گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

Email: m_elahi@iau.ac.ir

0000-0002-0206-8485

۵. استادیار گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

Email: Mr.khatibi@iau.ac.ir

0000-0002-7784-2922



۱. مقدمه

در برنامه‌ریزی‌های شهری، سعی در ایجاد تعادل در توزیع کمی و کیفی جمعیت، هماهنگی میان بنیان‌های زندگی اجتماعی و استفاده از مشارکت فعال شهروندان دارد (Figueiredo et al., 2022). براین اساس، هدف این پژوهش تبیین شاخص‌های بازآفرینی بافت‌های آسیب‌پذیر شهری با تأکید بر اصول نو-شهرگرایی در منطقه هفت اصفهان است. همچنین پرسش‌های مطرح شده مستقیماً ناظر به سه سنجه یا متغیر پنهان اصلی شاخص‌های کالبدی و زیرساختی (تعیین زیرساخت‌های فیزیکی لازم برای بازآفرینی)، شاخص‌های اقتصادی - نهادی (سنجش بستر نهادی و اقتصادی برای تحقق بازآفرینی موفق)، شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی (بررسی میزان انسجام و درگیری جامعه محلی در فرایند بازآفرینی) هستند که در مدل معادلات ساختاری و چارچوب نظری به‌وضوح تعریف شده‌اند به شرح ذیل می‌باشند:

۱. چه چالش‌هایی در بازآفرینی بافت‌های آسیب‌پذیر شهری وجود دارد و چگونه می‌توان این چالش‌ها را با تأکید بر اصول نو-شهرگرایی مدیریت کرد؟
۲. چگونه می‌توان شاخص‌های بازآفرینی بافت‌های آسیب‌پذیر در منطقه ۷ اصفهان با تأکید بر اصول نو-شهرگرایی را شناسایی و ارزیابی نمود؟

۲. پیشینه و مبانی نظری پژوهش

نعیمیان و کیانی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «نو-شهرگرایی: رویکردی نوین در بازآفرینی محلات سنتی» به تبیین نو-شهرگرایی به عنوان رویکردی معاصر در طراحی و برنامه‌ریزی شهری پرداختند. این رویکرد در واکنش به شهرسازی پراکنده و غیردمکراتیک معاصر شکل گرفته و بر ترکیب سبک‌های معماری متنوع، رشد هوشمند و حمل‌ونقل عمومی محور تأکید دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نو-شهرگرایی می‌تواند به عنوان چارچوبی مؤثر برای بازآفرینی بافت‌های سنتی و آسیب‌پذیر شهری عمل کند.

ژائو و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله خود با عنوان «توسعه شاخص‌های بازآفرینی شهری پایدار در مناطق شهری تاریخی»، به ارائه مدلی جامع برای ارزیابی بازآفرینی پایدار پرداختند. این مدل شامل چهار بُعد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و حکمرانی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بُعد اجتماعی نقش کلیدی در دستیابی به بازآفرینی پایدار دارد؛

در دهه ۱۹۸۰ میلادی، بسیاری از معماران و شهرسازان آمریکایی از وضعیت نابسامان مراکز شهری و گسترش روزافزون جوامع محلی که به‌صورت پراکنده، وابسته به خودرو و دور از مراکز شهری شکل گرفته بودند، ابراز نارضایتی کردند (Zalalyte, 2023). این نارضایتی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ منجر به شکل‌گیری جنبشی به نام نو-شهرگرایی شد (اتحادی و همکاران، ۱۴۰۰). نو-شهرگرایی، که به طراحی محلات سنتی و طراحی مبتنی بر اصول سنتی با فناوری مدرن معروف است، مجموعه‌ای از اصول برنامه‌ریزی است که هدف آن ایجاد محلاتی قابل زندگی و پیاده‌رو-محور در محیطی مناسب برای زندگی شهری است (اسماعیل پور و قربی، ۱۳۹۷). این جنبش پاسخی به مسئله پراکندگی شهری و وابستگی جوامع به خودرو است، جایی که تقریباً همه سفرها با ماشین انجام می‌شود. نو-شهرگرایی تلاش می‌کند با ایجاد کاربری‌های مختلط مسکونی، از آپارتمان‌ها تا خانه‌های تک‌خانوار با قیمت‌های مختلف، ساکنانی با سطوح درآمدی متفاوت را جذب کند و از طریق توسعه فشرده، از سکونتگاه‌های حیاتی و محیط‌های طبیعی محافظت نماید (باغبان و کرکه‌آبادی، ۱۳۹۸).

نو-شهرگرایی به عنوان یک رویکرد نوین در طراحی و برنامه‌ریزی شهری، در واکنش به شهرسازی معاصر که الگوهای پراکنده، غیرانسانی و ماشینی را ترویج می‌کرد، شکل گرفت (Boussaa, 2017). راهکارهای اجرایی این رویکرد با توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی هر بافت شهری تنظیم می‌شود (زبیری و ایزدی، ۱۳۹۷). توجه به اصول نو-شهرگرایی می‌تواند به ایجاد نگاهی جامع برای حل مشکلات شهرهای امروزی و دستیابی به شهرهای پایدار و انسان‌محور کمک کند (قادری و همکاران، ۱۴۰۲). امروزه، بافت‌های قدیمی و تاریخی بسیاری از شهرهای ایران به دلیل افزایش جمعیت، مهاجرت‌های بی‌رویه، کمبود خدمات و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در این مناطق، به بافت‌های فرسوده تبدیل شده‌اند. این بافت‌ها با چالش‌های امنیتی (فرهادی‌خواه و همکاران، ۱۳۹۸)، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و کاهش کیفیت زندگی مواجه هستند (Cheng & Wang, 2023). برای مقابله با این مشکلات، رویکرد بازآفرینی شهری مورد توجه قرار گرفته است (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰). این رویکرد بر توسعه درون‌زا تأکید دارد و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل موجود

مسئله‌ای که در مواجهه با بافت‌های آسیب‌پذیر شهری اهمیت دوچندان می‌یابد.

کیم (۲۰۲۴) در مقالهٔ خود با عنوان «غیررسمی؟: دو مورد استفاده موقت در بازآفرینی شهری کره جنوبی» به بررسی نقش پروژه‌های موقت در فرایند بازآفرینی شهری پرداخت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مداخلات موقت می‌توانند به عنوان ابزاری برای بازتوزیع قدرت، ارتقای مشارکت اجتماعی و افزایش انعطاف‌پذیری در روند بازآفرینی عمل کنند. این یافته‌ها اهمیت ابزارهای خلاقانه و مشارکتی در ارتقای شاخص‌های بازآفرینی را برجسته می‌کند.

عبداللّه‌زاده طرف و سروی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بازآفرینی ساختار فضایی محلات سنتی با رویکرد احیای استخوان‌بندی آن‌ها: مطالعهٔ موردی محله حکم‌آباد تبریز» به راهبردهایی برای احیای ساختار فضایی محله‌های سنتی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که باززنده‌سازی مراکز محله و گذرهای اصلی، شرط لازم برای احیای هویت کالبدی و سرزندگی درون محله‌ای است. این مطالعه نقش ساختار فضایی در بازآفرینی بافت‌های شهری را برجسته می‌کند.

نو-شهرگرایی مدل ایدئال خود را در شبکهٔ سنتی خیابان‌هایی می‌یابد که در بافت شهری تنیده شده‌اند. این خیابان‌ها با کاربری‌های مختلط و پیاده‌محور، همراه با محلاتی که تنوع مسکن و گونه‌های اجتماعی مختلف را در خود جای داده‌اند، به‌رغم پیچیدگی‌های شهری، به حیات خود ادامه می‌دهند. بنابراین، صرف‌نظر از عنوانی که برای آن انتخاب می‌شود، اکثر رویکردهای نو-شهرگرایی اصول مشترکی دارند: کاربری‌های مختلط در مقیاس کوچک، تنوع در انواع مسکن، فرم‌های فشرده و متراکم، فضاهای عمومی جذاب، خیابان‌های مناسب برای پیاده‌روی، مراکز و لبه‌های مشخص، و گزینه‌های متنوع حمل‌ونقل. در بسیاری از موارد، الگوهای طراحی و معماری سنتی، شبکه‌های فضای باز و طرح‌بندی خیابان‌های متصل، ترجیح داده می‌شوند (قربی و محمدی، ۱۳۹۶).

نو-شهرگرایی از طرح‌های فشرده، پیاده‌محور و کاربری‌های مختلط حمایت می‌کند و طرفداران آن معتقدند که توسعهٔ این اصول در محلات، بهبود بهداشت عمومی، منافع اجتماعی و امنیت را به همراه خواهد داشت (کریمی آذری و طورانداز، ۱۳۹۷). ریشه‌های نظری این جنبش به‌وضوح در آثار جین جیکوبز و لئون کرییر دیده می‌شود. جیکوبز^۲ [در کتاب مرگ

و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (۱۹۶۱)] بر حفظ ترکیبی از کاربری‌ها و تنوع جمعیتی در شهرها تأکید داشت (Kim *et al.*, 2020). او شکست ایده‌های برنامه‌ریزی مدرن، مانند ساختمان‌های بلند و پارک‌های بزرگ، را در حفظ محله‌های پرجنب‌وجوش و متنوعی مانند گرینویچ نشان داد و ارتباط بین نابودی حیات شهری و تغییرات در فرم شهر را بررسی کرد. کریر بیشتر بر مسائل طراحی متمرکز بود (کامران و همکاران، ۱۴۰۰). دیدگاه او از شهر خوب بر انسجام بصری و کاربری‌های مختلط تأکید داشت و شهرهای پیش‌صنعتی متراکم را به عنوان نمونه‌ای از مکان‌هایی می‌دانست که کاربری‌های شهری را ادغام می‌کنند و از آشفتگی ناشی از ترکیب سبک‌های مختلف معماری یا عناصر غیرشهری اجتناب می‌کنند (لطیفی و صفری چابک، ۱۳۹۳).

کوبین لینچ^۳ بخش عمده‌ای از زندگی حرفه‌ای خود را به ارائه راهنمایی‌هایی در مورد فرم خوب شهری اختصاص داد. او سه نوع نظریه را مطرح کرد که الگوهای فضایی شهرها را توضیح می‌دهند (Masood & Russo, 2023). نظریهٔ برنامه‌ریزی یا تصمیم‌گیری به چگونگی شکل‌گیری شهرها و فرایندهای تصمیم‌گیری مرتبط با آن می‌پردازد. نظریهٔ ساختاری به بررسی عملکرد فرم شهری اختصاص دارد، و نظریهٔ هنجاری فرم را به ارزش‌ها مرتبط می‌کند. او به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه عواملی شهر خوب را می‌سازند (محمدی دوست و همکاران، ۱۳۹۵). نظریهٔ معاصر نو-شهرگرایی عمدتاً به مسائل هنجاری علاقه‌مند است و دستورالعمل‌هایی برای عملکرد ارائه می‌دهد. این نگرش هنجاری از شهر خوب، که برای نو-شهرگرایان مملو از اصول فرم است، معمولاً از عناصر کلاسیک و الگوهای سنتی شهری (پیش از دوران ماشینی شدن) الهام گرفته شده است (Roberts *et al.*, 2017). اصول فرم خوب شهری به مسائلی مانند تراکم، مصالح، نسبت‌ها، روابط فضایی و ایجاد فضاهای باز یا بسته می‌پردازد. هارمونی، توازن، انسجام و قابلیت تجسم، اهداف اصلی برنامه‌ریزی و طراحی شهری خوب هستند (ملکی و همکاران، ۱۴۰۲).

بازآفرینی شهری فرایندی است که منجر به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی کالبدی و فعالیت می‌شود (نادری و رنجبردار، ۱۴۰۱). این فرایند فضای شهری جدیدی ایجاد می‌کند که ضمن حفظ شباهت‌های اساسی با فضای قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را نیز نمایش می‌دهد. بازآفرینی تلاش می‌کند با بررسی موقعیت، شرایط



جدول ۱. دیدگاه‌های مؤثر در بازآفرینی شهری (مأخذ: علی محمدی و همکاران، ۱۴۰۳؛ بنی عامریان و همکاران، ۱۴۰۲).

دیدگاه	نکات مورد تأکید
مکتب فرهنگ‌گرایی	توجه به میراث فرهنگی، جلوگیری از نابودی تاریخ، و حفظ سنت‌ها در توسعه شهری
مکتب انسان‌گرایی	توجه به طبیعت، فرهنگ، و بهبود محیط شهری با مشارکت شهروندان
دیدگاه بینابینی	توجه به طیف وسیعی از بافت‌ها، از عرصه‌های تاریخی تا بخش‌های فرسوده شهری

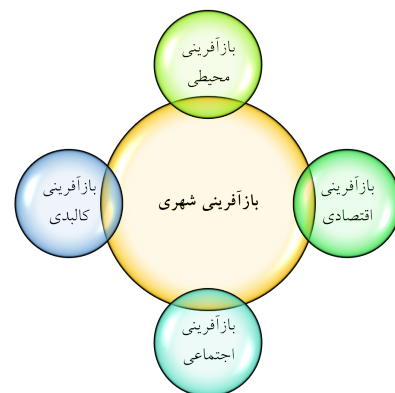
با توجه به مطالب گفته‌شده در مبنای نظری بافت‌های آسیب‌پذیر شهری به عنوان سیستم‌های پیچیده‌ای شناخته می‌شوند که از عوامل متعدد فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی تشکیل شده‌اند. این بافت‌ها به دلیل ضعف در زیرساخت‌ها و مشکلات مختلف، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق برای بازآفرینی هستند. «نمودار ۱» چارچوب نظری پژوهش را نمایش می‌دهد.

۳. روش تحقیق

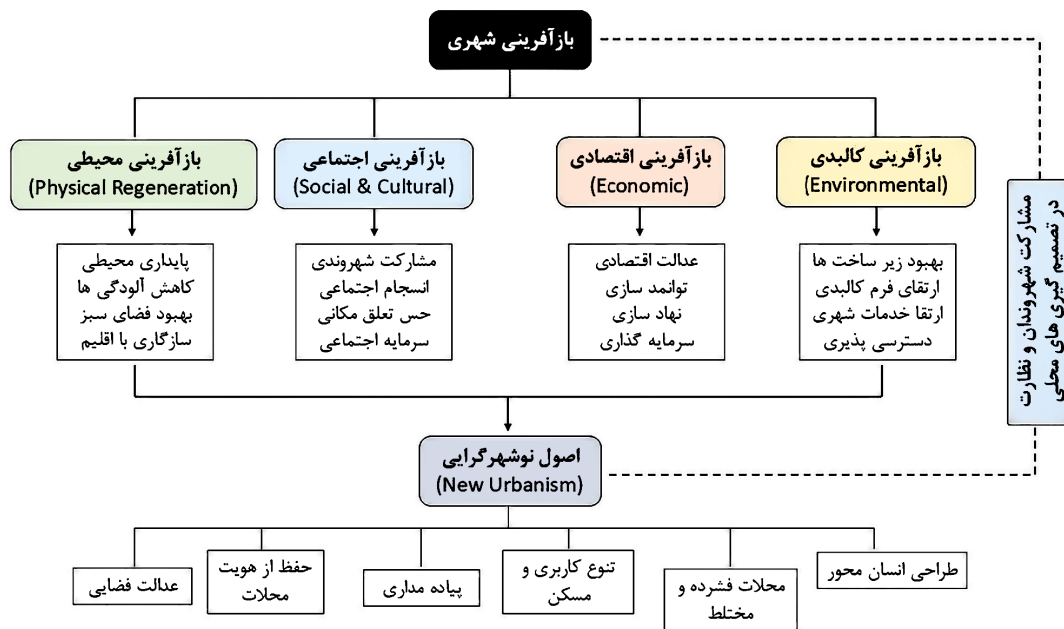
این پژوهش از نظر هدف، در دسته تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد، زیرا با بهره‌گیری از اصول نو-شهرگرایی، به دنبال ارائه راهکارهای عملی برای بازآفرینی بافت‌های فرسوده در منطقه هفت اصفهان است. از نظر روش و ماهیت نیز، این پژوهش از نوع ترکیبی (Mixed Methods) است که ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی را در بر می‌گیرد. داده‌های کمی از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده‌اند و از نرم‌افزار (Smart-PLS) برای تحلیل روابط بین متغیرها استفاده شده است. همچنین، داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان و ذی‌نفعان محلی و مشاهدات میدانی به دست آمده‌اند و با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. جامعه آماری شامل کارشناسان حوزه مسکن و توسعه شهری و شهرداری منطقه هفت اصفهان بوده و پرسشنامه‌ها به صورت هدفمند بین ۵۰ نفر از خبرگان توزیع شده‌اند. این رویکرد ترکیبی نه تنها به توصیف دقیق‌تر داده‌ها کمک می‌کند، بلکه امکان درک عمیق‌تر از چالش‌ها و ارائه راهکارهای عملی‌تر را نیز فراهم می‌آورد.

محیطی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی، به تجدید حیات مکان‌هایی بپردازد که به‌مرور زمان فرسوده شده و کارایی لازم را از دست داده‌اند (زبیری و همکاران، ۱۳۸۸). این رویکرد با احیای هم‌زمان کالبد و عملکرد، به بهبود کیفیت‌های محیطی کمک می‌کند (Vindigni et al., 2021). بازآفرینی شهری به بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و محیطی شهر توجه دارد و طیف وسیعی از فعالیت‌ها را شامل می‌شود که قابلیت زیست‌جدیدی به مناطق فرسوده، ساختمان‌های بازسازی‌شده و زیرساخت‌های قدیمی ارائه می‌دهد (موسوی، ۱۳۹۶). نگرش کلیدی در بازآفرینی، بهبود وضعیت کلی شهر و کیفیت زندگی ساکنان آن است. این رویکرد با شناسایی مشکلات شهری از طریق بهبود مناطق فرسوده، به دنبال ایجاد تحول مثبت در شهرهاست (جمشیدی، ۱۳۹۳). در «تصویر ۱» ابعاد چهارگانه بازآفرینی شهری نمایش داده شده است.

مدیریت‌های شهری برای بهبود بافت‌های فرسوده و ناکارآمد، رویکردهای مختلفی را به کار گرفته‌اند (نمازی و خندان، ۱۴۰۰). سیر تحول این رویکردها از سیاست تخریب در دوران جنگ جهانی دوم تا سیاست‌های نوزایی و توانمندسازی در قالب طرح‌های بهسازی و نوسازی ادامه یافته و در نهایت به رویکردهای مشارکتی منجر شده است (نوریان و همکاران، ۱۳۹۹). از مهم‌ترین دیدگاه‌هایی که در رابطه با بافت‌های قدیمی مورد توجه قرار گرفته‌اند، می‌توان به فرهنگ‌گرایی، آرمان‌گرایی، فن‌گرایی، انسان‌گرایی، سازمان‌گرایی، کارکردگرایی، مدرنیسم، پست‌مدرنیسم و نظریه توسعه پایدار شهری اشاره کرد (جمالوندی و همکاران، ۱۴۰۳). در «جدول ۱» دیدگاه‌های مؤثر در بازآفرینی شهری ارائه شده است.

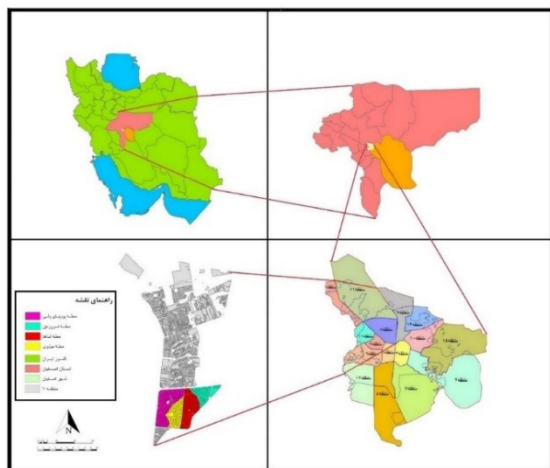


تصویر ۱. ابعاد چهارگانه بازآفرینی شهری (مأخذ: جمشیدی، ۱۳۹۳).



نمودار ۱. چارچوب نظری پژوهش.

را تجربه کرد. متأسفانه این روند در سال‌های بعد نه تنها کاهش نیافت، بلکه افزایش نیز یافت. مقایسه نرخ رشد منطقه ۷ با شهر اصفهان نشان‌دهنده رشد فزاینده جمعیت در این منطقه است (مهندسان مشاور شهر و خانه، ۱۳۹۳). (جدول ۲ و تصویر ۲)



تصویر ۲. موقعیت منطقه هفت در اصفهان.

۴. موقعیت منطقه مورد مطالعه

منطقه هفت یکی از مناطق پانزده‌گانه شهر اصفهان است که در بخش شمالی این شهر واقع شده است. تا سال ۱۳۸۷، این منطقه به دلیل وسعت زیاد و رشد جمعیت، به دو منطقه ۷ و ۱۴ تقسیم شد. مساحت کل منطقه ۲۸۵۷ هکتار است که حدود ۶ درصد از کل مساحت اصفهان را تشکیل می‌دهد. بر اساس آمار سال ۱۳۹۵، جمعیت این منطقه ۱۶۸،۷۳۲ نفر و تراکم جمعیت آن حدود ۵۲ نفر در هکتار بوده است. منطقه هفت شامل ۱۲ محله است (روحانی، ۱۳۹۲).

پیش از آغاز قرن اخیر، جمعیت شهری به معنای امروزی در این منطقه وجود نداشت و ساکنان آن در روستاهای اطراف زندگی می‌کردند که با شهر اصفهان در ارتباط بودند. با گسترش محور چهارباغ به سمت شمال، سکونت در بخش‌های جنوبی منطقه (حاشیه محورهای مدرس، فروغی و کاوه) آغاز شد. به‌مرور زمان، روستاهای مجاور در شهر ادغام شدند. علیرغم طرح‌های جامع و تفصیلی که بر عدم گسترش شهر در این منطقه تأکید داشتند، جمعیت آن به‌طور پیوسته افزایش یافت. درحالی‌که نرخ رشد جمعیت شهر اصفهان در فاصله سال‌های مورد بررسی ۲/۵۲ درصد بود، منطقه ۷ نرخ رشد ۴/۸۲ درصدی



است، تمامی مقادیر مربوط به سازه‌ها از این حد بالاتر بودند، بنابراین روایی همگرایی پرسشنامه تأیید شد. (جدول ۳)

جدول ۳. میانگین واریانس ابعاد استخراج شده مطابق شاخص‌های پژوهش.

میانگین واریانس	ابعاد
۰٫۶۷۸	اجتماعی و فرهنگی
۰٫۶۴۹	کالبدی و زیرساختی
۰٫۶۵۴	اقتصادی و نهادی

همچنین، آزمون بار عرضی نیز برای بررسی روایی همگرا انجام شد. در این آزمون، فرض بر این است که بار هر شاخص برای متغیر پنهان مربوطه باید بیشتر از بارهای آن شاخص برای سایر متغیرهای پنهان باشد. نتایج «جدول ۴» نشان می‌دهد که بارهای عاملی شاخص‌های هر سازه نسبت به سازه‌های دیگر بیشتر است، که این موضوع روایی همگرا را تأیید می‌کند. برای ارزیابی روایی واگرا، جذر میانگین واریانس استخراج شده (AVE) هر سازه با ضرایب همبستگی بین سازه‌ها مقایسه شد. نتایج نشان داد که جذر (AVE) هر سازه از ضرایب همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر بیشتر است، که این موضوع روایی واگرایی مدل را تأیید می‌کند. (جدول ۴)

جدول ۴. نتایج ضرایب همبستگی سازه‌ها

اقتصادی و نهادی	کالبدی و زیرساختی	اجتماعی و فرهنگی	
-	-	۱	اجتماعی و فرهنگی
-	۱	۰٫۶۸۸	کالبدی و زیرساختی
۱	۰٫۶۰۸	۰٫۵۶۷	اقتصادی و نهادی

در ادامه، پایایی مدل از طریق پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ بررسی شد. پایایی ترکیبی نشان‌دهنده همبستگی بین سؤالات یک بعد است، درحالی‌که آلفای کرونباخ توانایی سؤالات در تبیین ابعاد مربوطه را نشان می‌دهد. نتایج نشان داد که پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ برای تمامی ابعاد بالاتر از ۰٫۷ است، که نشان‌دهنده پایایی مناسب مدل است. (جدول ۵)

جدول ۲. جمعیت، مساحت و تراکم محلات منطقه ۷ شهر اصفهان در سال ۱۴۰۱ (مأخذ: اداره آمار و تحلیل اطلاعات شهرداری اصفهان ۱۴۰۱).

ردیف	نام محله	جمعیت سال ۱۳۹۵	مساحت (هکتار)	تراکم (نفر در هکتار)
۱	شهرک ولی عصر	۶۳۲۱	۴۷	۱۴۳
۲	شهرک میلاد	۱۴۶۴۸	۱۶۹	۸۷
۳	باغ فدک	۱۳۳۶۸	۲۷۹	۴۸
۴	شهرک کاوه	۱۸۶۰۸	۱۲۳	۱۵۱
۵	رحیم آباد	۱۰۰۸۳	۵۷	۱۷۵
۶	برازنده	۳۱۵۱۶	۱۹۷	۱۶۰
۷	شیخ اشراق	۲۹۳۸۹	۱۵۸	۱۸۵
۸	باب‌الدشت	۲۱۰۷۰	۲۷	۱۷۷
۹	پوریای ولی	۳۱۵۵	۱۲۰	۱۱۵
۱۰	مولوی	۱۱۹۱۵	۶۳	۱۹۰
۱۱	شاهد	۱۷۱۰۰	۹۱	۱۸۹
۱۲	فروردین	۹۰۴۵	۶۴	۱۴۰

۵. بحث و یافته‌های پژوهش

۵.۱. ارزیابی شاخص‌های بافت فرسوده (بازآفرینی) و الگوی نو-شهرگرایی منطقه ۷ بر اساس معادلات ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری شامل دو بخش اصلی است: مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری. در این مدل، متغیرها به دو دسته پنهان و آشکار تقسیم می‌شوند که متغیرهای پنهان نیز در سطوح مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند. بخش مدل اندازه‌گیری شامل گویه‌ها (سؤالات) هر بعد و روابط بین این گویه‌ها و ابعاد مربوطه است. بخش مدل ساختاری نیز شامل تمامی سازه‌های اصلی پژوهش بوده و روابط و همبستگی‌های بین این سازه‌ها را بررسی می‌کند.

در مرحله اول، ارزیابی معیارهای همگرا و واگرا انجام شد. برای تحلیل روایی پرسشنامه، از دو معیار همگرا و واگرا استفاده شد. روایی همگرا به توانایی شاخص‌های یک بعد در تبیین آن بعد اشاره دارد، در حالی که روایی واگرا نشان می‌دهد که سازه‌های مدل باید همبستگی بیشتری با سؤالات خود نسبت به سازه‌های دیگر داشته باشند. برای ارزیابی روایی همگرا، از معیار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده شد. نتایج این ارزیابی در «جدول ۳» ارائه شده است. با توجه به اینکه مقدار (AVE) بالاتر از ۰٫۴ نشان‌دهنده روایی همگرایی قابل قبول

جدول ۵. نتایج سنجش پایایی مدل.

Cronbach's Alpha**	Composite Reliability*	
۰/۹۸۴۱	۰/۸۳۹	اجتماعی و فرهنگی
۰/۹۸۳۶	۰/۸۷۴	کالبدی و زیرساختی
۰/۹۷۸۵	۰/۸۸۷	اقتصادی و نهادی
* پایایی ترکیبی، ** آلفای کرونباخ		

جدول ۶. ماتریس عوامل چرخش یافته با روش تحلیل مولفه اصلی و روش چرخش واریماکس با نرمال سازی کیسر سؤالات.

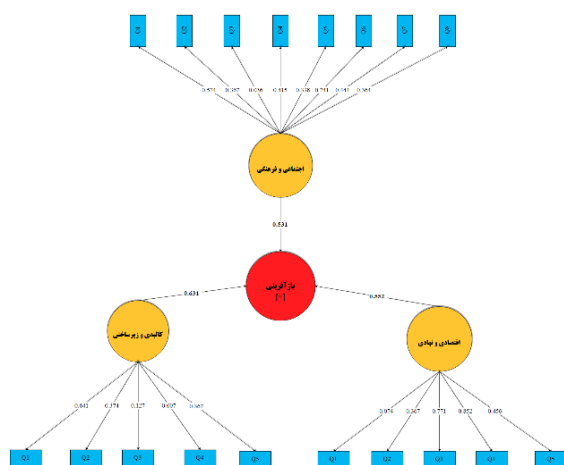
سؤالات	عوامل اول			اشتراک استخراجی
	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	
سؤال ۱	۰/۱۲۲	۰/۲۵۱	۰/۲۱۰	۰/۶۸۹
سؤال ۲	-۰/۰۴۲	-۰/۰۱۲	۰/۲۲۶	۰/۵۹۸
سؤال ۳	۰/۲۵۷	۰/۲۸۲	۰/۲۳۵	۰/۵۴۵
سؤال ۴	۰/۰۶۶	۰/۲۸۴	۰/۲۶۱	۰/۵۳۵
سؤال ۵	-۰/۰۴۹	۰/۲۵۳	۰/۴۵۱	۰/۵۰۶
سؤال ۶	۰/۱۱۲	۰/۲۷۹	۰/۶۶۶	۰/۵۳۴
سؤال ۷	۰/۴۲۵	۰/۵۷۳	۰/۳۴۲	۰/۶۲۶
سؤال ۸	۰/۶۴۵	۰/۲۳۱	۰/۱۵۲	۰/۵۰۱
سؤال ۹	۰/۵۱۸	۰/۰۷۲	۰/۰۸۴	۰/۵۰۲
سؤال ۱۰	۰/۴۸۴	۰/۴۵۲	۰/۱۰۳	۰/۵۶۹
سؤال ۱۱	۰/۶۰۶	۰/۲۲۲	۰/۳۴۰	۰/۶۲۰
سؤال ۱۲	۰/۱۰۰	۰/۲۴۸	۰/۷۲۵	۰/۶۱۰
سؤال ۱۳	۰/۰۲۹	۰/۲۲۲	۰/۶۱۶	۰/۵۳۸
سؤال ۱۴	۰/۰۴۵	۰/۰۴۶	۰/۴۴۷	۰/۵۰۱
سؤال ۱۵	۰/۱۷۵	۰/۴۷۷	۰/۳۹۱	۰/۵۱۷
سؤال ۱۶	۰/۱۲۶	۰/۷۶۱	۰/۰۰۱	۰/۶۶۷
سؤال ۱۷	۰/۴۲۴	۰/۳۷۳	۰/۰۸۹	۰/۵۹۰
سؤال ۱۸	۰/۴۹۱	۰/۲۷۴	۰/۲۰۲	۰/۵۸۰

در مرحله بعد، ضرایب مسیر و بارهای عاملی مورد بررسی قرار گرفتند. در مدل سازی معادلات ساختاری، اگر بار عاملی یک شاخص کمتر از ۰/۵ باشد، آن شاخص از مدل حذف می شود. همچنین، مقدار t نشان دهنده معناداری اثرگذاری متغیرها است. اگر مقدار t بیشتر از ۱/۹۶ باشد، اثرگذاری مثبت و معنادار است. اگر بین ۱/۹۶- و ۱/۹۶ باشد، اثرگذاری خنثی است و اگر کمتر از ۱/۹۶- باشد، اثرگذاری منفی و معنادار است. ضرایب مسیر بالاتر از ۰/۶ نشان دهنده ارتباط قوی، بین ۰/۳ تا ۰/۶ نشان دهنده ارتباط متوسط و کمتر از ۰/۳ نشان دهنده ارتباط ضعیف بین متغیرها است.

بر اساس نتایج جدول شماره ۵، مقدار اشتراک استخراجی برای تمام سؤالات بیشتر از ۰/۵ بود، بنابراین هیچ سؤالی از پرسشنامه حذف نشد. همچنین، سه عامل با مقدار ویژه بالاتر از ۱ استخراج شدند که تمام سؤالات مربوط به این متغیرها را پوشش می دادند. بارهای عاملی سؤالات نیز نشان داد که هر سؤال بیشترین بار عاملی را در عامل مربوط به خود دارد، که این موضوع روایی پرسشنامه را تأیید می کند. (جدول ۶)

مطابق نتایج در «تصویرهای ۳ و ۴» شاخص کالبدی و زیرساختی تأثیر مثبت و معنی داری بر الگوی بازآفرینی دارد. از آنجایی که یکی از ارکان اصلی بافت فرسوده و تحقق سیاست های بازآفرینی ساختار کالبدی و عوامل زیرساختی می باشند، التزام به بازآفرینی کالبدی اولین قدم تحقق این فرایند است که از طریق تأمین سطوح و دسترسی لازم به خدمات زیرساختی محقق می شود.

بر اساس نتایج ارائه شده در «جدول ۷» شاخص های کالبدی و زیرساختی بیشترین تأثیر را بر الگو و ساختار بازآفرینی در منطقه ۷ اصفهان دارند. پس از آن، شاخص های اقتصادی و نهادی و سپس شاخص های اجتماعی و فرهنگی به ترتیب بیشترین تأثیر را نشان می دهند. این یافته ها با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری و نرم افزار (Smart-PLS) به دست آمده اند.



تصویر ۳. ساختار مدل تحقیق.



تحقق اهداف توسعه پایدار شهری است. شاخص اجتماعی و فرهنگی با ضریب مسیر 0.531 و مقدار t برابر با 7.3394 نیز تأثیر مثبت و معناداری بر بازآفرینی دارد. افزایش سرمایه‌گذاری در سطوح محلی، تقویت مشارکت شهروندان و تسهیل فرایند دموکراتیک‌سازی، از جمله عوامل مؤثر در این زمینه هستند. مشارکت فعال شهروندان در تصمیمات محلی، نه تنها قانون‌مداری و پایداری به قوانین را افزایش می‌دهد، بلکه مدیران و مسئولان را نیز در اجرای قوانین متعهد و پاسخگو می‌سازد. این امر به نوبه خود، شهرها را به سمت قانون‌گرایی بیشتر سوق داده و آینده آنها را تضمین می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری نیازمند توجه هم‌زمان به ابعاد کالبدی، اقتصادی، نهادی، اجتماعی و فرهنگی است. بهبود زیرساخت‌ها و ساختار کالبدی، برقراری عدالت اقتصادی و مشارکت نهادهای متولی، و تقویت مشارکت اجتماعی و فرهنگی شهروندان، از جمله عوامل کلیدی در موفقیت این فرایند هستند. مشارکت فعال شهروندان و پاسخگویی مدیران، اعتماد عمومی را افزایش داده و زمینه‌ساز توسعه پایدار شهری خواهد بود. این رویکرد نه تنها به حل مشکلات فعلی بافت‌های فرسوده کمک می‌کند، بلکه آینده روشنی را برای شهرها رقم خواهد زد.

۵.۲. سنجش روایی و پایایی مدل تحقیق

۵.۲.۱. تشریح روایی^۵

روایی به معنای توانایی ابزار برای سنجش دقیق همان مفهومی است که قرار است اندازه‌گیری کند. در این پژوهش، دو نوع روایی بررسی شده‌اند:

۵.۲.۱.۱. روایی همگرا^۶

– با استفاده از «میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE)» برای هر بعد انجام شده است.

– مقدار «AVE برای هر سازه»:

– اجتماعی و فرهنگی: 0.678

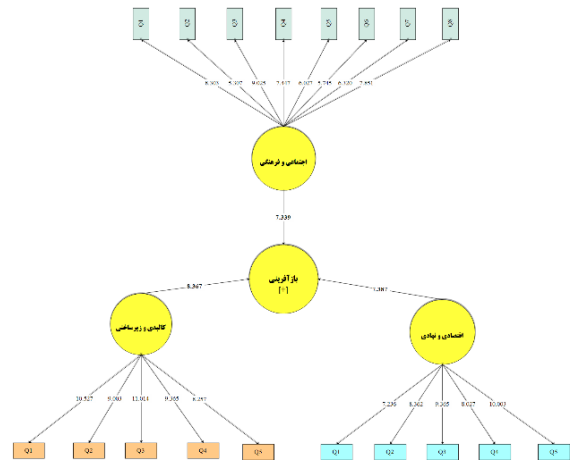
– کالبدی و زیرساختی: 0.649

– اقتصادی و نهادی: 0.654

چون همه این مقادیر «بالاتر از 0.4 » هستند، روایی همگرا تأیید شده است.

۵.۲.۱.۲. روایی واگرا^۷:

– از طریق «مقایسه جذر AVE هر سازه با همبستگی‌های بین سازه‌ها» بررسی شده.



تصویر ۴. ضرایب معنی‌داری گویه‌های پژوهش مطابق ابعاد بازآفرینی.

جدول ۷. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها.

P-Values****	T Statistics**	Path Coefficient*	
۰/۰۰۰۱	۷/۳۳۹۴	۰/۵۳۱	اجتماعی و فرهنگی
۰/۰۰۰۱	۸/۳۶۷۲	۰/۶۳۱	کالبدی و زیرساختی
۰/۰۰۰۱	۷/۳۸۷۴	۰/۵۵۲	اقتصادی و نهادی

* ضریب مسیر؛ ** آمار تی؛ *** مقادیر P

شاخص کالبدی و زیرساختی با ضریب مسیر 0.631 و مقدار t برابر با 8.3672 ، تأثیر مثبت و معناداری بر الگوی بازآفرینی دارد. از آنجایی که ساختار کالبدی و زیرساختی یکی از ارکان اصلی بافت فرسوده است، بازآفرینی کالبدی اولین گام در تحقق این فرایند محسوب می‌شود. تأمین دسترسی مناسب به خدمات زیرساختی و بهبود کیفیت فضاهای کالبدی، نقش کلیدی در موفقیت بازآفرینی ایفا می‌کند. شاخص اقتصادی و نهادی با ضریب مسیر 0.552 و مقدار t برابر با 7.3874 نیز تأثیر مثبت و معناداری بر بازآفرینی دارد. برقراری عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه منابع و امکانات، زمینه‌ساز بهبود کیفیت زندگی و زیست‌پذیری در منطقه است. مشارکت اقشار ضعیف در فرایند مدیریت و تصمیم‌گیری کلان، به تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کند. همچنین، مشارکت نهادهای متولی و بخش‌های مختلف در فرایند بازآفرینی، گامی اساسی در جهت

است؛

—روایی و پایایی ابزار و مدل به طور کامل مورد تأیید قرار گرفته است.
—مشارکت شهروندی و ساختار نهادی به عنوان عوامل تسهیل کننده اجرای مؤثر برنامه‌های بازآفرینی معرفی شده‌اند.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در بیشتر مطالعات پیشین، تمرکز اصلی بر بررسی وضعیت موجود بافت‌های فرسوده و چالش‌های کالبدی بوده است. درحالی‌که این تحقیق با رویکردی جامع‌تر، عوامل کلیدی مؤثر بر فرسودگی بافت را از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در سطح محلات تحلیل کرده است. ازجمله مهم‌ترین شاخص‌های شناسایی شده می‌توان به مشارکت اجتماعی، راهبردهای خصوصی‌سازی، حذف موانع نهادی و اداری، همکاری بخشی و فرابخشی، فرایند تصمیم‌سازی مشارکتی و نقش ذی‌نفعان اشاره کرد. همچنین، شاخص‌هایی با اثرگذاری منفی مانند کیفیت پایین بازآفرینی، فقدان مشارکت جمعی و فقر فزاینده نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که عوامل کالبدی و زیرساختی به عنوان موانع اصلی بازآفرینی در منطقه شناخته می‌شوند. علاوه بر این، شاخص‌های اقتصادی و نهادی مطلوب شهری، ازجمله عدالت در توزیع خدمات اساسی و کاهش تمرکزگرایی، نقش مهمی در تحقق بازآفرینی ایفا می‌کنند. در مقابل، برنامه‌ریزی متمرکز و بی‌توجهی به ویژگی‌های محلی و ساختار جمعیتی منطقه ازجمله موانع اصلی شناسایی شده‌اند. مشارکت اجتماعی نیز به عنوان یکی از عوامل کلیدی در بازآفرینی شهری مطرح است؛ اما پایین بودن سطح آن در محلات منطقه به عنوان یک چالش جدی شناخته شده است. فرصت‌های برابر اجتماعی و فرهنگی می‌توانند به عنوان پیشران‌های کلیدی عمل کنند، اما نبود آنها نقش بازدارنده‌ای ایفا کرده و عواملی مانند ناامنی، فاصله طبقاتی، نابرابری جنسیتی و دسترسی ناکافی به حمل‌ونقل عمومی نیز بر شدت این چالش‌ها افزوده‌اند. از دیگر موانع اصلی می‌توان به فقدان سرمایه اجتماعی، جمعیت‌گرایی و فقر فزاینده اشاره کرد. همچنین مشکلات مدیریتی مانند نبود شفافیت، کاهش توان بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری، نظارت ناکافی بر عملکرد شهرداری‌ها و مدیریت ناکارآمد حریم شهری نیز

— نتیجه: جذر AVE هر سازه «بیشتر از ضرایب همبستگی» بین سازه‌هاست.

این نشان می‌دهد که متغیرها، «مفهوم منحصر به فرد خود را سنجیده‌اند» و «روایی و اگر تأیید شده است».

۵.۲.۲. تشریح پایایی^۸

پایایی به معنای ثبات و قابلیت اتکای ابزار اندازه‌گیری است. در این تحقیق، دو شاخص برای پایایی استفاده شده:

۵.۲.۱. آلفای کرونباخ^۹

— برای هر سه بعد، «بیش از ۰/۸۸» بوده است.

— اجتماعی و فرهنگی: ۰/۹۸۴۱

— کالبدی و زیرساختی: ۰/۹۸۳۶

— اقتصادی و نهادی: ۰/۸۸۷

این مقادیر «بسیار عالی» هستند و نشان‌دهنده «قابلیت اتکای بالای پرسشنامه» است.

۵.۲.۲. پایایی ترکیبی^{۱۰}

— برای هر بعد:

— اجتماعی و فرهنگی: ۰/۸۳۹

— کالبدی و زیرساختی: ۰/۸۷۴

— اقتصادی و نهادی: ۰/۹۷۸۵

چون همه مقادیر «بیش از ۰/۷» هستند، «پایایی ترکیبی نیز کاملاً مورد تأیید است».

۵.۲.۳. تحلیل عاملی و آزمون ساختاری

— از «مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم‌افزار (Smart-PLS)» استفاده شده است.

— تمام «بارهای عاملی بیشتر از ۰/۵» بوده‌اند (معنادار) و هیچ سؤال‌ی حذف نشده است.

— مقدار آماره t برای شاخص‌ها:

— کالبدی و زیرساختی: $t = ۸/۳۶$

— اقتصادی و نهادی: $t = ۷/۳۸$

— اجتماعی و فرهنگی: $t = ۷/۳۳$

همه این‌ها «بالتر از ۱/۹۶» هستند و نشان‌دهنده «اثرگذاری مثبت و معنادار متغیرها» بر بازآفرینی است.

پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد ترکیبی، چارچوب نظری چندبعدی بازآفرینی شهری با تأکید بر نو-شهرگرایی را ترسیم کرده و با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری: Smart PLS — کالبد و زیرساخت را به عنوان مهم‌ترین مؤلفه تعیین کرده



۴. **مدیریت یکپارچه:** ایجاد سیستم مدیریتی یکپارچه و شفاف برای بهبود پاسخگویی و نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی.
 ۵. **توانمندسازی نیروی انسانی:** آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی به منظور افزایش کارایی و بهره‌وری در مدیریت شهری.
 ۶. **مقابله با فقر و آسیب‌های اجتماعی:** اجرای برنامه‌های جامع برای کاهش فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات فرسوده.
 ۷. **عدالت فضایی:** توزیع عادلانه خدمات شهری با هدف کاهش تمرکزگرایی در برخی محلات و افزایش دسترسی برابر شهروندان به امکانات.
 ۸. این پیشنهادها می‌توانند به بهبود وضعیت منطقه ۷ اصفهان و تحقق اهداف بازآفرینی شهری کمک کنند.

پی‌نوشت‌ها

1. Results
2. Jacobs
3. Kevin Lynch

5. Validity
6. Convergent Validity
7. Discriminant Validity
8. Reliability
9. Cronbach's Alpha
10. Composite Reliability

۴. روش‌های ترکیبی

از جمله عوامل بازدارنده هستند. ضعف زیرساخت‌های فرهنگی و کمبود امکانات نیز چالش‌های مهم دیگری هستند که منطقه را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در نهایت، نرخ بالای آسیب‌های اجتماعی همراه با توزیع نامتوازن امکانات و خدمات در محلات منطقه موجب شده است که این منطقه از نظر برخورداری از امکانات نسبت به سایر مناطق وضعیت مطلوبی نداشته باشد. عدم آینده‌نگری در نظام مدیریت کالبدی و فرسودگی فزاینده بافت نیز این منطقه را در معرض بحران‌های پیچیده اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی قرار داده است.

پیشنهادها

۱. **تقویت مشارکت اجتماعی:** ایجاد سازوکارهای مؤثر برای افزایش مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شهری.
۲. **عدالت در توزیع خدمات:** توزیع عادلانه خدمات و امکانات در تمامی محلات منطقه ۷ به منظور کاهش نابرابری‌ها.
۳. **بهبود زیرساخت‌ها:** سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی و امکانات فرهنگی برای افزایش دسترسی و کیفیت زندگی.

فهرست منابع

- اتحادی، علی؛ خسروی، میلاد؛ کرمی، علی؛ قاسمی، مجید (۱۴۰۰)، تحلیل بازآفرینی و توسعه مجدد بافت ناکارآمد منطقه ۱۲ شهرداری شهر تهران؛ نمونه موردی: محله سیروس. شباک، دوره ۷، شماره ۶، پیاپی ۶۳، صص ۲۰۸-۱۸۹. <https://sid.ir/paper/967624/fa>
- اداره آمار و تحلیل اطلاعات شهرداری اصفهان (۱۴۰۱).
- اسمعیل‌پور، نجما؛ قربی، میترا (۱۳۹۷)، میزان سازگاری محلات شهری شکل گرفته در دوره‌های مختلف رشد شهر با اصول نو-شهرگرایی (مورد نمونه: محلات مظفری، جوی مویدی، امام جمعه و هوشنگ مرادی در شهر کرمان)، نشریه علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی، شماره ۶۵، صص ۷۶-۱. <https://sid.ir/paper/380033/fa>
- باغبان، اسماعیل؛ کرکه‌آبادی، زینب (۱۳۹۸)، نو-شهرگرایی و راهکارهای بهبود ظرفیت‌های عملکردی و سکونتی بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر سمنان)، فصلنامه دانش انتظامی سمنان، دوره نهم، شماره ۳۱. <https://civilica.com/doc/468111>
- بنی‌عامریان، حامد؛ جهان‌شاه‌لو، لعلا؛ عندلیب، علیرضا (۱۴۰۲)، تبیین چگونگی کاربست محرک‌های توسعه در فرایند بازآفرینی بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: هسته تاریخی شهر کرمانشاه)، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۷۱، صص ۴۶۱-۴۳۳. <http://jgs.khu.ac.ir/article-1-4178-fa.html>
- جمالوندی، علی ناصر؛ سلیمانی، حسین؛ خادم‌الحسینی، احمد؛ صابری، حمید (۱۴۰۳)، بررسی نقش بازآفرینی شهری در رونق محورهای گردشگری (مورد مطالعه: شهر ایلام)، مطالعات ساختار و کارکرد شهری، شماره ۳۸، صص ۱۰۲-۷۸. <https://usfs.2023.25778.2370/10/22080>
- جمشیدی، شهرام (۱۳۹۳)، تأملی در ابعاد بازآفرینی شهری. دومین کنگره بین‌المللی سازه، معماری و توسعه شهری، تبریز. <https://civilica.com/doc/354329/>
- روحانی، نفیسه (۱۳۹۲)، تحلیل بافت فرسوده مسکونی منطقه ۷ شهر اصفهان و راهکارهای ساماندهی آن. فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال دوم، شماره هفتم، صص ۷۸-۶۳.

- زیاری، کرامت‌الله؛ ایزدی، پگاه (۱۳۹۷)، برنامه‌ریزی راهبردی احیای بافت تاریخی با استفاده از اصول رویکرد نو-شهرگرایی (موردشناسی: محله سردک - شیراز). <https://civilica.com/doc/884558>
- زیاری، کرامت‌الله؛ بیرانوندزاده، مریم؛ علی‌زاده، یحیی؛ ابراهیمی، سمیه (۱۳۸۸)، بررسی و ارزیابی سیاست‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (نمونه موردی: شهر یزد)، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۲ (۱)، ۸۵-۹۹. <https://sid.ir/paper/177114/fa>
- عبدالله‌زاده طرف، اکبر؛ سروی، سمیرا (۱۴۰۰)، بازآفرینی ساختار فضایی محلات سنتی با رویکرد احیای استخوان‌بندی آنها (مطالعه موردی: محله حکم‌آباد تبریز)، جغرافیا و برنامه‌ریزی، دوره ۲۵، شماره ۷۷، صص ۱۷۰-۱۴۹. DOI: 10.22034/gp.2021.40443.2640
- علی‌محمدی، امیر؛ ستاری ساربانقلی، حسن؛ فرامرزی اصل، مهسا؛ پاکدل، محمدرضا (۱۴۰۳)، الگوها و فنون برنامه‌ریزی شهری پایدار در بافت‌های تاریخی (مورد مطالعه: محله بلاغی قزوین)، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۷۲، صص ۹۷-۸۱. DOI: 20.1001.1.22287736.1300.0.0103.6
- فرهادی‌خواه، حسین؛ سیدعلی‌پور، سیدخلیل؛ زیاری، کرامت‌الله؛ اندرز، امید (۱۳۹۸)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در بافت فرسوده. نشریه علمی انتظام اجتماعی، سال یازدهم، شماره سوم، صص ۶۶-۴۵. <https://sid.ir/paper/187345/fa>
- قادری، سعیده؛ سعیده زرآبادی، زهرا سادات؛ رفیعیان، مجتبی (۱۴۰۲)، تبیین عوامل مؤثر بر بازآفرینی کالبدی بافت تاریخی شیراز با بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد. فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری. DOI: 10.30495/jupm.2022.30622.4209
- قاسمی، حبیب؛ میری، غلامرضا؛ حافظ‌رضازاده، معصومه (۱۴۰۰)، تحلیل نقش حکمروایی خوب شهری در بازآفرینی بافت فرسوده شهری بر اساس تئوری داده‌بنیاد (مورد مطالعه: شهرضا)، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، سال ۲، شماره ۴، صص ۵۶-۳۷. DOI: 20.1001.1.27172325.1400.2.4.1.3
- قریبی، میترا؛ محمدی، حمید (۱۳۹۶)، کاربست نظریه نو-شهرگرایی در شهرسازی: موافقان و مخالفان. دانش شهرسازی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۱۷-۱۰۱. DOI: 10.22124/upk.2018.8738.1006
- کامران، جلال؛ زیاری، کرامت‌الله؛ ذاکر حقیقی، کیانوش (۱۴۰۰)، تبیین عوامل تأثیرگذار در پیدایش و تکوین محلات شهری چندقومی (نمونه موردی: شهر دوگنبدان)، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، دوره ۱۱، شماره ۴۵، صص ۳۲۱-۲۹۷. DOI: 10.22034/jgeog.2021.141789
- کریمی آذری، امیررضا؛ طورانداز، بهزاد (۱۳۹۷)، بازآفرینی میدانی شهری با تأکید بر تعاملات اجتماعی بر اساس اصول نو-شهرگرایی (مطالعه موردی: میدان امام (ره)، بندرانزلی)، دانش شهرسازی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۹۷-۸۵.
- لطیفی، غلامرضا؛ صفری چابک، ندا (۱۳۹۳)، بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی-اسلامی بر پایه اصول نو-شهرگرایی. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، دوره ۶، شماره ۸، صص ۱۲-۳. DOI: 10.22124/upk.2018.10349.1089
- محمدی‌دوست، سلیمان؛ خانی‌زاده، محمدعلی؛ زیلابی، شهباز (۱۳۹۵)، امکان‌سنجی بکارگیری اصول نو-شهرگرایی در محلات با تأکید بر رشد هوشمند شهری. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۶، شماره ۲۴، صص ۲۳۰-۲۱۵. DOI: 20.1001.1.22516735.1395.6.24.17.1
- ملکی، مریم؛ نوابخش، مهرداد؛ موسایی، میثم؛ بقایی سرابی، علی (۱۴۰۲)، شناسایی تجربه زیسته، دیدگاه‌ها، دلایل و انگیزه‌های مردم از مشارکت در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ۱۳، شماره ۴۷، صص ۴۰-۱. DOI: 10.30495/uss.2023.706858
- موسوی، سیدرضا (۱۳۹۶)، تبیین ظرفیت‌های نهادی مؤثر بر بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران)، رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، جهاد دانشگاهی.
- مهندسین مشاور شهر و خانه (۱۳۹۳)، طرح بازنگری منطقه هفت. معاونت شهرسازی و معماری، شهرداری اصفهان.
- نادری، سیدمجید؛ رنجبردار، محمدعلی (۱۴۰۱)، تبیین معیارهای بازآفرینی شهری در راستای دستیابی به توسعه پایدار (مطالعه موردی: محله بریانک منطقه ۱۰ تهران)، فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، دوره ۳، شماره ۲، صص ۲۲۲-۲۰۵.
- نعیمیان، احسان؛ کیانی، محمدعلی (۱۳۹۸)، نو-شهرگرایی: رویکردی نوین در بازآفرینی محلات سنتی. نهمین کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار و عمران شهری، اصفهان. <https://civilica.com/doc/974009>
- نمازی، بهاره سادات؛ خندان، مینا (۱۴۰۰)، بررسی روند تحولات نظریه نو-شهرگرایی و کاربرد آن در ایران. سیزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست، شیروان. <https://civilica.com/doc/1288013>
- نوریان، فرشاد؛ عبداله‌پور زرکناری، سیدسجاد؛ قاضی، رضا؛ قاضی، محمد (۱۳۹۹)، ارزیابی تأثیر امنیت بر زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری و ارائه راهبردهای ارتقای آن (مورد مطالعاتی: محله انصار شهر مشهد)، معماری و شهرسازی آرمان شهر، دوره ۱۳، شماره ۳۳، صص ۲۹۸-۲۸۱. DOI: 10.22034/aaud.2021.137079.1583



- Boussaa, D. (2017). Urban Regeneration and the Search for Identity in Historic Cities. *Sustainability*, 10 (48). DOI:10.3390/su10010048
- Cheng, Zhonghua. Wang, Lan (2023). Can New Urbanization Improve Urban Total-Factor Energy Efficiency in China?. DOI: 10.1016/j.energy.2022.126494
- Figueiredo, Yohani Dominik dos Santos. Prim, Marcia Aparecida. Dandolini, Gertrudes Aparecida (2022). Urban Regeneration in the Light of Social Innovation: A Systematic Integrative Literature Review.. DOI: 10.1016/j.landuse-pol.2021.105873
- Kim, Gunwoo. Newman, Galen. Jiang, Bin (2020). Urban Regeneration: Community Engagement Process for Vacant Land in Declining Cities..DOI: 10.1016/j.cities.2020.102730
- Kim, Jihyun (2024). In-Formality?: Two Cases of Temporary Uses in Urban Regeneration of South Korea.. [DOI] (10.3390/su16072932).
- Masood, Nausheen. Russo, Alessio (2023). Community Perception of Brownfield Regeneration through Urban Rewilding. [DOI] (10.3390/su15043842).
- Roberts, P. Sykes, H. Granger, H. (2017). *Urban Regeneration*. London: Sage. Doi.org/10.4135/9781473921788.n2
- Vindigni, Gabriella. Graziano, Teresa. Martelliano, Vito. Messina, Bruno (2021). Peripheral Urban Areas: Perspectives on Sustainable Regeneration. *A Broad View of Regional Science*, pp. 67–89. DOI:10.1007/978-981-33-4098-5_5
- Zalalyte, Vejuna (2023). Planning Neighbourhoods for Local Living: New Urbanism Ideas in Practice. *Masteruppsats i Geografi med kulturgeografisk inriktning*, 2023:2 DOI:10.4324/9780203479469.
- Zhao, Pingping. Ali, Zuraini Md. Ahmad, Yahaya (2023). Developing Indicators for Sustainable Urban Regeneration in Historic Urban Areas: Delphi Method and Analytic Hierarchy Process (AHP). *Sustainable Cities and Society*, 99, 104 DOI: 10.1016/j.scs.2023.104990

تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بهبود فضای داخلی مسکن آپارتمانی با تکیه بر کیفیت فضامندی (بر اساس دیدگاه ساکنان)^۱

فرهاد چگنی^۲، محسن افشاری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳-۱۱-۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴-۰۵-۱۴

DOI: 10.22034/RAU.2025.2051841.1143

چکیده

امروزه غالب فضاهای زندگی ما در سطح شهرها به صورت آپارتمانی است؛ آپارتمان‌هایی کوچک با ابعاد فضایی محدود. این در حالی است که کاهش چشم‌گیر ابعاد کمی آپارتمان‌ها در محیط‌های شهری به دلایل رشد شهرنشینی، افزایش قیمت زمین و هزینه‌های ساخت به دغدغه کاربران و طراحان تبدیل شده است. کاهش ابعاد فضا در آپارتمان‌ها، فضاهای داخلی مسکونی برخوردار از بزرگی و فراخی را مطلوب ساکنان می‌نماید. یکی از کیفیت‌های فضایی که سبب بزرگی فضای داخلی شده و موجب ایجاد رضایتمندی در ساکنان مسکن آپارتمانی می‌شود، بهره‌گیری از کیفیت فضامندی است. تمرکز پژوهش حاضر، فهم مؤلفه‌های کالبدی فضایی مؤثر بر بهبود فضای داخلی مسکن آپارتمانی با تکیه بر کیفیت فضامندی بر اساس دیدگاه ساکنان می‌باشد. بستر پژوهش به مسکن آپارتمانی متداول در شهر بروجرد محدود شده است. در همین راستا پژوهش حاضر از رویکرد کیفی بهره می‌برد. جامعه آماری پژوهش ۱۵ نفر از ساکنان مسکن آپارتمانی متداول شهر بروجرد هستند که به صورت هدفمند انتخاب گردیده‌اند. روش تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با ساکنان، روش تحلیل تماتیک است. تحلیل تماتیک به عنوان روشی کیفی در تحلیل داده‌ها با دسته‌بندی کردن الگوها به شناخت تجربه کاربران از خصوصیات محیط بر اساس تجربه زیسته آنان می‌پردازد. نتایج پژوهش بیان‌گر آن است که بهره‌گیری از مؤلفه‌های کالبدی فضایی: ابعاد فضایی، خاصیت فضایی، سازمان فضایی و جزییات فضایی و خصوصیات مرتبط با هریک از این مؤلفه‌ها، موجب مطلوبیت فضای داخلی برای ساکنان شده و رضایتمندی آنها را در پی دارد.

کلیدواژه‌ها: کیفیت فضامندی، مسکن آپارتمانی، فضای داخل، تحلیل تماتیک

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «ارزیابی رضایتمندی ساکنین در مسکن آپارتمانی با تکیه بر مؤلفه‌های فضامندی (مطالعه موردی: آپارتمان‌های متداول شهر بروجرد) می‌باشد که با راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه هنر اصفهان در حال انجام است.

۲. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: efarch313@gmail.com

0000-0002-8883-3271

۳. دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: m.afshary@aui.ac.ir

0000-0003-1244-5608



مقدمه

است که آنچه در ارتباط با کالبد اهمیت دارد، بهبود عناصر کالبدی به منظور پاسخگویی به نیازهای ساکنان بوده که این مهم، از طریق توجه به مؤلفه‌های فضایی میسر می‌شود.

هدف پژوهش حاضر، شناخت مؤلفه‌های کالبدی فضایی مؤثر بر کیفیت فضاوندی در مسکن آپارتمانی می‌باشد که شرایط مطلوبی را برای ساکنان در فضای داخلی مسکن آپارتمانی مهیا کرده و رضایتمندی آنها را در پی دارد. بستر پژوهش حاضر آپارتمان‌های مسکونی متداول شهر بروجرد است. آپارتمان‌های متداول در شهر بروجرد به مسکن آپارتمانی سه تا پنج طبقه که ورودی، پله ارتباطی و فضای باز مشترک دارند، اطلاق می‌شود. در همین راستا سؤالات پژوهش عبارت‌اند از:

- مؤلفه‌های کالبدی فضایی تأثیرگذار بر کیفیت فضاوندی کدام هستند؟

- مؤلفه‌های کالبدی فضایی تأثیرگذار بر کیفیت فضاوندی از دیدگاه ساکنان مسکن آپارتمانی متداول شهر بروجرد کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

مطالعات پیشین انجام‌شده را می‌توان براساس اهداف مورد انتظار پژوهش در دو دسته قرار داد:

الف. فهم عوامل مؤثر در بهبود کیفیت محیط مسکونی به‌خصوص فضای داخلی مسکن آپارتمانی (Howden-Chapman *et al.*, 2023; Wimalasena *et al.*, 2021; Mouratidis, 2021; Short & Bassett, 2021; Glaeser & Gyourko, 2018; Sima, 2015; Zanuzdana, 2013، رحمانیانی (۱۴۰۱)، ضرابی الحسینی (۱۴۰۰)، رضایی‌خوشان و نعمتی‌مهر (۱۴۰۰)، قلمبردزفولی و همکاران (۱۳۹۷)، مسگرانی و همکاران (۱۳۹۷))؛ در این پژوهش‌ها به شناخت ابعاد مؤثر مانند برنامه فیزیکی (زیربنا و مساحت، ابعاد فضاها و تعداد اتاق‌ها)، الگوی پلان (هندسه و تناسب پلان، عرصه‌بندی عمومی و خصوصی، سازمان‌دهی فضاها و انعطاف‌پذیری فضاها)، بهداشت و آسایش زیست‌محیطی (بازشوها، نور و تهویه و عایق و ایزولاسیون)، تجربه فضا (وجود فضای باز و نیمه‌باز، کیفیت بصری و دید و منظر)، ساختار بنا (مصالح، استحکام و فن ساختمان، کیفیت امکانات تأسیساتی) و زیبایی‌شناسی (نما، فرم معماری داخلی، تزئینات معماری داخلی) به شناخت ابعاد مؤثر در بهبود کیفیت محیط‌های مسکونی (به‌ندرت فضای داخلی مسکن) پرداخته شده است.

رشد شهرنشینی، گران‌تر شدن قیمت زمین و مسکن در شهرها، افزایش سایر هزینه‌های زندگی، تورم بالا و درآمد پایین و نیز عوامل دیگری مانند مهاجرت به شهرهای بزرگ‌تر و رقابت برای دست یافتن به زندگی بهتر، همه سبب بی‌توجهی به ابعاد کیفی زندگی انسان و افزایش مشکلات در محیط‌های مسکونی شده است (Weimann & Oni, 2019: 2). نخستین تأثیر این فرایند، کاهش ابعاد فضای زندگی از حدود استاندارد می‌باشد تا به واسطه آن، شرایط خرید یا اجاره فضا برای کاربران، با وضعیت آنها متناسب گردد. این در حالی است که عدم توجه به فضای داخلی مسکن به عنوان عرصه‌ای تأثیرگذار در رابطه با ساکنان (Mabzor, 2021: 19) سبب نارضایتی در افراد می‌شود. امروزه غالب فضاهای زندگی ما در سطح شهرها به صورت آپارتمانی است؛ آپارتمان‌هایی کوچک با ابعاد فضایی محدود. در آپارتمان‌ها با افزایش تراکم شهری و کاهش ابعاد فضاهای داخلی، عرصه بر زندگی ساکنان تنگ شده است. مطالعات فیزیولوژیک هایدگر و تئوری فضای شخصی هال ثابت کرده است که افراد از تجربه و روبه‌رو شدن با فضاهای تنگ بخصوص در فضای داخل مسکن، گریزان هستند (Graziano & Cooke, 2006: 846). ازجمله راهکارهای رفع معضل تنگی فضا، اقدام به تغییر در خصوصیات فیزیکی فضا به منظور تعدیل ادراک و بزرگ‌تر به نظر رسیدن فضا برای کاربران است. شاخص‌هایی به منظور مطلوبیت فضای داخلی مسکن آپارتمانی وجود دارد که یکی از شاخص‌های تأثیرگذار، بهره‌گیری از کیفیت فضاوندی است. کیفیت فضاوندی به دنبال ایجاد مطلوبیت فضای داخلی برای ساکنان از طریق ایجاد تغییرات در مؤلفه‌های کالبدی فضای داخل و بزرگ‌تر به نظر رسیدن آن است (Diker & Demirkan, 2022: 3).

فضاوندی کیفیت فضایی بوده که به کمک بهره‌گیری از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن می‌توان به فضای داخلی مسکن آپارتمانی کیفیت بخشید و در جهت مطلوبیت فضا و رضایتمندی ساکنان در فضای داخلی مسکن آپارتمانی، گام برداشت. اما با توجه به اهمیت شناخت کیفیت فضاوندی و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن در ارتباط با بهبود فضاهای داخلی مسکن آپارتمانی، پژوهش‌هایی که تاکنون به این مفهوم فضایی پرداخته غالباً متمرکز بر مؤلفه‌های کالبدی بوده و کمتر به مؤلفه‌های فضایی تأثیرگذار بر کیفیت فضاوندی پرداخته شده است. این در حالی

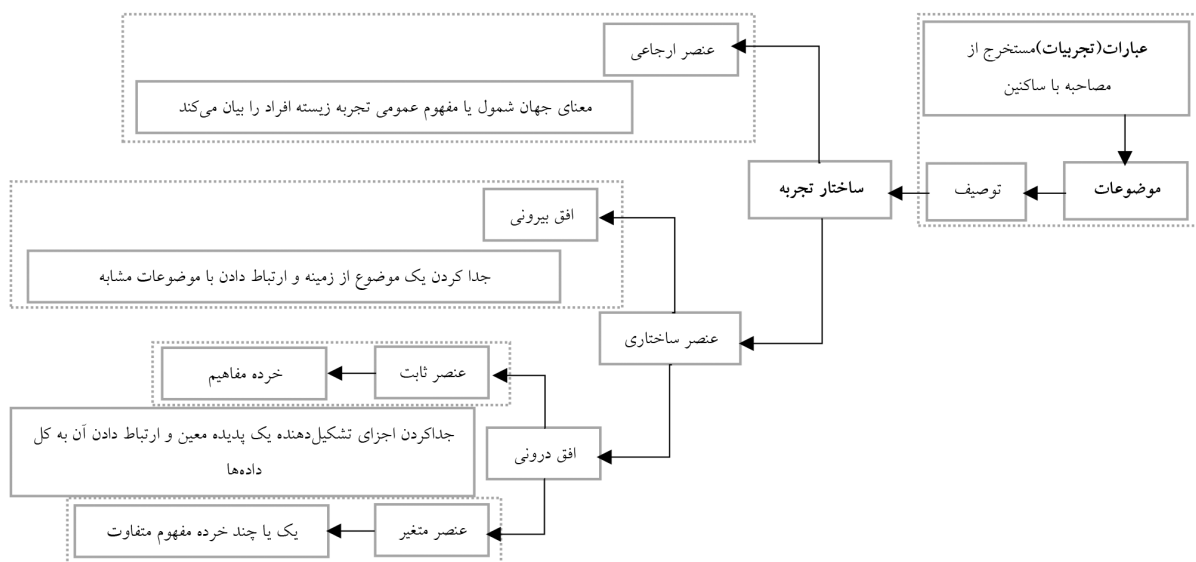
اساسی در حوزه مسکن، توجه به نیازهای فضایی ساکنان به منظور تأمین سکونت مطلوب است؛ در پژوهش حاضر تلاش شده تا مؤلفه‌های کالبدی فضایی تأثیرگذار بر کیفیت فضاامندی به منظور ارتقای کیفیت فضای داخلی مسکن از دیدگاه ساکنان مسکن آپارتمانی بر اساس تجربه زیسته آنها مشخص گردد.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت پیچیده و چندبعدی بودن موضوع پژوهش، می‌توان گفت این مطالعه با شناخت عمیق و تحلیل بار ارزشی مؤلفه‌های مرتبط با بهبود کیفیت فضای داخلی مسکن آپارتمانی بر اساس تجربه زیسته ساکنان سروکار دارد؛ بر همین اساس رویکرد پژوهش، کیفی است. رویکرد کیفی برای مطالعه پدیده‌های انسانی-محیطی مؤثر است. رویکرد کیفی را می‌توان برای به دست آوردن پدیده‌هایی نظیر احساس و فرایندهای ذهنی به کار برد که آموختن در رابطه با آنها توسط روش‌های متعارف پژوهش دشوار است (استراس و کوربین، ۱۳۹۸: ۳۳). از آنجاکه حیطه پژوهش فهم مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کیفیت فضاامندی بر اساس دیدگاه ساکنان و تجربه زیسته آنها می‌باشد؛ رویکرد کیفی پژوهش بر مبنای روش پدیدارشناسی است. روش پدیدارشناسی در دسته‌بندی روش‌های مرتبط با رویکرد کیفی، به منظور فهم و تبیین الگوها در میان افراد بر اساس تجربه

ب. تبیین مؤلفه‌های کیفیت فضاامندی در فضاهای داخلی: (Nishihara et al., 2023; Wang et al., 2020; AL Zam-il, 2017; Bokharai & Nasar, 2016; Von Castell et al, 2014; Ozdemir, 2010; Stamps, 2005; 2007; 2011; 2013، بخارائی، ۱۴۰۱ و ۱۳۹۴)؛ پژوهش‌های دسته دوم به صورت محدود، تنها به معرفی مؤلفه‌های کالبدی تأثیرگذار بر کیفیت فضاامندی در کاربری‌های مختلف (اتاق، گالری، خیابان و...) پرداخته‌اند.

بر اساس آنچه در پیشینه پژوهش ذکر گردید؛ در رابطه با مطالعات صورت گرفته، کیفیت بخشی به فضای داخل مسکن، به ندرت مورد توجه قرار گرفته شده و به صورت کلی مؤلفه‌های مرتبط با کیفیت بنای ساختمان مسکونی مد نظر قرار گرفته شده است. در خصوص کیفیت فضاامندی (پژوهش‌های داخلی و خارجی)، تنها به معرفی محدود مؤلفه‌های کالبدی کیفیت فضاامندی پرداخته‌اند. همچنین در ارتباط با محیط‌های مورد بررسی می‌توان بیان داشت که در پژوهش‌های انجام شده پیشین، کمتر به سنجش و ارزیابی فضای داخلی مسکن پرداخته شده است. حال در پژوهش پیش رو، علاوه بر مؤلفه‌های کالبدی، مؤلفه‌های تأثیرگذار فضایی نیز به منظور شناخت تأثیرگذاری آنها بر کیفیت فضاامندی در بستر مسکن آپارتمانی شهر بروجرد مد نظر است. از آن جا که یکی از اهداف



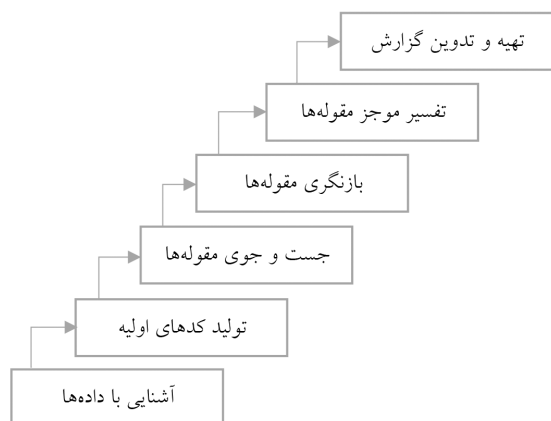
تصویر ۱. فرایند دستیابی به ساختار تجربه زیسته ساکنان از فهم کیفیت فضاامندی بر اساس پدیدار شناسی.



حجم نمونه تا زمان اشباع نظری داده‌ها ادامه یافته است. این موضوع یعنی جریان مصاحبه‌ها و انتخاب نفرات تا زمان تکراری شدن پاسخ‌ها و نبود داده‌های تازه برقرار بوده است. همچنین با توجه به این نکته که با افزایش سن افراد، شناخت و تصمیم‌گیری در خصوص شناخت تجربه‌های آنها در رابطه با قابلیت‌های خانه تغییر می‌کند (Mather & Ponzio, 2016: 152) در این پژوهش گروه سنی ۲۰ تا ۶۰ سال که متشکل از ۹ زن و ۶ مرد می‌باشد؛ جامعه آماری پژوهشی ساکنان را تشکیل می‌دهند (جدول ۱). همچنین به منظور تبیین بهتر هدف اصلی پژوهش از تجارب متنوع ساکنان بهره گرفته شده و مصاحبه‌شوندگان از لحاظ مدت حضور در محیط مورد مطالعه (مسکن آپارتمانی)، با سابقه حضور حداکثر (بالای ۵ سال)، انتخاب شده‌اند.

مطالعه بستر پژوهش

شهر بروجرد، از نظر تقسیمات سیاسی متعلق به استان لرستان و در غرب کشور واقع شده است. این شهر دومین شهر بعد شهر خرم‌آباد در استان لرستان از لحاظ جمعیتی بوده و دارای جمعیتی بیش از ۴۵۰ هزار نفر می‌باشد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۵۳). وسعت محدوده قانونی شهر بروجرد بالغ بر ۳۷۱۹ هکتار بوده که به سه منطقه شهرداری و ۱۷ ناحیه که شامل ۳۶ محله می‌باشد، تقسیم شده است (تصویر ۳). با بررسی روند پیشین و جاری تغییرات کالبدی در شهر بروجرد می‌توان گفت افزایش قیمت ملک، ورود بی‌رویه مهاجرین، افزایش سرعت



تصویر ۲. گام روش تحلیل تماتیک داده بر اساس چارچوب براون و کلارک (Braun & Clarke, 2013).

زیسته آنها به کار می‌رود (Tesch, 2013: 168). پدیدارشناسان، تجارب یا مفاهیم ذهنی افراد را به صورت کلی بررسی نمی‌کنند، بلکه برای تجارب افراد ساختار و چارچوبی قائل هستند. تجربه دو جنبه درهم‌تنیده دارد: جنبه ارجاعی، که معنای جهان‌شمول یا عمومی موضوع مفهوم‌سازی شده را نشان می‌دهد و جنبه ساختاری که آمیزه خاصی از ویژگی‌هایی را نشان می‌دهد که بر روی آن تمرکز شده است (Marton & Yan Pong, 2005: 341). اجزای ساختاری تجربه افراد دارای دو بخش افق درونی و افق بیرونی است: افق بیرونی (مرز ادراکی) جدا کردن یک موضوع از زمینه آن و ارتباط دادن آن با زمینه‌های مشابه یا دیگر زمینه‌هاست. افق درونی (کانون توجه) شامل جدا کردن اجزای تشکیل‌دهنده یک پدیده معین و ارتباط دادن آنها با یکدیگر و یا کل پدیده است (Svensson, 1984: 193). (تصویر ۱)

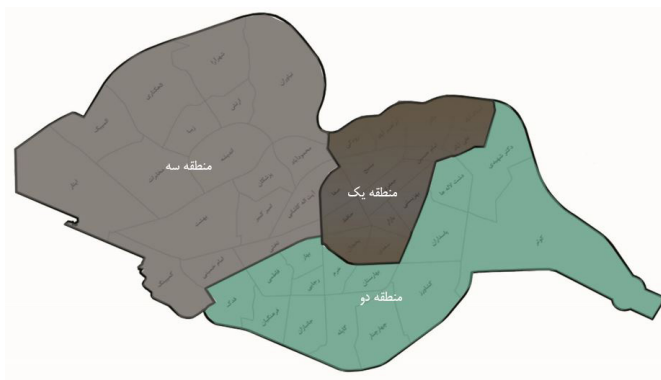
داده‌های حاصل از مصاحبه پژوهش حاضر بر اساس تحلیل تماتیک (TA) که روشی مبتنی بر تحلیل و توصیف دیدگاه شرکت‌کنندگان (در پژوهش حاضر ساکنان) است؛ تحلیل می‌شوند (Smith & Firth, 2011: 53). در تحلیل تماتیک به بافت داده‌ها توجه می‌شود. بنابراین بر اساس این روش تحلیل، پژوهشگر می‌تواند از گستره‌ای از داده‌ها به صورت نظام‌مند استفاده کند تا برداشت و تفاسیر افراد از دقت و حساسیت بیشتری در ارتباط با یک پدیده جمع‌آوری شود (Boyatzis, 1998). با توجه هدف پژوهش که فهم مؤلفه‌های کیفیت فضامندی بر اساس دیدگاه ساکنان در مسکن آپارتمانی است، تحلیل تماتیک به منظور تحلیل داده‌های حاصل از تجارب ذهنی پاسخ‌دهنده (بر اساس روش پدیدارشناسی) روش مناسب و قابل اتکایی است (Guest, 2012: 87). فرایند تحلیل تماتیک به صورت کلی شامل شش گام آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جست‌وجوی مقوله‌ها، بازنگری مقوله‌ها، تفسیر موجز مقوله‌ها و درنهایت تهیه و تدوین گزارش بسط می‌یابد. (تصویر ۲) کرسول، تعداد نمونه‌های مکفی را در رویکرد پدیدارشناسی، خصوصاً در مصاحبه عمیق ۱۰ نفر می‌داند (قاسمی، ۱۴۰۰: ۴۱۵). در پژوهش حاضر نیز به منظور کشف مؤلفه‌های کیفیت فضامندی در دیدگاه ساکنان بر اساس تجربه زیسته آنان، تعداد ۱۵ نمونه به صورت هدفمند انتخاب شد که خانه‌های آنان حداقل کیفیت مورد نظر را داشته و درعین حال ساکنان به شرایط محیط زندگی‌شان حساسیت‌های قابل قبولی داشته و نیز ساکنان آنها تمایل به مصاحبه عمیق داشته باشند. انتخاب تعداد نمونه‌ها و

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان.

شناسه	نام	تحصیلات	شغل	وضعیت تأهل	مالکیت	نوع ساختمان	مساحت (مترمربع)
M1H2	رحمانی	کارشناسی ارشد	آزاد	مجرد	مستأجر	آپارتمانی ۴ طبقه	۱۰۰
M2H4	شیرویه	کارشناسی	کارمند	متأهل	مستأجر	آپارتمانی ۵ طبقه	۱۱۰
M3H9	بهلولی	کارشناسی	آزاد	مجرد	مالک	آپارتمانی ۵ طبقه	۹۰
M4H10	کاکاوند	کارشناسی	آزاد	مجرد	مالک	آپارتمانی ۴ طبقه	۸۵
M5H11	حیدری	کارشناسی ارشد	آزاد	متأهل	مالک	آپارتمانی ۵ طبقه	۱۲۰
M6H13	جمالی	کارشناسی	کارمند	متأهل	مستأجر	آپارتمانی ۵ طبقه	۱۱۰
FM1H1	محمودی	کارشناسی ارشد	مدرس	مجرد	مالک	آپارتمانی ۴ طبقه	۱۲۵
FM2H3	گودرزی	دیپلم	منشی	مجرد	مستأجر	آپارتمانی ۴ طبقه	۹۰
FM3H5	عرب	کارشناسی ارشد	دیبر	متأهل	مالک	آپارتمانی ۵ طبقه	۹۵
FM4H6	شعاعی	کارشناسی	کارمند	متأهل	مالک	آپارتمانی ۴ طبقه	۱۰۵
FM5H7	گل‌پرور	دیپلم	خانه‌دار	متأهل	مالک	آپارتمانی ۵ طبقه	۱۰۵
FM6H8	حسینی	دیپلم	خانه‌دار	متأهل	مستأجر	آپارتمانی ۴ طبقه	۸۰
FM7H12	جماعتی	دیپلم	خانه‌دار	متأهل	مالک	آپارتمانی ۵ طبقه	۱۰۰
FM8H14	امیرسرداری	کارشناسی	خانه‌دار	متأهل	مستأجر	آپارتمانی ۴ طبقه	۱۰۵
FM9H15	مهرجو	دیپلم	خانه‌دار	متأهل	مالک	آپارتمانی ۵ طبقه	۱۲۵

براین اساس بستر پژوهش مسکن آپارتمانی متداول شهر بروجرد در منطقه دو شهری انتخاب شده است. مطابق بررسی صورت گرفته مسکن آپارتمانی متداول شهر بروجرد، مسکن آپارتمانی سه تا پنج طبقه با متراژ مشخص ۱۵۰-۸۰ متر که ورودی، پله ارتباطی و فضای باز مشترک داشته، هستند. بیشترین فراوانی و بیشترین رشد واحدهای مسکونی برحسب زیربنا در سال‌های اخیر در شهر بروجرد به آپارتمان‌های مسکونی با متراژ ۱۵۰-۸۰ مترمربع

تخریب خانه‌های ویلایی و خانه باغ‌ها، کسب درآمد از طریق نوسازی و آپارتمان‌سازی، منجر به نابودی کیفیت‌های محیطی و هویت محلی و افزایش سرعت آپارتمان‌سازی در شهر بروجرد گشته است. این روند از شدت و ضعف در بخش‌های مختلف شهری و محلات برخوردار بوده است. گردآوری داده‌ها از مسکن آپارتمانی متداول شهر بروجرد به روش مطالعات اسنادی و در قالب طرح جامع حاصل شده است.



تصویر ۳. تقسیم‌بندی شهر بروجرد بر اساس مناطق شهری.



نیازهای ساکنان، بر کسی پوشیده نیست؛ یکی از انتقادهای مهم در خصوص بهبود کیفیت محیط‌های مسکونی، عدم توجه به فضای داخلی و اشاره کم به آن است (Stevenson & Prout, 2013: 142). درحقیقت آنچه باعث ارتقای کیفی محیط مسکونی شده و رضایتمندی ساکنان را در پی دارد، توجه به فضای داخلی مسکن است (Garcia Mira et al., 2017: 95) که باعث ایجاد تغییرات داخلی بر اساس نیازهای ساکنان می‌شود؛ چراکه اولین کارکرد مسکن، ایجاد فضایی مطلوب و لذت‌بخش برای ساکنان خود است (Perolini, 2011:5). شاخص‌هایی به منظور مطلوبیت فضای داخلی مسکن آپارتمانی وجود دارد که یکی از شاخص‌های تأثیرگذار، بهره‌گیری از

اختصاص دارد (مرکز آمار، ۱۳۹۵). همچنین دلیل انتخاب منطقه دو، محیط مسکونی غالب آپارتمانی و همچنین سابقه سکونت آپارتمان‌نشینانی در آن بوده که موجب تحقق بهتر اهداف پژوهش می‌گردد. ساکنان محلات منطقه دو به دلیل برخورداری نسبی از تمکن اقتصادی، در مورد انتخاب شیوه‌های معماری محل سکونت خود از آزادی نسبی برخوردار می‌باشند. در ادامه تصاویر مساکن آپارتمانی انتخابی آورده شده است (جدول ۲).

ادبیات پژوهش شناخت کیفیت فضامندی

اهمیت توجه به فضای داخلی مسکن، به منظور پاسخگویی به

جدول ۲. تصاویر مساکن انتخابی پژوهش.

تصویر نمونه موردی	ردیف	تصویر نمونه موردی	ردیف	تصویر نمونه موردی	ردیف
	نمونه موردی ۱		نمونه موردی ۲		نمونه موردی ۳
	نمونه موردی ۴		نمونه موردی ۵		نمونه موردی ۶
	نمونه موردی ۷		نمونه موردی ۸		نمونه موردی ۹

ادامه جدول ۲. تصاویر مسکن انتخابی پژوهش.

تصویر نمونه موردی	ردیف	تصویر نمونه موردی	ردیف	تصویر نمونه موردی	ردیف
	نمونه موردی ۱۲		نمونه موردی ۱۱		نمونه موردی ۱۰
	نمونه موردی ۱۵		نمونه موردی ۱۴		نمونه موردی ۱۳

دست آمده است؛ ویژگی‌های فضایی کیفیت بخش به فضای داخلی مسکن نیز مد نظر قرار می‌گیرند. (جدول ۳) بر اساس مطالعات صورت گرفته در پژوهش حاضر، مؤلفه‌هایی که بر کیفیت فضامندی تأثیرگذار هستند، ارائه شده‌اند. مؤلفه‌های ارائه شده به دو دسته کالبدی و فضایی قابل تقسیم هستند. لازم به توضیح است که مؤلفه‌های کالبدی معرفی شده (ردیف ۹ تا ۱۰) از طریق مرور منابع مرتبط با موضوع فضامندی استخراج گردیده است. مؤلفه‌های فضایی (ردیف ۱۰ تا ۲۵) به صورت مرور منابع مرتبط و نظرخواهی از اساتید مرتبط با حوزه روانشناسی محیط مشخص شده‌اند. در ادامه و به کمک روش تحلیل تماتیک، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بهبود فضای داخلی مسکن آپارتمانی بر اساس کیفیت فضامندی در مسکن آپارتمانی متداول شهر بروجرد مشخص می‌شود.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در بخش روش تحقیق مشخص شد، به منظور تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر بهبود فضای داخلی مسکن آپارتمانی بر اساس کیفیت فضامندی از دیدگاه ساکنان از روش تحلیل

کیفیت فضامندی است. فضامندی، کیفیت فضایی بوده که بهره‌گیری از آن سبب فراخ‌تر نشان دادن فضای داخلی شده و رضایتمندی افراد را در پی دارد (Stamp, 2013: 866).

پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص کیفیت فضامندی (داخلی و خارجی)، تنها به بررسی محدود مؤلفه‌های کالبدی مؤثر در ایجاد کیفیت فضامندی پرداخته‌اند. حال در پژوهش حاضر، علاوه بر مؤلفه‌های کالبدی، مؤلفه‌های تأثیرگذار فضایی نیز به منظور بهبود کیفیت فضای داخلی مسکن آپارتمانی در نظر گرفته شده است. یکی از اهداف اساسی در حوزه مسکن، توجه به نیازهای فضایی ساکنان به منظور تأمین سکونت مطلوب است (اصغرخواه فرخوانی و همکاران، ۱۴۰۳، ۴۴). این در حالی است که فضا از طریق عناصر و ویژگی‌های آن ساخته شده که همان کالبد است؛ اما آنچه در ارتباط با کالبد اهمیت دارد، بهبود عناصر کالبدی به منظور پاسخگویی به نیازهای افراد بوده که این مهم، از طریق توجه به ویژگی‌های فضایی میسر می‌شود. بنابراین در پژوهش پیش رو، به منظور شناخت غنی‌تر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کیفیت فضامندی، علاوه بر ویژگی‌های کالبدی که از طریق مرور اسناد و منابع معتبر به



جدول ۳. مؤلفه‌های کالبدی فضایی مرتبط با کیفیت فضاامندی.

مؤلفه کالبدی فضایی	ردیف	اسامی مؤلفه‌ها	منابع
مؤلفه‌های کالبدی	۱	مساحت فضا	Stamps, 2007, 2011, 2013; Franz et al., 2005
	۲	روشنایی فضا	AlZamil, 2017, Unlu et al., 2022
	۳	تناسبات کف	Stamps, 2011
	۴	ناهمواری جداره فضا	Stamps & Krishnan, 2004, 2006
	۵	ارتفاع فضاها	Hayward and Franklin, 1974
	۶	نفوذپذیری جداره فضا	Stamps, 2005, 2009
	۷	چینش مبلمان	Meagher & Marsh, 2015
	۸	بافت جداره	Wang et al., 2020, Unlu et al., 2022
	۹	استقرار بازشوها	Nishihara et al., 2023
مؤلفه‌های فضایی	۱۰	انعطاف‌پذیری	(عینی‌فر، ۱۳۸۲؛ غروی الخوانساری، ۱۳۹۷)
	۱۱	سلسله مراتب فضایی	(چینگ، ۱۳۹۳؛ فون مایس، ۱۳۹۰؛ سلطان‌زاده، ۱۳۹۰)
	۱۲	روابط فضایی	(میرسلامی و همکاران، ۱۴۰۰؛ الکساندر، ۱۳۹۶)
	۱۳	هدایت و جهت‌یابی فضایی	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵)
	۱۴	تناسبات و مقیاس فضاها	(الکساندر، ۱۳۹۶)
	۱۵	هماهنگی و تعادل	(چینگ، ۱۳۹۳؛ فون مایس، ۱۳۹۰)
	۱۶	ترکیب فضایی	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵)
	۱۷	پیوستگی فضایی	(گلستانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲؛ معماریان، ۱۳۸۴)
	۱۸	تفکیک فضایی	(زنگنه و همکاران، ۱۳۹۹)
	۱۹	بسط نوری فضا	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵؛ نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲)
	۲۰	بسط چشم‌اندازی فضا	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵؛ نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲)
	۲۱	تمایز فضایی	(الکساندر، ۱۳۹۶)
	۲۲	تنوع فضایی	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵)
	۲۳	بسط فضایی	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵)
	۲۴	گشایش فضایی	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵)
	۲۵	پویایی فضایی	(حائری مازندرانی، ۱۳۹۵؛ معماریان، ۱۳۸۴)

فضای داخلی در خانه و رضایتمندی ساکنان آن می‌شود. در ادامه مراحل و یافته‌های پژوهش بر اساس شش مرحله تحلیل تماتیک تشریح می‌شود.

۱. **آشنایی با داده‌ها:** به منظور استخراج الگوهای معنا از دل داده‌ها، گام اول آشنایی عمیق با داده‌هاست؛ به این معنی که پژوهشگر با مطالعه فعال و مرور مکرر داده‌ها در آن غرق شده و به عمق و غنای داده‌ها مسلط شود. در پژوهش حاضر، پیاده‌سازی داده‌های حاصل از مصاحبه و تبدیل آن به متن، روندی وقت‌گیر، اما مفید برای آشنایی با تمامی داده‌هاست. این

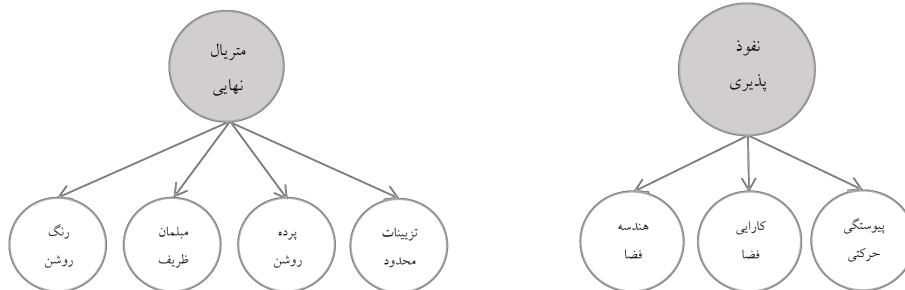
تماتیک (TA) در شش مرحله استفاده می‌شود. سؤالات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از ساکنان مسکن آپارتمانی متداول شهر بروجرد در سه سطح دسته‌بندی می‌شوند: ۱- اطلاعات توصیفی به منظور کنترل متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فردی. ۲- طرح سؤالات طبقه‌بندی‌شده بر اساس مؤلفه‌های به‌دست‌آمده ادبیات پژوهش به عنوان نقطه عزیمت و کار میدانی مقدماتی و ۳- سؤالاتی در رابطه با بدون در نظرگیری مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از ادبیات پژوهش، چه مؤلفه‌هایی موجب بزرگ‌تر به نظر رسیدن (بزرگ‌تر ادراک شدن)

جدول ۴. نمونه‌ای از کدهای استخراجی برگرفته از مصاحبه با ساکنان.

کدهای مستخرج شده	داده‌های مصاحبه
اتاق خواب بزرگ: مساحت اتاق خواب	مساحت خونه ما ۹۰ متر هست. دو تا اتاق خواب داره. هر دوشون بزرگه. یه ۱۲ متری و یک فرش کناره می‌گیره. هرکه میاد میگه خونتون بزرگه چون اتاق خوابای بزرگی داره.
نور طبیعی، روشنایی	هر جا نور طبیعی باشه بزرگتر به نظر می‌رسه. خونه ما مساحت خوب داره. الان پذیرایی ما نور طبیعی نداره و تاریکه. مستطیل و مربع هم هست. ولی بزرگ به نظر نمی‌رسه.
تناسبات کف اتاق خواب هندسه فضا	عرض اتاق خوابا مهم هستند در بزرگتر به نظر رسیدن فضا. ولی بزرگی در فضای پذیرایی به عرض فضا بستگی نداره. بستگی به شکل فضا داره؛ پذیرایی مستطیل شکل بزرگتره
میلان ظریف	کلا با توجه به مترهای امروزی من با عدم مبله شدن فضاها مخصوصاً پذیرایی موافق هستیم. ما به دست میلان دوازده نفره داخل پذیرایمون داشتیم. اصلاً نمی‌شد رد بشی. حالا اونا رو برداشتیم و به جاش کابینه‌های ظریف شش نفره گذاشتیم خیلی بهتر شده و فضا بزرگتر به نظر میرسه.
بازشو در گوشه	یکی از اتاق خوابای خونه یه پنجره در کنج دیوار داره که رو به تراس باز میشه. به نظرم در بزرگتر نشون دادن فضا تأثیر داره.
مقیاس میلان	الان ما از اوین آشپزخونمون که یک طرفه است هم برای صرف صبحانه استفاده می‌کنیم و هم بعضی اوقات ازش برای مطالعه کتاب و مجله. همچنین میز نهار خوری آشپزخانه رو جمع کردم و به جاش یه میز کوچک گذاشتم. فضا خیلی بزرگتر نشون میده

مقیاس بازشو، قابلیت فضا، نفوذپذیری بصری، نفوذپذیری حرکتی، سلسله‌مراتب فضایی، مترای فضاها، فضای نیمه‌باز، سازمان‌دهی آشپزخانه، سازمان‌دهی ورودی، سازمان‌دهی اتاق خواب، میلان و متریا نهایی دسته‌بندی شدند (تصویر ۴).

۴. **بازنگری و ترسیم شبکه مقوله‌ها:** در گام چهارم پالایش مقوله‌ها در دو سطح صورت می‌گیرد: سطح اول بازنگری در رابطه با زیر مقوله‌های به‌دست‌آمده از گام سوم (۱۵ زیر مقوله) و آیا زیر مقوله‌های به‌دست‌آمده از پیوستگی لازم برخوردار هستند و می‌تواند دارای یک الگوی مشترک باشند. سطح دوم بازنگری



تصویر ۴. نمونه زیر مقوله‌های به‌دست‌آمده از کدهای حاصل از مصاحبه با ساکنان.

مرحله به‌نوعی مرحله کلیدی در تحلیل داده‌ها تلقی می‌شود (Bird, 2005: 239). خواندن و بازخوانی داده‌ها افزون بر کمک به آشنایی بیشتر با داده‌ها، به نوشتن ایده اولیه منجر می‌شود و زمینه را برای فرایند کدگذاری فراهم می‌کند.

۲. **تولید کدهای اولیه:** در این گام لازم است داده‌ها به روش نظام‌مند در کل مجموعه داده کدگذاری شده، سپس داده‌های مرتبط با هر کد جمع‌آوری گردد. روش تماتیک، مستلزم حرکت رفت و برگشتی مداوم بین کدهای مستخرج از متن مصاحبه‌ها و داده‌های جدید (مصاحبه جدید) است که به‌طور هم‌زمان توسط پژوهش‌گر نوشته می‌شود. کدهای تولیدی بر موضوع پژوهش تمرکز دارند. حاصل این گام ۷۸ کد اولیه بود که به صورت نمونه، نحوه استخراج کدها در یک مصاحبه در «جدول ۴» آورده شده است.

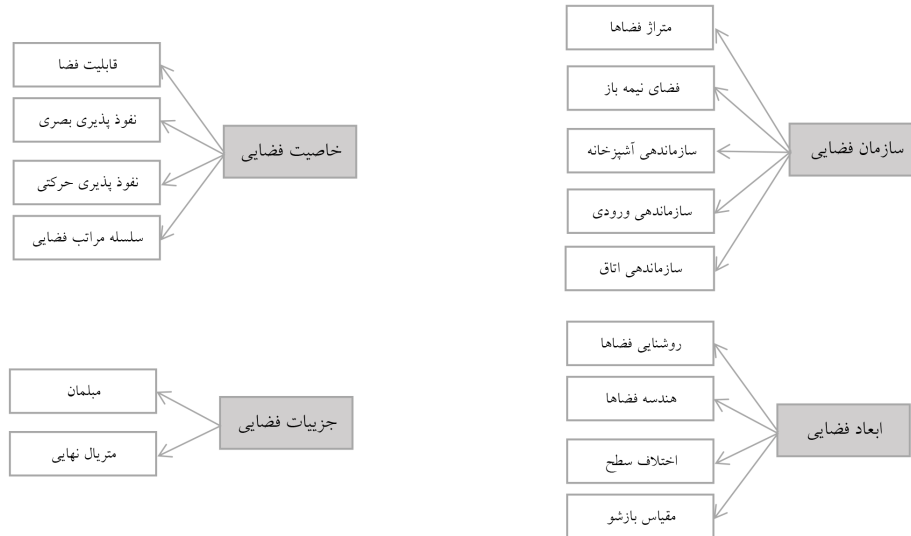
۳. **جست‌وجوی مقوله‌ها:** در گام سوم، تحلیل در سطحی کلان‌تر از کدها انجام می‌شود. کدهای حاصل از گام پیشین (۷۸ کد) تجزیه و تحلیل و در قالب مقوله‌های بالقوه ترکیب شده و همه داده‌های مرتبط با هر مقوله جمع‌آوری می‌شود. گام سوم، مستلزم پایان یافتن کدگذاری همه داده‌های مصاحبه می‌باشد. لازم به توضیح است که مقوله‌های به‌دست‌آمده در این مرحله پیش‌فرض بوده و ممکن است در گام بعدی اصلاح و یا ادغام بشوند. در پژوهش حاضر و به منظور فهم مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت فضامندی بر اساس دیدگاه ساکنان، جست‌وجوی مقوله‌ها در دو سطح انجام شد. در سطح اول کدهای مشابه در هم ادغام شده و در یک گروه گرفتند؛ حاصل تحلیل سطح اول پیدایش ۳۷ کد بر اساس داده‌های حاصل از مصاحبه در گام دوم بود. در سطح دوم بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های میان ۳۷ کد به‌دست‌آمده در سطح اول، مفاهیم در قالب ۱۵ زیر مقوله روشنایی فضا، هندسه فضا، اختلاف سطح،



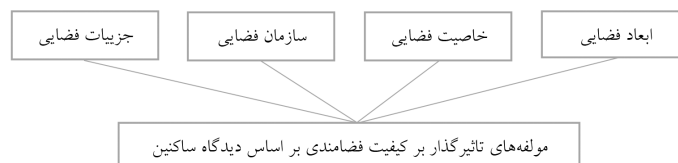
آخرین مرحله پالایش مقوله‌هاست. هنگامی که شبکه میان مقوله‌ها به‌طور کامل شکل گرفت و مورد بررسی واقع گردید، هر مقوله با بازگشت به داده‌های زیرمجموعه خود تعریف و الگوی کلی و روابط میان مقوله‌ها بیان می‌شود (جدول ۵). گام پنجم به منظور بیان مختصر و صریح روابط میان کدها و زیرمقوله‌ها و مقوله‌های اصلی بیان شده و سبب تفسیر قانع‌کننده‌تر از فرایند تحلیل می‌شود.

۶. **تدوین گزارش تفسیر الگوها:** هدف از گام ششم روایت کامل برآمده از داده‌هاست، به گونه‌ای که خواننده را با حکایت مختصر، منسجم و منطقی مقوله‌ها متقاعد کند. در این گام استنتاج شبکه مقوله‌ها و تبیین مفاهیم و الگوهای بدست آمده از متن مصاحبه‌ها انجام می‌شود. در ادامه (تصویر ۶)، مؤلفه‌های کالبدی فضایی تأثیرگذار بر کیفیت فضا مندی حاصل از تحلیل تماتیک داده‌های مصاحبه با ساکنان بر اساس تجربه زیسته آنها بیان شده است.

زیر مقوله‌ها در ارتباط با کل مجموعه به این منظور که آیا زیر مقوله‌ها نیز با یکدیگر در ارتباط هستند و انعکاس‌دهنده معنای مشهودی می‌باشند. به‌طور کلی هدف از گام چهارم، اطمینان از درستی زیر مقوله‌ها در ارتباط با کل داده‌ها و نیز افزودن کدهای احتمالی نادیده گرفته شده در مراحل قبلی به زیر مقوله‌های مرتبط و همچنین تشکیل مقوله‌ها در ارتباط با کل داده‌ها است. پایان این مرحله ارائه نقشه تماتیک تحلیل کدها می‌باشد. بازنگری نتایج مرحله قبل و مراجعه مجدد به محتوای مصاحبه‌ها، ارتباط نزدیک میان برخی زیر مقوله‌ها را نشان داد. نتیجه این گام ادغام زیرمقوله‌ها (۱۵ زیر مقوله به‌دست‌آمده از گام سوم) در چهار مقوله کلی ابعاد فضایی، خاصیت‌های فضایی، سازمان فضایی و جزئیات فضایی می‌باشد (تصویر ۵).
۵. **تفسیر موجز مقوله‌ها:** هدف از گام پنجم در تحلیل تماتیک آن است که خلاصه‌ای از مقولات اصلی برآمده از کدها و محتواهای بررسی‌شده، روابط آنها و الگوها تعیین شود. این گام



تصویر ۵. ترکیب زیر مقوله‌ها در قالب مقولات جامع برگرفته از مصاحبه با ساکنان.



تصویر ۶. مؤلفه‌های کالبدی فضایی تأثیرگذار بر کیفیت فضا مندی بر اساس دیدگاه ساکنان.

جدول ۵. شرح مفاهیم، کدها و مقوله‌ها در ارتباط با مصاحبه از ساکنان.

مقوله	مقوله‌های اولیه (زیرمقوله)	کدها	مفاهیم (کدهای اولیه)
ابعاد فضایی	روشنایی فضاها	روشنایی نورگیر بودن فضا ارتباط با فضای باز	داشتن نور، وجود نور در پذیرایی، داشتن نورگیر در اتاق خواب، شفافیت فضا، فضای واضح و مشخص
	هندسه فضاها	تناسبات کف فضاها شکل فضا	عرض اتاق خواب، عرض پذیرایی، پذیرایی مربع شکل، سالن L شکل، عرض راهرو، هال مربع، پذیرایی مربع
	اختلاف سطح	اختلاف کف تفکیک فضایی	عدم تأثیر ارتفاع فضاها، ارتفاع در فضاها تجاری تأثیر داره نه تو خونه، ارتفاع پذیرایی و نه اتاق خواب، ارتفاع کم حس خفگی، ارتفاع زیاد دل‌بازی، جدایی هال و پذیرایی با ارتفاع، پله ته خونه بین پذیرایی و اتاق خواب
	مقیاس بازشو	پنجره قدی پنجره در وسط پنجره سرتاسری	وجود پنجره تأثیر نداره، پنجره سر تا سری، پنجره بزرگ، پنجره قدی، نور پنجره باعث بزرگی میشه و نه وجودش، قرارگیری پنجره در وسط
خاصیت فضایی	قابلیت فضا	توسعه فضاها تجمیع فضاها	اضافه کردن فضاها به یکدیگر، امکان نداشتن open آشپزخانه و اضافه کردن اون به پذیرایی
	نفوذپذیری بصری	پلان باز پیوستگی بصری	فضای بدون دیوار، آشپزخانه open بلند، آشپزخانه open کوتاه، نبود ستون در پذیرایی، عدم وجود تیغه بندی در فضای داخل، اشراف به کل خونه، نبود شکست در فضاها
	نفوذپذیری حرکتی	هندسه فضا کارایی فضایی پیوستگی حرکتی	فضای یکپارچه، در خانه‌های امروزی نه مگر خانه‌های قدیمی، نزدیکی هال و پذیرایی، چند ضلعی مرتب، عدم تکه تکه شدن
	سلسله مراتب فضایی	پلان معماری (طراحی معماری) تفکیک فضایی	قرارگیری مناسب فضاها، قرارگیری آشپزخانه و پذیرایی در یک سمت،
سازمان فضایی	متراژ فضاها	مساحت زمین مساحت تک فضاها	اندازه اتاق خواب، اندازه پذیرایی، اندازه پذیرایی و اتاق خواب، اندازه ورودی (فضای تقسیم)
	فضای نیمه باز	ایجاد تراس مقیاس تراس	تراس بزرگ تأثیر داره، تراس خوبه ولی نه در بزرگی فضای داخل تأثیر نداره،
	سازماندهی آشپزخانه	موقعیت آشپزخانه نورگیری آشپزخانه مترتال آشپزخانه	قرارگیری آشپزخانه نزدیک ورودی، آشپزخانه بزرگ، آشپزخانه باز، ارتفاع سقف آشپزخانه، نزدیکی آشپزخانه به پذیرایی، وجود نور در آشپزخانه، کابینت سفید، آشپزخانه L شکل
	سازماندهی ورودی	وجود فضای تقسیم اختلاف سطح در پیش ورودی	بزرگی پیش ورودی، وجود اختلاف سطح ورودی نسبت به بقیه فضاها، دید داشتن ورودی به کل پذیرایی، گذاشتن تزیینات در ورودی،
	سازماندهی اتاق خواب	مساحت اتاق خواب میلمان اتاق خواب	تعداد اتاق خوابها، تناسبات اتاق خوابها، چینش وسایل در اتاق خوابها
جزئیات فضایی	میلمان	میلمان ظریف چینش صحیح میلمان میلمان انعطاف پذیر	عدم وجود میلمان، میلمان ظریف، فقط فرش روشن، تابلو فرش اونم رو دیوار (کم)، مبل راحتی و نه استیل، چینش صحیح میلمان، میز ناهارخوری کوچک، کمد دیواری داخل راهرو
	مترتال نهایی	رنگ روشن میلمان ظریف پرده روشن تزیینات محدود	تنوع رنگ فضاها، فرش روشن، نبود گچبری در سقف پذیرایی، کاغذ دیواری، پرده نازک، تابلو کم و ظریف، میلمان لوکس و مینیمال، استفاده از رنگ سفید به جای سنگ، کمد در راهرو، نبود شومینه



نتیجه‌گیری پژوهش

محیط‌های مسکونی، تنها به عنوان یک سرپناه و یک موضوع کمی مطرح نیستند. مسکن با کیفیت از الزامات رشد و ترقی یک جامعه است. در دهه‌های اخیر افزایش جمعیت، مهاجرت بی‌رویه به شهرها، تمایل به شهرنشینی، سرعت بالای تغییرات در بافت‌های مسکونی و افزایش ساخت‌وسازهای محیط شهری، موجب کاهش کیفیت مسکن شده که نتیجه این فرایند کاهش مترژ مساکن و به دنبال آن پایین آمدن میزان رضایتمندی ساکنان از مسکن خود بخصوص از فضای داخلی آن شده است. اهمیت فضای داخلی مسکن آن هم در مساکن آپارتمانی در رابطه با ساکنان بر کسی پوشیده نیست. عدم توجه به فضای داخلی مسکن موجب بروز اختلالات عصبی و روانی فراوانی در ساکنان می‌شود. فقدان مؤلفه‌ها و چارچوب هدایت و طراحی در خصوص فضای داخلی مسکن به خصوص مسکن آپارتمانی، وضعیت آشفته‌ای را برای طراحان و دست‌اندرکاران در رابطه با فضای داخلی مسکن رقم زده است؛ که حاصل آن تنزل کیفیت فضای داخلی محیط‌های مسکونی هم از نظر کمی و هم کیفی می‌باشد. هدف از انجام پژوهش حاضر تبیین مؤلفه‌های کالبدی فضایی مؤثر در بزرگ‌تر به نظر رسیدن فضایی داخلی برای ساکنان بوده که سبب مطلوبیت و رضایتمندی آنها از فضای داخلی مسکن آپارتمانی می‌شود. نتایج حاصل نشان می‌دهد که:

به‌کارگیری پنجره‌های قدی و سرتاسری، قرارگیری بازشوها در وسط، اختلاف سطح میان فضای آشپزخانه و پذیرایی با دیگر فضاها، طراحی اتاق‌هایی با عرض زیاد و همچنین استفاده از فضاها پرنور چه به صورت طبیعی با استفاده از نورگیری از جدارها و چه به صورت مصنوعی در قالب مؤلفه ابعاد فضایی موجب بزرگ‌تر به نظر رسیدن فضای داخل برای ساکنان می‌شود. امکان تفکیک و تجمع فضاها در فضای داخلی (نداشتن دیوار برای آشپزخانه)، عدم وجود ستون‌ها و تیغه‌ها در فضای داخلی به کمک بهره‌گیری از پلان آزاد، طراحی فضاها به صورت هندسه فضایی مرتب مانند چندضلعی منظم (مربع و مستطیل) بخصوص برای فضایی پذیرایی، طراحی آشپزخانه

به صورت اوپن، تفکیک عرصه عمومی از عرصه نیمه عمومی به وسیله راهرو در قالب مؤلفه خاصیت‌های فضایی سبب بزرگ‌تر به نظر رسیدن فضای داخلی مسکن آپارتمانی برای ساکنان می‌شود.

طراحی تراس برای اتاق‌های خواب، توجه به مساحت فضاها و وجود یک خواب بزرگ به نسبت دیگر اتاق‌های خواب، استفاده از میلمان ظریف (مانند تخت خواب) در اتاق‌های خواب، طراحی نکردن کمد‌های دیواری برای اتاق‌های خواب، وجود بازشو و پنجره در آشپزخانه، به‌کارگیری رنگ روشن در فضای آشپزخانه، محل قرارگیری آشپزخانه در نزدیک ورودی، داشتن پیش‌ورودی به هنگام ورود به خانه در قالب مؤلفه سازمان فضایی موجب بزرگ‌تر به نظر رسیدن فضا برای ساکنان می‌شود. همچنین استفاده از میلمان ظریف و کم‌حجم با رنگ سفید در فضایی پذیرایی، قرارگیری پرده‌ها با رنگ روشن در فضاها، استفاده از ویتربین و کتابخانه در فضاها بخصوص فضایی پذیرایی و تزئینات محدود در سقف در قالب مؤلفه متربال‌نهایی از دیدگاه ساکنان موجب بزرگ‌تر به نظر رسیدن فضا برای آنها می‌شود.

نوآوری پژوهش حاضر را می‌توان در دو بخش بیان کرد: بخش اول شناخت مفهوم فضا‌مندی و همچنین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن می‌باشد. در پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با کیفیت فضا‌مندی تنها به معرفی لغوی این مفهوم (فضا‌مندی) و همچنین تعداد محدودی از مؤلفه‌های کالبدی مرتبط با آن پرداخته شده است؛ حال در پژوهش حاضر علاوه بر تبیین مؤلفه‌های مشخص شده، مؤلفه‌های فضایی تأثیرگذار بر مفهوم فضا‌مندی نیز مشخص شدند. بخش دوم فهم تأثیرگذاری مفهوم فضا‌مندی در ارتباط با بهبود کیفیت محیط مسکونی و ساکنان از آن. مطالعات صورت گرفته در ارتباط با محیط‌های مسکونی به‌ندرت به فضای داخلی مسکن آپارتمانی و ترجیحات ساکنان از فضای داخلی مسکن پرداخته‌اند؛ حال در پژوهش حاضر مفهوم فضا‌مندی در ارتباط با بهبود کیفیت در محیط مسکونی و به صورت خاص، فضای داخلی مسکن انجام گرفته است.

فهرست منابع

استراوس، انسلم؛ جولیت کریبن (۱۳۹۸)، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه‌زمینه‌ای، تهران: نشر نی.

عینی فر، علیرضا (۱۳۸۲)، الگویی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران. هنرهای زیبا، ۱۳، ۶۴-۷۷.

غروی الخوانساری، مریم (۱۳۹۷)، راهکارهایی برای انعطاف‌پذیری مسکن معاصر با توجه به تغییرات الگوی خانواده در طی زمان. صغه، ۲۸ (۳)، ۵۰-۲۷.

فون مایس، پی.یر. (۱۳۹۰)، عناصر معماری از صورت تا مکان، ترجمه فرزین فردانش، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

قاسمی، حمید و ۴۸ استاد مؤلف بر اساس حروف الفبا (۱۴۰۰)، مرجع پژوهش، تهران: انتشارات روزنه.

قلمبردزفولی، مریم؛ تقی‌زاده، محمد؛ ماجدی، حمید (۱۳۹۷)، تبیین مبانی عوامل مؤثر بر شاخص‌های کیفی مسکن، هویت شهر، ۱۲ (۴)، ۹۷-۱۱۰.

گلستانی، سعید، حجت، عیسی و سعدوندی، مهدی. (۱۳۹۶)، جستاری در مفهوم پیوستگی فضا و روند تحولات آن در مساجد ایران، نشریه هنرهای زیبا، ۲۲ (۴)، ۲۹-۴۴.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، تهران

مسگرانی، نونا؛ اجزا شکوهی، محمد؛ خاکپور، براتعلی؛ نقصان محمدی، محمدرضا (۱۳۹۷)، ارزیابی کیفیت محیط مسکونی مرکز شهر با تأکید بر پایداری، مورد مطالعاتی: محدوده سرشور و چهنو شهر مشهد، معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۱ (۲۳)، ۳۴۷-۳۵۹.

معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴)، سیری در مبانی نظری معماری، تهران: انتشارات سروش دانش.

میرسلامی، مهسا؛ عمرانی‌پور، علی؛ خوشبخت بهرمانی، شوکا (۱۴۰۰)، مطالعه روابط فضایی اجتماعی در الگوی مساجد چهار ایوانی ایران (مطالعه موردی: مساجد جامع اصفهان، اردستان، قزوین و زواره)، اندیشه معماری، ۵ (۹)، ۱۹-۳۹.

Al-Zamil, F. A. (2017). The Impact of Design Elements on the perception of spaciousness in Interior Design. *International Design Journal*, 7 (2), 177-187.

Bird, C. M. (2005). How I stopped dreading and learned to love transcription. *Qualitative inquiry*, 11 (2), 226-248.

Braun, V., & Clarke, V. (2013). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3 (2), 77-101.

Bokharaei, S., & Nasar, J. L. (2016). Perceived spaciousness and preference in sequential experience. *Human factors*, 58 (7), 1069-1081.

Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development*. Sage.

Diker, B., & Demirkan, H. (2022). Evaluating Interior Architectural Elements That Influence Perception of

اصغرخواه فرخوانی، مهدی؛ شاهدی، بهرام؛ افشاری، محسن و همکاران (۱۴۰۳)، شناسایی ترجیحات ویژگی‌های فضایی در خانه‌های آپارتمانی شهر بندرعباس با تأکید بر تجربه زیسته ساکنان، توسعه پایدار شهری، ۵ (۱۴)، ص ۶۱-۴۳.

الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۶)، سرشت نظم، گزیده جلد اول: پدیده حیات (ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری)، تهران: انتشارات پرهام نقش.

بخارائی، صالحه (۱۳۹۴)، فضا‌مندی: وجوه، حدود و عوامل تأثیر گذار، صغه، ۲۵ (۲)، ۵-۱۸.

بخارائی، صالحه (۱۴۰۱)، دل‌بازی و فضا‌مندی: تحلیل ساختار معنایی صفات وابسته به اندازه فضا در محیط مسکونی، مطالعات معماری ایران، ۱۱ (۲۲)، ۱۱۱-۱۳۲.

حاتمی‌نژاد، حسین؛ اسکندری نسب، محمد؛ بیرانوند، محمد (۱۴۰۲)، مقایسه کیفیت زندگی در محلات خودرو و برنامه‌ریزی شده شهری؛ مطالعه تطبیقی محلات گوشه گاپله و شهرک اندیشه بروجرد. پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، شماره ۳۰، ص ۱۶۸-۱۴۸

حائری، محمدرضا (۱۳۹۵)، خانه، فرهنگ و طبیعت در معماری ایران. تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

دی کی چینگ، فرانسیس (۱۳۹۳)، معماری فرم، فضا و نظم، ترجمه زهره قراگزلو، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رحمانیانی، یاسر (۱۴۰۰)، ارتقا کیفیت مسکن کوچک مقیاس مبتنی بر مؤلفه‌های معماری و شهرسازی از دیدگاه متخصصین و ساکنان (محدوده مطالعاتی: محله نواب شهر تهران)، رساله دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت.

رضایی خبوشان، رضا؛ نعمتی مهر، مرجان (۱۴۰۰)، برنامه‌ریزی فضایی ارتقای کیفیت محیط مسکونی مبتنی بر نتایج ارزیابی رضایتمندی ساکنان مورد پژوهش: مسکن مهر شهر جدید پردیس، صغه، ۳۱ (۳)، ۷۹-۹۶.

زنگنه، نجمه؛ مضطرزاده، حامد؛ تقی‌پور، ملیحه؛ طاهره، نصر (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر انواع ساختار فضایی بر میزان تفکیک قلمروهای عمومی و خصوصی در خانه‌های سنتی درون‌گرای ایران به روش چیدمان فضا، مطالعه موردی: خانه‌های قاجاری شیراز، مدیریت شهری و روستایی، ۱۹ (۵۹)، ۴۵-۶۲.

سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۰)، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

شولتز، کریستن نوربرگ (۱۳۸۲)، معماری: معنا و مکان، ترجمه نوروز برازجانی، تهران: نشر جان جهان.

ضرابی‌الحسینی، مهسا (۱۴۰۰)، راهبردهای طراحی به منظور ارتقای کیفیت احساسی و عملکردی خانه، رساله دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت



- Spaciousness in Isolated, Confined, and Extreme Environments. *International Journal of Digital Innovation in the Built Environment (IJIDIBE)*, 11 (3), 1-15.
- Franz, G., Von Der Heyde, M., & Bülthoff, H. H. (2005). An empirical approach to the experience of architectural space in virtual reality—exploring relations between features and affective appraisals of rectangular indoor spaces. *Automation in construction*, 14 (2), 165-172.
- García Mira, R., Uzzell, D. L., Real, J. E., & Romay Martínez, J. (2017). Housing, space and quality of life.
- Glaeser, E., & Gyourko, J. (2018). The economic implications of housing supply. *Journal of economic perspectives*, 32 (1), 3-30.
- Graziano, M. S., & Cooke, D. F. (2006). Parieto-frontal interactions, personal space, and defensive behavior. *Neuropsychologia*, 44 (6), 845-859.
- Guest, G., MacQueen, K. M., & Namey, E. E. (2012). Validity and reliability (credibility and dependability) in qualitative research and data analysis. *Applied thematic analysis*, 79, 106.
- Hayward, S. C., & Franklin, S. S. (1974). Perceived openness-enclosure of architectural space. *Environment and Behavior*, 6 (1), 37.
- Howden-Chapman, P., Bennett, J., Edwards, R., Jacobs, D., Nathan, K., & Ormandy, D. (2023). Review of the impact of housing quality on inequalities in health and well-being. *Annual review of public health*, 44 (1), 233-254.
- Marion, F., & Pong, W. Y. (2005). On the unit of description in phenomenography. *Higher education research & development*, 24 (4), 335-348.
- Mather, M. and Ponzio, A., (2016), Emotion and Aging. In: Barrett L. F., Lewis M. Haviland-Jones J. M. Handbook of Emotions. New York: Guilford Press. Fourth Edition
- Mbazor, D. N. (2021). Assessment of the influence of on-campus housing quality and facilities on students' academic performance at the federal university of technology, Akure, Nigeria. *Baltic Journal of Real Estate Economics and Construction Management*, 9 (1), 14-32.
- Meagher, B. R., & Marsh, K. L. (2015). Testing an ecological account of spaciousness in real and virtual environments. *Environment and Behavior*, 47 (7), 782-815.
- Mouratidis, K. (2021). Urban planning and quality of life: A review of pathways linking the built environment to subjective well-being. *Cities*, 115, 103229.
- Nishihara, S., Okada, M., Miyake, H., Yamaguchi, H., & Yoshizawa, N. (2023, November). Calculation model of spaciousness in rooms with windows-Experimental procedure for spaciousness evaluation using VR. In *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science* (Vol. 1099, No. 1, p. 012002). IOP Publishing.
- Ozdemir, A. (2010). The effect of window views' openness and naturalness on the perception of rooms' spaciousness and brightness: A visual preference study. *Scientific Research and Essays*, 5 (16), 2275-2287.
- Perolini, P. S. (2011). Interior spaces and the layers of meaning. *Design Principles & Practices-An International Journal*, 5-6.
- Sima, L. (2015). A study on small apartment design in China: Evaluation on the impressions of and preferences for the floor plans. *Journal of Asian Architecture and Building Engineering*, 14 (2), 307-314.
- Short, J., & Bassett, K. (2021). *Housing and residential structure: alternative approaches*. Routledge.
- Smith, J., & Firth, J. (2011). Qualitative data analysis: the framework approach. *Nurse researcher*, 18 (2), 52-62
- Stamps III, A. E. (2005). Visual permeability, locomotive permeability, safety, and enclosure. *Environment and behavior*, 37 (5), 587-619.
- Stamps III, A. E. (2007). Evaluating spaciousness in static and dynamic media. *Design Studies*, 28 (5), 535-557.
- Stamps, A. E. (2009). On shape and spaciousness. *Environment and Behavior*, 41 (4), 526-548.
- Stamps III, A. E. (2011). Effects of area, height, elongation, and color on perceived spaciousness. *Environment and Behavior*, 43 (2), 252-273.
- Stamps III, A. E. (2013). Effects of multiple boundaries on perceived spaciousness and enclosure. *Environment and Behavior*, 45 (7), 851-875.
- Stamps III, A. E., & Krishnan, V. V. (2004). Perceived enclosure of space, angle above observer, and distance to boundary. *Perceptual and motor skills*, 99 (3_suppl), 1187-1192.
- Stamps III, A. E., & Krishnan, V. V. (2006). Spaciousness and boundary roughness. *Environment and Behavior*, 38 (6), 841-872.



- Stevenson, O., & Prout, A. (2013). Space for play? Families' strategies for organizing domestic space in homes with young children. *Home Cultures*, 10 (2), 135-157.
- Svensson, R. (1984). Steady mildly relativistic thermal plasmas: processes and properties. *Monthly Notices of the Royal Astronomical Society*, 209 (2), 175-208.
- Tesch, R. (2013). *Qualitative research: Analysis types and software*. Routledge.
- Ünlü, A., Edgü, E., Şalgamcioğlu, M. E., & Canakcioglu, N. G. (2022). Exploring perceived openness and spaciousness: the effects of semantic and physical aspects. *Architectural Science Review*, 65 (2), 162-174.
- Von Castell, C., Oberfeld, D., & Hecht, H. (2014). The effect of furnishing on perceived spatial dimensions and spaciousness of interior space. *PloS One*, 9 (11), e113267.
- Wang, C, Lu, W, Ohno, R, & Gu, Z. (2020). Effect of wall texture on perceptual spaciousness of indoor space. *International journal of environmental research and public health*, 17 (11), 4177.
- Weimann, A., & Oni, T. (2019). A systematised review of the health impact of urban informal settlements and implications for upgrading interventions in South Africa, a rapidly urbanising middle-income country. *International journal of environmental research and public health*, 16 (19), 3608.
- Wimalasena, N. N., Chang-Richards, A., Wang, K. I. K., & Dirks, K. N. (2021). Housing risk factors associated with respiratory disease: a systematic review. *International journal of environmental research and public health*, 18 (6), 2815.
- Zanuzdana, A., Khan, M., & Kraemer, A. (2013). Housing satisfaction related to health and importance of services in urban slums: evidence from Dhaka, Bangladesh. *Social Indicators Research*, 112 (1), 163-185.

مدل‌یابی اثرگذاری مؤلفه‌های طراحی حسی در معماری داخلی فروشگاهی^۱

مژده سلطان تویه^۲، رضا نقدبیشی^۳

تاریخ دریافت: ۲۷-۱۱-۱۴۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴-۰۵-۱۴۰۴

DOI: 10.22034/RAU.2025.2053476.1154

چکیده

به‌کارگیری مؤلفه‌های نظریه‌های ادراکی در معماری داخلی، رویکردی میان‌رشته‌ای و راه‌حلی مؤثر برای دستیابی به راهکارهایی نوین در طراحی فضاها به شمار می‌آید. در این پژوهش، طراحی حسی به عنوان یکی از رویکردهای مبتنی بر ادراک، با تمرکز بر فضا به‌منزله مسئله اصلی، بررسی می‌شود تا ابعاد چپستی و چگونگی اثرگذاری آن روشن گردد. هدف این پژوهش، افزودن بر یافتن پاسخ مسئله مذکور، شناسایی ابعاد مغفول در تأثیرات پایدار و عمیق طراحی حسی بر کاربران از جنبه‌های روان‌شناختی، عاطفی و اجتماعی است. پژوهش حاضر با رویکرد آمیخته (کمی-کیفی) انجام شده و هدف آن، توسعه دانش در حوزه طراحی حسی است. مدل‌یابی در این پژوهش، مبتنی بر مرور مؤلفه‌های طراحی حسی است که به تدوین یک چارچوب مفهومی منجر شده و سپس با تکیه بر روش‌شناسی پژوهش، مؤلفه‌های اثرگذار بر معماری داخلی در قالب یک مدل ظهور یافته شناسایی و سامان‌دهی شده‌اند. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی، هدفمند و با استفاده از تکنیک گلوله‌برفی بوده است. در بخش کمی، نمونه‌گیری از طریق فرمول کوکران محاسبه شده است. به منظور استخراج مؤلفه‌ها، تحلیل کیفی به روش کدگذاری انجام شده و در این راستا، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با ۲۴ نفر از متخصصان، با استفاده از نرم‌افزار (MAXQDA) صورت گرفته است. به منظور تحلیل کمی داده‌ها و سنجش میزان ارتباط و معناداری میان متغیرها، ابزار پرسشنامه محقق ساخت میان ۹۵ نفر از کاربران توزیع و با نرم‌افزار (SPSS26) تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین ابعاد کلی اثرگذار بر دستیابی به معماری داخلی فروشگاهی با طراحی حسی، رابطه‌ای دوسویه و پویا برقرار است. به این معنا که به ترتیب، عناصر بصری و زیبایی‌شناسی، معنا و هویت، نورپردازی و آکوستیک، عملکرد و ارگونومی، تجربه و ادراک حسی جامع، هماهنگی و حس تعلق، کیفیت و سازمان‌دهی بصری و غنی‌سازی تجربه و تداعی حسی ویزند، سبب ارتقای کیفیت حسی در فضاهای فروشگاهی می‌گردند. براین اساس مدل ظهور یافته بر این مؤلفه‌ها متمرکز بوده و راهکارهای طراحی در چارچوب آنها قابل تعریف خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: طراحی حسی، معماری فروشگاهی، معماری داخلی، تجربه حسی، هویت، تداعی حسی

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول با عنوان «معماری داخلی فروشگاه پوشاک با رویکرد طراحی حسی (برند استلا مک کارتنی)» است، که با راهنمایی نگارنده دوم، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در حال انجام است.
۲. گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: mojdeh.slt@gmail.com

0009-0000-7985-6351

۳. گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: reza.naghdbish@iau.ac.ir

0000-0002-0662-5955



مقدمه

میان مؤلفه‌های طراحی حسی و نحوه اثرگذاری آنها بر معماری داخلی فضای فروشگاه‌های می‌پردازد. نتیجه مدل نهایی پژوهش، استفاده از میانی علمی طراحی چندحسی و ادغام مؤلفه‌های حسی با عناصر معماری داخلی فروشگاه‌ها است تا مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد محیط‌های هماهنگ و اثرگذار شناسایی و طراحی شوند. در نهایت، باتکیه بر روش علمی، مدلی ظهور یافته ارائه می‌شود که به شناسایی مؤلفه‌هایی می‌پردازد که از میان انبوه گزینه‌ها، بیشترین اثر را بر معماری داخلی فروشگاه‌ها دارند، و می‌تواند به عنوان ابزاری برای ارائه راهکارهای طراحی در اختیار معماران داخلی قرار گیرد. بدین منظور، پژوهش در پی یافتن پاسخ به این سؤالات است: الف) چه مؤلفه‌های از طراحی حسی بر معماری داخلی اثرگذار است؟ و ب) مؤلفه‌های طراحی حسی به چه میزان بر معماری داخلی اثر می‌گذارند و بر اساس این میزان اثرگذاری راهکارهای طراحی چه هستند؟

ارائه مدل ساختار پژوهش

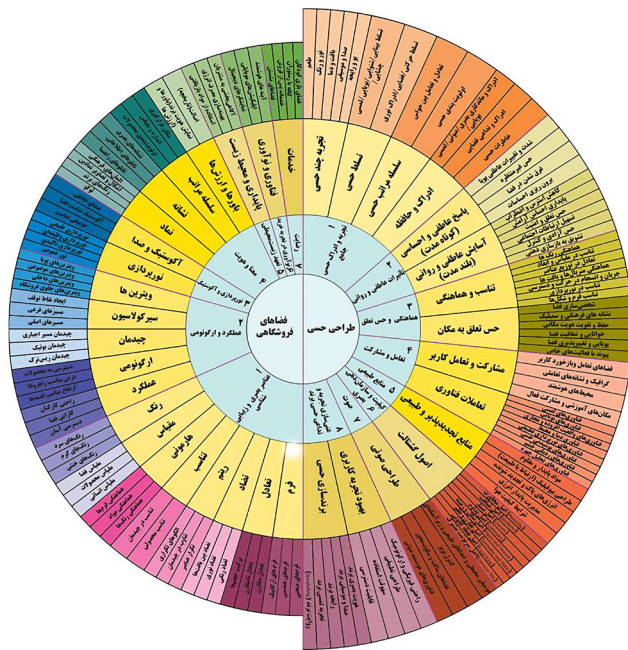
بر اساس اهداف و متغیرهای پژوهش، پارادایم این تحقیق با توجه به ماهیت اکتشافی آن، عمل‌گرایی (پراگماتیسم) است و رویکرد اتخاذ شده، آمیخته (کیفی - کمی) است. پژوهش تلاش دارد تا به توسعه نظریه ادراکی از طریق منظر بین‌رشته‌ای بپردازد. در مرحله نخست، برای شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر طراحی فضاهای فروشگاه‌ها، ادبیات موجود بررسی و تحلیل شد. سپس در بخش تحلیل کیفی، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته‌ای با ۲۴ متخصص در حوزه معماری داخلی و طراحی فضاهای فروشگاه‌ها انجام گرفت. پس از تدوین چارچوب مفهومی (نمودار ۱)، داده‌های حاصل از کدگذاری باز (۱۴۳ کد) با استفاده از نرم‌افزار (MAXQDA) کدگذاری دسته‌بندی گردید (جدول ۱). در ادامه، با بهره‌گیری از کدگذاری محوری، روابط میان مقوله‌های استخراج شده مشخص شد (۳۷ کد). و نهایتاً با کدگذاری انتخابی، ۱۵ مؤلفه مشخص گردید.

در بخش کمی، با توجه به مؤلفه‌های استخراج شده و اولویت‌بندی آنها، یک پرسش‌نامه بسته طراحی شده است. این پرسش‌نامه در مرحله نخست، به صورت آزمایشی میان ۳۰ نفر از کاربران توزیع شد تا حجم نمونه مشخص شود. سپس با در نظر گرفتن واریانس داده‌ها (۲/۰) و استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۶۱ نفر به عنوان حجم نمونه مناسب تعیین شد. در نهایت، پرسش‌نامه به جهت ایجاد اطمینان بیشتر، میان

به‌کارگیری رویکردهای علمی خارج از مرزهای دانش معماری داخلی، یکی از راهکارهای دستیابی به فعالیت‌های بین‌رشته‌ای یا چندرشته‌ای برای پیشبرد و توسعه آن است. بر این اساس، اتخاذ رویکرد طراحی حسی، که خود ملهم از دانش روان‌شناسی ادراک است، به امکان ایجاد چشم‌اندازی تازه در معماری داخلی کمک می‌کند. در این میان با توجه به گستره دانش طراحی حسی، تحلیل ارتباط میان مؤلفه‌های آن و اثرگذاری بر مؤلفه‌های معماری داخلی فروشگاه‌ها به دلیل تعدد و پراکنش در میان فضاهای روزمره و همچنین کم‌توجهی به این موضوع از منظر پژوهش‌های ادراکی، در این مقاله پیگیری می‌شود. با وجود مطالعات انجام شده در زمینه طراحی حسی، اغلب این پژوهش‌ها به بررسی اثرات کوتاه‌مدت این رویکرد پرداخته‌اند و کمتر به چگونگی ادغام مؤثر مؤلفه‌های حسی برای کاهش تمرکز صرف بر بُعد بصری و دستیابی به تأثیرات پایدار در معماری داخلی توجه کرده‌اند. این موضوع باعث شده است تا طراحی معماری از نظر تجربه کاربری، کامل و فراگیر نباشد. این پژوهش تلاش دارد به منظور ایجاد یک چارچوب فکری مشخص برای تعیین مؤلفه‌های معماری داخلی فضاهای فروشگاه‌ها، جبران خلأ پژوهشی در این حوزه و مبتنی بر روش علمی به ارائه مدلی جامع در خصوص تأثیرات بلندمدت طراحی حسی در معماری داخلی فروشگاه‌ها بپردازد. مدل پیشنهادی، که بر اساس سیر از چارچوب مفهومی^۱ تا مدل ظهور یافته^۲ شکل خواهد گرفت، متکی بر نظریه روان‌شناسی ادراک و متمرکز بر طراحی حسی خواهد بود که با ادغام مؤلفه‌های مختلف حسی، نه تنها به زیبایی‌شناسی محیط توجه دارد، بلکه بر ایجاد تداعی‌های ماندگار و بهبود رفتار و ادراک کاربران در طول زمان تمرکز می‌کند.

ایجاد تجربه‌ای فراگیر و چندحسی در معماری داخلی فروشگاه‌ها، به عنوان رویکردی نوین، پاسخی جامع به نیازهای احساسی، روان‌شناختی و تجربی کاربران است. فضای داخلی می‌تواند فراتر از جنبه‌های ظاهری و عملکردی عمل کند و بستری فراهم کند که با درگیر کردن هم‌زمان حواس مختلف، تجربه‌ای عمیق‌تر و معنادارتر برای کاربران ایجاد نماید (Spence, 2020; Erwine, 2017). محیط‌های فروشگاه‌ها، به دلیل ماهیت چندحسی خود، نمی‌توانند تنها بر اساس تأثیر یک حس ارزیابی شوند (Spence et al. 2014).

این مقاله به توسعه یک چارچوب مفهومی برای درک ارتباط



نمودار ۱. چارچوب مفهومی پژوهش.

جدول ۱. استخراج معیارهای مؤثر در پژوهش با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA.

مؤلفه	معیار
تجربه چندحسی: طعم- نور و رنگ- بافت و دما- صدا و موسیقی- بو و رایحه / تسلط حسی: تسلط بینایی- تسلط شنوایی- تسلط بویایی- تسلط لمسی- تسلط بصری- تسلط چشایی- تسلط حرکتی- تسلط فضایی- تسلط ادراک نوری / سلسله‌مراتب حسی: تعادل و تعامل بین حواس- اولویت‌بندی حسی / ادراک و حافظه: ادراک و ماندگاری بصری- ادراک و ماندگاری صوتی- ادراک و ماندگاری لمسی- ادراک و ماندگاری بویایی	تجربه و ادراک حسی جامع
پاسخ عاطفی و احساسی (کوتاه‌مدت): شدت و تغییرات عاطفی پویا- حس غیر منتظره- غرق شدن در فضا- بیرون‌ریزی احساسات / آسایش عاطفی و روانی (بلندمدت): کاهش استرس و اضطراب- پایداری احساس آرامش- حس تعلق و امنیت- تسهیل ارتباطات اجتماعی- حس آزادی و کنترل- تشویق به بازسازی ذهنی	تأثیرات عاطفی و روانی
تناسب و هماهنگی: هماهنگی رنگ‌ها- تناسب در مقیاس و ابعاد- تعادل در توزیع عناصر- هماهنگی مصالح و بافت‌ها- جریان و انسجام در حرکت و دسترسی- تناسب در نورپردازی- تناسب فرم و شکل‌ها / حس تعلق به مکان: شخصی‌سازی فضا- نشانه‌های فرهنگی و سمبلیک- حفظ و تقویت هویت مکانی- خوانایی و شفافیت فضا- پویایی و تغییرپذیری فضا- پیوند با فعالیت‌های خاص	هماهنگی و حس تعلق
مشارکت و تعامل کاربر: فضاهای تعامل و بازخورد کاربر- گرافیک و نشانه‌های تعاملی- محیط‌های هوشمند- مکان‌های آموزشی و مشارکت فعال / تعاملات فناوری: فناوری‌های لمسی- فناوری‌های بویایی- فناوری‌های واقعیت افزوده و مجازی- فناوری دما و محیط- فناوری‌های نورپردازی تطبیقی- فناوری‌های پوشیدنی حسی- فناوری‌های ردیابی چشم- فناوری‌های تحلیل چهره	تعمیرات و مشارکت
منابع تجدیدپذیر و طبیعی: مواد پایدار و مقاوم- طراحی بیوفیلیک (ارتباط با طبیعت)- انرژی‌های پاک و تجدیدشونده- مدیریت پایدار انرژی- شرایط کیفیت هوا	پایداری مبتنی بر طبیعت
اصول گشتالت: اصل مجاورت (Proximity)- اصل شباهت (Similarity)- اصل بستار (Closure)- اصل تداوم (Continuity)- اصل شکل و زمینه (Figure and Ground)- اصل تقارن و نظم (Symmetry and Order)- اصل نقطه کانونی (Focal Point)- اصل سرنوشت مشترک (Common fate)	کیفیت و سازمان‌دهی بصری



ادامهٔ جدول ۱. استخراج معیارهای مؤثر در پژوهش با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA.

صوت	طراحی صوتی: موسیقی محیطی و صداهای طبیعی و زیرآستانه‌ای - کنترل نویز - فضاهاى ساکت و سکوت‌محور - فناوری‌های هوشمند صوتی
غنی‌سازی تجربه و تداعی حسی ویزند	بهبود تجربه کاربری: راحتی فیزیکی و ارگونومیک - طراحی تطبیقی - سهولت استفاده - قابلیت دسترسی ویزندسازی حسی: هویت بصری ویزند - صدا و موسیقی ویزند - رایحه ویزند - تجربه لمس ویزند - روایت ویزند
عناصر بصری و زیبایی‌شناسی	فرم: فرم‌های منحنی - فرم‌های هندسی - فرم‌های ارگانیک / تعادل: تعادل متقارن - تعادل نامتقارن - ترکیب حجم‌ها / تضاد: تضاد رنگی - تضاد نوری - تضاد بین بافت‌ها / ریتم: تکرار عناصر - تناوب در چیدمان - الگوهای تکراری / تناسب: تناسب محصولی - تناوب در چیدمان / هارمونی: هماهنگی رنگ‌ها - هماهنگی مواد - هماهنگی فرم‌ها / مقیاس: مقیاس انسانی - مقیاس محصولات - مقیاس فضا / رنگ: رنگ‌های خنثی - رنگ‌های گرم - رنگ‌های سرد
عملکرد و ارگونومی	عملکرد: دسترسی آسان - کارایی فضا - راحتی کارکنان / ارگونومی: ارتفاع مناسب قفسه‌ها - عرض مناسب راهروها - دسترسی به محصولات / چیدمان: چیدمان مسیر اجباری - چیدمان بوتیک - چیدمان سیرکولاسیون: مسیرهای اصلی - مسیرهای فرعی - ایجاد نقاط توقف / ویتترین‌ها: ویتترین‌های جلوی فروشگاه - ویتترین‌های داخلی - ویتترین‌های موضوعی - ویتترین‌های پویا
نورپردازی و آکوستیک	نورپردازی: نور عمومی - نورپردازی تأکیدی - نورپردازی وظیفه‌ای - نورپردازی طبیعی / آکوستیک و صدا: موسیقی مناسب - آکوستیک مناسب فضا - صدای تعاملی
معنا و هویت	نماد: نشان - رنگ‌های ویزند - اشکال و تصاویر نمادین - المان‌های فرهنگی / نشانه: تابلوهای راهنما - تابلوهای اطلاعاتی - نشانه‌های بصری سلسله‌مراتب: اولویت‌بندی محصولات - اندازه و مقیاس - مکان قرارگیری / باورها و ارزش‌ها: نمایش هویت ویزند (باورها و ارزش‌ها) - اصالت (تاریخچه)
پایداری مبتنی بر کالبد	استفاده از مواد بازیافتی - بهینه‌سازی مصرف انرژی - آگاهی‌بخشی به مشتریان
نوآوری در تجربه خرید	فناوری و نوآوری: نمایشگرهای دیجیتال - اپلیکیشن‌های موبایلی - آینه‌های هوشمند
رضایت	خدمات: فضاهاى نشستن - خدمات پس از فروش - کافه یا رستوران - فضای بازی کودکان

۹۵ نفر توزیع شد و داده‌های به دست آمده با نرم‌افزار (SPSS26) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت تا میزان ارتباط میان متغیرها سنجیده شود.

پیشینه پژوهش

مستندات علمی در زمینه طراحی حسی در حوزه‌های مختلفی گسترش یافته است، از جمله معماری و معماری داخلی، علوم اعصاب^۲، بایوفیلیا^۳، آموزش، طراحی صنعتی، درمانی، تعامل انسان و فناوری، و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی (Yin et al., 2024; Lehman, 2016; Erwine, 2017). در حوزه معماری و معماری داخلی، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که طراحی چندحسی با ایجاد تجربیات متنوع حسی و درگیرکردن تمامی حواس انسانی، می‌تواند به خلق تجربیات ماندگار، حفظ خاطرات فردی و جمعی، افزایش تعامل و رضایت کاربران، تقویت حس هویت و تعلق مکانی، و تأثیر بر حافظه منجر شود (مقربى و فروتن، ۱۳۹۴؛ مرادی و ایمانی، ۱۳۹۶؛ Malnar & Vodvarka, 2004؛ علی بورونی، ۱۳۹۹؛ اکبری و فالامکی، ۱۳۹۵). همچنین، خسروی و ناصری (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیده‌اند که طراحی مبتنی بر تعاملات حسی می‌تواند حس آرامش، تسکین روحی و درک متقابل کاربران را ارتقا دهد. پژوهش‌های مختلف مانند مطالعه لویتون^۵ و لپس^۶ (۲۰۱۸) بر تأثیر طراحی چندحسی در شمول‌پذیری موزه‌ها و هلمفالک^۷ و هولتن^۸ (۲۰۱۷) در افزایش حضور کاربران در فضاهاى فروشگاه‌های تأکید دارند. یافته‌های رن^۹ (۲۰۱۹) نشان داده است که هم‌سویی نشانه‌های حسی در محیط‌ها حس امنیت و کنترل کاربران را تقویت می‌کند. همچنین، پژوهش سوهانگیر و نصیرسلامی (۱۳۹۶) به تأثیر مؤلفه‌های ادراک حسی بر کیفیت تجربه کاربران و رفتارهای پایدار پرداخته است. پالاسما^{۱۰} (۲۰۱۲) نیز با نقد «بینایی محوری» در معماری مدرن، استفاده از «بینایی پیرامونی» را برای ارتقای تجربه‌های چندحسی پیشنهاد کرده است.

پژوهش‌های علوم اعصاب نقش مهمی در درک طراحی حسی دارند. ابرهارد^{۱۱} بررسی کرده که ویژگی‌های معماری با تحریک نورون‌های آینه‌ای^{۱۲}، می‌توانند تجربه احساسی کاربران

۹۵ نفر توزیع شد و داده‌های به دست آمده با نرم‌افزار (SPSS26) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت تا میزان ارتباط میان متغیرها سنجیده شود.

پیشینه پژوهش

مستندات علمی در زمینه طراحی حسی در حوزه‌های مختلفی گسترش یافته است، از جمله معماری و معماری داخلی، علوم اعصاب^۲، بایوفیلیا^۳، آموزش، طراحی صنعتی، درمانی، تعامل انسان و فناوری، و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی (Yin et al., 2024; Lehman, 2016; Erwine, 2017). در حوزه معماری و معماری داخلی، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که طراحی چندحسی با ایجاد تجربیات متنوع حسی و درگیرکردن تمامی حواس انسانی، می‌تواند به خلق تجربیات ماندگار، حفظ خاطرات فردی و جمعی، افزایش تعامل و رضایت کاربران، تقویت حس هویت و تعلق مکانی، و تأثیر بر حافظه منجر شود (مقربى و فروتن، ۱۳۹۴؛ مرادی و ایمانی، ۱۳۹۶؛ Malnar & Vodvarka, 2004؛ علی بورونی، ۱۳۹۹؛ اکبری و فالامکی، ۱۳۹۵).

در حوزه طراحی صنعتی، به‌ویژه طراحی محصولات و بسته‌بندی، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ترکیب نشانه‌های حسی می‌تواند تجربه مصرف‌کنندگان و تصمیم‌گیری خرید آنها را تحت تأثیر قرار دهد (Park & Alderman, 2018; Velasco & Spence, 2019). در حوزه محیط‌های درمانی، یافته‌های اویسی^{۲۴} (۲۰۱۴) نشان داده‌اند که نورپردازی مناسب و مصالح بافت‌دار با کاهش استرس و افزایش حس آرامش، نقشی مؤثر در بهبود تجربه بیماران دارند. همچنین، موتسو^{۲۵} (۲۰۲۳) طراحی فضاهای چندحسی در اتاق‌های مشاوره را در تقویت تعاملات احساسی مؤثر می‌داند. در حوزه فرهنگی و اجتماعی، السینا^{۲۶}، رانگل^{۲۷} و ایزابل^{۲۸} (۲۰۱۸) نقش عناصر حسی در تقویت تعاملات اجتماعی در بازارهای تاریخی را بررسی کرده‌اند. هاوز^{۲۹} (۲۰۲۳) به تأثیر بسترهای فرهنگی و اجتماعی بر ادراکات حسی پرداخته است، و استنسلاند^{۳۰} (۲۰۲۳) بیان کرده که اتمسفرهای فضایی می‌توانند تعاملات اجتماعی و تجربه‌های انسانی را بهبود بخشند. همچنین پژوهش‌هایی در حوزه آموزش و یادگیری بر اساس اثرپذیری از طراحی حسی وجود دارند (Marshalsey, 2023; Zi, 2021; Parker, 2018). در حوزه ایجاد آسایش برای توان‌یابان نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است (Pagliano, 2012; Vermeersch, 2013). در حوزه طراحی بناها با رویکرد طراحی حسی نیز تجاربی وجود دارد که در «جدول ۲» مجموعهٔ آنها قابل مطالعه است.

را تحت تأثیر قرار دهند (Lehman, 2016, p. 43). کالورت^{۳۱}، اسپنس و استاین^{۳۲} (۲۰۰۴) به تعاملات نورون‌های چندحسی و نقش کولیکولوس فوقانی^{۳۳} در همگرایی ورودی‌های حسی و تأثیر آنها بر ادراک محیطی پرداخته‌اند. اسپنس (۲۰۲۰) نیز به اهمیت همبستگی‌های حسی متقابل در تجربه محیطی اشاره کرده است، مانند ارتباط رنگ نور با راحتی و صدا با احساس امنیت. در حوزه طراحی بیوفیلیک، بین^{۳۴}، ژو^{۳۵} و یوان^{۳۶} (۲۰۲۴) تأثیر ترکیب نشانه‌های بصری و غیر بصری در کاهش فشار خون، استرس، بهبود تمرکز و آرامش را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که ترکیب چند حس تأثیرات قوی‌تری نسبت به محرک‌های تک‌حسی دارد و استانداردهای طراحی محیط‌های ساخته‌شده را ارتقا می‌دهد. همچنین، گودرزی آزاد و زبردستان (۱۴۰۱) بر اهمیت الهام از طبیعت در بهبود کیفیت فضا و افزایش کارایی در معماری چندحسی تأکید کرده‌اند. در پژوهش‌های حوزه فناوری و طراحی حسی، فرح^{۳۷}، رمضان^{۳۸} و حرب^{۳۹} (۲۰۱۹) نشان داده‌اند که ابزارهای پوشیدنی مانند هدست‌های واقعیت مجازی با ایجاد تجربه‌های چندحسی و شبیه‌سازی‌های تعاملی می‌توانند تعامل و رضایت مصرف‌کنندگان را افزایش دهند و به فروشگاه‌های فیزیکی در جبران کاهش ترافیک حضوری کمک کنند. همچنین، ولاسکو^{۴۰} و اوبریست^{۴۱} (۲۰۲۰) تأثیر فناوری‌های واقعیت مجازی و افزوده در ایجاد محیط‌های واقع‌گرایانه را بررسی کرده‌اند.

جدول ۲. بناهای ساخته شده (طراحی شده) با رویکرد طراحی حسی.

مجموعه آب‌درمانی ترم والس Therme Vals / 1996	نمایشگاه بنگ‌اند اولافسن Bang & Olufsen / 2023	فروشگاه‌های سب Aesop / 2024	فروشگاه مفهومی زیکر Zeekr / 2024	نمایشگاه آگاه: معماری و حواس Aware – architecture and senses / 2024
طراحی با الهام از معدن، سنگ محلی و نور طبیعی، فضایی آرام و حسی خلق کرده که معماری و طبیعت را به‌گونه‌ای مینیمال درهم می‌آمیزد.	با طراحی چندحسی، بهره‌گیری از مواد پایدار و فضاهای فرهنگی، تجربه‌ای فراگیر ارائه می‌دهد و هم‌زمان، هویت ویزند را در کنار مشارکت جامعهٔ خلاق به نمایش می‌گذارد.	با دیوارهای صابونی معطر، فضایی چندحسی و پایدار خلق کرده که حواس بینایی، بویایی و لامسه را درگیر می‌سازد و تعهد ویزند به سادگی و پایداری را بازتاب می‌دهد.	با تلفیق معماری تاریخی و فناوری پیشرفته، فضایی پویا و تعاملی برای تجربه‌ای نوآورانه از وسایل نقلیهٔ الکتریکی فراهم می‌سازد.	اینستالیشن‌هایی مانند پلکان مارپیچ قرمز، پبله چوبی، و دیوارهای انعکاسی که با نور، صدا و مواد طبیعی تجربه‌ای حسی و تعاملی ایجاد می‌کند.
تجربه و ادراک حسی جامع / هماهنگی و حس تعلق	غنی‌سازی تجربه و تداعی حسی ویزند / تعامل و مشارکت	تجربه و ادراک حسی جامع / معنا و هویت	تعامل و مشارکت / تجربه و ادراک حسی جامع / هماهنگی و حس تعلق	تأثیرات عاطفی و روانی / هماهنگی و حس تعلق



ادامهٔ جدول ۲. بناهای ساخته شده (طراحی شده) با رویکرد طراحی حسی.

تصویر	فروشگاه قهوه بین‌روم Beanroom / 2024	موزه صوتی آدیوم Audeum / 2024	فروشگاه ای‌شپ Aesop / 2024	پایون پارادا کوکاکولا Parada Coca-Cola / 2016	استودیو گلکسی سامسونگ Samsung Galaxy / 2016
تجزیه و تحلیل	با طراحی مینیمالیستی، وترین تعاملی پویا، پیشخوان مرکزی چندمنظوره، و قفسه‌بندی مدولار، همراه با نور طبیعی و عطر قهوه، تجربه‌ای حسی و متمایز ارائه می‌دهد.	با نمای آلومینیومی شبیه آبشار، انتقال آرام به فضای داخلی چوبی، رایحه چوب سرو، و بازی نور و سایه، تجربه‌ای حسی ارائه می‌دهد که بازدیدکنندگان را به آرامش و تعامل دعوت می‌کند.	با چوب ساج احیا شده، گرانبه محلی، و طراحی وایب سابی، فضای حسی ایجاد کرده است. اتاق مخصوص برای تجربه رایحه و سینک مرکزی الهام‌گرفته از سنت تایلندی، حس اصالت را ارائه می‌دهند.	با سایبانی از ۵۰۰ گوی اکریلیک، نورپردازی تعاملی، و مناطق واقعیت افزوده، تجربه‌ای چندحسی از جوشش کوکاکولا ارائه می‌دهد و میراث محلی را با طراحی مدرن ترکیب می‌کند.	با طراحی بازتابنده و فضاهای تعاملی، تجربه‌ای فراگیر از فناوری سامسونگ، شامل واقعیت مجازی، موسیقی و نمایش رسانه‌های اجتماعی ارائه می‌دهد.
ملاحظات	کیفیت و سازمان‌دهی بصری / تعامل و مشارکت	تجربه و ادراک حسی جامع / منابع طبیعی / تأثیرات عاطفی و روانی	تجربه و ادراک حسی جامع / منابع طبیعی / هماهنگی و حس تعلق	تجربه و ادراک حسی جامع / هماهنگی و حس تعلق	تأثیرات عاطفی و روانی / هماهنگی و حس تعلق
تصویر	فروشگاه پرچم‌دار میت MATE / 2021	فروشگاه پرچم‌دار هواوی Huawei / 2023	فروشگاه پرچم‌دار آدیداس Adidas Sanlitun / 2023		
تجزیه و تحلیل	با طراحی صنعتی، نورهای نئونی و تجربه دوچرخه‌سواری مجازی در مناظری سورئال، هویت جسورانه و پویای ویژگی‌ها را به نمایش می‌گذارد.	با نمایی شبیه به گلبرگ، طراحی پایدار، و تجربه‌های واقعیت افزوده، فضای فراگیر ایجاد کرده که پیوندی میان دنیای دیجیتال و فیزیکی ارائه می‌دهد.	با ترکیب فناوری دیجیتال و فضاهای فیزیکی، تجربه‌ای چندحسی و فراگیر ارائه می‌دهد. مناطق تعاملی این فروشگاه ارزش‌های آدیداس در نوآوری و فراگیری را به نمایش می‌گذارند.		
ملاحظات	تعامل و مشارکت / نورپردازی و آکوستیک / غنی‌سازی تجربه و تداعی حسی ویژگی‌ها	تجربه و ادراک حسی جامع / تعامل و مشارکت / عناصر بصری و زیبایی‌شناسی	تجربه و ادراک حسی جامع / نوآوری در تجربه خرید تعامل و مشارکت		

(2017). این پژوهش تلاش دارد تأثیرات پایدار طراحی حسی بر کاربران را از جنبه‌های روان‌شناختی، عاطفی و اجتماعی تحلیل و از طریق آن نسبت به ارائه راهکارهای طراحی اقدام نماید. این راهکارها مبتنی بر سنجش کیفی و کمی پیش می‌رود و مبتنی بر یک تکیه‌گاه علمی خواهند بود.

چارچوب نظری ۱. طراحی حسی

طراحی حسی با بهره‌گیری از حواس انسانی و اصول روان‌شناختی، از طریق عناصر حسی مانند رنگ، نور، صدا، بافت و دما، واکنش‌های عاطفی کاربران را برمی‌انگیزد و ارتباط آنها با محیط را تقویت می‌کند (Pagliano, 2012; Ranne, 2012).

با وجود تحقیقات متعدد درباره تأثیرات مثبت طراحی حسی، هنوز خلأهایی مانند عدم وجود مطالعات جامع درباره تأثیرات بلندمدت آن بر رفتار و ادراک کاربران وجود دارد. تحقیقات کنونی بیشتر به تأثیرات کوتاه‌مدت پرداخته‌اند (Yin, Xu, & Yuan, 2024) و نیاز به مطالعات طولانی‌مدت برای ارزیابی تأثیرات پایدار این رویکرد در محیط‌های فروشگاه‌های احساس می‌شود. همچنین، تمرکز بیشتر پژوهش‌ها بر جنبه‌های زیباشناختی طراحی حسی بوده و تأثیر فرهنگ و نمادها بر ادراک حسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Pallasmaa, 2012; Sea-mon, 1987). تحقیقات بین‌رشته‌ای میان روانشناسی، علوم اعصاب و طراحی حسی می‌تواند به رویکردهای جامع‌تری برای بهبود تجربیات کاربری منجر شود (Spence, 2020; Erwine, 2020).

معماری، چندحسی است» و «چشم نیز می‌تواند لمس کند»؛ چرا که نگاه، تماس ناخودآگاه، تقلید بدنی و همانندسازی را در بر می‌گیرد. به‌زعم او، بدن «مرکز ارجاع، حافظه، تخیل و یکپارچگی ادراکی» است و تنها از طریق ادراک بدنی است که انسان می‌تواند با فضا پیوندی زیسته و معنادار برقرار کند (Pallasmaa, 2012, pp. 12). ادراک^{۳۳}، فرایندی پویا و چندحسی است که تحت تأثیر حافظه، تجربه‌های گذشته و زمینه‌های فرهنگی قرار دارد و از تعامل مداوم حواس، حرکت و محیط شکل می‌گیرد. مطالعات علوم اعصاب نشان می‌دهد که ادغام اطلاعات حسی مانند بینایی و شنوایی، ادراک فضایی را بهبود می‌بخشد (Driver & Spence, 2004). حافظه حسی^{۳۴} اطلاعات محیطی را به‌طور خام و کوتاه‌مدت ذخیره کرده و شامل حافظه بصری^{۳۵} و شنیداری^{۳۶} است. این حافظه با حافظه کوتاه‌مدت^{۳۷} و بلندمدت^{۳۸} تعامل داشته و در یادگیری و بازیابی اطلاعات نقش دارد (Baddeley, Eysenck, & Anderson, 2009). در طراحی، تحریک حواس مختلف با فعال‌سازی حافظه، خاطراتی ماندگار و احساسی ایجاد کرده و حس تعلق را تقویت می‌کند (Norman, 2005; Pallasmaa, 2012; Malnar & Vodvarka, 2004).

تجربه کاربری^{۳۹} به ادراکات، احساسات و پاسخ‌های کاربران در تعامل با فضاها، محصولات و خدمات می‌پردازد و شامل سطوح لحظه‌ای^{۴۰}، اپیزودیک^{۴۱} و تجمعی^{۴۲} است. این تجربه ابعاد عمل‌گرایانه^{۴۳} (تمرکز بر عملکرد) و لذت‌گرایانه^{۴۴} (جنبه‌های احساسی و زیبایی‌شناختی) را در بر می‌گیرد (زاهد و نقدیشی، ۱۴۰۳). فناوری‌هایی مانند واقعیت مجازی^{۴۵} و ابزارهای هوشمند، تعاملات کاربر را ساده و فراگیر می‌کنند (Hassenzahl, 2008). Ranne, 2019). هماهنگی میان ابعاد زیبایی‌شناختی، معنایی و عاطفی در طراحی، ارتباط کاربران را عمیق‌تر کرده و حس رضایت را افزایش می‌دهد (Hekkert, 2006; Spence, 2020). طراحی حسی با بهره‌گیری از عناصر فرهنگی و نمادین، تعاملات عاطفی را تقویت کرده و حس تعلق را افزایش می‌دهد. نمادهای فرهنگی معنای آشنا یا نو را آشکار ساخته و فضاهای هویتی، به عنوان محیطی ماندگار در ذهن کاربران ثبت می‌شوند (Malnar & Vodvarka, 2004). همچنین طراحی حسی، با تمرکز بر عناصر فرهنگی و نمادین، مانند رنگ، بافت و سبک‌های معماری، نقش مهمی در ایجاد تعاملات عاطفی و تقویت حس تعلق به محیط دارد. نمادهای فرهنگی، با پیوند اطلاعات جدید به تجربیات گذشته، معنای آشنا یا نو را برای کاربران آشکار

2019; Norman, 2005; Lindstrom, 2005; Erwine, 2017; Spence, 2020). این رویکرد کاربرمحور^{۴۱}، با تأکید بر هماهنگی حواس، حس حضور را افزایش می‌دهد. نورمن^{۴۲} (۲۰۱۳) طراحی را سازگار با روان‌شناسی انسانی می‌داند و پالاسما (۲۰۱۲) بر لزوم توجه به تمام حواس در معماری تأکید دارد. این انسجام حسی، محیط‌هایی کاربردی و تأثیرگذار خلق می‌کند. تعادل حسی با ایجاد هماهنگی میان حواس مختلف، تجربه‌ای پایدار برای کاربران فراهم می‌کند. تعامل حواس، مانند ارتباط بینایی و لامسه در شناخت سطوح، نقش مهمی در بهبود ادراک دارد (Naghdbishi & Eesazadeh Ziri, 2023). Velasco & Obrist, 2020; Malnar & Vodvarka, 2004; Aletta & Xiao, 2018; Degen & Rose, 2012). در این زمینه، تسلط حسی که بر اهمیت نسبی یک یا چند حس در تعامل کاربران تأکید دارد، در کنار تعادل حسی مدلی جامع برای طراحی ارائه می‌دهد. تعادل حسی هماهنگی ایجاد کرده و تسلط حسی با برجسته‌سازی حس غالب، تأثیرگذاری را افزایش می‌دهد (Fenko, Schifferstein & Hekkert, 2010).

طراحی حسی، با اتکا به نظریه‌های روان‌شناسی گشتالت و ادراک تجسم‌یافته، می‌کوشد تجربه کاربر از فضا را به فرایندی زیسته و معنادار بدل سازد. نظریه گشتالت با تأکید بر ادراک کل‌نگر، نشان می‌دهد که انسان محیط را به‌صورت یکپارچه و منظم درک می‌کند، نه به عنوان اجزای منفرد؛ از این رو در طراحی حسی، ترکیب هماهنگ عناصر بصری، صوتی و لمسی به ایجاد انسجام ادراکی کمک می‌کند (Ranne, 2019). همچنین این نظریه اصولی چون شباهت و نزدیکی را برای سازمان‌دهی داده‌های حسی معرفی می‌کند. در همین راستا، نظریه ادراک تجسم‌یافته بیان می‌دارد که ادراک، نه صرفاً یک فرایند ذهنی، بلکه حاصل تعامل بدن، محیط و دانش پیشین است؛ فرایندی که حتی در غیاب محرک‌های واقعی نیز از طریق شبیه‌سازی ذهنی و حافظه بدنی شکل می‌گیرد. ترکیب حواس و حرکات بدنی در این رویکرد، به سازمان‌دهی اطلاعات و کاهش بار حافظه کمک می‌کند (Wilson, 2002; Koffka, 1962). هاورکمپ (۲۰۱۲) با معرفی مفهوم طراحی سینستتیک، سازمان‌دهی ارتباط میان حواس را راهی برای خلق تجربه‌های هم‌زمان شناختی، عملکردی و عاطفی می‌داند. این دیدگاه‌ها در اندیشه‌های پدیدارشناسانه پالاسما نیز بازتاب یافته‌اند؛ جایی که او ادراک فضا را وابسته به ادغام تمامی حواس در بدن انسان دانسته و تأکید می‌کند که «هر تجربه لمسی از



معنادار وجود دارد. یافته‌ها نشانگر آن است که، عناصر بصری و زیبایی‌شناسی مهم‌ترین معیار اثرگذار بر طراحی حسی است و پس‌از آن مؤلفه‌های معنا و هویت، نورپردازی و آکوستیک، عملکرد و ارگونومی، تجربه و ادراک حسی جامع، هماهنگی و حس تعلق، کیفیت و سازمان‌دهی بصری، غنی‌سازی تجربه و تداعی حسی ویژگی‌های دارند که به ترتیب بالاترین میانگین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. (جدول ۳)

در این پژوهش برای ارزیابی میزان پایایی ابزارهای تحقیق از روش همسانی درونی یا آلفای کرونباخ استفاده شده است. همان‌طور که مشخص است، مقدار این آماره بیشتر از ۰/۷ است (جدول ۴)؛ امری که بیانگر پایایی و قابلیت اطمینان پرسش‌نامه موردنظر برای تحلیل‌های بعدی است.

جدول ۳. اولویت‌بندی مؤلفه‌های اثرگذار طراحی حسی بر معماری فضاهای فروشگاه‌های بر اساس میانگین رتبه

میانگین رتبه	مؤلفه‌ها
۵/۸۹	عناصر بصری و زیبایی‌شناسی
۵/۸۳	معنا و هویت
۵/۷۶	نورپردازی و آکوستیک
۵/۷۱	عملکرد و ارگونومی
۵/۴۳	تجربه و ادراک حسی جامع
۵/۳۱	هماهنگی و حس تعلق
۵/۲۸	کیفیت و سازمان‌دهی بصری
۵/۱۲	غنی‌سازی تجربه و تداعی حسی ویژگی‌ها
۴۶۱	تأثیرات عاطفی و روانی
۴۸۱	تعامل و مشارکت
۳/۷۶	منابع طبیعی
۳/۱۲	صوت
۳/۰۹	تعهد زیست‌محیطی
۲/۹۸	نوآوری در تجربه خرید
۲/۱۵	رضایت

جدول ۴. میزان پایایی سؤالات پرسشنامه.

پایایی تحلیل‌های آماری	
تعداد موارد	آلفای کرونباخ
۸۷	۰/۹۸۶

می‌سازند. فضاهای دارای هویت فرهنگی و تاریخی نیز با ایجاد حس آشنایی، به عنوان فضایی ماندگار در ذهن کاربران ثبت می‌شوند (غضنفریان و همکاران، ۱۴۰۰).

۲. فضاهای فروشگاه‌های (فیزیکی و دیجیتال)

فضاهای فروشگاه‌های، فیزیکی یا دیجیتالی، با پاسخگویی به نیازهای مشتریان، بستری برای تبادل ارزش و تعاملات اجتماعی فراهم می‌کنند (Kotler et al., 2019). این فضاها با تحولاتی نظیر فروشگاه‌های بزرگ و سکوها، تجربه خرید را با فناوری‌هایی مانند واقعیت افزوده^{۴۶} متحول کرده و ویژگی‌ها را به نماد نوآوری تبدیل می‌کنند (Vernet & de Wit, 2007; Pine & Gilmore, 2011; Miles, 2021; Stobart & Howard, 2018; Solomon, 2019; Mohammed et al., 2024). فروشگاه‌های پوشاک با تطبیق طراحی با فرهنگ‌های محلی و معرفی گرایش‌های جهانی، به تبادل فرهنگی و نوآوری در مد کمک می‌کنند. آنها با خدماتی مانند مشاوره سبک و تنوع مد، بیان هویت فردی و تعاملات اجتماعی را تسهیل می‌کنند (Hameli, 2018; Levy, Weitz, & Grewal, 2013; Bish- (noi & Singh, 2022; Solomon, 2019; Kepron, 2014). طراحی داخلی فروشگاه‌ها با بهره‌گیری از اصول طراحی حسی، تجربه‌ای جامع برای مشتریان فراهم می‌کند. ترکیب نورپردازی هوشمند، جریان فضایی کارآمد و چیدمان انعطاف‌پذیر، محیطی دعوت‌کننده ایجاد کرده و استفاده از مواد بازیافتی، پایداری محیطی را تقویت می‌کند (Mesher, 2010; Kepron, 2014). علاوه بر این، عناصر غیر دیداری مانند صدا، بو و لمس، حس آرامش و اعتماد را افزایش داده و با بازتاب هویت ویژگی‌ها از طریق نشان، رنگ و تابلوها، ارتباط عاطفی مشتریان را تقویت می‌کنند (Van Campen, 2014; Helmeffalk & Hultén, 2017; Pallasmaa, 2012; Kepron, 2014; Ebster & Garaus, 2011; Mesher, 2010). این طراحی جامع، فروشگاه را به نقطه تماسی حیاتی میان ویژگی‌ها و کاربران تبدیل کرده و موفقیت تجاری را ارتقا می‌دهد (Has-senzahl, 2008; Helmeffalk & Hultén, 2017).

تحلیل یافته‌ها

مبتنی بر یافته‌های پژوهش، بین مؤلفه‌های مؤثر طراحی حسی و ارتباط آنها با معماری داخلی فروشگاه‌های مختلف

جدول ۵. آزمون پایایی گاتمن و آزمون فریدمن.

۱	۰/۸۶۴	آزمون فریدمن	
۲	۰/۸۳۲	N	۱۰۰
۳	۰/۸۹۰	Chi-Square	۴۷۴/۳۴۳
۴	۰/۹۳۶	df	۲۱
۵	۰/۸۱۲		
۶	.	Asymp.sig	۰/۰۰۰
تعداد	۳۰		

جدول ۶. اولویت‌بندی مؤلفه‌های اثرگذار بر طراحی حسی بر اساس آزمون فریدمن.

میانگین رتبه	شاخص‌ها	میانگین رتبه	مؤلفه‌ها
۱۳/۵۸	تجربه چندحسی	۵/۷۳	تجربه و ادراک حسی جامع
۱۳/۸۹	تسلط حسی		
۱۳/۱۴	سلسله‌مراتب حسی		
۱۴/۰۴	پاسخ عاطفی و احساسی	۳/۸۹	تأثیرات عاطفی و روانی
۱۱/۶۵	آسایش عاطفی و روانی		
۱۴/۹۸	تناسب و هماهنگی	۵/۸۶	هماهنگی و حس تعلق
۱۳/۶۷	حس تعلق به مکان		
۱۳/۱۸	منابع تجدیدپذیر و طبیعی	۳/۱۲	منابع طبیعی
۱۳/۳۲	اصول گشتالات	۴/۷۳	کیفیت و سازمان‌دهی بصری
۱۲/۰۴	طراحی صوتی	۴/۰۱	صوت
۱۴/۱۲	بهبود تجربه کاربری	۵/۱۴	غنی‌سازی تجربه و تداعی حسی و بزند
۱۳/۶۷	ویژندسازی حسی		
۱۳/۱۸	مشارکت و تعامل کاربر	۳/۵۱	تعامل و مشارکت
۱۱/۶۳	تعاملات فناوری		

شاخص‌های اثرگذار بر دستیابی به معماری داخلی فروشگاه‌ها با رویکرد طراحی حسی نشان می‌دهد مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر بر ارتقاء طراحی حسی به ترتیب عبارت‌اند از: عناصر بصری و زیبایی‌شناسی، معنا و هویت، نورپردازی و آکوستیک، عملکرد و ارگونومی، تجربه و ادراک حسی جامع، هماهنگی و

روش گاتمن^{۴۷} برخلاف پایایی آلفای کرونباخ بر اساس متغیرها، پایایی را بررسی نمی‌کند بلکه برای سنجش پایایی پاسخ‌ها را بررسی و در همین راستا پاسخ‌ها را در ۶ دسته تقسیم می‌کند و برای هر دسته ضریب لامبدا^{۴۸} محاسبه می‌شود. در روش گاتمن نیز مشابه آلفای کرونباخ مقدار آماره باید بیشتر از ۰/۷ باشد. بر طبق «جدول ۵» پایایی تحقیق بر اساس روش گاتمن نیز مورد تأیید قرار گرفت.

آزمون فریدمن / تحلیل واریانس دو طرفه

در این پژوهش به منظور سنجش آرای افراد و رتبه‌بندی میزان اهمیت هریک از مؤلفه‌های اثرگذار بر دستیابی به معماری داخلی فروشگاه‌ها با رویکرد طراحی حسی، از آزمون فریدمن استفاده شده است. در تفسیر نتایج آزمون فریدمن، برای اینکه پی ببریم آیا تفاوت میانگین آرای افراد از مؤلفه‌های معنادار است یا خیر، باید از نتایج «جدول ۵» (Test-statistics) استفاده کنیم.

آزمون فریدمن علاوه بر معناداری، تفاوت یا عدم تفاوت میانگین رتبه مؤلفه‌ها از دیدگاه افراد پاسخگو، به اولویت‌بندی معیارها از دیدگاه افراد بین این مؤلفه‌ها می‌پردازد. برای رسیدن به این منظور می‌توانیم از نتایج «جدول ۶» (تحت عنوان Ranks) استفاده کنیم.

مبتنی بر یافته‌های پژوهش، بین مؤلفه‌های اثرگذار بر دستیابی به معماری داخلی فروشگاه‌ها با رویکرد طراحی حسی ارتباط معنادار وجود دارد. یافته‌ها نشانگر آن است که از دیدگاه افراد شرکت‌کننده در پژوهش، تجربه و ادراک حسی و هماهنگی و حس تعلق مهم‌ترین معیار اثرگذار بر معماری داخلی فروشگاه‌ها با رویکرد طراحی حسی است و پس از آن غنی‌سازی تجربه و تداعی حسی و بزند و کیفیت و سازمان‌دهی بصری جای دارند که به ترتیب بالاترین میانگین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند.

از این رو در «جدول ۷» معیارهای مؤثر بر فضاهای فروشگاه‌ها بررسی شده است. این بخش از پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌های عناصر بصری و زیباشناسی و نورپردازی و آکوستیک در معماری داخلی فروشگاه‌ها مرتبط با شاخص‌های طراحی حسی است. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: آکوستیک و صدا، سلسله‌مراتب، ریتم و باورها و ارزش‌ها. با توجه به موارد گفته شد با در نظر داشتن شاخص‌های طراحی حسی می‌توان گامی مهم در ارتقاء کیفیت فروشگاه‌ها برداشت.

همان‌طور که یافته‌های پژوهش در واکاوی دیدگاه افراد از



جدول ۷. اولویت‌بندی مؤلفه‌های اثرگذار بر فضاهای فروشگاه‌ها بر اساس آزمون فریدمن.

مؤلفه‌ها	میانگین رتبه	شاخص‌ها	میانگین رتبه
عناصر بصری و زیبایی‌شناسی	۵٫۶۱	فرم	۱۳٫۲۱
		تعادل	۱۲٫۰۸
		تضاد	۱۳٫۱۴
		ریتم	۱۳٫۳۴
		تناسب	۱۴٫۳۳
		هارمونی	۱۳٫۱۴
		مقیاس	۱۳٫۳۴
عملکرد و ارگونومی	۴٫۳۹	رنگ	۱۱٫۳۳
		عملکرد	۱۴٫۱۲
		ارگونومی	۱۱٫۷۸
		سیرکولاسیون	۱۱٫۰۳
نورپردازی و آکوستیک	۵٫۳۲	وینترین‌ها	۱۲٫۸۴
		نورپردازی	۱۳٫۲۱
معنا و هویت	۴٫۸۹	آکوستیک و صدا	۱۲٫۰۸
		نماد	۱۴٫۱۳
		نشانه	۱۱٫۱۲
		سلسله‌مراتب	۱۴٫۰۳
		باورها و ارزش‌ها	۱۴٫۸۷
تعهد زیست‌محیطی	۳٫۶۱	پایداری و محیط زیست	۱۳٫۵۴
نوآوری در تجربه خرید	۳٫۷۶	فناوری و نوآوری	۱۴٫۰۲
رضایت	۳٫۷۶	خدمات	۱۴٫۳۳

جدول ۸. خلاصه مدل.

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعدیل شده	خطای برآورد
۱	۰٫۸۹۶	۰٫۵۱۲	۰٫۵۶۲	۰٫۸۷۵۳

جدول ۹. ANOVA.

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F آماره	سطح معنی‌داری
۱	۲۶٫۰۱۲	۹	۳٫۴۶۰	۵٫۶۳۴	۰٫۰۰
	۱۱٫۷۶ (خطا)	۲۱	۰٫۵۳۴		
کل	۳۶٫۵۶۴	۲۴			

حس تعلق، کیفیت و سازمان‌دهی بصری و غنی‌سازی تجربه و تداعی حسی ویژگی‌هاست.

نتایج حاصل از «جدول ۸» نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰٫۸۹۶ است که این نشان می‌دهد

بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته پژوهش، همبستگی بسیار قوی وجود دارد و از سوی دیگر مقدار ضریب تعدیل شده (R Square) برابر است با ۰٫۵۶۲/درصد که نشان دهنده این است که ۵۶/۳ درصد از مفاهیم ارتقاء طراحی حسی توزیع به ۸ مؤلفه کلی مورد بررسی شامل عناصر بصری و زیبایی‌شناسی، معنا و هویت، نورپردازی و آکوستیک، عملکرد و ارگونومی، تجربه و ادراک حسی جامع، هماهنگی و حس تعلق، کیفیت و سازمان‌دهی بصری و غنی‌سازی تجربه و تداعی حسی ویژگی‌هاست. «جدول ۱۰» آزمون مربوط به جدول ANOVA است که برازندگی مدل را بررسی می‌کند.

باتوجه به معنادار بودن مقدار آزمون F در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۰۲ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از چهار متغیر مستقل و یک متغیر وابسته مدل مناسبی است و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند معیارهای طراحی حسی را تبیین کنند.

رابطه بین مؤلفه‌ها

به منظور سنجش رابطه بین مؤلفه‌های اثرگذار بر دستیابی به معماری داخلی فروشگاه‌ها با رویکرد طراحی حسی با یکدیگر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود.

با توجه به یافته‌های «جدول ۱۰»، مشاهده می‌شود که بین ابعاد کلی اثرگذار بر دستیابی به معماری داخلی فروشگاه‌ها با رویکرد طراحی حسی رابطه دوسویه‌ای برقرار است، به این معنا که توجه به طراحی حسی، معنا و هویت و عملکرد و ارگونومی و غنی‌سازی تجربه و تداعی حسی ویژگی‌ها سبب ارتقا کیفیت حسی در فضاهای فروشگاه‌ها می‌گردد. «نمودار ۲» نشانگر ارتباطات دوسویه هر یک از مفاهیم اثرگذار بر دستیابی به معماری داخلی فروشگاه‌ها با رویکرد طراحی حسی با یکدیگر است. در این جدول اعداد ذکر شده ضریب ۲ هستند که با توجه به مثبت بودن اعداد همبستگی مثبت و معنادار را نمایش می‌دهند. همچنین میزان ضریب P آنها کمتر از ۰/۰۱ است. کوچک‌تر از ۰/۰۱ نشان‌دهنده این است که با افزایش هر متغیر، متغیر متناظر آن نیز تمایل به افزایش دارد. براین اساس به نظر می‌رسد مؤلفه‌های «جدول ۱۱» دارای همبستگی مثبت و معنادار هستند.

آزمون فرضیات

به منظور پاسخگویی به فرضیات و بررسی نقش طراحی حسی



جدول ۱۰. ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین هریک از مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار بر معماری داخلی فروشگاه‌ها.

معیارهای اثرگذار معماری داخلی فروشگاه‌ها	عناصر بصری و زیبایی‌شناسی	معنا و هویت	نورپردازی و آکوستیک	عملکرد و ارگونومی	تجربه و ادراک حسی جامع	هماهنگی و حس تعلق	کیفیت و سازمان‌دهی بصری	غنی‌سازی تجربه و تداعی حسی ویژه
عناصر بصری و زیبایی‌شناسی	۱							
معنا و هویت	**۰,۹۵۴	۱						
نورپردازی و آکوستیک	**۰,۷۴۲	**۰,۵۳۱	۱					
عملکرد و ارگونومی	**۰,۹۸۹	**۰,۹۹۱	**۰,۷۷۴	۱				
تجربه و ادراک حسی جامع	**۰,۸۰۳	**۰,۶۵۷	**۰,۷۱۴	**۰,۷۳۱	۱			
هماهنگی و حس تعلق	**۰,۷۶۰	**۰,۷۶۳	**۰,۵۴۰	**۰,۸۵۲	**۰,۸۲۵	۱		
کیفیت و سازمان‌دهی بصری	**۰,۸۷۱	**۰,۷۲۱	**۰,۶۵۳	**۰,۷۰۹	**۰,۶۵۳	**۰,۷۸۱	۱	
غنی‌سازی تجربه و تداعی حسی ویژه	**۰,۸۹۷	**۰,۷۵۱	**۰,۸۰۳	**۰,۶۶۰	**۰,۵۴۳	**۰,۷۹۰	**۰,۷۳۰	۱

**p<0.01 و *p<0.05

یافته‌های پژوهش بر اساس «جدول ۱۱» نشان می‌دهند که توجه به مؤلفه‌های طراحی حسی در معماری داخلی فروشگاه‌ها تأثیر قابل توجهی بر کیفیت فضاها دارد. میانگین به‌دست‌آمده برای فرضیه اول (۳/۸۷) بالاتر از سطح مطلوب و مورد انتظار است و بر اساس جدول ۱۲ فرضیه دوم نیز با میانگین (۳/۵۶) تأیید می‌شود. این نتایج نشان می‌دهند که اصول طراحی حسی می‌توانند به ارتقاء کیفیت فضاها و فروشگاه‌ها کمک کنند. با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، ارتباط دوسویه میان

بر فضاها و فروشگاه‌ها از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است، تا تفاوت میانگین به‌دست‌آمده با میانگین مورد انتظار ارزیابی شود. این فرضیه عبارت بودند از:
۱. ادغام شاخصه‌های طراحی حسی در فضای فروشگاه‌ها به القای حس بهتر در تجربه کلی مشتریان منجر می‌شود.
۲. ارزیابی کیفیت طراحی معماری داخلی فروشگاه‌ها مبتنی بر رویکرد طراحی حسی موجب بهبود کیفیت طراحی می‌شود. (جدول ۱۲)

جدول ۱۱. آمار تک‌نمونه‌ای / آزمون تی تک نمونه‌ای.

معیار	Mean	Std.Deviation	Std.Error Mean		
ادغام شاخصه‌های طراحی حسی در فضای فروشگاه‌ها	۳/۸۷	۱/۵۴۳	۰/۱۲۷		
Test Value = 3					
نقش مؤلفه‌های حسی	t	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
				Lower	upper
	۴/۷۴۵	۰/۰۰۰	۰/۶۴۲	۰/۴۲	۰/۹۱

جدول ۱۲. آمار تک نمونه‌ای / آزمون تی تک نمونه‌ای.

معیار	Mean	Std.Deviation	Std.Error Mean		
ارزیابی کیفیت طراحی معماری داخلی فروشگاه	۳/۵۶	۱/۴۶۹	۰/۱۲۳		
Test Value = 3					
محیطی، فضایی و عملکردی	t	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
				Lower	upper
	۴/۳۲۱	۰/۰۰۰	۰/۵۷۲	۰/۴۳	۰/۹۱

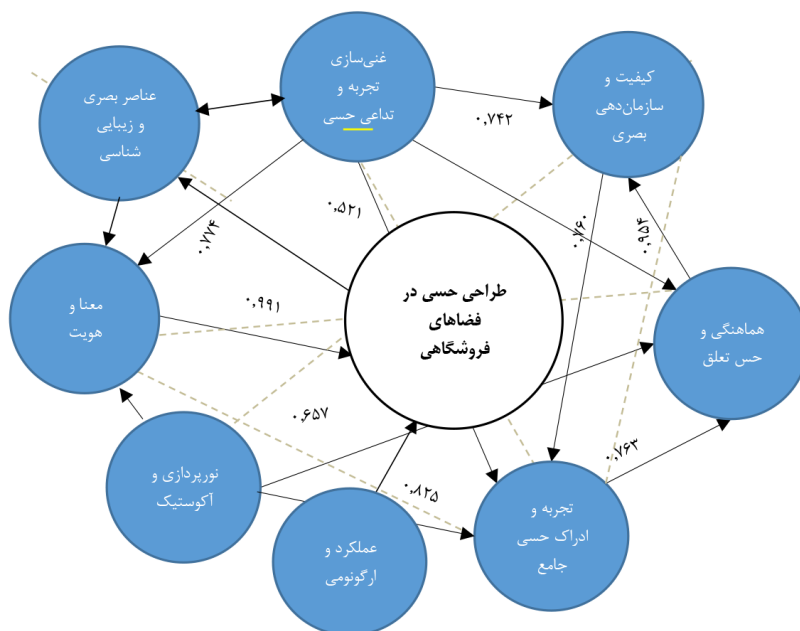


نتایج آزمون فرضیات نیز نشان داد که ادغام شاخص‌های طراحی حسی در فضاهای فروشگاه‌ها، به بهبود تجربهٔ کلی مشتریان و ارتقای کیفیت طراحی منجر می‌شود. در پاسخ به سؤالات پژوهش، فرایند پژوهش نشان داد که در میان انبوه مؤلفه‌ها (۱۴۳ مؤلفه)، ۱۵ مؤلفه به عنوان مؤلفه‌های گزینشی استخراج شده‌اند که در این میان، ۸ مؤلفه ذکر شده دارای بیشترین میزان تأثیرگذاری و اهمیت بوده‌اند. «جدول ۱۳» نیز، در سه حوزهٔ راهکارهای فرمی، عملکردی و نمادین، و بر پایهٔ مؤلفه‌های اثرگذار مدل ظهوریافته (نمودار ۲)، نمونه‌ای از راهکارهای عملی و علمی پیشنهادی برای طراحان را ارائه می‌دهد. این جدول صرفاً یک نمونهٔ پیشنهادی است و بسته به شرایط هر پروژهٔ معماری داخلی، می‌توان راهکارهایی متفاوت از آن استخراج کرد. نتایج تحقیق در مقایسه با سایر پژوهش‌های انجام شده نشان از همسویی با پژوهش‌های هلمفالک^{۴۹} و هولتن^{۵۰} (۲۰۱۷)؛ پارک^{۵۱} و آلدمن^{۵۲}، (۲۰۱۸)؛ و ولاسکو^{۵۳} و اسپنس (۲۰۱۹) دارد. از طرف دیگر پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی از جمله ذهنی و فردی بودن تجربه‌های حسی که می‌توانست به کاهش دقت سنجش آنها منجر می‌شود، عدم امکان تفکیک دقیق اثر هر یک از ادراکات پنج‌گانه حسی^{۵۴}، فقدان تنوع جغرافیایی، فرهنگی یا اقتصادی در نمونه‌گیری، عدم امکان انتساب و تعمیم یافته‌ها برای تمامی

مفاهیم مؤثر بر فضاهای فروشگاه‌ها بررسی شد. یافته‌ها حاکی از آن است که توجه به مؤلفه‌های معنا، هویت، عملکرد، ارگونومی و تداعی حسی ویژگی‌ها، تأثیر قابل توجهی بر افزایش کیفیت حسی فضا دارد (با ضریب همبستگی ۰/۹۸۹) به عبارت دیگر، هر چه الگوبرداری از مؤلفه‌های حسی و توجه به کیفیت زیبایی‌شناسی افزایش یابد، کیفیت حسی فضاهای فروشگاه‌ها بهبود می‌یابد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با مرور مؤلفه‌های اثرگذار طراحی حسی منتج از نظریه روان‌شناسی ادراک، تلاش کرد تا ضمن احصاء مؤلفه‌های اصلی، میزان تأثیرگذاری آنها بر معماری داخلی فضاهای فروشگاه‌ها را بررسی کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر بر طراحی حسی در فضاهای فروشگاه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: عناصر بصری و زیبایی‌شناسی، معنا و هویت، نورپردازی و آکوستیک، عملکرد و ارگونومی، تجربه و ادراک حسی جامع، هماهنگی و حس تعلق، کیفیت و سازمان‌دهی بصری و غنی‌سازی تجربه و تداعی حسی ویژگی‌ها. همچنین، میزان همبستگی میان مؤلفه‌های ذکر شده بر یکدیگر مثبت و معنادار است. این بدین معنا است که با افزایش میزان توجه به هر مؤلفه، کیفیت معماری داخلی نیز افزایش می‌یابد.



نمودار ۲، مدل ظهوریافته: روابط همبستگی بین مفاهیم اثرگذار بر دستیابی به معماری داخلی فروشگاه‌ها با رویکرد طراحی حسی.

جدول ۱۳. راهکارهای طراحی بر اساس مؤلفه‌های اثرگذار.

مؤلفه	مفهوم	راهکارهای طراحی		
		عملکردی	فرمی	نمادین
عناصر بصری و زیبایی‌شناسی (فرم، تعادل، تضاد، ریتم، تناسب، هارمونی، مقیاس، رنگ)	درک محیط تحت تأثیر فرم، تعادل، تضاد، ریتم و تناسب است که انسجام بصری را تقویت کرده و مقیاس و رنگ در انتقال پیام اهمیت دارند	چیدمان فضا باید باز و منظم باشد تا ازدحام بصری کاهش یابد. با استفاده از عناصر شاخص برای جذب توجه و هدایت حرکت	استفاده از خطوط ساده و احجام هندسی همراه با رنگ‌های خنثی و تأکید ویژند، تعادل بصری و جذابیت فضا را افزایش می‌دهد	استفاده از رنگ ویژند، در طراحی اجزای فضا، هویت بصری و انسجام طراحی را تقویت می‌کند
معنا و هویت (نماد، نشانه، سلسله‌مراتب، باورها و ارزش‌ها)	هویت و معنا در طراحی از طریق نمادها، سلسله‌مراتب و باورها شکل می‌گیرند که مفاهیم را منتقل کرده و به فضا هویت فرهنگی و احساسی می‌بخشد	طراحی فروشگاه می‌تواند هویت ویژند را از طریق عناصر فرهنگی و فضاهای چندمنظوره به نمایش بگذارد و با ایجاد بخش‌های خصوصی، حس تعلق و وفاداری مشتریان را تقویت کند	استفاده از فرم‌ها و نمادهای طبیعی مانند برگ و گل، همراه با مصالح بازتابی و ترکیب عناصر مدرن با نشانه‌های تاریخی، پیوند ویژند با پایداری و هویت آن را تقویت می‌کند	نمایش نشان در ورودی و نقاط کلیدی با حکاکی مینیمال هویت ویژند را تقویت کرده، در کنار استفاده از هنر مفهومی و نمایشگرهای دیجیتال پیام‌های آموزشی ویژند را به‌طور جذاب منتقل می‌کند
نورپردازی و آکوستیک	نورپردازی و آکوستیک با تنظیم نور محیطی و صدا، تجربه فضایی را شکل داده و به کاهش نویز و ایجاد حس آرامش یا هیجان کمک می‌کنند	مدیریت نور و صدا به‌صورت عرصه‌بندی‌شده، با استفاده از نورپردازی تطبیقی و تفکیک مناطق پرچشم‌وجوش و آرام، تجربه‌ای راحت و متمرکز برای مشتریان فراهم می‌آورد	ترکیب نورپردازی و آکوستیک در معماری داخلی با استفاده از نورهای خاص و مصالح جذب صدا، تجربه فضایی را ارتقاء داده و جذابیت بصری و پویایی فضا را افزایش می‌دهد	نور و صدا با تنظیم رنگ نور و امضای صوتی ویژند، پیام‌های هویتی و ارزش‌های ویژند را منتقل کرده و تجربه‌ای حسی و ماندگار برای مشتریان ایجاد می‌کنند
عملکرد و ارگونومی (عملکرد، چیدمان، ارگونومی، سیرکولاسیون، ویترین‌ها)	عملکرد و ارگونومی به طراحی فضا برای راحتی، دسترسی آسان و کارایی بالا اشاره دارد و با چیدمان مناسب و سیرکولاسیون روان، تجربه کاربری را بهبود می‌بخشد	چیدمان و مسیرهای حرکتی فروشگاه باید واضح، بدون مانع و قابل دسترسی برای همه باشند. درحالی‌که ارتباط دیداری بین فضاها، انعطاف‌پذیری در تغییرات و امکانات جانبی مانند استراحتگاه نیز حفظ می‌شود	طراحی داخلی باید بر پایه ارگونومی و مقیاس انسانی باشد تا با استفاده از ابعاد استاندارد، میلمان راحت و مصالح طبیعی، دسترسی، راحتی و هماهنگی با هویت ویژند را فراهم کند	طراحی عملکردی و ارگونومیک فروشگاه‌ها با ایجاد فضاهای بدون مانع، تهویه مناسب، پیام ویژند درباره دسترسی‌پذیری، تنوع و مسئولیت‌پذیری را به‌طور ملموس به مشتری منتقل می‌کند
تجربه و ادراک حسی (تجربه چندحسی، تسلط حسی، سلسله‌مراتب حسی، ادراک و حافظه)	ادراک حسی جامع از طریق ترکیب هماهنگ حواس، تسلط متغیر آنها، سلسله‌مراتب حسی در فضا و نقش حافظه در تقویت ارتباط حسی با محیط شکل می‌گیرد	برنامه‌ریزی فضایی باید حواس مشتری را به‌طور هماهنگ تحریک کند. با تفکیک فضاها بر اساس عطر، موسیقی و ویترین‌های تعاملی، و طراحی مسیرهای حرکتی که تجربه حسی متنوعی ایجاد می‌کند افزودن حس چشایی از طریق کافه، تجربه خرید را تکمیل می‌کند.	انتخاب مصالح و فرم‌های متنوع که حواس مختلف را به‌طور هم‌زمان تحریک کنند، تجربه‌ای چندبعدی ایجاد می‌کند ترکیب بافت‌های نرم و سخت، حرکت بصری و استفاده از فناوری‌های تعاملی مانند آینه‌های هوشمند، ارتباط مشتری با فضا و محصولات را تقویت کرده و حواس بینایی، لامسه و کنجکاوی را تحریک می‌کند	هماهنگ‌سازی موسیقی، بو، نور و رنگ باعث ایجاد تجربه‌ای منسجم و ماندگار شده و تداعی قوی از ویژند را در ذهن مشتریان به وجود می‌آورد
هماهنگی و حس تعلق (تناسب و هماهنگی، حس تعلق به مکان)	هماهنگی اجزای بصری و حسی فضا، از طریق رنگ، بافت و فرم، حس تعلق و پیوستگی را در مخاطب ایجاد می‌کند. طراحی منطبق با نیازها و فرهنگ کاربران موجب تعامل بیشتر و استفاده پایدار از فضا می‌شود.	ایجاد انسجام فضایی و تقویت حس تعلق در مشتریان از طریق طراحی یکپارچه مسیرهای فروشگاه، تکرار الگوهای مصالح و رنگی مانند چوب، و ایجاد فضاهای اجتماعی مانند نشیمن‌های عمومی و کتابخانه‌ها، به افزایش تعامل و زمان مکث در فضا کمک می‌کند.	طراحی فرم، رنگ و مصالح باید به‌گونه‌ای باشد که حس تعلق و راحتی را القا کند؛ انتخاب پالت رنگی گرم و طبیعی و استفاده از مصالح طبیعی مانند چوب و سنگ برای ایجاد فضایی آرامش‌بخش و پیوند عاطفی با محیط مؤثر است.	ایجاد حس تعلق از طریق طراحی فضا با نشانه‌های ویژه برای مشتریان، مانند کمدهای شخصی با نام اعضای وفادار و هماهنگی طراحی با زمینه فرهنگی محل فروشگاه، باعث تقویت پیوند احساسی و ارزشمندی مشتریان می‌شود.
کیفیت و سازمان‌دهی بصری (اصول گشتالت)	کیفیت و سازمان‌دهی بصری بر اساس اصول گشتالت با استفاده از مجاورت، شباهت، بستار و تقارن، تجربه‌ای منسجم و قابل درک ایجاد می‌کند و به پردازش بهتر اطلاعات بصری و بهبود تجربه کاربری کمک می‌کند.	ایجاد نظم بصری در فروشگاه با چیدمان منسجم، تنظیم مصالح و رنگ‌ها تجربه خرید را بهبود می‌بخشد استفاده از اصل "کم‌تر، بیشتر است" به کاهش آشفتگی بصری و تأکید بر محصولات منتخب کمک می‌کند و مسیرهای بصری مشخص برای هدایت نگاه مشتری ایجاد می‌کند.	هدایت بصری مشتری با سلسله‌مراتب و استندهای نمایش، تمرکز روی محصولات شاخص و ایجاد توجه در سطح دید مشتری، تجربه خرید را بهبود می‌بخشد.	نمایش فرایند تولید، جوایز طراحی و گواهی‌های کیفیت در طراحی فضا، اعتماد و اعتبار ویژند را تقویت کرده و تعهد آن به استانداردهای بالا را نشان می‌دهد.
غنی‌سازی تجربه و تداعی حسی ویژند (بهبود تجربه کاربری، ویژندسازی حسی)	هویت بصری، صدا، رایحه، تجربه لمسی و روایت ویژند با ترکیب هماهنگ، تجربه‌ای تأثیرگذار و احساسی ایجاد کرده و ارزش‌ها و پیام ویژند را منتقل می‌کنند.	طراحی فضاهای تعاملی با ایستگاه‌های شخصی‌سازی و واقعیت افزوده، تجربه خرید منحصر به فردی برای مشتریان ایجاد می‌کند همچنین، مسیرهای پویای فروشگاه و منطقه اختصاصی داستان‌سرایی ویژند، جذابیت و ارتباط احساسی با ویژند را افزایش می‌دهند.	استفاده از سقف‌ها، اینستالیشن‌های هنری، همراه با میلمان تعاملی، تجربه‌ای پویا و جذاب برای مشتریان ایجاد می‌کند که حس تعامل و پویایی را در محیط تقویت می‌کند.	خلق امضای تجربی ویژند از طریق برگزاری رویدادهای خاص مانند نمایشگاه‌ها و جلسات آموزشی، تجربه‌ای منحصر به فرد و مرتبط با هویت ویژند ایجاد می‌کند.



- | | |
|-----------------------------|----------------------------|
| 23. Marianna Obrist | 24. Yvonne Osei |
| 25. Christina Moutsou | 26. Carme Muntaner Alsina |
| 27. David Carrillo-Rangel | 28. Delfi I. Nieto-Isabel |
| 29. David Howes | 30. Anette Stenslund |
| 31. User-Centered Approach | 32. Donald Arthur Norman |
| 33. Perception | 34. Sensory Memory |
| 35. Iconic Memory | 36. Echoic Memory |
| 37. Short-Term Memory - STM | 38. Long-Term Memory - LTM |
| 39. User Experience (UX) | 40. Momentary UX |
| 41. Episodic UX | 42. Cumulative UX |
| 43. Pragmatic Qualities | 44. Hedonic Qualities |
| 45. Virtual Reality (VR) | 46. Augmented Reality (AR) |

۴۷. روش گاتمن (Guttman method) یا ضریب گاتمن میزان سازگاری درونی (in-ternal consistency) یک پرسشنامه یا ابزار اندازه‌گیری را بررسی می‌کند.
۴۸. ضریب لامبدا (Lambda) اندازه وابستگی یا وابستگی آماری (Measure of Association) است که برای بررسی رابطه بین دو متغیر اسمی (nominal) استفاده می‌شود. این ضریب نشان می‌دهد تا چه اندازه می‌توان با دانستن مقدار یک متغیر، پیش‌بینی بهتری از متغیر دیگر داشت.

- | | |
|-----------------------|-------------------|
| 49. Miralem Helmefalk | 50. Bertil Hultén |
| 51. Christine W. Park | 52. John Alderman |
| 53. Carlos Velasco | |

۵۴. در طراحی حسی، هدف تنها تحریک پنج حس سنتی نیست، بلکه توجه به طیفی گسترده‌تر از حواس انسان، همچون حس تعادل، حرکت، جهت‌یابی، و آگاهی فضایی نیز در پژوهش‌های نوین مورد تأکید است. این حواس به ادراک پیچیده‌تری از فضا منجر شده و نقش مهمی در تجربه کاربر ایفا می‌کنند. همچنین، باید میان حواس به‌عنوان فرایندهای فیزیولوژیکی و احساسات به‌عنوان پاسخ‌های روان‌شناختی ناشی از این ادراکات تمایز قائل شد. طراحی حسی، با یکپارچه‌سازی این حواس، به نیازهای فیزیولوژیکی، شناختی، عاطفی و اجتماعی کاربران پاسخ می‌دهد. ازجمله محدودیت‌های این پژوهش، تمرکز بر حواس پنج‌گانه و عدم بررسی مستقیم حواس ادراکی پیچیده‌تر مانند حس تعادل، کینستزی یا جهت‌یابی است. این مسئله می‌تواند در مطالعات آینده مورد توجه قرار گیرد.

فروشگاه‌ها با عملکردهای متنوع روبه‌رو بود. تحقیقات آتی در این حوزه می‌تواند به صورت ویژه در خصوص یک عملکرد خاص و یا حس خاص در نظر گرفته شود. همچنین پژوهش‌هایی تطبیقی میان فرهنگ‌های مختلف در زمینه برداشت حسی از فضاهای فروشگاه‌ها، به‌کارگیری فناوری‌های نو و یادگیری ماشین برای تحلیل رفتار مشتری مبتنی بر تجربه، پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در مورد تجربه کارکنان و تعامل با مشتری و بررسی متغیرهای روان‌شناختی افراد نیز می‌تواند در این حوزه مدنظر قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Conceptual Framework: چارچوبی کلی برای فهم یک پدیده که ممکن است به اندازه مدل دقیق و ساختارمند نباشد (Botha, 1989).
۲. Emergent Model تأکید بر ماهیت فرایندی و داده‌محور بودن مدل که از داده‌ها به دست آمده است (Regoniel, 2024).

- | | |
|------------------------------|----------------------|
| 3. Neuroscience | 4. Biophilia |
| 5. Ellen Lupton | 6. Andrea Lipps |
| 7. Miralem Helmefalk | 8. Bertil Hultén |
| 9. Jaakko Ranne | 10. Juhani Pallasmaa |
| 11. John P. Eberhard | 12. Mirror Neurons |
| 13. Gemma Calvert | 14. Barry E. Stein |
| 15. Superior Colliculus (sc) | 16. Jie Yin |
| 17. Haoyue Zhu | 18. Jing Yuan |
| 19. Maya F. Farah | 20. Zahy B. Ramadan |
| 21. Dana H. Harb | 22. Carlos Velasco |

فهرست منابع

- اکبری، ع.؛ فلامکی، م. م. (۱۳۹۵)، بررسی جایگاه «ادراکات حسی» و «احساس» در پدیده‌شناسی فضای ساخته‌شده. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، (۱)۶، (۱)۷-۲۱. https://journals.t.ac.ir/article_60807.html
- خسروی، ف.، و ناصری، غ. (۱۳۹۴)، به‌کارگیری معماری حسی در طراحی موزه، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، مشهد. <https://civilica.com/doc/504972/>
- زاهد، ح.؛ نقدبیشی، ر. (۱۴۰۳)، تحلیل مؤلفه‌های مکتب اکسپرسیونیسم بر معماری داخلی، هویت شهر، ۳(۱۸)، ۹۷-۱۱۰.
- سوهانگیر، س.؛ نصیرسلامی، م. ر. (۱۳۹۶)، بازشناسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری. مدیریت شهری، ۱۶(۴۸)، ۷۱-۸۶. <https://www.ensani.ir/fa/article/559596>
- علی بورونی، پ. (۱۳۹۹)، بررسی ادراک مؤلفه‌های حسی در معماری داخلی کافی‌شاپ‌ها، دستاوردهای نوین در مطالعات سبز، محاسبات، کاربردها و چالش‌ها (صص ۹-۱)، نور: دانشگاه غیرانتفاعی مازیار رویان. <https://civilica.com/doc/1116737/>
- غضنفریان، ص.؛ نقدبیشی، ر.؛ ضیابخش، ن. (۱۴۰۰)، سنجش میزان تأثیرگذاری معیارهای معماری میان‌افزا، طراحی فضاهای فرهنگی. هویت شهر، ۱۵(۴۵)، ۱۱۱-۱۲۴.
- گودرزی آزاد، م.؛ زبردستان، ن. (۱۴۰۱)، بررسی مؤلفه‌های ادراک حسی مؤثر در طراحی فضاهای چند حسی، کنفرانس بین‌المللی دانشجویان معماری و شهرسازی ایران، تهران. <https://civilica.com/doc/1535324/>
- مرادی، ب.؛ ایمانی، ن. (۱۳۹۶)، ارائه مدل‌های طراحی داخلی در افزایش تجربه‌های چند حسی کاربران در فضا، کنفرانس بین‌المللی دیزاین (تعامل بین طراحی صنعتی و معماری داخلی)، تهران: دانشگاه الزهرا. <https://civilica.com/doc/798151/>
- مقرب، ف.، و فروتن، م. (۱۳۹۴)، غنای حسی در محیط‌های مسکونی: بررسی رابطه غنای حسی و رضایتمندی در مشاعات آپارتمان‌های مسکونی، سومین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران. <https://civilica.com/doc/470205/>



- Aletta, F., & Xiao, J. (Eds.). (2018). Handbook of research on perception-driven approaches to urban assessment and design. IGI Global. <https://doi.org/10.4018/978-1-5225-3637-6>
- Alsina, C. M., Sala, M. S., Rangel, A., & Segura-Garcia, A. (Eds.). (2018). Sensual and sensory experiences in the Middle Ages: On pleasure, fear, desire and pain. Cambridge Scholars Publishing.
- Baddeley, A. D., Eysenck, M. W., & Anderson, M. C. (2009). Memory. Psychology Press.
- Bishnoi, S. K. & Singh, S. (2022). A study on consumer buying behaviour for fashion and luxury brands under emotional influence. *Research Journal of Textile and Apparel*, 26 (4), 405-418. <https://doi.org/10.1108/RJTA-03-2021-0026>
- Botha, M. E. (1989). Theory development in perspective: The role of conceptual frameworks and models in theory development. *Journal of Advanced Nursing*, 14 (1), 49–55. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.1989.tb03405.x>
- Calvert, G., et al. (2004). The Handbook of Multisensory Processes. MIT Press.
- Clark, A. (2008). Supersizing the mind: embodiment, action, and cognitive extension. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780195333213.001.0001>
- Degen, M., & Rose, G. (2012). The Sensory Experiencing of Urban Design: The Role of Walking and Perceptual Memory. *Urban Studies*, 49 (15), 3271-3287. DOI:10.1177/0042098012440463
- Erwine, B. (2017). Creating Sensory Spaces: The Architecture of the Invisible. Taylor & Francis. <https://doi.org/10.4324/9781315688282>
- Farah, M. F., Ramadan, Z. B., & Harb, D. H. (2019). The examination of virtual reality at the intersection of consumer experience, shopping journey and physical retailing. *Journal of Retailing and Consumer Services*, 48, 136–143. DOI:10.1016/j.jretconser.2019.02.016
- Fenko, A., Schifferstein, H. N. J., & Hekkert, P. (2010). Shifts in sensory dominance between various stages of user-product interactions. *Applied Ergonomics*, 41 (1), 34–40. <https://doi.org/10.1016/j.apergo.2009.03.007>
- Hamelj, M. K. (2018). A Literature Review of Retailing Sector and Business Retailing Types. *ILIRIA International Review*. DOI:10.21113/iir.v8i1.386
- Hassenzahl, M. (2008). User experience (ux): towards an experiential perspective on product quality. *Interaction Home-Machine*. DOI:10.1145/1512714.1512717
- Haverkamp, M. C. (2012). Synesthetic Design: Handbook for a Multi-Sensory Approach. DOI:10.1515/9783034611688
- Hekkert, P. (2006). Design aesthetics: Principles of pleasure in design. *Psychology Science*, 48 (2), 157-172.
- Helme Falk, M., & Hultén, B. (2017). Multi-sensory Congruent Cues in Designing Retail Store Atmosphere: Effects on Shoppers' Emotions and Purchase Behavior. *Retailing and Consumer Services*, 38, 1-11. <https://doi.org/10.1016/j.jretconser.2017.04.007>
- Howes, D. (2023). Sensorial Investigations: A History of the Senses in Anthropology, Psychology, and Law. Penn State University Press.
- Kepron, D. (2014). Retail (r)Evolution: Why Creating Right-brained Stores Will Shape the Future of Shopping in a Digitally Driven World. ST Books.
- Koffka, K. (1962). Principles of Gestalt Psychology. Routledge & K. Paul.
- Kotler, P., Keller, K., Brady, M., Goodman, M., & Hansen, T. (2019). Marketing Management: 4th European Edition. Pearson Education Limited.
- Lehman, M. L. (2016). Adaptive Sensory Environments: An Introduction. Taylor & Francis. DOI:10.4324/9781315630519
- Levy, M., Weitz, B. A., & Grewal, D. (2013). Retailing Management. McGraw-Hill Education.
- Lindstrom, M. (2005). Brand Sense: Build Powerful Brands through Touch, Taste, Smell, Sight, and Sound. Free Press. DOI:10.1108/10610420510609311
- Lupton, E., & Lipps, A. (2018). The Senses: Design Beyond Vision. Princeton Architectural Press.
- Malnar, J. M., & Vodvarka, F. (2004). Sensory Design. University of Minnesota Press.
- Marshalsey, L. (2023). Sensory Affect, Learning Spaces, and Design Education: Strategies for Reflective Teaching and Student Engagement in Higher Education. Taylor & Francis. DOI:10.4324/9781003175988
- Meshner, L. (2010). Basics of Interior Design: Retail Design.
- Miles, E. (2021). Contemporary Retail Design: A Store Planner's Handbook. Crowood Press.
- Mohammed, A., Virge, L., A., A., & S., V. (2024). AI Assisted Interactive Anli Mirror. Proceedings of the 5th International Conference on Mobile Computing and Sustainable Informatics (ICMCSI), 115-119.



- Moutsou, C. (2023). *Dialogues between Psychoanalysis and Architecture: The Relational Space of the Consulting Room Through the Senses*. Taylor & Francis. <https://doi.org/10.4324/9781003346845>
- Naghdbishi, R., & Eesazadeh Ziri, S. (2023). An Explanation of the Factors Affecting Suspension of Disbelief in Interior Spaces. *Hoviatshahr*, 17 (2), 107-118. DOI:10.30495/hoviatshahr.2023.70958.12300
- Norman, D. A. (2005). *Emotional Design: Why We Love (or Hate) Everyday Things*. Basic Books.
- Norman, D. A. (2013). *The Design of Everyday Things*. MIT Press.
- Osei, Y. (2014). *Exploring Sensory Design in Therapeutic Architecture*. DOI:10.22215/etd/2014-10227
- Pagliano, P. (2012). *The Multisensory Handbook: A Guide for Children and Adults with Sensory Learning Disabilities*. Taylor & Francis.
- Pallasmaa, J. (2012). *The Eyes of the Skin: Architecture and the Senses*. John Wiley & Sons.
- Park, C. W., & Alderman, J. (2018). *Designing Across Senses: A Multimodal Approach to Product Design*. O'Reilly Media.
- Parker, M. (2018). Design for Learning Environments: Impact of Sensory Experiences on Students' Learning and Engagement. *Journal of Learning Spaces*, 7(1), 20-29.
- Pine, B. J., & Gilmore, J. H. (2011). *The Experience Economy*. Harvard Business Review Press.
- Ranne, J. (2019). *Designing for Multi-sensory Experiences in the Built Environment*. DOI:10.13140/RG.2.2.26244.35208
- Regoniel, P. A. (2015, January 5). *Conceptual Framework: A Step-by-Step Guide on How to Make One*. Simply Educate Me. Retrieved from <https://simplyeducate.me/2015/01/05/conceptual-framework-guide/>
- Solomon, M. R. (2019). *Consumer Behavior: Buying, Having, and Being*. Pearson Education Limited.
- Spence, C. (2020). *Sense Hacking: How to Use the Power of Your Senses for Happier, Healthier Living*. Penguin Life.
- Spence, C. (2020). Senses of Place: Architectural Design for the Multisensory Mind. *Cognitive Research: Principles and Implications*, 5(1), 1-26. DOI:10.1186/s41235-020-00243-4
- Spence, C., & Driver, J. (2004). *Crossmodal Space and Crossmodal Attention*. Oxford University Press. DOI:10.1093/acprof:oso/9780198524861.001.0001
- Spence, C., Puccinelli, N. M., Grewal, D., & Roggeveen, A. L. (2014). Store Atmospherics: A Multisensory Perspective. *Psychology & Marketing*, 31 (7), 472-488. DOI:10.1002/mar.20709
- Stenslund, A. (2023). *Atmosphere in Urban Design: A Workplace Ethnography of an Architecture Practice*. Routledge. DOI:10.4324/9781003279846
- Stobart, J., & Howard, V. (2018). *The Routledge Companion to the History of Retailing*.
- Van Campen, C. (2014). *The Proust Effect: The Senses as Doorways to Lost Memories*. Oxford University Press. DOI:10.1093/acprof:oso/9780199685875.001.0001
- Velasco, C., & Spence, C. (2019). *Multisensory Packaging: Designing New Product Experiences*. Springer International Publishing. DOI:10.1007/978-3-319-94977-2
- Velasco, C., & Obrist, M. (2020). *Multisensory Experiences: Where the Senses Meet Technology*. Oxford University Press. DOI:10.1093/oso/9780198849629.001.0001
- Vermeersch, P. (2013). *Less Vision, More Senses: Towards a More Multisensory Design Approach in Architecture*.
- Vernet, D., & de Wit, L. (2007). *Boutiques and Other Retail Spaces: The Architecture of Seduction*. Routledge. DOI:10.4324/9780203013595
- Yin, J., Zhu, H., & Yuan, J. (2024). Health Impacts of Biophilic Design from a Multisensory Interaction Perspective: Empirical Evidence, Research Designs, and Future Directions. *Land*. DOI:10.3390/land13091448
- Zhou, H. (2014). Research about the Influence of Clothing Store Designs and Displays on the Consumer Purchase Decision Based on the Data Analysis. *Applied Mechanics and Materials*, 687-691, 4959 - 4962. <https://doi.org/10.4028/www.scientific.net/AMM.687-691.4959>
- Zi, M. (2021). Sensory Design and Design Thinking for Design Educating. *International Journal of Higher Education Pedagogies*, 2(3), 1-13. <https://doi.org/10.33422/ijhep.v2i3.28>

منظر باغ ملکوت^۱

مرسده بیدریغ کسمائی^۲، مهرانوش مفیدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۷-۰۶-۱۴۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۲-۰۵-۱۴۰۴

DOI: 10.22034/RAU.2025.2040527.1098

چکیده

باغ محملی است برای ارائه نمادین مفاهیمی که با به‌کارگیری معانی مستتر در عناصرش طرح قابل تأویلی از یک روایت عرفانی به منصفه ظهور می‌رسد. طراح می‌تواند از باغ به عنوان ابزاری در راستای ارتقای اندیشه‌های عرفانی بهره‌گیرد.

هدف تحقیق بررسی و به‌کارگیری مفاهیم عارفانه در طراحی منظر باغ ملکوت است و به این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه می‌توان به ترجمان کالبدی مضامین معناگرایانه و مصادیق آن در طراحی منظر باغ ملکوت دست یافت؟

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، نخست به تحلیل محتوا و استنتاج از مفاهیم منبعث از جهان‌بینی عرفانی پرداخته، سپس توسط مشاهدات میدانی و توجه به تأثیر معنوی عناصر موجود در بستر طرح (رودخانه، زیارتگاه و آرامستان) در جهت طراحی منظر کمال به مثابه استعاره‌ای از بهشت گام برمی‌دارد. بر اساس نتایج مفاهیم مستخرج از عوالم وجود در عرفان می‌تواند در باغی که اعتبار خود را از معنا کسب می‌نماید، طی روندی جانشینی-هم‌نشینی با نماد و نشانه موجود در اشعار مولانا در مورد باغ و هفت شهر عشق عطار قرار گیرد. این ترجمان کالبدی مستلزم رعایت سلسله مراتبی است که با هدف رسیدن به منزل نهایی، ساختار اصلی باغ شامل عوالم جامع، ناسوت، ملکوت، جبروت، لاهوت و هاهوت را شکل می‌دهد؛ در دل هریک از عوالم، مصادیق معماری منظر همچون عناصر طبیعی و مصنوع (وجود آب و گیاه در فضا)، نظام پوششی، نور و سایه، حواس پنج‌گانه و... جلوه‌گر حس فضایی مورد نظر خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: معماری منظر، باغ ملکوت، باغ مفهومی، عوالم وجود، هفت شهر عشق

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول با عنوان «طراحی منظر باغ ملکوت» می‌باشد، که با مشاوره نگارنده دوم در سال ۱۳۹۹ در دانشگاه خاتم، ارائه شده است.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: mbidarigh@yahoo.com

۳. استاد مدعو، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

Email: mehranosh.mofidi@soore.ac.ir



مقدمه

همراه شدن با نظام طبیعت و شناخت و تکامل مستلزم توجه و به‌کارگیری اصول معنا و ظهور و بروز آن در فعالیت‌های انسانی است. ذهن مخاطب توانایی ادراک استعارات و مفاهیم نهفته در طبیعت را دارد. هنرمند همواره می‌کوشد با بهره‌گیری از قدرت خیال، روح و نیروی نهفته در طبیعت را در عالم صورت پدیدار ساخته و کیفیات کنایی مستتر در آن را برای بیننده به تصویر بکشد.

تحت عنوان باغ ملکوت طراحی کرد؟
۲. چگونه مصادیق مفاهیم و تعابیر عارفانه و استعاری در قالب معماری منظر نمایان می‌شوند؟
همچنین به دنبال هدف اصلی پژوهش که دستیابی به راهکارهای طراحی معماری منظر و چگونگی تحقق معانی و انتقال مفاهیم به صورت نمادین از طریق طراحی منظر باغ ملکوت است، رشد اندیشه‌های متعالی و افزایش تعاملات اجتماعی نیز حاصل می‌شود.

روش تحقیق

روش تحقیق در مطالعه حاضر از نوع کیفی است. چارچوب پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده که در راستای اهداف کاربردی تحقیق به ارزیابی و تحلیل محتوا و استنتاج از مفهوم باغ و عناصر منظر در اشعار و متون عرفانی می‌پردازد.

جهت جمع‌آوری اطلاعات نیز بر منابع کتابخانه‌ای همچون کتب، مقالات، عکس و نقشه‌ها و بررسی نمونه‌های موردی استناد شده است. در جهت شناخت سایت مورد مطالعه نیز جمع‌آوری اطلاعات به شیوه برداشت و مشاهدات میدانی انجام شده است.

در این پژوهش طراحی منظر باغ ملکوت نتیجه تغییرات به‌وجودآمده در وضعیت کنونی سایت مورد مطالعه و عناصر شاخص آن شامل عناصر طبیعی (رودخانه، گیاهان، خاک و...) و عناصر مصنوع (آرامستان و زیارتگاه) است.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌هایی در باب تأثیر پذیرفتن معماری منظر از مفاهیم استعاری و سیر و سلوک نهفته در متون عرفانی صورت پذیرفته است.

بمانیان و انصاری (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «حکمت عناصر معماری منظر در بهشت قرآنی» به پیشینه عناصری همچون درخت و آب در تمدن‌های باستانی اشاره می‌کند که با بررسی سوره الرحمن به پیوند میان طبیعت و ماوراءالطبیعه دست می‌یابد.

در پژوهشی با عنوان «بررسی فرایند خلق معانی و بیان مضامین عرفانی در شهر اسلامی» که فرشید نیک افهمی و انصاری (۱۳۹۴) طراحی شهری اصفهان را بررسی کرده‌اند، با بهره‌گیری از عقاید عرفانی و حکمت اسلامی آن عصر در

طراح کیفیت و کمیت مورد نظر خود را به ذهن مخاطب متبادر کرده و حواس او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نظر او پرداختن به مفاهیم استعاری که از معنا و حقیقت برخاسته و مقدم بر معیارهای مادی است از یک‌سو و پرهیز از بیهودگی در معماری از سوی دیگر، حائز اهمیت است.

بستر مورد نظر برای طراحی باغ ملکوت در محدوده استقرار طرح مورد نظر در دهستان کسما واقع در استان گیلان و در مجاورت مکان‌های شاخصی همچون رودخانه، زیارتگاه و آرامستانی که به مفهوم حیات و ممات اشاره دارد، قرار گرفته است.

تأثیر معنوی و قداست این عناصر در مجموعه و همچنین به‌کارگیری مضامین عرفانی حاکم بر روابط فضایی می‌تواند به دستیابی به اصول طراحی مفهومی در ارتباط با عالم ملکوت کمک کند. این پژوهش در پی آن است تا با بررسی جایگاه معماری منظر به مفاهیم و نقاط مشترک میان ادیان، فلسفه و عرفان و ادبیات بپردازد که منجر به دستیابی به مصادیق قدسی و مفهومی شده و شناخت استعارات و نمادهای موجود در زیرشاخه‌های فوق‌الذکر را در پی خواهد داشت. نقاط شاخص باغ ملکوت با کاربری‌های متفاوت طی سلسله مراتبی در زنجیره جانشینی با مفاهیم عرفانی همچون عوالم وجود، هفت شهر عشق و باغ‌های مولوی قرار گرفته و در زنجیره هم‌نشینی با عناصر معماری منظر که هرکدام در بر دارنده نماد و نشانه بوده و تداعی‌کننده مفاهیم سیر و سلوک عرفانی است همراه می‌شوند؛ بنابراین با پاسخ به پرسش‌های زیر می‌توان به جمع‌بندی و بازشناسی وجوه عرفانی و بررسی ارتباط میان عناصر معماری منظر با مضامین والای قرآنی دست یافت:

۱. چگونه می‌توان فضایی به منظور تجلی اصول و ارزش‌های معنوی مرتبط با مراحل سلوک در عرفان اسلامی،

است و از سوی دیگر تداعی خاطراتی است که در زمان‌های طولانی در بستر محیط روی داده است و بر ارتباط انسان و منظر تأثیر گذاشته است (ماهان، منصوری، ۱۳۹۶: ۲۶). نمی‌توان منظر را صرفاً کالبد در نظر گرفت چراکه منظر کیفیت و معنا را نیز در بر می‌گیرد؛ از سوی دیگر از طریق کالبد و حواس توأمان درک می‌شود پس در قالب مفهومی تجربیدی و انتزاعی نیز جای نمی‌گیرد؛ بنابراین از منظر به عنوان پدیده‌ای عینی - ذهنی یاد می‌شود زیرا منظر پدیده‌ای است که به واسطه ادراک ما از محیط و تفسیر ذهن توأمان حاصل می‌شود (همان). ما از طریق ذهن به تفسیر چیزهایی که در اطرافمان می‌بینیم می‌پردازیم و با نسبت دادن ارزش‌ها به منظر که دربرگیرنده دلایلی نامحسوس، معنوی، مفاهیم چندگانه و چندلایه‌ای است و می‌تواند جایگزین مباحث فرهنگی و اجتماعی شود برمی‌خوریم؛ چراکه با شناخت دنیای اطراف به ذات منظر دست پیدا می‌کنیم.

به منظور نمایان ساختن فضایی غیر از عالم مادی و محسوس یعنی عالم ملکوت که آن نیز (Cosgrove, 1988: 15) عالمی واقعی اما غیر مادی است. باید انفصالی بین فضایی که بشر به آن خو گرفته و روزانه آن را تجربه می‌کند با فضایی که از طریق رمز و تمثیل به منصفه ظهور می‌رسد وجود داشته باشد تا فضایی مافوق زمان و کشمکش‌های حیات دنیوی ایجاد شود که روح انسان با حضور در این فضا بار دیگر آرامش فطری خود را بازیافته و خود را در مقابل ابدیت احساس کند (نصر، ۱۳۸۲: ۱۰)؛ بنابراین انسان می‌تواند از طریق انحلال در فضایی مرتبط با عالم مثال و خواب و خیال با آگاهی درباره تجربه‌اش از حقیقت زندگی بازاندیشی کند؛ عوالمی که در پیچ‌های هستند برای درک و تلقی انسان از همان بهشت گمشده که با بهره‌گیری از هنر معماری و طراحی منظر بر روی زمین جلوه‌گر خواهند شد.

عوالم وجود

بر اساس اندیشه‌ها و آرای بسیاری از حکمای اسلامی همچون محی‌الدین ابن عربی که متولی عرفان نظری است، سلسله‌مراتب اصلی و عوالم وجود در عرفان اسلامی در پنج مرتبه خلاصه شده و آن را حضرات خمس الهیه خوانده است. هریک از مراحل حضرات خمس یا مراتب وجود را «حضرت» نامیده‌اند چراکه هر مرتبه جز ظهور و تجلی حق تعالی چیزی نیست و عرفا درواقع مصداقی برای وجود سوای وجود بی‌نهایت باری تعالی قائل نیستند. این عوالم عبارت‌اند از: عالم فلک

روندی هم‌نشینی، هریک از اجزای مورد بررسی را جانشین یکی از مفاهیم سلوک کرده‌اند که با توجه به ظرفیت تحمل معنا، هر جز تداعی بخش مفهومی نمادین هستند.

گودرزی قنبری و بمانیان (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مبانی طراحی باغ‌های ذهنی مولوی در کوهستان با تکیه بر حرکت آب و مسیر پیاده» به انواع باغ‌های مفهومی در شعر مولانا به نقل از شاهچراغی (۱۳۹۱) شامل باغ هستی، باغ بهشت، باغ عشق و... اشاره کرده و با توجه به حرکت آب به ارائه طراحی صور خیال باغ‌های مولوی در کوهستان پرداخته است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کاملی (۱۳۸۹) با عنوان «باغ مولوی» تاریخچه ارتباط شعر با طراحی باغ مورد بررسی قرار گرفته است. او با طراحی باغی مفهومی به دیدگاه‌ها و تعابیر عارفانه حاکم بر مثنوی معنوی که در عرصه منظر قابلیت ظهور یافته اشاره می‌کند.

در پایان‌نامه کارشناسی ارشد قطب‌زاده اردکانی (۱۳۹۲) با عنوان «باغ سلوک»، طراحی منظری که با سیر و سلوک در آن حس طبیعت کشف می‌شود صورت گرفته است که خصوصیات عمده باغ ایرانی در آن به چشم می‌خورد و حضور در آن منجر به احساس آرامش درونی در قلب سالک می‌شود.

از نکاتی که بر ارزش و جنبه نوآور بودن تحقیق می‌افزاید می‌توان به طراحی در بستری همانند سایت انتخابی در پژوهش حاضر که دارای پتانسیل و المان‌های خاصی همچون آرامگاه، آرامستان و رودخانه (...) است، اشاره کرد؛ چراکه معانی و نمادهای مستتر و بالقوه این عناصر است که بر قداست مجموعه در نظر اهالی و همچنین مخاطب افزوده است؛ دیگر اینکه در این میان به بسط و ارتباط عوالم وجود، هفت شهر عشق و باغ‌های مفهومی در اشعار مولانا که در طراحی طی روندی جانشینی - هم‌نشینی در جوار یکدیگر قرار گرفته‌اند (جدول ۳) کمتر توجه شده است.

مبانی نظری

سیر مفهومی در طراحی منظر باغ ملکوت

دو عنصر اصلی که منظر همواره به آنها وابسته است شامل محیط دربرگیرنده انسان و سپس خود انسان است که از تصویرسازی به عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط با محیط و درک آن بهره می‌گیرد؛ به عبارتی دیگر منظر موجودی است زنده و پویا که از یک‌سو متأثر از انسان و نحوه ارتباط او با محیط



جدول ۱. حضرات خمسه (مأخذ: نگارنده بر اساس جمع بست تحلیلی از شیخ الاسلامی (۱۳۹۵)).

۱	عالم هاهوت یا ذات	مرحله غیب الغیوب ذات باری تعالی	ما فوق هرگونه اسم و رسم و تعین و تشخص است.
۲	حضرت لاهوت یا مقام و احدیت	ساحت اسماء و صفات الهی توجیه‌گر خلقت و منتهای معرفت بشری است.	من گنجینه‌ای پنهان بودم که دوست داشتم شناخته شوم پس آفرینش انسان‌ها را به وجود آوردم برای آنکه شناخته شوم.
۳	حضرت جبروت یا عالم عقول در فلسفه و حکمت	جهان عقل است که از جوهره قائم به ذات برخوردار است. عقل جوهری مجرد از ماده در ذات و فعل است.	آفریده‌ای که وجهه‌ای به جانب حق و وجهه‌ای به جانب خلق دارد و این عقل است.
۴	حضرت ملکوت یا عالم نفوس در فلسفه	جهان خیال و عالم مثال جهانی ملکوتی که از یک سو به عالم ماده و از سوی دیگر به جوهریت عالم عقل و مجرد گره خورده است؛ بنابراین بهره‌ای از جهان ماده دارد.	عالمی که از آن به عالم مثال تعبیر می‌کنیم و نمونه آن را در وجود خویش عالم خواب و خیال می‌یابیم.
۵	حضرت ناسوت یا عالم ماده	ذاتاً و فعلاً مادی است.	
۶	حضرت جامع یا انسان کامل	جامع جمیع مراتب وجود	

می‌آورد. مرغان آماده سیر و جستجو می‌شوند و به رهبری هدهد راه طلب را در پیش می‌گیرند. احوال سلوک چنانکه در نزد سالکان طریق مطرح است بازنمایی می‌شود آنگاه وادی‌هایی را که در پیش روی سالک است و عبور از آنها دشواری به همراه دارد برای مرغان برشمرده می‌شود: وادی طلب، وادی عشق، وادی معرفت، وادی استغنا، وادی توحید، وادی فقر و وادی فنا (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۸۹-۹۴).

ملکوت

واژه ملکوت بزرگی، چیرگی، قدرت، عظمت، سلطه آسمانی و همچنین عالم فرشتگان تعریف شده است (عمید، ۱۳۸۱: ۱۱۱۸). در آیات قرآن نیز ملکوت معنایی باطنی، فرا ظاهری، متعالی، شکوهمند و غیر نموداری داشته و بسیار والاتر از معنای ملک (ملک، دارایی، پادشاهی، قدرت، عزت و شکوه) است. بنابراین مفسران ملکوت آسمان‌ها و زمین را ربوبیت و الوهیت خداوند دانسته‌اند چرا که ملکوت هر چیزی

یا جهان مادی و جسمانی، عالم ملکوت یا جهان برزخی، عالم جبروت یا عالم فرشتگان مقرب، عالم لاهوت یا عالم اسماء و صفات الهی و عالم هاهوت یا ذات که همان مرحله غیب الغیوب ذات باری تعالی که ما فوق هرگونه اسم و رسم و تعین و تشخص است (نصر، ۱۳۸۲: ۱۲). در «جدول ۱» به تدوین مراتب حضرات خمسه از دیدگاه ابن عربی در کتاب دکتر شیخ الاسلامی، پرداخته شده است.

عالم مثال و جهان خواب و خیال

فلاسفه و حکیمان بر این باورند که جهان شامل دو بخش اصلی جهان غیب یا عالم مجرد و جهان شهادت یا دنیای مادی است؛ آنها معتقدند که باید عالمی واسط و رابط تحت عنوان عالم خیال، مثال، برزخ و... وجود داشته باشد. این عالم واسط در میان عالم نورانی مجرد محض و عالم تاریک ماده قرار گرفته است؛ در میان جهانی دو وجهه‌ای که همانند آینه از یک سو شفاف و نورانی بوده و از سوی دیگر کدر و ظلمانی است (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵: ۲۲). ابن عربی معتقد است که هستی سراسر خواب و خیال است و این تلقی حقیقت هستی‌شناسی است (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵: ۴۸)؛ خواب به عالم طبیعت تعلق دارد پس خواب دنیایی است که صورت‌بندی آن متناسب با عالم طبیعت است و بشر مدام در زندگی خود آن را تجربه می‌کند و زمینه خوبی برای تعقل و تصویرپذیر کردن عالم مثال است (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵: ۴۴). بنا بر مباحث فوق‌الذکر در باب جهان خیال و عالم مثال می‌توان به تعریفی از عالم ملکوت (جهان سوم از حضرات خمسه) اشاره کرد که به نقل از شیخ الاسلامی (۱۳۹۵) به عالم ماده از یک سو و همچنین جوهریت عالم عقل و مجرد از سوی دیگر گره خورده است. از این روی مخاطب یا صاحب خیال همراه با پندار خویش می‌تواند در این جهان ملکوتی که بهره‌ای از جهان ماده دارد به دنیایی سرشار از خیال و تصور قدم گذارد، عالمی ملکوتی که از آن به عالم مثال تعبیر شده و نمونه آن در وجود انسان یعنی در عالم خواب و خیال پدیدار گشته است.

هفت شهر عشق عطار

منطق الطیر عطار گزارش یک جستجو است، یک اودیسه روحانی که سیر در مقامات و احوال سالک را تصویر می‌کند و مراتب و مدارج این سلوک را در رمز جستجوی مرغان به بیان



جدول ۳. اصول طراحی منظر باغ ملکوت (تدوین: نگارنده بر اساس جمع بست تحلیلی از گودرزی قنبری و بمانیان، ۱۳۹۶).

عناصر منظر	انواع	مفهوم	نماد/ استعاره	ترجمان کالبدی
بهبشت	باغ مفهومی	مصداق عینی در منظر و مفاهیم ذهنی که معانی احساسات و سایر ادراکات ناظر از منظر را شکل می‌دهند. ماهان و منصوری (۱۳۹۶)	بهبشت	طراحی منظر باغ ملکوت
	مستقیم	سختی راه و انتخاب	صراط مستقیم - گمراهی	مسیر هموار
	غیرمستقیم	مسیر به قدر شایستگی، تشخیص راه از بیراهه		مسیر پریچ وخم
پستی - بلندی		پلکان - تپه - مسیر ناهموار		
چهارباغ	درخت و درختچه (مثمر و غیر مثمر)	یادآور بهشت با استفاده از حواس وجود خار در کنار گل: راه در مقابل بیراهه و سختی راه	انسان، عقل و خرد، لطافت و سخنی، انعطاف، تحرک و شادابی	استفاده از عناصر و معماری نرم در مقابل عناصر سخت - تنوع در کاشت - حرکت باد در گیاهان - به‌کارگیری حواس
	گل			
	خار			
	ساکن	یکی شدن با منبع و طبیعت - بازگشت به اصل خویش - ناشناخته بودن عالم وجود	عظمت و قدرت، حقیقت و اصالت، فراوانی، بخشش و جود، حیات و زندگی بخش، وحدت و یگانگی	حوض
روان	جوشان			رودخانه - جوی - نهر
				آبشار - فواره - چشمه
نور طبیعی - مصنوعی - ایجاد سایه	خارج کردن انسان از تاریکی به سوی روشنایی، یکی شدن روح با منشأ و ذات الهی	حق، تجلی پروردگار عشق الهی، هدایت و راهنما، تکامل، قدرت و عظمت شناخت و معرفت		بازی نور و سایه روشن کردن مسیر، حضور دائم نور خورشید

باغ مفهومی

از دیدگاه برخی متفکران باغ بازتابی از جهان اصیل و بهشت ملکوتی است. بر اساس سنتی مزدایی باغ در میان طبیعت زمینی و دنیای آرمانی قرار می‌گیرد و بهترین مکان برای اتصال به عالم بالاست (کورکیان ۱۳۷۷: ۵۳). در آثار برخی از نویسندگان و شاعران باغ گاه صورتی خیالی به خود گرفته و معانی بسیاری را با به‌کارگیری ابزاری همچون نماد در خود جای داده است. در ادبیات واژه باغ به سه صورت تقلیدی، توصیفی و تألیفی به چشم می‌خورد. شاعر در اشعار توصیفی به روایت و ترسیم عناصر طبیعت آن‌گونه که هست می‌پردازد اما شاعرانی همچون حافظ، مولوی، عطار و سنایی از واژگان به صورت تألیفی یا تأویلی استفاده کرده و با بهره‌گیری از نماد به تفسیر در شعر خود پرداخته‌اند (گودرزی بمانیان ۱۳۹۶: ۳۱). به‌طورمثال سیر پرندگان در منطق الطیر عطار، سیمرخ یا من جسمانی پس از کشف حجاب‌های مادی و تحمل ریاضت‌ها به سیمرخ یا من ملکوتی نائل شده است که صوفیان از آن به عنوان رسیدن به مقام اتحاد و فنا یاد کرده‌اند و نمونه بارز تجلی من ملکوتی دانسته‌اند (ناصری ۱۳۹۵: ۲۱۸). باغ از منظر مولانا نیز به عنوان نمادی از لطف الهی در معانی و مفاهیم گوناگونی به کار رفته است؛ باغ تحت عناوین باغ دل، باغ جهان، باغ جان، باغ صفا، باغ عشق الهی، باغ با مفهوم سرسبزی و خرمی و یا به معنای باغ حسن و یا باغ بقای جاودان (شاهچراغی، ۱۳۹۱). همچنین گیاهان، درختان، آب و نور خورشید و... از جمله عناصر طبیعی است که در تعابیر گوناگون در باغ مولانا به کار رفته است و محرک حواس پنج‌گانه یا یکی از آنهاست (گودرزی قنبری و بمانیان، ۱۳۹۶: ۴۰).

معماری بستری را برای تحقق تصویری ادراک‌پذیر برای مخاطب به ارمغان می‌آورد و پیامی را که آفرینندگان آثار هنری و یا شاعران به منظور آشکارسازی مقصود و هدف خود بیان می‌کنند را چه با بهره‌گیری از خیال و چه عالم واقع با تحت تأثیر قرار دادن مخاطب خود گفت‌ووشنودی را با او آغاز می‌کنند. این پیام آنان گاه آگاه‌کننده یا تسلی‌دهنده و یا حتی گاهی ناامیدکننده است. در این پژوهش اصول طراحی منظر کمال که می‌تواند منبعی برای طراحی منظر باغ ملکوت باشد در قالب (جدول ۳) تدوین شده است.

طراحی با رویکرد حکمت عناصر منظر

تاکنون در این تحقیق عواملی که با بازشناسی وجوه مختلف آنها

مسیر نیل به طراحی منظر باغ ملکوت بر پایه معانی قدسی را هموارتر می‌نماید مورد بررسی قرار گرفته است؛ بررسی مفاهیم تأثیرگذار و شناسایی المان‌های شکل‌دهنده معماری منظر که طراحی آن به طرق مختلف در طول تاریخ و جوامع گوناگون وامدار این معانی بوده است. ایجاد محیطی سرشار از علم الهی و حکمت ازلی که با هم‌نشینی و تناظر عناصری که دارای معنا و صورت هستند ممکن می‌شود، زمینه‌ساز شناخت عظمت الهی خواهد بود. در باغ عرفانی و مفهومی تمام آیات الهی در طبیعت از عناصری همچون آب‌وآتش و باد و خاک گرفته تا زمین و آسمان و ستارگان و درختان در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. گرد هم آمدن این نشانه‌ها در محیطی محصور همچون باغ آدمی را به تفکر در

جدول ۴. جایگاه منظر در مبانی نظری پژوهش.

نتایج	نمادپردازی در زیرشاخه‌ها	مباحث	جایگاه منظر در:
دین طریقتی است که سعی دارد انسان را به شناختی از خود و طبیعت و نظام طبیعی نزدیک نماید. پس دین هم به بعد فردی و هم به جنبه اجتماعی اشاره دارد. بر اساس دیدگاه "نقد هرمنوتیک هنر" یکی از مهم‌ترین ویژگی هنرها جنبه کالبدی بخشیدن به اعتقادات و باورهایی است که در شکل‌گیری آنها نقش داشته‌اند؛ بنابراین در حوزه معماری دینی و قدسی که تحت تأثیر مستقیم باورهای دینی بوده‌اند می‌توان از وجود نقاط مشترکی در میان معماری ادیان مختلف سخن گفت (قدوسی فر ۱۳۹۱: ۴۷).	تعالیم دینی به انسان	ادب: ادب	فلسفه و عرفان
نظام تمرکز حواس در صور خیال باغ‌های مولانا از باغ ایرانی به عنوان هنری مفهومی، ذاتی، معنایی، قدسی، کمال یافته، متعال و جامع جمیع هنرها یاد می‌کند که ارتباط با آن از طریق احساس بوده و می‌تواند ما را در درجه پایین‌تر به عالم ناسوت و یا در درجه بالاتر به عالم جبروت برساند (مطلبی ۱۳۹۱: ۲۶).	سیر مفهومی در عوالم	حضرت مثال	
ما در عالم ناسوت پدیده‌ها را با حواس پنج‌گانه یعنی بینایی، بویایی، چشایی، شنوایی و لامسه درک می‌کنیم. در اشعار مولوی در بیشترین ابیاتی که باغ خاص به کار رفته عناصر و یا اجزای طبیعی یا مصنوعی که محرک حواس پنجگانه با یکی از این حس هاست وجود دارد. حضور باغ در اشعار مولانا به صورت اضافات تشبیهی یا استعاره‌ای از معنا است (شاهچراغی ۱۳۹۱: ۲۱۴).	عالم وجود و عالم خواب و خیال	عالم خواب و خیال	
	باغ در اشعار	ادب: ادب	

این آیات واداشته و با به ارمغان آوردن فضایی مناسب، اندیشیدن در باب عالم کبیر و عالم صغیر را برای بیننده ممکن می‌سازد.

بنابراین شناسایی شاخصه‌ای معنا در منظر از طریق موارد زیر میسر شده است:

– ارزیابی تأثیر معنوی ادیان بر شکل‌گیری معماری منظر ایرانی؛
– تحلیل مفهوم و معنای عرفانی در محیط‌های شهری و ادوار تاریخی؛

– ارزیابی ارتباط نشانه‌ها و عناصر منظر بایکدیگر و تأمل و تفکر در آن؛
– شناخت صور خیال در باغ و جستجوی مفهوم طبیعت به‌کاررفته در ادبیات (متون ادبی و اشعار).

به‌طور خلاصه در «جدول ۴» به جایگاه منظر در مباحث تأثیرگذار و مرتبط با مبانی که تاکنون در این تحقیق به آن اشاره شد پرداخته شده است.

خصوصیات بستر انتخابی

باغ ملکوت در استان گیلان، بخش مرکزی شهرستان صومعه‌سرا، دهستان کسما که منطقه‌ای جلگه‌ای است واقع شده است. کسما در دوران مبارزات میرزا کوچک خان جنگلی خدمات قابل توجهی ارائه داده است و به عنوان مقر نهضت جنگل، پایگاه سیاست‌گذاران این نهضت و از مهم‌ترین مرکز جنگلیان بوده است. اگرچه امروزه این بخش جزئی از شهرستان صومعه‌سرا محسوب می‌شود اما در آن دوران بسیار شناخته‌شده‌تر و وسیع‌تر بوده است؛ تخریب دفتر نشریه جنگل، سوخته شدن بازار، از بین رفتن مجلس سنای جنگلیان و همین‌طور حمام تاریخی کسما از یک‌سو، عدم توجه و رسیدگی برای حفظ یادگاران جنبش جنگل از سوی دیگر سبب شد تا اکثر ابنیه‌های تاریخی این محدوده از بین برود.

محل قرارگیری سایت مورد نظر برای طراحی منظر باغ ملکوت، محدوده‌ای است در کسما که در مجاورت رودخانه و در امتداد بازار تاریخی این منطقه واقع شده است. همچنین وجود مقبره امامزادگان ابراهیم و سید عبدالله (علیهما السلام) و مسجد این مجموعه به همراه آرامستان موجود بر تقدس این مکان در نظر اهالی افزوده است (تصویر ۱). زنده‌نگه‌داشتن یاد آن وقایع تاریخی و اهداف ارزشمند آن از یک‌سو و نبود امکانات کافی و بی‌توجهی به نیاز اهالی از سویی دیگر از عواملی است که ضرورت انتخاب این محدوده جهت طراحی را دوچندان کرده است و بر لزوم وجود فضایی تفریحی، رفاهی، آموزشی و

همچنین ساماندهی آرامستان مجموعه با هدف تأمین نیازهای روحی و روانی بازماندگان افزوده است و بستر مناسبی جهت ایجاد محیطی امن و ارزشمند در قالب باغ ملکوت فراهم کرده است. (تصویر ۱)



تصویر ۱. عکس هوایی از سایت انتخابی؛ نقاط شاخص سایت: ۱. آرامستان، ۲. مسجد، ۳. بقعه کسما (تصویر: google؛ تدوین نگارنده).



جدول ۵. جانمایی فضا و کاربری‌ها در باغ ملکوت (تدوین: نگارنده بر اساس جمع بست تحلیلی از منابع).

نقاط شاخص	عوامل وجود	هفت شهر عشق	باغ مولوی	شرح حال فضا
ورودی - خروجی باغ	حضرت جامع (انسان کامل)	-	باغ عشق الهی	جامع جمیع مراتب وجود
محدوده تفریحی - رفاهی	حضرت ناسوت (عالم ماده)	وادی طلب	باغ جهان / باغ در معنای دنیا	ذاتاً و فعلاً مادی است؛ همراه با القا سرگشتگی، جست‌وجو و طلب.
آرامستان	حضرت ملکوت عالم نفوس در (فلسفه)	وادی عشق	باغ بقا / باغ در معنای بهشت	جهان خیال و عالم مثال؛ جهانی ملکوتی که از یک سو به عالم ماده و از سوی دیگر به جوهریت عالم عقل و تجرد گره خورده است؛ همراه با ایجاد دل‌بستگی - نهراسیدن از سوختن.
رودخانه و پل	حضرت جبروت (عالم عقول در فلسفه و حکمت)	وادی معرفت	باغ دل / باغ هستی / باغبان	جهان عقل است که از جوهره قائم به ذات برخوردار است آفریده‌ای که وجهه‌ای به جانب حق و وجهه‌ای به جانب خلق دارد و آن عقل است؛ همراه با انتخاب راه به قدر شایستگی دانش و بینش.
آرامگاه	حضرت لاهوت (مقام واحدیت)	وادی استغنا / وادی توحید	باغ جان / روح و روان انسان	ساحت اسماء و صفات الهی توجیه‌گر خلقت و منتهای معرفت بشری است که کائنات به عنوان نشانه‌ای از هستی او هستند؛ همراه با القا حس وحدت بی‌نیازی از غیر دعوت به سکوت و تفکر.
	حضرت هاهوت (عالم ذات)	وادی فنا / وادی حیرت		ساحت مجهولة الکنه و غیب‌الغیوب - آخرین منزل و هدف غایی

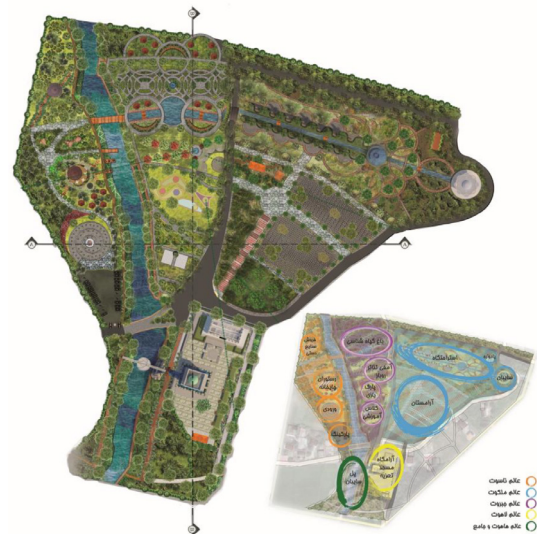
ناسوت را به مخاطبان ارائه داده است؛ بیننده با گذر از مسیری مارپیچ که می‌تواند یادآور کشمکش‌های دنیوی باشد، نهایتاً به فضایی می‌رسد که دارای حوض بوده و ویژگی‌هایی همانند قدرت خداوند، عالم معنا، حقیقت و وحدت را یادآوری می‌کند و هم‌نشینی این فضا با درختی که نماد زندگی، پویایی و شادابی است بهشت را توسط به‌کارگیری حواس انسان (جدول ۳) متجلی خواهد ساخت. (تصویر ۳).

بحث

در این پژوهش با توجه به مباحث ذکرشده در بخش مبانی نظری و در نظر گرفتن دیدگاه ابن عربی^۱ در مورد حضرات خمس^۲ یا مراتب وجود (جدول ۳) شرح حال هریک از عوامل وجود که طی روندی جانشینی - هم‌نشینی (نمودار ۱) با نماد و نشانه موجود در باغ مفهومی مولانا و هفت شهر عشق عطار در مقایسه با یکدیگر قرار گرفته‌اند، به جانمایی فضاها و کاربری‌های مختلف در زون‌ها پرداخته شده که در «جدول ۵» به آن اشاره شده است. «تصویر ۲» اجزای اصلی باغ شامل حضرت جامع یا انسان کامل، حضرت ناسوت یا عالم ماده، حضرت ملکوت یا عالم نفوس در فلسفه، حضرت جبروت یا عالم عقول در فلسفه و حکمت، حضرت لاهوت^۳ یا مقام واحدیت و حضرت هاهوت یا عالم ذات را شکل می‌دهد.

با در نظر گرفتن «جدول‌های ۳، ۴ و ۵» و جمع‌بندی مباحث مطرح شده، ترجمان کالبدی باغ ملکوت به شرح زیر خواهد بود که در «جدول ۶» گردآوری شده است.

وادی ناسوت به مثابه بازتابی از عالم فلک یا جهان مادی و جسمانی است که دربرگیرنده عملکردهای تفریحی، رفاهی و خدماتی است (جدول‌های ۵ و ۶)؛ چراکه عالم ناسوت ذاتاً و فعلاً مادی است. در قسمت ورودی، نقطه عطفی برای این مرحله در نظر گرفته شده است که شرح حال فضای کلی وادی



تصویر ۲. سایت پلان باغ ملکوت - جانمایی فضاها.

جدول ۶. عوامل وجود و مصادیق آن در طراحی منظر باغ ملکوت.

عناصر معماری منظر	نماد و مفهوم	انواع / فضا	مکان شکل‌گیری در باغ	ویژگی / هدف	
عناصر مصنوع و توده‌ها در فضا	محل قرارگیری فضاها و توده‌ها و رابطه عملکردی بین آنها، متبادر شدن کیفیت و کمیت موردنظر طراح در ذهن انسان همچون: دید و منظر، محصوریت و...	ورودی	مسیر ماریچ	دعوت‌کنندگی - القای سرگشتگی	
		خروجی (انسان کامل)	وادی جامع- مسیر سبز	آرامش - تکامل	
		رستوران - فروشگاه - گالری	وادی ناسوت	مسیرهای ماریچ همراه با پستی‌وبلندی و استفاده از پلکان/ ذهن مشوش - دغدغه‌های دنیوی - راهی طاقت‌فرسا - ریاضت کشیدن برای رسیدن به بهشت - عدم تقارن - سرگشتگی	
		باغ گیاه‌شناسی - آمفی‌تئاتر روباز - پارک بازی - کلاس آموزشی	وادی جبروت	استفاده توأمان از منظر سخت و منظر نرم / یادآوری هم‌زمان دنیا و آخرت	
		آرامستان / سایبان - یادواره / فضای برای تأمل و تفکر	وادی ملکوت	معماری آرام و لطیف / مسیر هموار و مستقیم / القاکننده آرامش - یادآور بهشت و آسایش ابدی	
		آرامگاه - مسجد - محل اجرای تعزیه	وادی لاهوت	توحید و پرستش خداوند	
وجود و حرکت آب در فضا	گذر آب در نماد زودگذر بودن عمر / نمادی از رحمت و برکت الهی، جان‌بخشی، حقیقت، قدرت، وحدت در عین کثرت	رودخانه - تداخل جوی‌ها با مسیرها	تمامی عرصه‌ها	صدای آب در فضاها، آبیاری گیاهان / پاک‌کننده، تلطیف روح، رسوخ معانی به قلب و جان، آرامش روح و روان	
		آبشار	وادی هاهوت		
		حوض	وادی جبروت / ملکوت / لاهوت		
		فواره	وادی جبروت / ملکوت		
کاشت گیاه در فضا	تعیین نوع آنها با توجه به شرایط اقلیمی و زمان	درخت سایه‌افکن، مثمر، گل‌های زینتی و همیشه‌سبز	تمامی عرصه‌ها	تحرك و پویایی و تداوم حیات	
		نظام پوششی			لطافت و سختی، عظمت و قدرت
		نور و سایه			تجلی عشق الهی، راهنما و هدایت، تکامل، یکی شدن با ذات الهی.
		حواس پنج‌گانه			یادآور بهشت توسط حواس
خلوت و سکوت	تأمل و تفکر در باب هستی و وجود	استراحتگاه و سایبان‌ها	وادی ملکوت - هاهوت	رهایی ذهن انسان از تمام متعلقات - غرق شدن در طبیعت	



تصویر ۳. ورودی وادی ناسوت.



وادی ملکوت

حق و وجهه‌ای به جانب خلق دارد. وادی معادل این عالم در طرح پیشنهادی انتخاب راه به قدر شایستگی و دانش و بینش را برای مخاطب خود به ارمغان می‌آورد و با وجود فضاهایی همچون باغ گیاه‌شناسی، آمفی‌تئاتر روباز، پل و... که در دل خود دارد دربرگیرنده عملکردهای آموزشی - فرهنگی است که نهایتاً یادآور باغ در تعابیر عارفانه است (تصویر ۵) (جدول‌های ۵ و ۶).

وادی لاهوت

وادی لاهوت به مثابه بازتابی از عالم اسماء و صفات الهی است که دربرگیرنده فضاهایی همچون آرامگاه امامزادگان و مسجد مجموعه است؛ از این‌روی منتهای معرفت در این سیر و سلوک منزل احدیت و نشانه وحدت است (جدول‌های ۵ و ۶).

وادی ملکوت به مثابه بازتابی از عالم مثال یا جهان خیال است که دربرگیرنده آرامستان، استراحتگاه و برخی فضاهای خاص و مفهومی است. با توجه به تعریفی که برای عالم ملکوت بیان شده است (جهان ملکوتی که از یک‌سو به عالم ماده و از سوی دیگر به جوهریت عالم عقل و تجرد و عالم خواب‌وخیال گره خورده است) که در این طرح شامل فضای آرامستان و فضاهای مفهومی است که نقطه عطف مجموعه محسوب می‌شود. با نظر گرفتن «جدول ۵» می‌توان وادی عشق را هم‌تراز با این وادی در نظر گرفت که در این فضای مفهومی با هم‌نشینی آب‌وآتش به تصویر کشیده شده است و به ایجاد دل‌بستگی و درنهایت نهراسیدن از سوختن اشاره دارد (تصویر ۴).

وادی جبروت

در فلسفه و حکمت از عالم جبروت به مثابه بازتابی از عالم فرشتگان مقرب یا عالم عقول یاد می‌شود و وجهه‌ای به جانب



تصویر ۵. آمفی‌تئاتر، نقطه عطف وادی جبروت (باغ تصویری است در آب و درخت نمادی است از ذات الهی).



تصویر ۴. نقطه عطف وادی ملکوت.



تصویر ۶ مقطع وادی لاهوت، هاهوت و جامع.

وادی هاهوت - وادی جامع

وادی هاهوت به مثابه بازتابی از عالم ذات یا همان مرحله غیب‌الغیوب است که در آخر به وادی جامع و یا همان خروجی مجموعه منتهی می‌شود و این سیر تکاملی را به یک چرخه بدل خواهد کرد؛ وادی هاهوت به وادی جامع یا انسان کامل (همان نقطه آغازین) متصل می‌شود و شروع و پایان مجموعه را به یک گره مبدل می‌سازد (جدول ۵). در این نقطه انسان با عبور و طی کردن مسیر رودخانه دل را به دریای معرفت زده و با ذرات خروشان آب همراه و جاودانه خواهد شد و به همان باغ جان که جامع جمیع مراتب وجود است نائل می‌شود (تصویرهای ۶ و ۷).



تصویر ۷. وادی لاهوت، هاهوت و جامع.

آب ساکن با طواف به دور آرامگاه که پاک‌کننده روح و جسم است به آب روان و جوی رسیده و با آب جوشان (آبشار) از بلندی به پستی می‌آید و به مرجع آب (رودخانه) متصل می‌شود (جدول‌های ۳ و ۵).

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر باغ ملکوت تمثیلی از بهشت است که در راستای رویکرد اصلی تحقیق یعنی بررسی امکان‌پذیری و دستیابی به چگونگی و راهبردهای بازنمایی استعاری و نمادین عرفانی در طراحی منظر باغ ملکوت گام برمی‌دارد. طراحی منظر باغ ملکوت از معانی و مضامین عرفانی سرچشمه گرفته و علاوه بر این که دارای عملکرد مناسبی در جهت ایجاد آسایش و آرامش برای کاربر است، زیبایی‌های طبیعت را هر چه بیشتر

به نمایش گذارده است. بررسی نمونه‌های موردی همچون معماری عصر صفوی که مفاهیم عرفانی و کاربری‌های مختلف معماری در روند جانشینی و هم‌نشینی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، شناخت راهبردهای طراحی را به دنبال داشته است. راهکارهایی که منعکس‌کننده مفاهیم سلوک شده‌اند و ذهن انسان می‌تواند هم به صورت خودآگاه و هم ناخودآگاه در معرض درک این مفاهیم متعالی قرار گرفته و به برقراری ارتباط با فضای مفهومی بپردازد.

طراحی بر اساس عوالم وجود در عرفان یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری باغ ملکوت است که به ترتیب شامل عالم جامع، عالم ناسوت، عالم ملکوت، عالم جبروت، عالم لاهوت و عالم هاهوت بوده است؛ ناظر گاه به صورت مستقیم و گاه به طور غیر مستقیم در حین گذر از هرکدام از این عوالم به مفاهیم استعاری مستتر در عناصر طبیعت پی می‌برد. عوالمی که در بردارنده نقاط عطف مخصوص به خود و ویژگی‌های خاصی که در هریک از زون‌ها به‌طور مجزا ارائه گردیده هستند. در این میان منطقه‌ای با طبیعت بکر و خاصی همچون سایت باغ ملکوت یعنی «کسما» که از مزیت‌های قابل توجهی برخوردار است، بستر مناسبی را جهت طراحی منظر مورد نظر به ارمان آورده است.

عناصر کالبدی و المان‌های منظر همچون آب، گیاه، نور و سایه، مسیر و... در بستر طرح نیز از جمله عوامل تأثیرگذاری است که مسیر نیل به هدف اصلی پژوهش که همان تحقق مفاهیم عرفانی و معانی والا در طراحی منظر باغ ملکوت است را هموارتر کرده است. لازم به ذکر است وجود رودخانه و همچنین آرامگاه موجود و پوشش گیاهی غالب ما را در جهت تلطیف فضای آرامستان در این مجموعه که ممکن است ناخوشایند به نظر برسد، یاری رسانده است.

در آخر ارزیابی و به‌کارگیری اصول معنا و نمود آن در فعالیت‌های انسانی از طریق همراه شدن با نظام طبیعت و با به‌کارگیری حواس در تعامل با محیط منجر به ایجاد طرحی همه‌جانبه شده است که شناخت و تکامل را به همراه آورده و مخاطب را وادار به بازگشت به طبیعت می‌کند؛ تجربه‌ای معناگرایانه و عارفانه که می‌تواند آرامش از دست‌رفته انسان مدرن را که همواره به دنبال هویت گمشده خویش است باز یابد؛ لذا ضرورت ارتباط انسان با طبیعت که امری جدانشدنی است در همراهی با عناصر تشکیل‌دهنده آن بیش‌ازپیش احساس می‌شود.



پی‌نوشت‌ها

۱. رجوع شود به شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵: ۴۰.
۲. رجوع شود به شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵: ۳۶-۴۱؛ از دیدگاه ابن عربی که متولی عرفان نظری است تمامی عوالم وجود در پنج حضرت خلاصه می‌شوند: ۱. حضرت لاهوت، ۲. حضرت جبروت، ۳. حضرت ملکوت، ۴. حضرت ناسوت، ۵. حضرت جامع.
۳. رجوع شود به شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵: ۴۱-۴۳؛ برخی از شارحان ابن عربی به جای حضرات خمس سخن از حضرات سته گفته‌اند و مراتب وجود را در دیدگاه ابن عربی ششگانه دانسته‌اند. وجود حضرت هاهوت (عالم ذات) که ساخت مجهوله‌الکنه و غیب‌الغیوب است بر اساس همین دیدگاه در تحقیق حاضر تبیین شده است.

فهرست منابع

- اخوت، هانیه السادات؛ زمانی، احسان؛ امیرخانی، آرین و پور جعفر، محمدرضا (۱۳۸۸). تحلیل نظام‌های ساختاری و شکلی حاکم بر معماری منظر ایرانی با تأکید بر غالب ادیان توحیدی ایران، معماری و شهرسازی آرمان شهر، (۳)۲، ۱۰-۱۰۲.
- امین زاده، بهناز (۱۳۹۴). ارزش‌ها در طراحی منظر شهری، تهران: دانشگاه تهران.
- انصاری، مجتبی (۱۳۹۱). ملکوت در سوره مبارکه یاسین، بینات، ۱۹(۷۵)، ۳۵-۴۰.
- بمانیان، محمدرضا؛ انصاری، مجتبی (۱۳۹۰). حکمت عناصر معماری منظر در بهشت قرآنی با تأکید بر سوره مبارکه الرحمن، صفة، ۲۱(۲)، ۵-۱۴.
- بنی‌اردلان، اسماعیل (۱۳۸۹). معرفت‌شناسی آثار صناعی، تهران: سوره مهر.
- بی‌دریغ کسمانی، مرصده (۱۳۹۹). طراحی منظر باغ ملکوت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، معماری منظر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه خاتم.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۰). در سایه آفتاب، تهران: سخن.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸). صدای بال سیمرغ: درباره زندگی و اندیشه عطار، تهران: سخن.
- شاهچراغی، آزاده (۱۳۹۱). پارادایم‌های پردیس: درآمدی بر بازشناسی و بازآفرینی باغ ایرانی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- شیخ‌الاسلامی، علی (۱۳۹۵). خیال، مثال و جمال در عرفان اسلامی، تهران: فرهنگستان هنر.
- عمید، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیر کبیر.
- فرشید نیک، فرزانه؛ افهمی، رضا و انصاری، مجتبی (۱۳۹۴). بررسی فرایند خلق معانی و بیان مضامین عرفانی در شهر اسلامی، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، ۲(۷)، ۳۱۱-۳۴۰.
- قدوسی‌فر، هادی؛ حبیب، فرح؛ شهبازی، مهتیبام (۱۳۹۱). حکمت خالده و جایگاه طبیعت در جهان بینی و معماری معابد ادیان مختلف، باغ نظر، ۲۰(۲)، ۳۷-۵۰.
- قطب زاده اردکانی، فاطمه (۱۳۹۲). باغ سلوک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، معماری منظر، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
- کاملی، هدا (۱۳۸۹). باغ مولوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، معماری منظر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- کورکیان، وسیکر (۱۳۷۷). باغ‌های خیال، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: پژوهش‌فرزان روز.
- گودرزی، الهه؛ قنبری، ناصر؛ بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۶). بازشناسی وجوه ذهنی باغ در اشعار مولوی، مطالعات هنر و فرهنگ، ۲(۲)، ۲۹-۴۲.
- گودرزی، الهه؛ قنبری، ناصر؛ بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۶). مبانی طراحی باغهای ذهنی مولوی در کوهستان با تکیه بر حرکت آب و مسیر پیاده، مطالعات جغرافیا، عمران و مدیریت شهری، ۱۳، ۲۰۳-۲۱۷.
- ماهان، امین؛ منصوری، سیدامیر (۱۳۹۶). مفهوم منظر با تأکید بر نظر صاحب‌نظران رشته‌های مختلف، باغ نظر، ۱۴(۴۷)، ۱۷-۲۸.
- مطلبی، ریحانه (۱۳۹۱). مهدی شیبانی: آوای هستی باغ ایرانی، منظر، ۴(۲۱)، ۲۶-۲۷.
- ناصری، ناصر (۱۳۹۵). جلوه‌های بسط عوامل صعود به عوالم ملکوت در مثنوی مولانا، عرفان اسلامی، ۱۳(۴۹)، ۲۱۷-۲۴۲.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۲). عالم خیال و مفهوم فضا در نگارگری ایرانی، هنر، ۵۷، ۸-۱۵.

Corner, James (1999). Recovering Landscapes. Princeton Architectural Press.

Cosgrove, Dennis and Stephen Daniels (eds) (1988). The Iconography of Landscape. Cambridge University Press.

Google. (n.d.). [Map of the Kasma in Iran, Gilan Province]. Google Maps. Retrieved August 15, 2024, from <https://maps.app.goo.gl/9mBVRrqrqjXukzeaAA>.

تبیین مؤلفه‌های فرایند طراحی معماری مبتنی بر نظام معرفت‌شناسی حکمت وجود

علی اکبری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳-۱۱-۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴-۰۵-۰۹

DOI: 10.22034/rau.2025.2051592.1136

چکیده

رویکردهای کنونی به تعریف فرایند طراحی معماری و روبه‌های فعلی در خلق فضای زندگی، هرچند متأثر از اندیشه‌های نظریه‌پردازان پست‌مدرن تا حدی به سمت توجه به مسائل فرهنگی متمایل شد، اما همچنان بنیان آن بر حل مسئله عملکرد، فرم و ساخت است. این موضوع پس از اوج‌گیری دستاوردهای انقلاب دیجیتال بیش‌ازپیش از ماهیت انسانی خود فاصله گرفته و ابعاد مختلف آن تحت تأثیر قرار گرفته است. روبه‌های طی شده در قرن بیستم و تا به امروز در تدوین فرایند طراحی معماری به ابتدای نظام شناخت‌شناسی علمی خود، نتوانسته است راه‌حل‌های مناسب و مطلوبی برای انسان به ارمغان بیاورد و انسان مدرن را بیش‌ازپیش در محیط‌های زندگی، سردرگم و بیگانه از خود و محیط کرده است. مسئله اصلی پژوهش آن است که چه نموداری از فرایند طراحی معماری را می‌توان بر اساس مؤلفه‌های نظام معرفت‌شناسی حکمت وجود تبیین و ترسیم کرد که بنیان‌های هستی‌شناختی‌اش معطوف به حکمت وجود انسان و سرشت واحد او تعریف شود؟ این مؤلفه‌ها کدام‌اند و در کجای این روند قرار می‌گیرند؟ پارادایم تحقیق، انتقادی، رویکرد تحقیق کیفی، روش تحقیق، تحلیل گفتمان و راهبرد تحقیق، قضیه تحلیلی در استدلال منطقی است. نتایج بحث نشان می‌دهد که ارکان اصلی تأثیرگذار بر فرایند طراحی معماری خردمندانه اعم از نظام معرفت‌شناسی، مد و مصرف، نیازها و زندگی روزمره، جامعه متعالی و سعادت‌مندی جمعی و فردی و نهایتاً زندگی حکیمانه آحاد افراد جامعه باید مبتنی بر سرشت انسانی بازتعریف شود. مؤلفه‌های ارکان طراحی را می‌توان به صورت: هندسه عناصر و اجزا، نشانه‌ها و نمادها در طراحی، مفهوم طبیعت قدسی و تأثیر آن بر طراحی، روابط انسانی و اجتماعی در طراحی هر پروژه، زیبایی‌شناسی و آرمان‌شهرگرایی حکمی و تعریف کاربری‌ها و عملکردها بر اساس آن تبیین کرد. همه این مؤلفه‌ها در مفهوم «طراحی حکمی» تجمیع می‌شود و می‌توان آن را در قالب یک مدل جدید ارائه کرد.

کلیدواژه‌ها: فرایند طراحی، معرفت‌شناسی حکمی، معماری و حکمت وجود، آموزش طراحی معماری، معماری انسانی

۱. استادیار، گروه معماری، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



۱. مقدمه

بر حکمت وجود انسان در تأملات و مطالعات فرایند طراحی معماری، نادیده گرفته شده است.

هم‌زمان با فهم دقیق‌تر و عمیق‌تر از جریان‌های علمی در قرن بیست‌ویک، پیامدهای ناشی از رویه‌های موجود در ابعاد مختلف خود را نشان داده است و حتی اندیشمندان غربی در حوزه‌های مختلف، نسبت به شرایط موجود و خلأ معنا و نظام فکری معناگرای راستین هشدار داده و ضرورت بازنگری در مبانی علمی و ماهیت روندهای جدید را متذکر شده‌اند. جریان‌های انتقادی پساتوسعه، پساپست‌مدرنستی، پاسااختارگرایی، جریان‌های منتقد نولیبرالیسم، نوسرمایه‌داری و بی‌هویتی فناوری‌آوری‌زده، انسان را از مسیری که در پیش گرفته انذار داده‌اند و بازنگری در روندهای موجود را ضروری می‌دانند. این امر در معماری نیز دارای اهمیت است چراکه فرایند طراحی و خلق محیط حضور انسان‌ها و جبهی از واقعیت زندگی است که می‌تواند نسبت به سعادت‌مندی آدمی، مسئله‌مند باشد. یوهانی پالاسما اظهار می‌دارد که در دنیای مصرف‌گرای امروز، که فرهنگ اطلاعات و رسانه به‌طور فزاینده‌ای ذهن انسان را با محیط‌های مصنوع، شرایط تجاری و سرگرمی‌های گیج‌کننده دست‌کاری کرده است، هنر مأموریت دارد تا از استقلال و حاکمیت تجربه فردی دفاع و زمینه‌ای وجودی برای موقعیت انسانی فراهم کند (Pallasmaa, 2009). فرایندهایی که منجر به رخداد وضعیت موجود از حیث فاصله گرفتن فضای ساخته‌شده از آرمان‌ها و ارزش‌های والای انسانی شده است، باید به انکای نظام اندیشه‌ای که بتواند زندگی مبتنی بر سرشت انسانی را تضمین کند و محصولی به ارمغان بیاورد که زمینه‌ساز رشد مادی و معنوی او باشد، بازتعریف شود و ابعاد، مؤلفه‌ها، زمینه‌های بروز و ظهورش تبیین گردد.

بنابراین مسئله اصلی این پژوهش آن است که چه نموداری از فرایند طراحی معماری را می‌توان بر اساس مؤلفه‌هایی تبیین و ترسیم کرد؟ که بنیان‌های هستی‌شناختی خود را معطوف به حکمت وجود انسان و سرشت واحد او تعریف کند. این مؤلفه‌ها کدام‌اند و در کجای این روند قرار می‌گیرند؟ چگونه می‌توان بر این اساس، ویرایشی از فرایندهای طراحی معماری موجود ارائه کرد که در مراحل مختلف خیال‌پردازی و ایده‌پردازی، تولید یا استخراج کانسپت، گردآوری و تحلیل داده‌های مؤثر بر طراحی، خلق فرم و فضا، حکمت وجود انسان مبنای باشد. هدف اصلی در این مطالعه را می‌توان تلاش برای پر کردن شکاف

رویکردهای غالب کنونی در تعریف فرایند طراحی معماری و رویه‌های موجود در خلق فضای زندگی، که اساس شکل‌گیری روش‌های فرایند طراحی معماری در نظام‌های آکادمیک به شمار می‌آیند، هرچند متأثر از اندیشه‌های نظریه‌پردازان پست‌مدرن تا حدی به سمت توجه به مسائل فرهنگی متمایل شد (Khudin, 2020; Uglinskaya, 2022)؛ اما همچنان بنیان آن بر حل مسائل عملکرد، فرم و ساخت است. همچنین روند طراحی معماری پس از اوج‌گیری دستاوردهای انقلاب دیجیتال بیش‌ازپیش از ماهیت انسانی خود فاصله گرفته و ابعاد مختلف آن را تحت‌الشعاع قرار داده است (Putra et al., 2022; Riccobono, 2014). هرچند روش قطعی و منحصربه‌فردی برای طراحی معماری وجود ندارد و در مفهوم فرایند نیز سلسله‌مراتب معینی در مراحل مختلف کار نمی‌توان تصور بود، اما همه آنچه در نظریه‌های فرایند طراحی معماری کنونی مطرح است، بر اساس رویکردهایی است که نتوانسته پاسخگوی همه نیازهای ابعاد وجودی انسان در مسیر تعالی و رشد او باشد. این مسئله در سرزمین‌هایی که دارای پیشینه تاریخی در ساختار اندیشه‌ورزی و حکمی خود بوده‌اند، منجر به تناقض‌های بیشتری شده و فضای ساخته‌شده نسبت به فضای مطلوب، فاصله ماهوی بیشتری دارد و مخاطبان بنا نسبت به آن، احساس بیگانگی نسبی دارند چراکه الزاماً از سرچشمه‌های ماهیت وجودی فضا اعم از مفاهیم فرهنگی، فهم حکمی از زمان، مکان، هنر، لایه‌های اجتماعی (Rezaei, 2016: 85) معنای زندگی راستین، امر معنوی، نسبت انسان با خویشتن و دیگری نشأت نگرفته است.

مسئله امروز مواجهه با طراحی، معطوف به بهره‌گیری حداکثری از فناوری‌های جدید در راستای بهینه‌سازی میزان مصرف انرژی، ارتقای روندهای تولید، کاهش هزینه‌های ساخت و هوشمندسازی فضا جهت رفع نیازهای بیشتر افراد است (Almihat et al., 2022). در حوزه طراحی فرم نیز به‌کارگیری روش‌های جدید ساخت با هدف نوعی فاصله گرفتن از هندسه دکارتی، پیش رفته است و پیچیدگی‌های فضا با هدف ایجاد احساس تحیر و خارق‌العاده بودن در مخاطبان ایجاد می‌شود. بر اساس همین اهداف، نظریه‌پردازان معماری اقدام به بازتعریف فرایند طراحی معماری، نقش معمار و جایگاه فناوری در آن کرده‌اند. عمدتاً در این اثنا، بینش نظری مبتنی

دانشی دانست که در مدل‌های فرایندهای طراحی در دیسپلین معماری و طراحی محیط به چشم می‌آید؛ شکافی که تا حدی ناشی از نگاه جزگرایانه به مقوله طراحی است.

۲. روش تحقیق

با توجه به اینکه مطالعه حاضر تلاش دارد تا بیان کند واقعیت ذهنی تحت تأثیر قدرت، ایدئولوژی و روابط اجتماعی قرار دارد و دانش تحت تأثیر ارزش‌ها و قدرت بیرونی نه ساختارهای صرفاً عینی یا مکانیکی و فنی تولید می‌شود (Bazargan, 2019) و با توجه به اینکه هدف، تغییر و تحول در دانش دیسپلینار از طریق پژوهش است، پارادایم تحقیق، انتقادی و رویکرد تحقیق با توجه به ماهیت متغیرها، کیفی است. از آنجاکه هدف از مطالعه حاضر دستیابی به نوعی سامانه تدوین نظریه‌ای است که در طراحی معماری و آموزش آن، بتواند مفاهیم را از حوزه حکمت وجود به حوزه معماری وارد کند، روش تحقیق، تحلیل گفتمان و راهبرد تحقیق، استدلال منطقی است. در استدلال منطقی، از قضیه تحلیلی که مبتنی است بر کلام محوری و رویکرد اقناعی به‌جای اثباتی، استفاده شده است (Mirjani, 2010:48). روش تحلیل داده‌ها، استدلال استنتاجی است. روش تحقیق بر انجام سه مرحله «توصیف»، «تفسیر» و «تبیین» استوار است. پس در روند پیشبرد پژوهش، نخست تعاریف موجود از فرایند طراحی معماری و کنش‌های انتقادی به آن در ادبیات موضوع و مبانی نظری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. مدل‌های لازم در این بخش ارائه شده است. در این گام، رابطه میان معانی مشترک در تعاریف همگرا از فرایند طراحی معماری و نهایتاً قرائت معانی مفاهیم همسو در متون با سایر معناهای مستخرج از دیدگاه‌ها دیگر تشریح شده است. سپس، در مرحله تفسیر، نظام‌های معرفت‌شناسی در غرب و بعد از آن نظام معرفت‌شناسی حکمی تبیین شده است. در این گام، مفاهیم در زمینه موقعیتی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در تحلیل، تلاش شده است شناخت کافی از زمینه و سیاق خلق مفاهیم و الگوها ایجاد شود. به عبارت دیگر، در این مرحله، میان متن و زمینه، رابطه معناداری ایجاد می‌شود؛ و نهایتاً در مرحله تبیین، روابط کشف‌شده میان متن (مدل فرایند طراحی) و زمینه (نظام معرفت‌شناختی حکمت وجود) با توجه به فرامتن مورد تحلیل و استنباط قرار می‌گیرد. فرامتن در اینجا، چالش‌های پیش روی روند طراحی معماری در قرن بیست‌ویک است که بر خلق متن

و زمینه تأثیرگذار بوده یا با آنها رابطه ایجاد می‌کند. در انتها فرایند طراحی معماری بر اساس نظام معرفت‌شناسی حکمی که بتواند اساس طراحی در دفاتر معماری و تعلیم و تدریس در کارگاه‌های طراحی معماری در دانشگاه‌ها واقع شود، تبیین و در غالب مدل تصویری ارائه شده و از این خلال تلاش شده است تا پرسش‌های تحقیق پاسخ داده شود.

۳. مبانی نظری تحقیق

۳.۱. تعاریف و تبیین گفتمان‌های غالب دهه‌های اخیر در فرایند طراحی معماری

فهم مفهوم طراحی با ابعاد پیچیده و گسترده معنایی و دلالتی خود و نیز کاربرد مختلف آن در فرایندهای کنش، آموزش و اجرا، تدقیق آن را ضروری می‌سازد. واژه طراحی هم به روند ساخت اثر دلالت دارد و به محصول نهایی (Lawson, 2016: 4). در این پژوهش، مقصود از طراحی روندی است که اثر معماری از آن طریق ساخته می‌شود. لاونسن طراحی را مهارتی معرفی می‌کند که مستلزم درک زیبایی‌شناسی مخاطب و جهان تجربی اوست (Lawson, 2016: 11). به‌زعم جان لنگ بسیاری از طراحان، طراحی را رشته‌ای از اعمال درونی و غیرقابل تمایز می‌دانند. فرایند طراحی روندی از تحلیل، ترکیب و ارزشیابی است که در آن طراح، داده‌های کسب‌شده را در فرایندی مرموز به نتیجه قابل ارائه تبدیل می‌کند (Lang, 1987, 2023: 42). در رویکرد مسئله‌محور، طراحی کوششی برای ابداع راه‌حل‌های مسئله، قبل از اجرای آن‌هاست (G Broadbent, 1973). براین اساس طراحی فرایندی تحلیلی و مستلزم تحلیل، ارزیابی و گزینش است و خلاقیت در آن بر مبنای چهار فرایند: آماده‌سازی، نهفتگی، روشن‌سازی و نفی و اثبات، تعریف می‌شود (Dicker-son & Robertshaw, 1975). اولریک نیسر طراحی را شامل فرایندهای شبیه‌سازی متشکل از شماری از طرح‌واره‌های متداخل می‌داند (Mayzner & Neisser, 1977) و مور و گی آن را متشکل از دو فرایند تولید واگرا (تدوین انگاره‌های متعدد و ابداع انگاره‌ها یا راه‌حل‌های بالقوه) و تولید همگرا (استنتاج یا ساخت یک انگاره از اجرای کثیر) معرفی می‌کنند (Moore & Gay, 1967). در این دیدگاه‌ها هدف اصلی حل مسئله است که عمدتاً در حوزه پاسخگویی به عملکردهای مدنظر تعریف می‌شود. رویه عمل طراحی در این دیدگاه در «شکل ۱» نشان داده شده است.

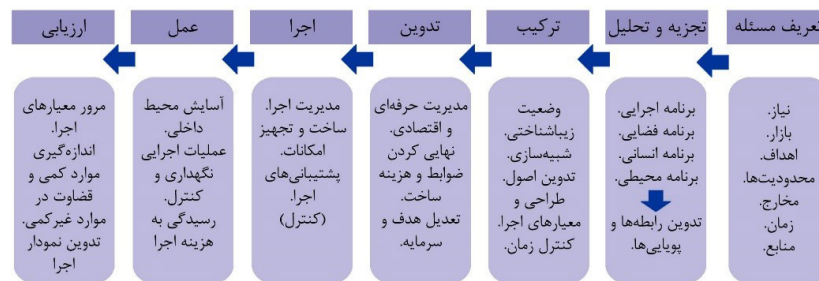


مرتفع کردن مشکلات دیده شده است.

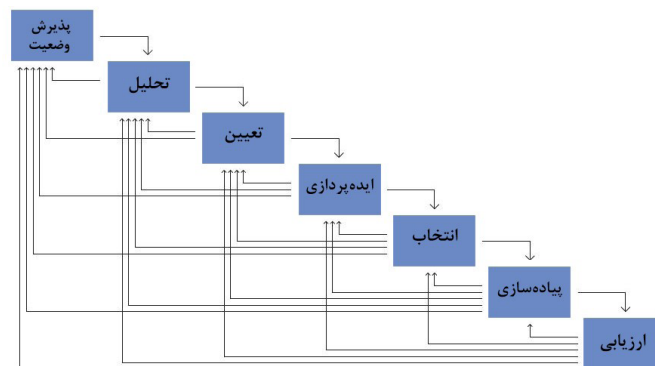
در دهه ۱۹۶۰ میلادی برنامه‌ریزی‌های کامپیوتری برای حل مسئله در فرایند طراحی معماری آغاز شد. در این زمان افکار در پی علمی‌شدن طراحی توسط کامپیوتر با هدف پاسخ‌دهی بهتر به برنامه بود (Sabri, 2014: 179). به سال ۱۹۶۵ بروس آرچر، بزرگ‌ترین چالش پیش روی ایده معمول طراحی و نگرش روش سیستماتیک حل مسائل را کاربرد علوم کامپیوتری و فرضیات مدیریت رایانه‌ای برای برآورد مشکلات طراحی، اعلام کرد (Archer, 1969). هربرت سایمون، از «علم طراحی» صحبت و آن را مجموعه‌ای از تحلیل‌های متفکرانه و تجربه‌گرایانه که قابل آموختن در زمینه فرایند طراحی باشد، معرفی می‌کند (Simon, 1996).

در دهه ۱۹۷۰ رودولف آرنهیم مفهوم تفکر بصری را مطرح و دیدگاه مدرنیست‌ها مبنی بر جدایی عقلانیت و اجرایی بودن از زیبایی‌شناسی و خلاقیت را رد کرد (R. Arnheim, 2004) و آن را برداشتی ناقص از عقل‌گرایی عنوان کرد که کیفیت‌های

دیدگاه‌هایی که طراحی را فرایندی از اقدامات تدریجی پیش‌رونده می‌دانند، که به ترتیب و یا با هم‌پوشانی به سمت حل مسئله که عمدتاً عملکرد است، حرکت می‌کنند، تمرکز خود را بر طی مراحل صحیح روند انجام امور می‌گذارند و فرایند را بر فرآورده ارجح می‌دانند و بر مفهوم فرایندگرایی در طراحی دامن می‌زنند اما دیدگاه‌های فرآورده‌نگر بر اقدامات آنی و فوری تأکید دارند و محصول را بررسی می‌کنند (Rezaei, 2016:36). هدایت فرایند طراحی ممکن است از کل به جز یا از جز به کل صورت گیرد. طراح ممکن است مسئله‌گرا عمل کند یا راه‌حل‌محور. از این رو ممکن است از ترکیب (هم‌آمیزی) یا تحلیل (واکاوی) بهره‌برد. بر همین اساس فرایند دومرحله‌ای طراحی (تحلیل و ترکیب) قابل تقسیم به فرایند سه، پنج و هفت مرحله‌ای خواهد بود (Hugh Dubberly, 2008). کوبرگ و بگنال، حل مسئله خلاقه را در هفت مرحله تعریف می‌کنند که در شکل ۲ نشان داده شده است. در این نمودار مبتنی بر نگاه کنترل‌گر، هرچند فرایند خطی و به سمت جلوست، اما در هر مرحله بازگشت و

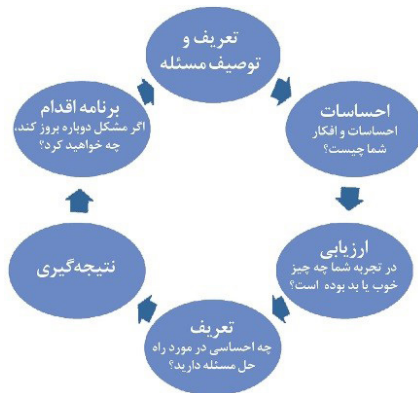


شکل ۱. مدل گسترده رویه خطی عملی طراحی (Lang, 1987; Swinburne, 1967).

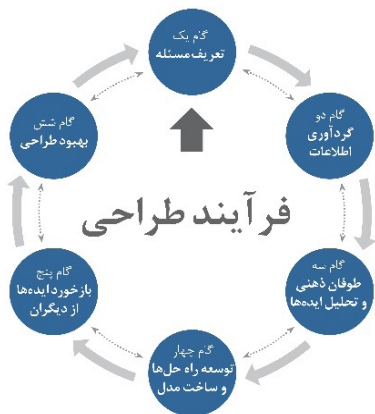


شکل ۲. فرایند طراحی هفت مرحله‌ای پیش‌رونده و برگشت‌پذیر (Koberg & Bagnall, 2003: 114).

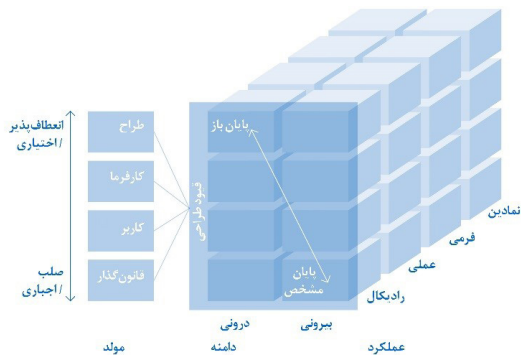
فرایند طراحی معرفی می‌کند. مدل پیشنهادی او در «شکل ۵» نشان داده شده است (Dubberly, 2010).



شکل ۳. چرخه فرایند طراحی از نظر بریان لاونسن به اتکای ادراکات طراحانه (Lawson, 2016).



شکل ۴. چرخه رفت‌وبرگشتی فرایند طراحی (Design Handbook, 2020).



شکل ۵. مدل پیشنهادی بریان لاونسن که در آن رابطه سه حوزه تولیدکنندگان، عوامل مؤثر درونی و بیرونی نشان داده شده است (Dubberly, 2010: 78).

غیرقابل توضیح فضا را نادیده می‌گیرد (Heath, 1993). آرناهم بر تفسیر کل‌نگر از رابطه میان خیال و فضا که شکل‌گرفته از برهمکنش و تعادل میان همه نیروهای مؤثر بر طراحی تأکید می‌کند (Rudolf Arnheim, 2009; McManus et al., 2011: 616). از اینجا فرایند خطی حل مسئله بیش‌ازپیش تحت تأثیر امر خلاقه قرار می‌گیرد. هورست ریتل و ملویل وبر به سال ۱۹۷۳ اعلام می‌دارند که مشکلات در حیطه برنامه‌ریزی از پیچیدگی فراوانی برخوردار است. مشکلات در حیطه علوم تجربی قابل برنامه‌ریزی است اما در حیطه طراحی از قابلیت مدیریت کمتری برخوردار است و این پیچیدگی‌ها نمی‌توان در مسیر ازپیش‌تعیین‌شده جلو برود (Rittel & Webber, 2017).

در آغاز دهه ۱۹۸۰ کریستوفر الکساندر که در ابتدا در کتاب یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم (Alexander, 1964) و مقاله «شهر درخت است» (Alexander, 1965) به دنبال راه‌حل‌های ریاضیاتی برای طراحی فرم و فضا بود، با انتشار کتاب راه بی‌زمان ساختن، از مفهوم کیفیت بی‌نام در طراحی سخن گفت (Alexander, 1979) و اعلام کرد آنچه را به عنوان روش طراحی پذیرفته است، فاقد ارزش و خود را از این حیطه جدا می‌داند. کریستوفر جونز نیز مقارن با الکساندر اعلان می‌دارد با روشمند کردن طراحی و استفاده از زبان ماشینی و تلاش برای حل تمام مسائل زندگی در چارچوب منطقی مخالف است و باید آن را اصلاح کرد (Jones, 2021). بنابراین در دهه ۱۹۸۰ متفکران حوزه فرایند طراحی تلاش کردند روند تعریف‌شده به‌ویژه از سوی مدرنیست‌ها را تصحیح کنند. بریان لاونسن ضمن مطرح کردن مسئله فرایند طراحی در حوزه ادراک طراحانه، آن را روندی چرخشی دانست که می‌تواند نقطه آغاز مشخصی داشته باشد اما حل مسئله با پیمایش مکرر شش مرحله‌ای اتفاق می‌افتد که در «شکل ۳» نشان داده شده است.

این فرایند نیز میان گام‌های خود، مسیری پیش‌رونده را طی می‌کند. البته برخی متفکران ضرورت بازنگری و حرکت رفت و برگشتی را میان مراحل ضروری می‌دانند و مدلی را پیشنهاد می‌کنند که در «شکل ۴» نشان داده شده است (Design Handbook, 2020). لاونسن، تحول در طراحی را از روند صلب با پایان مشخص به سمت روند منعطف با پایان باز پیش می‌برد و هرچه کنش طراحی از قانون‌گذار به سمت طراح پیش می‌رود، انعطاف‌پذیری بیشتر می‌شود (Lawson, 2016). او عوامل رادیکال، اجرایی، فرمال و نمادین را به مثابه عوامل مؤثر بر



۲.۳. آسیب‌شناسی انتقادی حوزه‌های مؤثر بر فرایند طراحی

با عدم موفقیت برخی از پروژه‌های بزرگ معماری که با فرایند مسئله‌محور معطوف به عملکرد، طراحی و ساخته شده بود، فرایند طراحی به حوزه‌های دیگر وارد شد و متفکران عمدتاً پست‌مدرن کوشیدند تعاریفی جدیدی از طراحی و فرایند آن ارائه دهند که مبنای تدریس در نهادهای آکادمیک واقع شود. دانالد شون، معرفت‌شناسی کنش هنری را در فرایندهای حسی و شهودی ریشه‌یابی کرد و آن را از مبانی تفکر طراحانه برشمرد (Schön, 1988). پیترو رو اصطلاح تفکر طراحی را برای نخستین بار به مثابه روشی برای حل مسئله طراحی با رویکرد انسانی و مبتنی بر روندهای خلاقانه مطرح کرد (Rowe, 1991). نایجل کراس ضمن مطرح کردن مقوله فرهنگ به مثابه یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر طراحی، آن را مبتنی بر جست‌وجو، شناخت، یافتن و کشف وجهی از تمایلات، خواست‌ها و نیازهای انسان و آن چیزی می‌داند که انسان را تبدیل به انسان کرده است (Cross, 2011: 7). کریستوفر الکساندر انتقادهای خود را به روندهای مدرن راسر ابراز کرد و به دنبال فهم فرهنگ‌های بشری در جوامع پایدار سنتی و نیز طبیعت به مثابه پایدارترین ساختار مولد موجود پیش چشم انسان بود (Sabri, 2014: 37-38). جین جیکوبز روندهای معماری و شهرسازی دهه‌های قبل از ۱۹۷۰ را ضد انسانی دانست و تأکید کرد در این روندها ساختار محلات را که منطبق بر ساخت اجتماعی بود و پایدار عمل می‌کرد، نابود کرده است (Jacobs, 2016). رابرت ورتوری با تأکید بر اهمیت پیچیدگی و تضاد در معماری ضمن حمله به مینیمالیسم مدرنیستی، سبک زندگی مدرن، اندیشه اصلاح اجتماعی از طریق راه‌حل‌های یکسان، تکنولوژیک و محصول فرایندهای خطی را مورد انتقاد قرار داد (Venturi, 1977). در این دوران فرایندهای طراحی فرم و فضای معماری تحت تأثیر مکاتب فکری و فلسفی پدیده‌شناسی، زبان‌شناسی، ساختارگرایی و پسا‌ساختارگرایی، نشانه‌شناسی، علوم محیطی، علوم رفتاری و روان‌شناسی محیط قرار گرفت و عطف به مقوله‌های انسان و فرهنگ، آیین و مذهب، آداب‌ورسوم، تبارشناسی امر زیبا، ساخت و ارزش‌های اجتماعی، معنویت و معناگرایی و مسئله سعادت در جوامع مختلف دست‌خوش تغییرات بنیادی شد. در «جدول ۱» آرای برخی از صاحب‌نظران بین‌المللی و داخلی که

در دوران پست‌مدرنیسم و خوانش انتقادی از فرایند طراحی، معتقد به بازنگری در آن بودند، دسته‌بندی شده است.

۳.۳. نظام‌های معرفت‌شناسی در غرب

ریشه‌های فلسفه معرفت‌شناسی غربی در آرای فلاسفه بزرگ یونان از جمله سقراط، افلاطون و ارسطو نهفته است. مباحث اصلی آنان در حوزه تعریف مفاهیم هنر و زیبایی‌شناسی، مراتب اگزیستانس انسان و رابطه آنها با امر متعالی جای می‌گیرد. فیثاغورث، زیبایی ماده را از عالم ملکوت و اعلی می‌دانست و از نظر افلاطون همه حقایق در عالم بالا نهفته است (Noghre-hkar, 2015: 121). همچنین یکی از مباحث مهم در اندیشه افلاطون مسئله عدالت است که آن را به مثابه یکی از چهار مشخصه اصلی هر اجتماع آرمانی می‌داند (Akbari, 2018: 74). او در تشریح سرمنشأ شناخت، ادراک بینایی را به عنوان بزرگ‌ترین هدیه اعطاشده به انسان معرفی کرد (Jay, 1994: 27) و بر این نکته تأکید داشت که جهان اخلاق باید در دسترس چشمان ذهن باشد (Levin, 1993: 274). ارسطو بینایی را باشکوه‌ترین احساس می‌دانست زیرا این احساس، به سبب فضیلت معنوی حاصل از معرفتش بیشترین نزدیکی را با قوه ادراک دارد (Pallasmaa, 2012). بنابراین معرفت‌شناسی او مبتنی بر اصالت دریافت‌ها و ادراکات حسی است. سه مکتب عمده در نظام معرفت‌شناسی یونان باستان عبارت‌اند از تجربه‌گرایان، شک‌گرایان و نوافلاطونیان. تجربه‌گرایان، معرفت حسی را اساس شناخت می‌دانستند و اثبات ریاضیاتی را رد می‌کردند (Monazah, 2014). شک‌گرایان به عدم امکان شناخت ذات و واقعیت اشیاء اعتقاد داشتند (Bréhi-er, 2016: 49) و معرفت را در سطح شناخت نمود متظاهر اشیاء می‌پذیرفتند و اصالت را به برداشت‌های مختلف مخاطب می‌دادند. نوافلاطونیان با امتزاج آرای افلاطون و ارسطو، نوعی معرفت‌شناسی عرفانی را مطرح و معرفت را دارای سه مرحله معرفی کرده‌اند: ادراک حسی، فهم عقلی و فهم شهودی.

از صدر مسیحیت تا دوران رنسانس، تحت تأثیر آرا و آموزه‌های فلوطین و سنت آگوستین، نظام معرفت‌شناختی غالب، الهیات مسیحی است و نظام اندیشه در حوزه الهیات، ادبیات و فن بیان، ملهم از عرفان مسیحی و معطوف به زندگی آن‌جهانی است (Akbari, 2019: 82). مکاتب فلسفی در این دوران به سه دسته واقع‌گرایی، معناگرایی و نام‌گرایی تقسیم

جدول ۱. تعریف، قلمرو و عوامل مؤثر بر طراحی در خوانش انتقادی صاحب‌نظران غربی از دههٔ ۱۹۸۰.

صاحب‌نظر	حوزهٔ تأثیرپذیری علمی	نوشته	تعریف، قلمرو و عوامل مؤثر بر طراحی
کریستیان نوربرگ-شولتز	پدیده‌شناسی اگزستانسیالیسم	مفهوم سکونت، وجود، فضا و معماری.	تفسیر پدیدارشناختی از مفهوم سکونت، مسیر طراحی را مشخص می‌کند. روح مکان، نوسالزی فضا و تجربهٔ زیسته ساکنان، تعیین‌کننده مسیر طراحی است (Norberg-Schulz, 1971, 1985).
جنوفری برادبنت	نشانه‌شناسی، روان‌شناسی و انسان‌شناسی	طراحی در معماری: معماری و علوم انسانی	فرایند طراحی معماری شامل چهار مرحله: عملیاتی بودن، نمادین بودن، قابل قیاس بودن و متعارف بودن است. مهم‌ترین مسئله در طراحی محیط، خواست مردم است (Geoffrey Broadbent, 1973).
کریستوفر الکساندر	علوم طبیعی و علوم تجربی، پدیده‌شناسی، جامعه‌شناسی تاریخی	راه بی‌زمان ساختن. یک زبان الگو. سرشت نظم.	طراحی انسان‌محور، همانند طبیعت و جوامع سنتی، گام‌به‌گام با ایجاد تحولات اندک و حفظ ساختار پیش می‌رود به‌نحوی که هر مرحله بر حیات و کلیت مرحلهٔ قبل می‌افزاید. طراحی در زمان اتفاق و به آهستگی می‌افتد (Alexander, 2002).
آلبرتو پریز-گومز	پدیده‌شناسی، معناگرایی تاریخی.	معنای معماری پس از نقد علم مدرن. ساخته‌شده بر عشق.	بنای ساخته‌شده همانند شعر سروده، طرحی از خویشتن خالق در قالب حضور است که معانی و سرحدات تجربه را شکل می‌دهد (Alberto Pérez-Gómez, 2007). فرایند طراحی به مثابه بیان شاعرانه و سرایش شعر است (Perez-Gomez, 2008) و بنیان معماری باید ارزش‌های انسانی و رسوم تاریخی و احساس انسانی استوار باشد (A. Pérez-Gómez, 2016).
یوهانی پالاسما	پدیده‌شناسی اگزستانسیالیسم، فلسفه احساس و ادراک	معماری و ادراکات حسی، دست متفکر. خیال مجسم.	وظیفهٔ ازلی معماری، خلق استعاره‌های وجودی تجسدیافته‌ای است که بودن انسان در جهان را ملموس و سازمان‌یافته می‌نماید. فرایند طراحی باید مبتنی بر تصاویر ذهنی، ادراکات حسی، بازتاب و تجسیدی از ایده‌ها و تصورات زندگی باشد؛ معماری به تصورات ما از آرمان‌های زندگی، مادیت می‌بخشد (Pallasmaa, 2009).
پیتر آیزنمن	ساختارشناسی، نشانه‌شناسی	دیاگرام خاطرات.	فرایند طراحی به اتکای عناصر نمادین به مثابه ابزار تولید فرم، مکانیسم‌های نحو فضا و فرم را شکل می‌دهند. از این‌رو روش متکی بر دیاگرام در فرایند طراحی ادغام می‌شود (Davidson & Allen, 2006).
کاری یورماکا	هگلیسم، هستی‌شناسی معماری، معناگرایی	مقدماتی بر روش‌های طراحی.	طراحی فرایندی متشکل از رهیافت، راهبرد و روش‌شناسی است که متأثر از تجربهٔ شخصی طراح، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی طراح و شرایط تکنولوژیکی و اقتصادی هر جامعه است (Jormakka et al., 2007).
رابرت مک‌کیم	انسان‌گرایی	تجاری در تفکر بصری.	هرچند مک‌کیم بر طراحی انسان‌محور مبتنی بر نیازهای او تأکید می‌کند اما تأمین نیازهای او را در بستر توسعه فرهنگی و زندگی بهتر انسان‌ها را هدف غایی طراحی می‌داند (McKim, 1972).
آنتون پیکون	دیجیتال‌سیسم و فناوری و معرفت‌شناسی رایانه‌ای	فرهنگ دیجیتال در معماری.	مادیت متفاوتی در حال ظهور است و مستلزم مرتبهٔ بالاتری از آگاهی در مورد نتایج و معانی ضمنی طراحی است. نگرش طراح باید به نحوی بازتعریف شود که مسئولیت اجتماعی و محیط زیستی را شامل شود (Picon, 2010: 189).
آموس راپاپورت	انسان‌شناسی، علوم محیطی و رفتاری	فرهنگ، معماری و طراحی.	مسئلهٔ معماری باید کشف شود. طراحی نوعی جهت‌گیری به‌جای کاربران است. فهم نیاز کاربران از فهم فرهنگ آنان می‌گذرد. مبنای طراحی رابطهٔ میان انسان و محیط طبیعی است (Rapoport, 2005).

شناخت‌شناسی جدید در دو نحلهٔ عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی، بروز می‌یابد. رنه دکارت، اصول فلسفی علم جدید را به‌گونه‌ای تبیین کرد که علوم به ریاضیات و جهان‌شناسی ریاضی تنزل یافت و رابطهٔ لطیف بین خدا و جهانی که مخلوق اوست، قطع شد. از این‌جا به بعد تقدس از جهان هستی زدوده شد و «حیات» و «طبیعت» در صور ریاضی، بُعد و امتداد و حرکت منحل می‌شود و جهان دکارتی می‌گردد (Madadpour, 2011: 40-41). به این ترتیب پیامدهای «من می‌اندیشم پس هستم» را می‌توان این‌گونه برشمرد: هم‌رده قرار دادن خداوند و ذهن، به مقام خدایی رساندن انسان، قداست‌زدایی از علم و معرفت، فروپاشی جهان‌شناسی سنتی که معطوف به وحدت الوهیت بود،

می‌شوند. واقع‌گرایان اصالت را به وجود عینی می‌دادند، معناگرایان اصالت را به برداشت‌های ذهنی از امر واقع می‌دادند و نام‌گرایان معتقد بودند چیزی جز لفظ عام و اسم عام، اصالت وجودی ندارد و هر آنچه هست به اعتبار اسمی است که به آن داده می‌شود (Monazah, 2014). آنچه در این دوران مهم است، عرفان مسیحی است و هنر و معماری در خدمت بروز هرچه باشکوه‌تر قدرت سیاسی و مذهبی ساختار مسیحیت و کلیسای کاتولیک است. هنر می‌کوشد مخاطبان را به زیبایی‌های دینی و عرفانی پیوند بزند.

در دوران جدید، یعنی از قرن هفده میلادی به بعد، با ظهور شکاکیت دکارتی متصل به رنسانس در سده‌های قبل از آن،



نشانه‌شناسی و ساختارگرایی و ساختار شکنی. پراگماتیست‌ها معرفت واقعی را در سودمندی یافته‌های فلسفی خلاصه می‌کردند. پوزیتیویسم که در تفکرات برتراند راسل و ویتگنشتاین بروز یافت اصالت وجودی را تنها برای قضایایی قائل بود که از نظر تجربی قابل تحقق و اثبات باشند. از این‌رو گزاره‌های متافیزیکی، گزاره‌های علمی محسوب نمی‌شود و باید از دایره علوم خارج گردد. بازگشت به واقعیت اشیا موضوع اصلی اگزیستانسیالیسم بود و تفسیر نشانه‌ها و دریافت معانی آنها، موضوع اصلی مکتب معرفت‌شناسی هرمنوتیک.

انقلاب فکری در رنسانس توأم با پیشرفت‌های علمی و انقلاب صنعتی، منجر به تغییر جهان‌بینی انسان عصر روشنگری تا به امروز شده است. از خلال همه مکاتب فکری و فلسفی آنچه برآیند نهایی دوگانه سوپژکتیویته-اژکتیویته بوده است مکانیکی شدن تصویر عالم در اندیشه بشری، قداست‌زدایی از طبیعت و اندیشه سلطه بر آن، به مقام خدایی رساندن انسان و از بین رفتن تصویر امر قدسی و نظم در طبیعت است. نهایتاً محصول چنین فرایندهایی، قداست‌زدایی از معرفت، افزایش روزافزون بیگانگی انسان مدرن با خویشتن و محیط دست‌ساخت اوست که او را دچار سردرگمی‌هایی کرده که راه‌حل را در پاسخ‌گویی به نیازهای روزمره و دنیایی انسان جست‌وجو می‌کند.

۴.۳. نظام معرفت‌شناسی حکمت وجود و جایگاه قوه

متخیله

حکمت در نظام اندیشه متفکران مسلمان به دو شاخه حکمت نظری و حکمت عملی تقسیم می‌شود. متفکران مسلمان حکمت نظری را ناظر به حصول معرفت علمی در جهت نیل به اهداف متعالی انسانی می‌دانند (Ashrafi, 2021; Moham-madi Reyshahri, 2014) و حکمت عملی را ناظر به اموری می‌دانند که در اراده و انتخاب انسان است در راستای رسیدن به مقام انسان کامل که از طریق تزکیه نفس، پرهیزکاری و توجه به امور اخلاقی حاصل می‌شود (Javadi Amoli, 2019). ذیل حکمت نظری، که معطوف به پرسش از هستی‌های نامقدور است (Haeri Yazdi, 2021; Qotb Al-Din Razi, 2021)، یکی از مهم‌ترین مداخل، حکمت وجود انسان است. ذیل معرفت به قوای وجودی انسان، شرح قوای نفس او مطرح می‌شود که یکی از بنیادی‌ترین جنبه‌های آن در هنر و معماری، شناخت قوه مخیله و متخیله انسان است چراکه عناصر ذاتی

فروربختن نظام سنت، دگرگونی مفهوم نظم در طبیعت و کمی شدن آن و دنیوی کردن عالم که منجر به ماشینی‌شدن جهان در قرون بعدازآن گردید. اما آنچه در اینجا از همه مهم‌تر است قداست‌زدایی از طبیعت و نظم موجود در آن و رؤیای سلطه انسان متجدد بر آن است. بعدها به دنبال همان روح دکارتی که به کالبد دوران جدید دمیده شد، ظهور سوپژکتیو جدید با انقلاب کپرنیکی کانت صورت‌بندی شد و بشر مستحکم‌تر از گذشته در مرکز عالم معرفت و قدرت قرار گرفت (Khatami, 2014: 14). به‌زعم سید حسین نصر دکارت منادی ثنوبیتی شد که بنا بر آن، واقعیت شامل دو بعد یا دو عنصر است: یکی جهان شعور و اندیشه و دیگری جهان ماده (Nasr, 2019a). او با استفاده از استدلال قیاسی (استنتاجی)، پایه‌گذار نوعی نظام فکری شد که در آن خداوند و ذهن به یک نوع نظم و طبیعت، به نوع دیگری از نظم تعلق دارد (Partovi, 2015: 21). دکارت در جست‌وجوی بنیاد نوینی برای معرفت یقینی، با کنار گذاردن عقل شهودی، آگاهی فردی موجود متفکر را مستمسک و تجربه و آگاهی‌اش از تفکر را بنیاد همه معرفت‌شناسی و وجود شناسی و منبع یقین قرار داد (Nasr, 2019b). به این ترتیب شناخت، معرفت و علم از محتوای قدسی‌اش تهی و استدلال‌گرایی عقلی تنها منبع شناخت و کسب علم گردید (Nasr, 2019b) و بنیان‌های علم جدید بر این مبنا پایه‌ریزی شد.

تجربه‌گرایی مکتب فکری دیگری است که در آن حکمرانی عقل کنار زده شده و ادراکات حسی و تجربی مرکزیت می‌یابد. جان لاک، جرج بارکلی و دیوید هیوم از متفکران بزرگ این نحله هستند. کانت کوشید نظام معرفت‌شناسی جدید را پی‌ریزی کند که مرکب از داده‌های حسی و تحلیل‌های عقلانی است. به‌زعم او هرچند معرفت از تجربه حسی شروع می‌شود ولی این بدین معنی نیست که همه معرفت‌ها یکسره قابل تأویل و تقلیل به تجربه حسی شود (Hartnack, 2020). بعد از کانت مکتب ایدئالیسم در اندیشه‌های فیخته، هگل و شوپنهاور ظهور کرد. متفکران این مکتب به اصالت برداشت‌های ذهنی معتقد بودند و اثبات امر خارج از ذهن را بی‌حاصل و ناممکن می‌دانستند. در قرن بیستم، به‌ویژه با پیشرفت‌های فیزیک کوانتوم، رئالیسم بار دیگر مبنای اصلی اندیشه فلسفی قرار می‌گیرد اما به‌موازات آن نظام‌های ذهن‌گرا نیز سیر تکامل خود را می‌پیمایند. مکاتب عمده قرن بیستم عبارت‌اند از: پراگماتیسم، پوزیتیویسم، پدیدارشناسی (اگزیستانسیالیسم)، هرمنوتیک،

و وحی قرآن است، طی برهانی الهامی، تخیل را قوه ادراک صور و اشباح عالم مثال می‌داند. او ادراک را حصول صورت نزد ادراک‌کننده تبیین می‌کند، خواه این صورت در ذات او باشد خواه در قوه‌ای از قوای او؛ این صورت از جنس محسوسات و قابل اشاره به این و آن نیست. جنس این قوه از عالم غیب است و منبع فیاض الهامات بر نفس عارف و نیز عامل رؤیت رؤیاهای صادقه است (Molla Sadra Shirazi, 2020). در حکمت وجود ملاصدرا، وجود ذهنی محصول قوه خلاقه نفس برای خلق پدیده‌های ذهنی و وجودهای عینی است و قوه متخیله می‌تواند تصورات یا تصدیقاتی محال یا معدوم خلق کند و این‌ها همه به انسان بستگی ماهوی دارد پس حصولی هستند نه حلولی (Khamenei, 2002). پس نفس انسان، دارای فاعلیت و قدرت در خلق صور پدیده‌های مجرد یا صور اشیای مادی در ذهن است (Javadi Amoli, 2010). علامه طباطبایی در شرح اصالت وجود ذهنی دو دلیل اقامه می‌کند و نشان می‌دهد ثبوت وجود امر معدوم در عالم ماده اما متحقق در معنا، ناگزیر از ثبوت در عالم ذهن است (Maddahi et al., 2017; Tabaei, 2012) و وجود ذهنی دارای اصالت وجودی است. بنابراین در دیدگاه صدرا، قدرت قوه خیال، گاه فطری و گاه کسی است اما از جمله مهم‌ترین موجبات دریافت‌های کسی و مشاهده بلاواسطه صور نورانی، تقوا، زهد و رهایی از قید تنبلی و تن‌آسایی است (Bolkhari Qohi, 2011).

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

۴.۱. مسئله طراحی معماری و نسبت آن با نظام معرفت‌شناسی

روشن شد که در دهه‌های اخیر، فرایندهای طراحی تبیین‌شده در نظام‌های آکادمیک غربی، توسط خود متفکران غربی زیر سؤال رفته است. همان‌طور که از «جدول ۱» برمی‌آید عمده مسائل مطروحه در نگاه منتقدان و صاحب‌نظران برجسته حوزه طراحی از دهه ۱۹۸۰ از حل مسئله فرم و عملکرد در طراحی معماری به سمت مسائلی چون: روح مکان و نوستالژی فضا، تجربه زیسته و خواست مردم، سنت، عینیت‌بخشی به احساسات و درونیات انسان و شاعرانگی فضای زندگی، ارزش‌های انسانی، آداب‌ورسوم، تصاویر ذهنی ازلی-ابدی، اسطوره‌ها و کهن‌الگوها، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی معطوف شده است. این امر نشان می‌دهد در جامعه غرب پس‌پسایست‌مدرن،

هنر اسلامی، عناصر خیال و محاکات است (Bolkhari Qohi, 2016; Nasir Al-Din Tousi, 2020).

کندی از قوه مصوره یا مخیله سخن می‌گوید و آن را قوه ادراک و ایجاد صور جزئیات محسوسه بدون ماده تعریف می‌کند (Fakhuri & Georr, 2020). وی در این زمینه به بحث فیض و افاضه و رابطه میان عالم اعلا و عالم سفلا می‌پردازد و آن را یکی از سرچشمه‌های قوه خیال می‌انگارد (Bolkhari Qohi, 2011). فارابی قوه متخیله را ذیل قوای مدرکه نفس انسان و نیز ذیل عقل مستفاد جای می‌دهد که بی‌نیاز از ماده است. فارابی صور معقول را همان مثل افلاطونی می‌داند. فارابی قوه تخیل را قادر به بازآفرینی صورت‌های تازه می‌شناسد، صورت‌هایی که ممکن است الزاماً مابازای بیرونی نداشته باشد و چیزی جدید و بدیع حاصل آورد (Nasr & Leaman, 2015). پس قوه مخیله مسئول خلاقیت و خلق امر بدیع است. نزد فارابی، سرمنشأ قوه تخیل، صورت‌هایی است که در عالم وجود، به ادراک انسانی درمی‌آید. ابن‌سینا در تشریح قوه متخیله انسان ذیل قوای نفس، آن را قوه‌ای تعریف می‌کند که هم قادر به انتزاع صورت ماده از ماده است و هم قادر به ابداع صورت جدید و ابتکار را ناشی از آن می‌داند. اما او در تبیین سرمنشأ صورت‌های ذهنی، افاضه باری‌تعالی در انزال صور از طریق نفوس ملائکه سماوی را معتبر دانسته و نفس را قادر به ادراک آنها معرفی می‌کند (Bolkhari Qohi, 2011). بنابراین قوه تخیل انسان در اندیشه ابن‌سینا محل پیوند انسان با آسمان است و مستلزم برخورداری از ذهنی مهذب، آراسته و متعالی است که پذیرای افاضه باری‌تعالی باشد؛ بنابراین سیر حرکت از حکمت نظری به حکمت عملی می‌رسد که در آن، پاکیزگی نفس محصول تقوا و پرهیزکاری انسان است. ابن‌امر در مورد هنرمند معمار که وظیفه اصلی او خلاقیت در خلق فضای زیست سعادت‌مند انسان‌هاست، دارای اهمیت ویژه است. از همین رو، اما محمد غزالی، نفس را نردبان عروج انسان به معرفت حق تعالی می‌داند و انسان را وجودی تعریف می‌کند که صاحب نفسی است که ریشه در عالم اعلا و جسمی که ریشه در عالم سفلا دارد (Bolkhari Qohi, 2011). او خیال را بازتولید ادراکی صورت‌های محسوسه در نفس تعریف می‌کند (Gazzali, 2014) و معتقد است نفس انسان توانا به ادراکات معلومات غایب و علم‌آموزی از ملائکه به شرط نیروی طهارت نفس و صفای اولی خود است. ملاصدرا نیز که فلسفه او مرکب از سه عنصر معرفت‌شناختی عقل منطقی، شهود عرفانی



(the Transcendent) یعنی ذات ماوراء و عالمی عینی و دارای واقعیتی متمایز در مرتبه خاص خود، علم پیدا کند؛ و نیز به حقیقه الحقایق همچون ذات حلولی (the Transcendent) یعنی به مثابه نفس برین (Supreme Self) عالم باشد. نهایتاً حقیقه الحقایق که ذات قدسی فی حد ذاته است، هم عالم است و هم معلوم؛ هم آگاهی درونی است و هم واقعیت بیرونی؛ هم ذهن حلولی است و هم عینیت متعالی؛ هم نفس نامتناهی است و هم وجود مطلق که ورای وجود را نیز شامل می‌شود. بنابراین یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های معرفت اسلامی، عقل کل‌نگر آن است که به دام جزءنگری دوگانه‌های عینیت-ذهنیت، ماده و ایده، نمی‌افتد و آنها نه تنها اموری متناقض بلکه مکمل می‌پندارد. پس اگر معطوف به فرایند طراحی معماری بیندیشیم، کل‌نگری و دیدگاه جامع نسبت به امر فیزیکی و متافیزیکی، مادی و معنوی، یکی از ضرورت‌های بازتعریف مدل روند طراحی بر مبنای نظام معرفت‌شناختی حکمت وجود است.

از سوی دیگر، در معرفت‌شناسی حکمی، عقل استدلالی در امتداد عقل شهودی واقع می‌شود و اکتفا به یافته‌های علوم تجربی و اثبات ریاضیاتی به‌تنهایی نمی‌تواند راه به حقیقت ببرد. پس دانش فرا علوم تجربی به عنوان بخشی از ساختارهای معرفتی، اخلاقی و زیبایی‌شناختی روند طراحی و خلق فرم و فضای زیست انسان‌ها، به رسمیت شناخته می‌شود و مبنا قرار می‌گیرد. با توجه به آنکه در معرفت‌شناسی حکمی، هدف غایی نسبت میان امر معلوم و سرنوشت او در راستای هدف از آفرینش انسان است که همانا بازگشت به سرمنشأ و یکی شدن با اوست، از این رو علم، هنر، معماری، زیبایی، اخلاق، ارزش‌های انسانی و اجتماعی و مؤلفه‌های فرهنگی هر جامعه باید به سمت این هدف متعالی، نشانه‌گیری شود. معرفت‌شناسی حکمی، شناختی عمیق، چندلایه، ذومراتب، جهان‌شمول و جامع را در برمی‌گیرد که در راستای سعادت انسان در دنیا و زندگی پس از مرگ، به همه پرسش‌ها و نیازهای انسان پاسخ دهد و امر قدسی و متعالی را در زندگی او محقق سازد. پس، در مورد خلق فضای زندگی برای انسان‌ها با جهت‌دهی حکمی، برنامه‌ریزی، عملکرد، زیبایی‌شناسی، حل مسئله، فرم، جزئیات، ساخت و بهره‌برداری و ارزیابی، ارتباط با تاریخ، اقلیم، زمینه و پاسخ‌های خردمندانه به مسئله طراحی همه در راستای هدف که همان تعالی مادی و معنوی انسان است، جهت‌دهی می‌شود. از این رو، هنرمند برای خلق امر بدیع، ایده‌پردازی، حل چالش‌ها،

در عصر انقلاب فناوری دیجیتال، بازگشت از ماشین به سمت انسان و خواست بازتعریف مادیت جدید بر اساس خلأهای معنایی و معنویت در فرایندهای خلق محیط زندگی، تبدیل به امری ضروری شده است. مسئله اصلی، بازتعریف مفهوم هنر و امر متعالی مبتنی بر نظام معرفت‌شناسی‌ای است که بتواند بعد معنایی زندگی انسان را پاسخ دهد. اگر در همه این فرایندها و نمودارها پاسخ به مسئله طراحی از تعریف مسئله آغاز می‌شود، نقطه عزیمت طراح باید نظام شناختی‌ای باشد که به آن باور دارد تا بتواند بر اساس مؤلفه‌ها و معیارهای آن مسئله طراحی را بازتعریف کند و به حل آن بپردازد. از آنجاکه فرایند طراحی فضا و خلق مکان امری است آگاهانه که از فهم، شناخت و تفسیر هر مردمان از عالم در جای‌جای جهان و در طول تاریخ برمی‌آید، برای پیمودن صحیح ادامه مسیر طی‌شده در هر فرهنگ و پیشبرد آن به سمت کیفیت‌های متعالی و پاسخ‌ده به نیازهای روحی، جسمی و روانی آدمیان، درک دقیق چارچوب‌های فکری و ساختار اندیشه آنان ضروری است. در غیر این صورت، محصول، فرایندهایی است که بنا به ماهیت جزءنگر و عدم شمول همه نیازهای مادی و معنوی انسان، فرآورده‌ای جز حس بیگانگی انسان‌ها با محیط ساخته‌شده و بی‌هویتی نخواهد داشت. بنابراین یکی از پایه‌های اساسی و بنیادین هر فرایند طراحی به‌ویژه فرایند طراحی معماری و فضای سکونت انسان‌ها، باید مبتنی بر نظام معرفت‌شناسی‌ای جامع و جهان‌شمول باشد.

۲.۴. نظام معرفت‌شناسی حکمی در فلسفه اسلامی

با توجه به آنکه بنیان معرفت‌شناسی حکمی در فلسفه اسلامی بر فهم «هدف از آفرینش انسان» جهت می‌گیرد نه بر «موجودیت یا اگرستانس انسان». تفاوت اساسی میان معرفت‌شناسی غربی به‌ویژه پس از رنسانس، با معرفت‌شناسی حکمی در دوگانه خدامحوری و انسان‌محوری نهفته است. هرچند معرفت فردی در معرفت حکمی مطرح و مهم است اما به مثابه نقطه عزیمت انسان متفکر در مسیر شناخت عالم تلقی می‌گردد نه به مثابه نقطه مقصد. بنابراین مفاهیم «سعادت»، «نیاز»، «آسایش» ذیل هدف از آفرینش انسان و مفهوم امر قدسی تعریف می‌شود. تبیین شد که در معرفت‌شناسی حکمی اسلامی، انسان، بهره‌مند از قوه عاقله‌ای است که به وی امکان می‌دهد به حقیقه الحقایق (Ultimate Reality) به عنوان ذات متعال

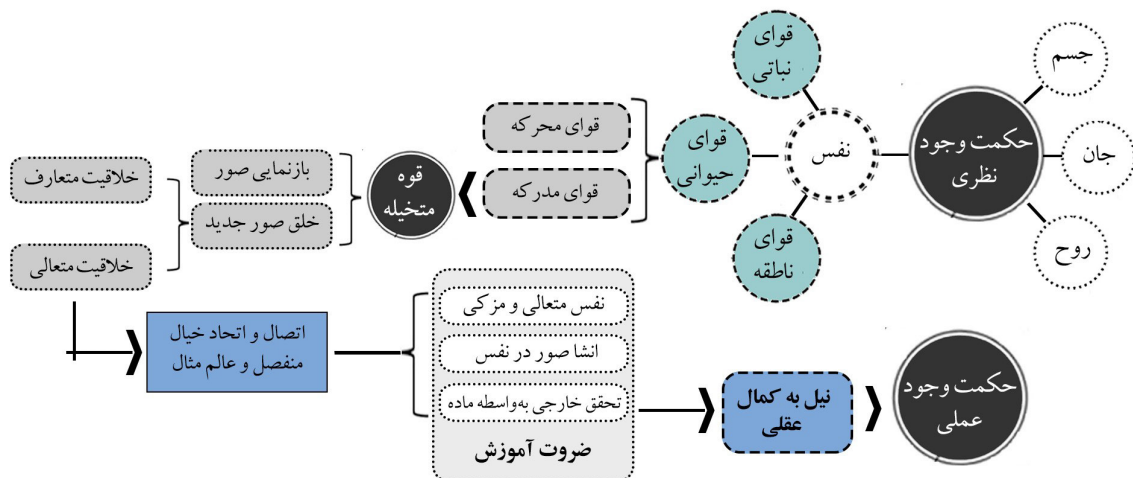
معرفت‌شناسی علمی و مبانی شناخت‌شناسی دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰ میلادی در غرب دارد و به نحوی اتکا به مبانی علم جدید را برای خلق فضای مطلوب انسانی ناکافی می‌شمارد، اما همچنان مسئله معنویت و حضور و بروز امر متعالی ذیل وجود حقیقت‌الحقایق که سرمنشأ هنر و معماری سنتی بود، موردتوجه کافی قرار نگرفته است.

فصل مشترک مدل‌های طراحی معماری که در نهادهای آکادمیک غربی تئوریزه شده و در تمام دانشگاه‌های دنیا از جمله ایران مبنای تدریس قرار گرفته و نظام معرفت‌شناسی حکمی، قوه متخیله انسان است که از سرشت واحد انسانی نشئت می‌گیرد. وجه افتراق این دو نظام، سرمنشأ امر خیالی و نسبت آن در تبدیل صور معقوله غیر محسوس به صورت‌های محسوس مادی است. سرمنشأ خیال در تفکر غربی از بدن انسان، تجارب زیسته او و خاطره ذهنی‌اش از فضاهاى مختلف آغاز می‌شود و در همان‌جا پایان می‌یابد چراکه زندگی سعادتمند را در دنیای مادی تعریف می‌کند. اما سرمنشأ صور خیالی در طراحی حکمی، ادراک معانی ناشی از فهم عمیق سرشت انسانی است. معمار در این فرایند می‌کوشد میان خیال متصل (مادی) و خیال منفصل (صور خیالی) پیوند برقرار کند و این امر، از مسیر مراقبت، عمق اندیشه‌ورزی در مفهوم هستی و توجه به سرمنشأ فیض امکان‌پذیر است. در همین مرحله است

ترسیم روابط فضایی، تجسم ماهیت بیرونی کالبد اثر، تعریف موقعیت‌های حضور انسان‌ها، باهم بودن افراد، سلسله‌مراتب دسترسی و سلسله‌مراتب حریم، نیازمند تقویت قوه تخیل خود در راستای خلق امر بدیع ذیل معرفت‌شناسی حکمی، باید از حکمت نظری به‌سوی حکمت عملی سفر کند. در «شکل ۶»، جایگاه قوه متخیله و امر آموزش در نظام معرفت‌شناسی حکمی در سیر از حکمت نظری به حکمت عملی تصویر شده است.

۳.۴. فرایند طراحی معماری مبتنی بر نظام معرفت‌شناسی حکمت وجود

با توجه به آنچه در آسیب‌شناسی نظام‌های آموزش معماری در غرب و نیز در تشریح جایگاه قوه متخیله در خلق اثر بدیع در نظام معرفت‌شناسی حکمی بیان شد، با علم به ماهیت معرفت‌شناسی حکمی، حال می‌توان فرایند طراحی معماری را موردبازنگری و بازتعریف قرار داد. فرایندی که هدف غایی‌اش رسیدن به فضا و فرمی مطلوب برای زندگی انسان در راستای مفهوم سعادتمندی او باشد. روشن است آنچه متفکران غربی در باب عوامل مؤثر بر طراحی ذکر کرده‌اند، هرچند به سمت مفاهیمی چون ارزش‌های انسانی، فرهنگ و زمینه، حفظ و پایداری طبیعت، کهن‌الگوهای رفتاری، ارزش‌های سنتی و مسائلی از این دست متمایل شده است و نشان از ورود نوعی حکمت شهودی به



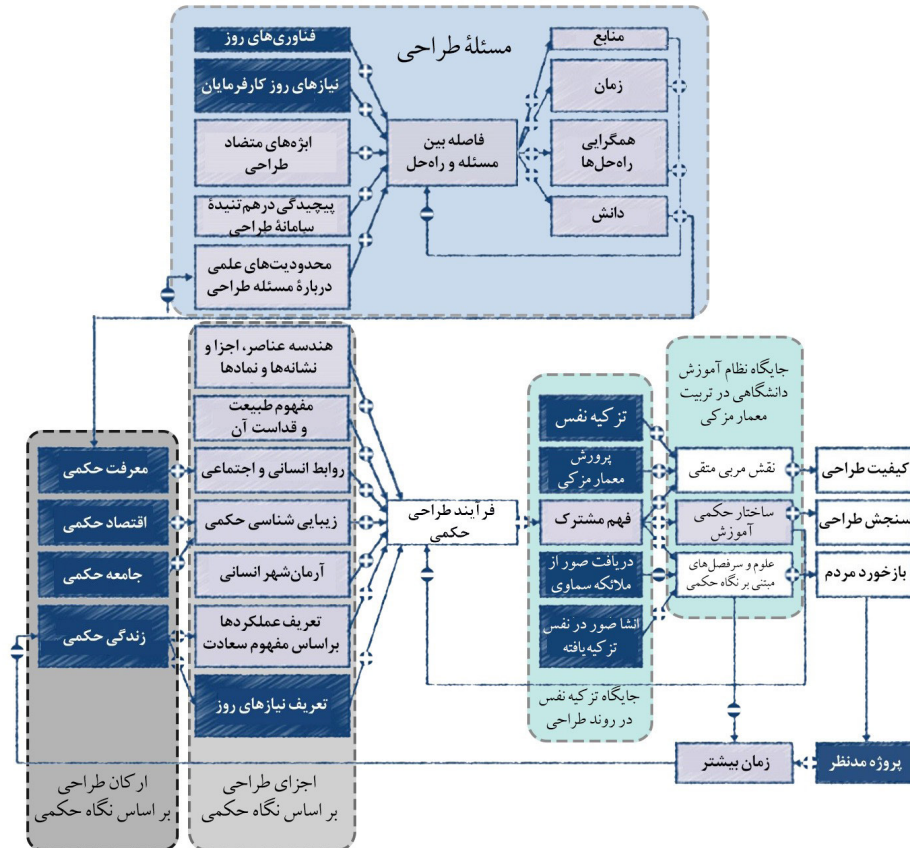
شکل ۶. نمودار جایگاه قوه متخیله و امر آموزش در نظام معرفت‌شناسی حکمی.



در فرایند طراحی معماری حکمی، جایگاه هنرمند نیک‌اندیشی برجسته می‌شود که می‌کوشد نائل به درجه ادراک معانی در روند خلق اثر گردد. بر همین اساس، موقعیت نظام‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و نهادهای آکادمیک و حرفه‌ای که بتوانند چنین معمارانی را پرورش دهند، حائز اهمیت می‌گردد. لازم‌به‌ذکر است پیش از ورود به فرایند طراحی حکمی، می‌توان پیش‌فرایند را با بررسی فناوری‌ها و نیازهای روز، پیچیدگی‌های درهم‌تنیده سامانه طراحی و محدودیت‌های پروژه، فاصله میان مسئله و راه‌حل را پیش‌بینی کرد. سپس منابع، زمان، راه‌حل‌ها و دانش فنی لازم مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بنابراین در تجمیع مدل‌های فرایند طراحی مدرن و رویکرد حکمی به آن، رابطه میان ارکان و مؤلفه‌ها در «شکل ۷» تصویر شده است.

که آموزش و تربیت، اهمیت می‌یابد. معمار متعهد به خلق اثر بدیع و متعالی، می‌بایست در روندهای علم‌اندوزی مدرن، ضمن کسب علوم، در محضر انسان‌های نیک‌اندیش، سلوک معنوی و تعالی نفس و روح را بیاموزد.

رکن اصلی تأثیرگذار بر فرایند طراحی معماری حکمی، بازتعریف مفهوم سعادت‌مندی جمعی و فردی با هدف خلق فضای متناسب با آن برای آحاد جامعه و نهایتاً زندگی حکمی مبتنی بر سرشت پاک انسانی است. اگر در نظام‌های مدرن فرایند طراحی معماری که در ابتدای بحث مورد تحلیل قرار گرفت، ارکان طراحی به شمول هندسه عناصر و اجزا، نشانه‌ها و نمادها در طراحی، مفهوم طبیعت و تأثیر آن بر طراحی، روابط انسانی و اجتماعی در طراحی هر پروژه، زیبایی‌شناسی و آرمان‌شهرگرایی و تعریف کاربری‌ها و عملکردها تعریف می‌شود،



شکل ۷. ارکان و مؤلفه‌ها و مسیر فرایند طراحی معماری بر اساس نظام معرفت‌شناسی حکمی

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی نهایی و تبیین پاسخ به مسئله تحقیق باید تأکید کرد با توجه به اینکه مسیرهای طی شده در قرن بیستم و تا به امروز، در تدوین فرایند طراحی معماری به ابتدای نظام شناخت‌شناسی علمی خود، هنوز نتوانسته راه‌حل‌های مناسب و مطلوبی برای انسان به ارمغان بیاورد و انسان مدرن را بیش‌ازپیش در محیط‌های زندگی، سردرگم و بیگانه از خود و محیط کرده است؛ چالش‌های پیش روی انسان امروز را می‌بایست بر اساس نظام معرفت‌شناسی جهان‌شمولی پاسخ داد که بتواند همه ارکان زندگی مادی و معنوی انسان را در برگیرد. تبیین شد که نظام معرفت‌شناسی حکمی واجد مبانی، مؤلفه‌ها و مبانی فلسفی‌ای است که در این زمینه، با توجه به ماهیت کنش خلق فضای مصنوع برای انسان، دستگاه اندیشه‌ورزی جامعی است که می‌تواند مورد بازاندیشی قرار گیرد و به اتکای ماهیت خود در راستای هدف از آفرینش انسان، نیازهای انسان کنونی را پاسخ دهد. فرایند طراحی معماری که هدف غایی‌اش خلق فضای زندگی برای انسان‌هاست می‌تواند در همین دستگاه فلسفی بازتولید شود.

فرایندهای طراحی معماری که از ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰ تعریف می‌شد منطبق بر جهان‌شناسی مدرن و معرفت‌شناسی علمی بود و سعی بر ارائه راه‌حل‌های ریاضیاتی، استانداردشده و قابل اثبات مبتنی بر روندهای علمی پوزیتیویستی برای فضای زندگی انسان‌ها داشت. خانه و همه عملکردها تبدیل به ماشین زندگی شد و بر اساس این اصل، طراحی و ساخته می‌شد. متفکران فرایند طراحی می‌کوشیدند مسئله طراحی را در همین قالب واحد و پذیرفته‌شده طی مراحل محدود مشخص حل کنند. از دهه ۱۹۷۰ که محصولات فرایند طراحی مدرن در زمینه‌های مختلف به‌ویژه در شرق با چالش‌های بنیادی روبه‌رو شد و مقوله‌های فرهنگ و آداب‌ورسوم خود را به مثابه یکی از مهم‌ترین عوامل فرایند طراحی بروز داد، بازهم منجر به ارائه فرایند طراحی بازنگری‌شده‌ای که ماهیتاً تفاوت اساسی با روندهای پیشین داشته باشد، نشد. متفکران عمدتاً پست‌مدرن نیز در همان چارچوب‌های قبلی باقی ماندند و صرفاً توجه به زمینه را برجسته کردند.

مسئله طراحی که مؤلفه‌های «منابع»، «زمان»، «همگرایی راه‌حل‌ها» و «دانش در زمینه‌های مختلف ساخت» را برای کاهش زمان میان مسئله و راه‌حل موردبررسی قرار می‌دهد،

در چارچوب اندیشه‌ورزی حکمت وجود بر دست‌کم چهار رکن «معرفت حکمی»، «اقتصاد حکمی»، «جامعه حکمی» و «زندگی حکمی» منطبق می‌شود و هندسه اجزا و نشانه‌ها، کاربرد مصالح، فرم‌ها و فضاها، رابطه با طبیعت، روابط انسانی و اجتماعی، نظام زیبایی‌شناسی، عملکردها و کاربری‌ها را به نحوی بازتعریف می‌کند که ضمن توجه به نیازهای روز، نفس و سرشت انسانی را در کانون طراحی قرار دهد. وجه دیگر موضوع، بازاندیشی به موقعیت معمار و نیز سازوکارهای پرورش معمار در این نمودار است که می‌بایست بر اساس نقش بازتعریف‌شده‌اش، موردبازنگری در نظام‌های دانشگاهی آموزش معماری قرار گیرد.

در دوران کنونی فرایندهای طراحی و خلق «فضاهای ساخته‌شده یا معماری» و «فضای بین آنها یا فضای عمومی و جمعی»، تنها زمانی می‌تواند بار معنایی عمیق زندگی آدمی را ازجمله «مفهوم خیر»، «سعادت‌مندی»، «امید و خوشبختی» به دوش بکشد که ماهیت مصرفی و کالایی‌اش زدوده شود و بار دیگر بستری برای رشد، شکوفایی و تعالی سرشت آدمی گردد. معماری بار دیگر باید نقش اساسی خود را در نحوه هست‌بودن آدمی بر این کره خاکی بازابد و به مثابه امری تعالی‌بخش پنداشته شود. فضاهایی که به دست معماران خیراندیش در ساختارهای آکادمیکی طراحی و تولید شده است که فطرت انسانی را مبنای طراحی خود قرار می‌دهند و زندگی معطوف به امر متعالی را برای کاربران خود به ارمغان می‌آورند. در این مسیر، هنرمند معمار می‌کوشد شرایط تعالی نفس خود را ایجاد و تقویت کند تا شایسته ادراک زیبایی متعالی و ملکوتی گردد و بر اساس درک و دریافت دقیق آنها دست به خلق زیبایی در جامعه انسانی زند.

در فرایند طراحی معماری مبتنی بر نظام معرفت‌شناسی حکمی، فرم به معنای تمامیت و کلیت صورت بیرونی اثر با تمامی اجزا و جزئیاتش و نیز برنامه عملکردی هر بنا نشئت‌گرفته از نیازها و خواست‌های افراد، باید بر اساس نظام معنایی اسطوره‌ای، ارزشی، انسانی و الهی در راستای هدف غایی آفرینش بازتعریف می‌شود و نقطه عزیمت در این راه، سرشت واحد انسانی و فطرت پاک اوست. انسان امروز ناگزیر از اندیشه‌ورزی عمیق و حکمی است و روشن شده است که جنبش‌های فکری همچون معماری پایدار، معماری سبز، معماری همساز با طبیعت و غیره، از آنجاکه فاقد نگاه عمیق



هوش مصنوعی و غیره به آن مطرح می‌شوند. مدل ارائه‌شده، در خلأ یا شکاف دانشی‌ای قرار می‌گیرد که مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. هرچند اعتبارسنجی آن توسط نخبگان به روش‌های مقتضی می‌تواند مطالعه دیگری را شکل دهد که مسیر این پژوهش را پیش می‌برد. مطالعه حاضر، ماهیت تبیینی دارد و محقق تلاش کرده است که با تحلیل جامع از مدل‌های فرایند طراحی، نخست خلأهای گفتمانی موجود را بازشناسی کند و سپس با مطرح کردن نظام معرفت‌شناختی حکمت وجود، مؤلفه‌های فرایند طراحی حکمی را به مثابه فرضیه به عنوان محصول روش تحقیق کیفی با راهبرد تحلیل مضمون به نحوی مطرح نماید که در مطالعات آتی، آزمون فرضیه به روش‌های اثباتی کمی مقتضی قابل انجام باشد.

حکمی به موقعیت انسان در جهان هستند، نتوانسته‌اند از روندهای مخرب قرن بیستمی جلوگیری کنند. بنابراین سنجش کیفیت طراحی فضاها و تجسد بیرونی هر اثر معماری می‌بایست با هدف پاسداشت فطرت انسانی، تعالی او به سمت خیر برین و موقعیت راستین او در نظام آفرینش، جهان هستی و طبیعت، مورد ارزیابی قرار گیرد.

در انتها باید توجه کرد که مدل به‌دست‌آمده، محصول روند استدلال استنتاجی در تحلیل محتوا و پاسخی است به پرسش تحقیق معطوف به تبیین مؤلفه‌هایی که مبتنی بر نظام معرفت‌شناسی حکمت وجود فرایند طراحی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و به مثابه یکی از راه‌حل‌های بازتعریف فرایند طراحی معماری در آغاز قرن ۲۱ و ورود فناوری‌های جدید و

فهرست منابع

- Akbari, A. (2018). A Philosophical Notes on Theoretical Bases of Architecture. Jahade Daneshgahi. https://www.researchgate.net/publication/339612885_A_Philosophical_Notes_on_Theoretical_Basis_of_Architecture
- Akbari, A. (2019). Investigation of Built-Space Narratives based on Ratio of "Dialectic of Space-Time" and "Body." Iranian Journal of Anthropological Research (IJAR), 8 (2), 75-97. <https://doi.org/10.22059/ijar.2019.71599>
- Alexander, C. (1964). Notes on Synthesis of Form. Harvard University Press.
- Alexander, C. (1965). The City is not a Tree. Architectural Forum, 122 (1-2).
- Alexander, C. (2002). The Nature of Order: An Essay on the Art of Building and the Nature of the Universe. Center for Environmental Structure.
- Almihat, M. G. M., Kahn, M. T. E., Aboalez, K., & Almaktoof, A. M. (2022). Energy and Sustainable Development in Smart Cities: An Overview. In Smart Cities (Vol. 5, Issue 4, pp. 1389-1408). <https://doi.org/10.3390/smartcities5040071>
- Archer, L. (1969). Systematic Method for Designers: Technological Innovation: a Methodology. Council of Industrial Design.
- Arnheim, R. (2004). Visual thinking (Thirty-Fif). University of California Press.
- Arnheim, Rudolf. (2009). The Power of the Center: A Study of Composition in the Visual Arts (20th Anniv). University of California Press.
- Ashrafi, N. (2021). Recognition of Jurisprudential Knowledge in Training The Soul of a Muslim Architect (Theory of the Wisdom of Presence in Islamic Architecture). KSIU, 25 (88), 669-686. <https://doi.org/10.22034/ksiu.2021.1120>
- Bazargan, A. (2019). Introduction to qualitative and mixed research methods (9th ed.). Didar Publication. <https://b2n.ir/197726>
- Bolkhari Qohi, H. (2011). Mystical foundations of Islamic art and architecture (3rd (ed.)). Sooreh Mehr Publications.
- Bolkhari Qohi, H. (2020). Wisdom, Art and Aesthetics (collection of articles) (Persian ed). Nashre Farhang-e Eslami.
- Bréhier, É. (2016). Histoire de la philosophie, Vol 1 (A. Davoodi (ed.); Persian Ed). Markaz-e Nashr-e Daneshgahi.
- Broadbent, G. (1973). Design in architecture: architecture and the human sciences. John Wiley & Sons.
- Broadbent, Geoffrey. (1973). Design in Architecture: Architecture and the Human Sciences. John Wiley & Sons.
- Cross, N. (2011). Design Thinking: Understanding How Designers Think and Work. Berg Publishers. <https://doi.org/https://doi.org/10.5040/9781474293884>
- Davidson, C., & Allen, S. (2006). Racing eisenman: Peter eisenman complete works. Rizzoli International Publications.
- Design Handbook, D. (2020). WHAT IS THE DESIGN PROCESS? WHY IS IT HELPFUL? Chicago Architecture Center. <https://discoverdesign.org/handbook>



- Dickerson, S. L., & Robertshaw, J. E. (1975). *Planning and Design: Systems Approach* (Lexington Books). Lexington Books.
- Dubberly, H. (2010). The space of design. *Interactions*, 17 (10), 74–79. <https://doi.org/https://doi.org/10.1145/1836216.1836236>
- Dubberly, Hugh. (2008). *How do you design? A Compendium of Models*. Dubberly Design Office.
- Fakhuri, H., & Georr, K. (2020). *Tarikh Al-Falsafah Al-'Arabiyah'* (A. al M. Ayati (ed.); Persian ed). Elmi va Farhangi Publications.
- Gazzali, A. H. (2014). *Ihya-e Ulum al-din* (A. Alizadeh (ed.); Perisna ed). Ferdos.
- Haeri Yazdi, M. (2021). *Explorations of Practical Reason: Moral Philosophy* (Persian ed). Hekmat va Falsafeh.
- Hartnack, J. (2020). *Kants Erkendelses teoiri = kant's theory of knowledge* (Hadad Adel (ed.); Persian ed). Fekr-e Rouz.
- Heath, T. (1993). The Architectural Theory of Rudolf Arnhem and Its Implications for Teaching. *Journal of Aesthetic Education*, 27 (4), 83–95. <https://doi.org/https://doi.org/10.2307/3333502>
- Jacobs, J. (2016). The Death and Life of Great American Cities. In *Readings in Planning Theory: Fourth Edition*. <https://doi.org/10.1002/9781119084679.ch4>
- Javadi Amoli, A. (2010). *Rahigh Makhtoum* (Description of the supreme wisdom). Asra.
- Javadi Amoli, A. (2019). *Hekmat-e alavi* (S. Bandali (ed.); Persian ed). Asra.
- Jay, M. (1994). *Downcast Eyes: The Denigration of Vision in Twentieth-Century French Thought*. University of California Press.
- Jones, J. C. (2021). How my thoughts about design methods have changed during the years. In *Designing Designing*. <https://doi.org/10.5040/9781350070707.ch-002>
- Jormakka, K., Schürer, O., & Kuhlmann, D. (2007). *Basics Design Methods*. Birkhauser Architecture.
- Khamenei, S. M. (2002). Human caliphate in Islamic philosophy and wisdom. *Kheradname-Ye Sadra*, 28, 5–12.
- Khatami, M. (2014). *Speeches in the phenomenology of art*. Farhangestan-e Honar.
- Khudin, A. (2020). Rhetoric of postmodernism architecture. In *Project Baikal* (Issue 66). <https://doi.org/10.51461/projectbaikal.66.1729>
- Koberg, D., & Bagnall, J. (2003). *The universal traveler: A soft-system guidebook to creativity, problem solving, and the process of design* (Revised ed). W. Kaufmann.
- Lang, J. (1987). *Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design*. Van Nostrand Reinhold. <https://www.amazon.com/Creating-Architectural-Theory-Behavioral-Environmental/dp/0442259816>
- Lang, J. (2023). *Creating architectural theory. The role of the behavioral sciences in environmental design* (A. Einifar (ed.); Persian tr). University of Tehran Press.
- Lawson, B. (2016). *How designers think: The design process demystified* (H. Nadimi (ed.); Persian tr). Shahid Beheshti University Press.
- Levin, D. M. (1993). *Modernity and the Hegemony of Vision*. University of California Press.
- Madadpour, M. (2011). *Getting to know the opinions of thinkers about art, vol 5* (3rd ed.). Sooreh Mehr Publications.
- Maddahi, javad, Hossenizadeh, A., Davoudi, M., & fathAlikhani, M. (2017). Lifestyle with a Comparative Approach between the Allameh Tabatabai's and Dalai Lama's Viewpoints. *Studies in Islam and Psychology*, 11 (20), 59–87. <https://doi.org/10.30471/psy.2017.1254>
- Mayzner, M. S., & Neisser, U. (1977). Cognition and Reality. *The American Journal of Psychology*, 90 (3). <https://doi.org/10.2307/1421888>
- McKim, R. H. (1972). *Experiences in visual thinking*. Wadsworth Publishing.
- McManus, I. C., Stöver, K., & Kim, D. (2011). Arnhem's gestalt theory of visual balance: Examining the compositional structure of art photographs and abstract images. *I-Perception*, 2 (6). <https://doi.org/10.1068/i0445aap>
- Mirjani, H. (2010). LOGICAL ARGUMENTATION AS A RESEARCH METHOD. *SOFFEH*, 20 (50), 35–50. <https://www.sid.ir/En/Journal/ViewPaper.aspx?ID=211171>
- Mohammadi Reyshahri, M. (2014). *Mizan al Hekmat* (H. Sheykhi (ed.); Persian ed). Nashr-e Dar al Hadis.
- Molla Sadra Shirazi, M. (2020). *Mafatih Al Ghayb* (M. 7th Khajavi (ed.)). Mola.
- Monazah, M. (2014). *History of Epistemology in the West*. Bagheral Uloom Research Institute.
- Moore, G. T., & Gay, L. M. (1967). *Creative Problem Solving in Architecture: A Pilot Study*. University of California Press.



- Nasir Al-Din Tousi, M. (2016). *Asas al Eghtebas* (M. Razavi (ed.); Persian ed). University of Tehran Press.
- Nasr, S. H. (2019a). *A young Muslim's guide to the modern world* (M. Asa'di (ed.); Persian ed). Tarhe No Pub.
- Nasr, S. H. (2019b). *Knowledge and the Sacred* (F. Hajimirzaei (ed.); Persian Ed). Farzan Rooz Pub.
- Nasr, S. H., & Leaman, O. (2015). *History of Islamic philosophy* (Persian ed). Hekmat Publications.
- Noghrehkar, A. (2015). *A perception of Islamic wisdom in art and architecture*. Fekr-e No.
- Norberg-Schulz, C. (1971). *Existence, Space & Architecture*. University of California.
- Norberg-Schulz, C. (1985). *The Concept of Dwelling: On the Way to Figurative Architecture*. Rizzoli International Publications.
- Pallasmaa, J. (2009). *The Thinking Hand: Existential and Embodied Wisdom in Architecture*. Wiley.
- Pallasmaa, J. (2012). *The eyes of the skin: Architecture and the senses* (3rd ed.). John Wiley & Sons.
- Partovi, P. (2015). *Phenomenology of Place* (Persian ed). Farhangestan-e Honar.
- Perez-Gomez, A. (2008). *Built upon love: Architectural longing after ethics and aesthetics*. MIT Press.
- Pérez-Gómez, A. (2016). *Attunement: Architectural meaning after the crisis of modern science*. MIT Press.
- Pérez-Gómez, Alberto. (2007). *Architectural space: meaning as presence and representation*. In *Questions of Perception*. William K Stout Pub.
- Picon, A. (2010). *Digital Culture in Architecture: An Introduction for the Design Professions*. Birkhäuser.
- Putra, A. M., Hardiman, G., Sardjono, A. B., Madyatmadja, E. D., & Cahyandari, G. O. I. (2022). *THE EFFECT OF MANUAL SKETCHING ON ARCHITECTURAL DESIGN PROCESS IN DIGITAL ERA*. *Journal of Theoretical and Applied Information Technology*, 100 (2).
- Qotb Al-Din Razi, M. (2021). *Elahiat Men Al-Mohakemat Beyneh Sharhi Al-Esharat* (M. Hadizadeh (ed.); Perisn ed). Miras-e Maktoob.
- Rapoport, A. (2005). *Culture, Architecture, and Design*. Locke Science Publishing Company.
- Rezaei, M. (2016). *Analytical design, reviewing ideas and concepts in the design process of contemporary space and form*. Islamic Azad University Press.
- Riccobono, A. (2014). *Architectural design in the Digital Era - Identifying computer influences and new expressive trends in current architecture*. Tese de Doutorado.
- Rittel, H. W. J., & Webber, M. M. (2017). *Dilemmas in a general theory of planning*. In *Foundations of the Planning Enterprise: Critical Essays in Planning Theory: Volume 1*. <https://doi.org/10.4324/9781315255101-12>
- Rowe, P. G. (1991). *Design Thinking*. The MIT Press.
- Sabri, C. R. (2014). *Evolution in design: myths and images in design process* (A. Akbari (ed.)). Parham Naghsh. <https://b2n.ir/h52305>
- Schön, D. A. (1988). *Educating the Reflective Practitioner*. *The Library Quarterly*, 58 (4). <https://doi.org/10.1086/602063>
- Simon, H. A. (1996). *The Sciences of the Artificial*. MIT Press.
- Swinburne, H. (1967). *Change is the Challenge*. *AIA Journal*, 5, 83–90.
- Tabatabaei, M. H. (2012). *Nahayat al Hekmat (The end of wisdom)* (M. Abbasi (ed.); Persian ed). Dar al Elm.
- Uglinskaya, N. A. (2022). *Conceptual Foundations of Denialing the Substantial Character of the Crisis of Culture in Postmodern Theories*. *Logos et Praxis*, 21 (1). <https://doi.org/https://doi.org/10.15688/lp.jvolsu.2022.1.10>
- Venturi, R. (1977). *Complexity and Contradiction in Architecture*. The Museum of Modern Art.

بازشناسی مفهوم حریم در سلسله مراتب ورود به خانه در اقلیم گرم و مرطوب (بررسی تطبیقی خانه‌های بوشهر ایران و کوتای مالزی)

فرشید مصباح^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳-۱۱-۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴-۰۵-۱۴

DOI: 10.22034/rau.2025.2053360.1151

چکیده

مفهوم حریم در اسلام به معنای جداسازی زندگی خصوصی از تعاملات بیرونی و نیز جداسازی زنان و مردان نامحرم است که باهدف تأمین امنیت خانواده صورت می‌گیرد. حفظ حریم از آن جهت حائز اهمیت بوده که انسان‌ها همواره نیازمند آرامش و احساس امنیت در زندگی خصوصی خود و محترم شمرده شدن حریم خویش از جانب دیگران هستند. با توجه به جمعیت شصت درصدی مسلمانان مالزی، موضوع حریم زندگی خصوصی در خانه‌های سنتی این کشور نیز حائز اهمیت است. این پژوهش بر آن است تا لایه‌های محرمیت در ورودی خانه‌های سنتی هر دو کشور را بررسی نماید. روش تحقیق این پژوهش توصیفی تحلیلی با استدلال منطقی داده‌های کیفی است. در این راستا با توجه به نزدیکی شرایط دینی و فرهنگی در کشور ایران و مالزی، به کمک مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی، مدارک خانه‌های دو کشور در مناطق بوشهر ایران و پراگ مالزی، مورد ارزیابی قرار گرفت. در این راه عناصر ایجادکننده محرمیت از مفاهیم دینی (قرآن و احادیث) و حوزه روان‌شناسی از قبیل سلسله‌مراتب ورودی و جانمایی فضاها جهت دسترسی مرد، زن و مهمان، در خانه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که محرمیت در لایه‌های مختلف در جهت حفظ استقلال افراد و فضاها و تأمین آسایش روحی و جسمی اعضا خانواده طراحی می‌شده که کاملاً با منابع اسلامی مطابقت دارد. در هر دو منطقه سلسله‌مراتب دسترسی به صورت عرصه‌های عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی وجود داشته؛ ولی میزان تفکیک عرصه‌ها با یکدیگر تفاوت دارد. حریم در خانه‌های بوشهر در ایران بیشتر ماهیت کالبدی و فیزیکی داشته و در خانه‌های مالزی بیشتر ماهیت ادراکی و ذهنی دارند.

کلیدواژه‌ها: محرمیت، خانه‌های سنتی، ورودی، بوشهر، مالزی

۱. استادیار، گروه معماری، واحد بین‌المللی اروند، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران (نویسنده مسئول).



۱. مقدمه

ذاتی این دو محیط است (Newell, 1995: 87). در این بین جامعه‌شناسان از حریم خصوصی به عنوان مرزی بین شخص، دیگران و محیط یاد می‌کنند که در آن انسان‌ها قادرند مرزهای خود محدود کرده و یا توسعه دهند (Fahey, 1995: 687). در کشور مالزی نیز بر اساس مطالعاتی که دابی و اسماعیل انجام داده‌اند، طراحی خانه با توجه به تعاملات اجتماعی و فرهنگی جوامع مالایی طراحی شده است. به گفته دابی در اصل خانه‌های مالایی استعاره‌های فرهنگی از سبک زندگی مردم مالزی هست (Ismail, 2005; Dobby, 1942) علاوه بر این تاج‌الدین محمد راسدی و همکاران، اعلام کردند که عوامل اجتماعی و فرهنگی منجر به شکل دادن به فضاهای کاربردی و محیط داخلی خانه می‌شود (Rasdi, 2005). از نظر هاشم و همکاران، اعتقادات اسلامی، روابط اجتماعی و شیوه خاص زندگی عوامل مهم در تشکیل دادن فضاهای خانه هستند (Hashim, Harlina, 2009). این پژوهش در پی بازشناسی جلوه حریمیت در خانه‌های سنتی ایران و مالزی و نیز به دنبال کشف تفاوت‌ها و شباهت‌ها در سلسله‌مراتب حریم ورودی خانه‌ها با وجود دین مشترک در آن‌هاست. پس با احتساب اهمیت دین در خصوص حفظ حریم در زندگی خصوصی و اجتماعی، در ادامه به بررسی مفهوم حریمیت در آیات و روایات و بازتاب آن در خانه می‌پردازیم.

۲. روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی بوده و از نظر ماهیت کیفی است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای (بررسی کتب، مقالات معتبر علمی، پایان‌نامه‌ها)، اسنادی (نقشه‌ها و گزارش‌های نمونه‌ها) و میدانی است. نحوه انجام کار به دو بخش عمده تقسیم می‌گردد. در بخش اول به استخراج مبانی و احکام حریم و حریمیت در اسلام (بر اساس آیات و روایات) می‌پردازیم که از رویکرد «نظریهٔ زمینه‌ای» که از رویکردهای «راهبرد کیفی» است استفاده شده است. در بخش دوم پژوهش، از راهبرد «پژوهش موردی» که بر مبنای توصیف و تحلیل خانه‌ها استوار است، استفاده شده است. بر این اساس تدبیر در نظر گرفته شده در بستر مطالعات کتابخانه‌ای و رجوع به مدارک خانه کوتای در ایالت پراگ مالزی و مشاهدات میدانی خانه‌های سنتی در استان بوشهر ایران در جهت مقایسه تطبیقی عناصر ایجادکننده حریمیت است. با توجه به اقلیم‌های مشابه (گرم و مرطوب) در

معماری ایران از دیرباز حتی از دوران قبل از اسلام در بناهایی مانند تخت جمشید یا کاخ آپادانا و همچنین کاخ آشور (دارای حیاط مرکزی) به حفظ حریم‌ها توجه ویژه‌ای داشته است. با ورود اسلام با توجه به توصیه‌های آیات قرآنی و روایات بر مسئلهٔ درون‌گرایی و حفظ حریم خانواده تأکید شده است. اعتقادات اسلامی، روابط اجتماعی و شیوه خاص زندگی عوامل مهم در تشکیل دادن فضاهای خانه هستند، بر این اساس احساس تعلق به خانه در آنها به وجود می‌آید. علاوه بر این عوامل اجتماعی و فرهنگی منجر به شکل دادن به فضاهای کاربردی و محیط داخلی خانه می‌شود. در واقع می‌توان گفت که حریمیت بیشتر عنصری درونی و فطری است. به گفته گرابار^۱، اسلام پس از ورود به ایران با توجه به اینکه مسئله حریمیت در معماری ایرانی وجود داشت و آن را هم سو با جهان بینی خود دید، آن را تقویت کرد (گرابار، ۱۳۷۹). تعالیم اسلام رفتار مناسب مسلمانان را توصیف می‌کند و نظام ارتباطی خانه باید نمادی از الگوهای رفتاری شریعت هر مسلمان و مناسب این کارکرد باشد؛ فرهنگی که تکریم مهمان و رعایت حریم خصوصی را در جامعه ترویج می‌کند، تأثیر عمده‌ای روی معماری ایرانی و به خصوص معماری خانه دارد. دین اسلام در پی ایجاد راهکارهایی جهت زندگی بهتر و سعادت‌مندتر انسان است و به وجود مسئله حریمیت و حریم در خانه انسان تأکید می‌کند و آن را لازمه رسیدن به آرامش و امنیت می‌داند. بر اساس تفسیر آلتمن^۲ از حریمیت (حریم خصوصی)، این مفهوم به عنوان انتخابی است که یک فرد نسبت به دسترسی دیگران به خود انجام می‌دهد (Altman, 198: 337). فرهنگ، به عنوان عاملی مؤثر در پایداری اجتماعی، نقش مهمی را در فرایند شکل‌گیری خانه بازی می‌کند. در این میان جایگاه دین در شکل‌گیری فرهنگ‌ها، جایگاهی متعالی و مؤثر است. راپاپورت معتقد است: «خانه بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد، نهادی است با عملکردی چندبُعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آئین مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی، و از آنجا که ساخت «خانه» خود امری فرهنگی است، شکل و سازمان آن نیز متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است (Rapoport, 1969: 46). از سوی دیگر می‌توان حریمیت را به عنوان جداسازی موقت انسان‌ها از محیط عمومی به واسطهٔ مقررات مالکیت نامید. تغییر شرایط انسان‌ها در فضاهای عمومی و خصوصی به دلیل تمایز

«کنترل شخص بر دسترسی دیگران به او یا به گروهش». تعریف دو بخش مهم دارد؛ اولین بخش اینکه، حریم را به معنی توانایی کنار گرفتن یا جدا کردن خود از دیگران تعریف می‌کند. بعد مهم دیگر توانایی خصوصی ساختن فضاها برای عرضه اطلاعاتی درباره خودشان است (الماسی فر، ۱۳۹۱: ۹).

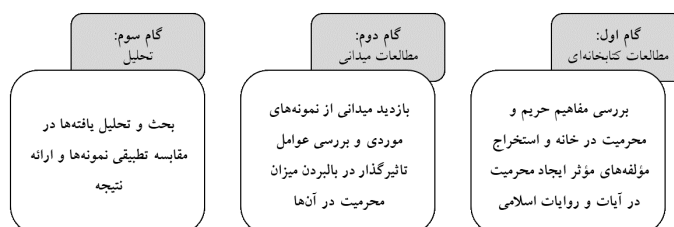
۴. بازتاب حریمت خانه در دین اسلام

خانه‌های ایرانی عموماً به موضوع رعایت حریم خصوصی در کنار تکریم مهمان توجه داشته‌اند و برای انجام آن، هم از الگوی تداخل قلمرو در فضای واحد هم از الگوی مجزا نمودن مکان آنها استفاده نمودند. در نتیجه، انواع معینی از فرم ساختمان‌ها و چیدمان داخلی آنها به‌طور گسترده تکرار شده است. این الگوها در تعدادی دیگر از کشورهای اسلامی نیز که با موضوع حریم و مهمان‌نوازی روبه‌رو هستند وجود دارد. در ایران پس از پذیرش اسلام به‌روشنی می‌توان فهمید که موضوع رابطه زن و مرد مهم‌ترین اصل شکل‌دهنده و تعریف‌کننده حریم‌ها در خانه و خارج از آن بوده است (معماریان، ۱۳۷۳: ۴۲). مفهوم حریمت و حریم در اسلام به معنای جداسازی زندگی خصوصی از تعاملات بیرونی و نیز جداسازی زنان و مردان نامحرم است که باهدف تأمین امنیت خانواده صورت می‌گیرد. به این معنا که اسلام روابط آزاد بین زن و مرد را فقط در قالب ارتباط محارم مجاز می‌داند. از منظر اسلام خانه به عنوان پناهگاهی امن و سرپناهی خصوصی بوده که بهترین محل برای لذت بردن، نیل به آرامش و آسودگی از جهان خارج است. مفهوم حریم خصوصی از زوایای مختلف حریمت بصری، شنیداری، بویایی و دسترسی قابل ارزیابی است (نبری فلاح، خلیلی، تاج‌الدین محمد رسدی، ۱۳۹۲: ۲-۳). براین اساس معماری خانه باید به‌گونه‌ای باشد که اساس طراحی پلان، فضا، حجم و موقعیت قرارگیری آن باید دربرگیرنده نیازهای حریمتی خانواده باشد.

نمونه‌های انتخاب‌شده به بررسی موضوع حریمت و حریم در آنها پرداخته می‌شود. (تصویر ۱)

۳. حریم و حریمت در خانه

خانه، توأم با معنای سکینه و آرامش است. خانه «قرارگاه» ماست و جایی است که در آن باید احساس آرامش کنیم. اگر آسایش راحتی جسم است، آرامش، راحتی جان است. حس آرامشی که با برگشت به خانه به ما دست می‌دهد، به‌نوعی حس از تاریکی به روشنایی آمدن است. این احساس که ما در جای خودمانیم، حسی است که تنها در خانه‌مان به ما دست می‌دهد و از این رو است که می‌گوییم: «هیچ کجا خانه خودمان نمی‌شود» (بهشتی، ۱۳۹۵: ۲۳۸). در ادامه واژه حریم و حریمت را در فرهنگ لغات گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهیم. واژه حریمت از ریشه عربی حَرَم گرفته‌شده و در لغت‌نامه دهخدا به‌صورت مقابل تعبیر شده است؛ حریمت: محرم بودن، محرمی، رازداری، خویشی. حریم: بازداشتن از... چیزی که آن را حمایت کند، پیرامون، گرداگرد (فرهنگ دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۳۷۹). در فرهنگ معین^۴ چنین آمده است؛ حریمت به معنای محرم بودن و حریم به معنای پیرامون و گرداگرد خانه، مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد (دایرةالمعارف فارسی، ۱۳۸۷: معین). معادل حریمت در لغت‌نامه لانگمن^۵، «Confidenti-ality» است به معنی «موقعیتی که شما به کسی اعتماد می‌کنید که رازتان را به کسی نگوید» است (Richards, 2013). حریم در لغت به معنی پیرامون، گرداگرد خانه، مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد، معرفی می‌گردد. حریم فقط در همسایگی‌ها مصداق نمی‌یابد، بلکه می‌توان جوهر آن را در روابط اجتماعی از قبیل نحوه همزیستی مرد و زن، در تنظیم فضای خانه، در تقسیم فضای شهر، در لباس پوشیدن، در عفت کلام، در تعاریف و تواضع جست‌وجو نمود. آئمن حریم را چنین تعریف می‌کند:



تصویر ۱. فرایند انجام پژوهش.



جدول ۱. آیات مربوط به محرمیت
(برگرفته از مومنی، ۱۳۹۴: ص ۲۰-۲۱).

ردیف	آیات	توضیحات آیات از زبان بزرگان دین
۱	(سوره نور) آیه ۳۱	استراق سمع را موضوعی مضموم شمرده است.
۲	(سوره نور) آیه ۵۸ تا ۶۰	ایجاد حریم مخصوصی اتاق‌های خواب و جداسازی آنها از دیگر فضاهای خانه.
۳	(سوره نور) آیات ۲۷ و ۲۸	اشاره به چگونگی و اجازه ورود به خانه (مهم دانستن حریم خانه و تأکید بر محرمیت آن).
۴	(سوره اسرا) آیات ۲۳ و ۲۴	یادآوری نکاتی در مورد حرمت و رفتار و گفتار افراد خانه که با یکدیگر زندگی می‌کنند.
۵	(سوره مبارکه حجرات) آیه ۱۱۳	تجسس را ممنوع دانسته و اشاره به وجود حریم شنیداری برای افراد دارد.

جدول ۲. روایات مربوط به محرمیت (مصباح، ۱۳۹۵).

ردیف	روایات	توضیحات آیات از زبان بزرگان دین
۱	پیامبر اسلام (ص): هر کس به مکالمات دیگران درحالی که آنها مایل نیستند؛ گوش فرا دهد؛ در روز قیامت به گوش وی سرب گذاخته ریخته می‌شود.	مضموم شمردن استراق سمع (تأکید بر قائل بودن حریم برای دیگران)
۲	سخن پیامبر اکرم، امام محمدباقر و امام موسی کاظم ^{۱۲}	تفکیک فضای خواب پسر و دختر، تفکیک فضای خواب فرزندان و پدر و مادر.
۳	پیامبر اسلام (ص): آداب ورود به خانه «برای ورود به خانه باید سه مرتبه اجازه بگیرد؛ اگر به شما اجازه ورود به خانه را داده شد وارد شوید، در غیر این صورت بازگردید».	تأکید بر اهمیت حریم خصوصی خانه. در نظر گرفتن فضاهایی برای زنان. در اهمیت اذن و رعایت حریم خلوت اعضا دیگر خانواده.
۴	کلام امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه ^{۱۳}	محرمیت باید درون خانه برقرار باشد و اینکه زنان را در بخش‌هایی از خانه که مشرف به بیرون است رانهی کرده است.

جدول ۳. عوامل ایجادکننده محرمیت در خانه، مصباح، ۱۳۹۵.

موضوع	کارکرد
فضاهای ورودی خانه دارای محرمیت دیداری و شنیداری هستند	۱. قرارگیری دیوارهای مرتفع در اطراف بنا؛ ۲. کمتر شدن ارتفاع دالان نسبت به هشتی؛ ۳. عدم وجود پنجره در نمای بیرونی؛ ۴. عقب‌نشینی در ورودی نسبت به کوچه؛ ۵. استفاده از مصالح عایق صدا و ضخامت زیاد در جدارهای اطراف بنا؛ ۶. وجود دیوارهای بسیار ضخیم در اطراف هشتی و محل ورودی
محرمیت دیداری و شنیداری در حیاط خانه	۱. با استفاده از دیوارهای مرتفع در اطراف و طبقه دوم بنا جهت منع دید خانه‌های همسایه به حیاط
محرمیت دیداری و شنیداری در اتاق‌ها	۱. قرارگیری در ورودی اتاق‌ها در فضای تقسیمی عمود بر محور اصلی حیاط؛ ۲. استفاده از پنجره‌های بزرگ‌تر و بیشتر در شاه‌نشین و پنجره‌های کوچک‌تر در سهدری و پنج‌دری‌ها؛ ۳. تورفتگی پنجره‌های سهدری و پنج‌دری نسبت به نما؛ ۴. تعریف پیش فضاهای ورودی و ایوان در جلوی اتاق‌ها؛ ۵. ترکیب کردن اتاق سهدری و پستو و تفکیک آنها توسط درهای بین اتاق‌ها؛ ۶. عدم وجود گشودگی در اتاق پستو؛ ۷. قرارگیری اتاق پستوی چسبیده به دیواره بیرونی بنا؛ ۸. استفاده از سلسله‌مراتب فضایی در پیش ورودی تمامی اتاق‌ها

در «جدول‌های ۱ و ۲» به برخی از آیات و روایات در این زمینه می‌پردازیم.

گرچه سابقه رعایت اصل محرمیت در ایران به خانه‌های حیاط داری که قدمتی حدود شش‌هزارساله دارند و به صورت حیاط مرکزی و درون‌گرا هستند می‌رسد (معماریان، ۱۳۷۳: ۱۶)، ولی اوج شکوفایی محرمیت در معماری اسلامی است. از عوامل تأمین‌کننده محرمیت می‌توان به جانمایی در ورودی، ارتفاع و ارتباط پنجره‌ها و بازشوها، ارتفاع دیوارها و پرده‌ها اشاره کرده‌اند. در ورودی در این میان یکی از عناصر بااهمیت است. ورودی بایستی به صورت ویژه‌ای مکان‌یابی شده تا از هرگونه هدایت مستقیم نگاه نامحرمان به داخل جلوگیری شود. وجود دو کوبه مجزا برای ورود زن و مرد و ایجاد دالان نیز در این راستا است. باوجوداینکه ماهیت وجود پنجره، بهره‌مندی از نور طبیعی، هوای سالم، مناظر زیبا، دیدن محیط همسایگی و کنترل پیرامون خانه است؛ ارتفاع پنجره در طبقات همکف و اول می‌بایست بالاتر از ارتفاع چشم بوده تا محرمیت بصری فضای داخل این طبقات حفظ شود. در «جدول ۳» نیز می‌توان این مشخصات را با نمود کارکردی در خانه اسلامی مورد بحث قرارداد.

۵. معماری و بافت مسکونی بوشهر

خانه‌های تاریخی در شهرهای قدیمی ایران، گویای شیوه زندگی و تفکر ساکنان خود در زمان‌های مختلف بوده و کالبد آنها میراثی ارزشمند برای ماست. خانه‌های سنتی در بافت شهری بوشهر نیز نمونه‌ای موفق از تلاش انسان برای ایجاد آسایش مادی و معنوی است. بافت قدیم این شهر با ویژگی‌هایی نظیر: کوچه‌های باریک، دیوارهای بلند، بالکن‌های پیش آمده، و جهت‌گیری به سمت دریا و همچنین ارتفاع هماهنگ بناها،

جدول ۴. عوامل مهم در شکل‌گیری خانه‌های سنتی بوشهر (اقتباس از هدایت و طباطبائیان، ۱۳۹۴).

عوامل اصلی	عوامل فرعی	ویژگی معماری
خصوصیات اقلیمی	نور شدید خورشید، رطوبت بالا، گرمای شدید	- حیاط مرکزی، کوچه‌های باریک و سایه‌دار، رنگ روشن جدارها، کشیدگی عمودی پنجره‌ها، وجود شناشیرها، ایوان‌ها و تابش بندهای چوبی. - جدایی بنا از زمین، قرار دادن فضاهای زیست (اصلی) در تراز بالاتر، تعبیه پنجره دو طرف بنا، استفاده از سنگ‌های متخلخل دریایی، چوب ساج. - جهت‌گیری رو به دریا جهت کوران هوای بهتر، ایوان‌های عریض، استفاده از بام و طارمه.
خصوصیات فرهنگی	اعتقادات دسترسی، ایجاد حریم	شکل‌گیری حیاط مرکزی، عدم وجود پنجره در همکف، ایجاد جان‌پناه بلند و مشبک، طراحی هشتی و دالان، استفاده از پرده‌های کرکره‌ای.
امنیت	حضور و تهاجم بیگانه	- استفاده از ایوان و پشت‌بام. - باز کردن در بین اتاق‌ها جهت یکپارچگی و بزرگ‌تر شدن فضا. - طراحی سه‌دردی، پنج‌دردی و مجلسی.
		ساخت دیوارهای بلند، عدم تعبیه بازشوی بزرگ به‌غیراز ورودی در همکف.

ورودی خانه با کاهش ارتفاع فضاها یا افزایش ارتفاع کف، میزان محرمیت فضاها را بیشتر می‌کند.

ت. **سلسله‌مراتب:** سلسله‌مراتب محرمیت در خانه با تعبیر سلسله‌مراتب حضور شناخته می‌شود (وثیق و پشتونی زاده ۱۳۸۸: ۵۶)؛ بنابراین این اصل، قلمروهای مختلفی را در محیط زندگی از عمومی تا خصوصی تعریف و تبیین می‌کند. از جمله فضاهایی عمومی و خصوصی در خانه می‌توان به سه‌دردی (اتاق خصوصی برای اعضای خانواده) و پنج‌دردی (اتاق عمومی جهت مهمان) اشاره کرد.

ث. **ورودی خانه:** در ساختمان‌های بوشهر معمولاً ورودی با یک چرخش فضای بیرونی را به داخل خانه ارتباط می‌دهد و

تکرار بازشوهای مشابه، حیاط مرکزی، سایه‌بان‌های کرکره‌ای و شناشیرهای چوبی در زمینه روشن نماهای شهری سیما و کالبدی با برون‌گرایی اقلیمی و درون‌گرایی فرهنگی و زیستی را خلق کرده است (هدایت و طباطبائیان، ۱۳۹۴). در این منطقه در میان شرجی و گرمای خورشید خانه‌هایی با رنگ روشن و بسته به وضعیت معیشت مالک، از یک تا چهار طبقه ارتفاع داشتند. زیست در خانه‌های این شهر در سه فضای باز، نیمه‌باز و بسته جریان داشته و باعث وجود آمدن سلسله‌مراتب و حریم نیز شده است. شکل‌گیری خانه‌های سنتی بوشهر متأثر از عوامل اقلیمی و محیطی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و عوامل خارجی بوده که در «جدول ۴» نشان داده شده است.

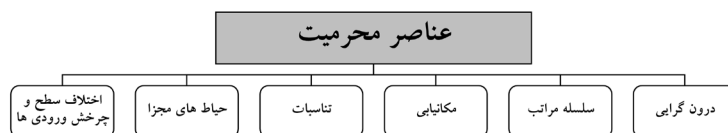
۶. عوامل ایجاد محرمیت در خانه‌های بوشهر

یافته‌های حاصل از تحلیل اطلاعات گردآوری شده، نشان می‌دهند که اعتقادات اسلامی، معیارهای فرهنگی، سبک زندگی خانواده، الگوی روابط اجتماعی و معیارهای رفتاری ایرانیان اصول مهم و مؤثر در شکل‌گیری محرمیت در خانه‌های سنتی ایران بوده است (غلامزاده، ۱۳۹۲). در ادامه به بررسی عناصر محرمیت در خانه‌های بومی بوشهر می‌پردازیم. (تصویر ۱)

الف. اصل درون‌گرایی: اگر درون‌گرایی را در خانه جست‌وجو کنیم؛ به دو ویژگی بارز می‌رسیم: یکی نداشتن ارتباط بصری مستقیم فضای داخل با بیرون و دیگری اصل به‌وجودآمدن فضاهایی که توسط حیاط سازمان‌دهی می‌شوند.

ب. مکان‌یابی: بدین‌صورت که فضاهای خصوصی خانه (محل حضور محارم) در قسمت‌هایی از پلان قرار گیرند که از دید مستقیم افراد غریبه و مهمانانی که به داخل خانه راه می‌یابند؛ مصون بماند. ورودی خانه با توجه به درون‌گرایی کامل آنها در محل‌هایی ساخته شده است که هیچ‌گونه ارتباط مستقیم بصری با درون خانه به وجود نیاید (فرخ یار، ۱۳۹۰).

پ. اصل تناسبات: تناسبات از طریق کاهش و یا افزایش ارتفاع فضاها و یا ابعاد آن، می‌تواند محرمیت فضا را بیشتر و یا کمتر نماید. معمار در این خانه‌ها با عبور از سلسله‌مراتب فضایی



تصویر ۲. ابزارهای اصلی محرمیت ساز در خانه‌های سنتی بوشهر.



عرصه‌های عمومی و خصوصی بسنده کرده‌اند و تنها هدف آنها عدم دید به فضاهای اصلی خانه بوده است (ناصری، ۱۳۹۵: ۸۶). با توجه به ماهیت پژوهش، خانه‌ها از دسته اول انتخاب شده‌اند و در «جدول ۶» برای چهار نمونه آورده شده است.

۷. معماری خانه‌های بومی مالزی^{۱۴}

خانه‌های بومی مالزی به‌طور جدایی‌ناپذیری در ارتباط با ارزش‌ها و سنت‌های بومی و هماهنگی بین معماری، مردم و محیط‌زیست است. آنها به‌طور کلی از چوب، کاه‌گل، بامبو، درخت فوفل^{۱۵} و انواع مصالح بومی دیگر بهره می‌برند. جهت محافظت ساکنان از سیل ناشی از بارش زیاد، طبق همکف بالاتر از سطح زمین ساخته شده است. در نهایت تزیینات بخش جدایی‌ناپذیر خانه مالایی^{۱۶} است (Abidin, 1981: 22).

۱.۷. عملکرد فضاهای خانه

الف. انجونگ^{۱۷}: دسترسی ورودی اصلی خانه از طریق پله ایست که به یک ایوان مسقف به نام انجونگ راه می‌یابد. انجونگ به عنوان فضای بازی است که برای استراحت خانواده اختصاص داده شده و همچنین عملکردی جهت استقبال از مهمانان ناآشنا را بر عهده دارد (Yuan, 1991; Ismail, 2005);

ب. سرامبی گاتونگ^{۱۸}: یک فضای عملکردی به‌صورت خطی و طولانی است که عمدتاً به پذیرایی از مهمانان اختصاص می‌یابد. این فضا در بردارند بازشوهای کوچک جهت هدایت جریان هوا بوده و درعین حال دید و نمایی زیبا را برای ساکنان فراهم می‌کند (Yuan, 1991; Hassan, Ramli, 2010);

پ. ایبو رو ماه^{۱۹}: فضای اصلی خانه است که چند عملکردی است (فعالیت‌هایی از قبیل گپ خانوادگی، خواب، نیاپیش و بسیاری از عملکردهای دیگر). تراز این فضا در میان تمام فضاهای خانه بالاتر است و نقش اصلی در سازمان‌دهی فضاهای خانه دارد (Yuan, 2001);

ت. تنگا رو ماه^{۲۰}: تنگه رو ماه به عنوان یک فضای میانی است. این فضا به عنوان یک فضای ارتباطی بین بخش اصلی خانه و آشپزخانه عمل می‌کند (Ismail, 2005);

ث. داپور رو ماه^{۲۱}: به عنوان بخش پشتی خانه بعد از سالنگ قرار دارد. این فضا به عنوان آشپزخانه معرفی شده که به زن خانه اختصاص یافته است. فعالیت‌هایی مختلفی از قبیل پخت‌وپز،

در نتیجه دید بصری خارج به داخل خانه قطع می‌شود. هشتی اولین فضا از خانه ایرانی است که با بیرون ارتباط دارد و برای ایجاد مکث، محل انتظار و تقسیم فضایی است.

ج. حیاط یا میان‌سرا: عنصر حیاط و خانه‌های حیاط‌دار به دلیل اینکه با اصول اسلامی هیچ تضادی نداشت و طرحی بود که می‌توانست میزان بالایی از محرمیت را که در روش زندگی مسلمانان مطرح است تأمین نماید به عنوان الگو و مدلی در خانه‌های اسلامی پذیرفته شد و باقی ماند (باقری، ۱۳۹۳: ۱۵۳). حیاط یا میان‌سرا بر اساس نیازهای مادی و معنوی و رعایت سلسله‌مراتب عرصه‌های خصوصی و عمومی درون و بیرون خانه شکل گرفته است. ابعاد این حیاط‌ها، بزرگ نیست و دلیل این امر ایجاد حداکثر سایه در آن است، دوم اینکه معمولاً دورتادور حیاط مرکزی رواقی قرار دارد که وسط این حیاط و بنا است. باغچه، حوض آب و چاه از عناصر حیاط هستند.

در «جدول ۵» زیر عناصر محرمیت ساز خانه‌های بوشهر نشان داده شده است.

در خانه‌های سنتی بوشهر ورود به بنا و سلسله‌مراتب دسترسی به دو گونه کلی تقسیم می‌شود:

گونه اول: ورود به بنا از طریق یکی از گوشه‌ها صورت می‌گیرد. قرارگیری ورودی در گوشه، اولین قدم برای جلوگیری از دید مستقیم به داخل بنا و تأکید بر محرمیت داخل خانه است. در این خانه‌ها به دلیل اینکه در چهار وجه حیاط، فضاهای خانه گرد هم آمده‌اند کمترین دید به داخل بنا از گوشه پلان صورت می‌گیرد (ناصری، ۱۳۹۵: ۸۳).

الف- خانه با دو هشتی پشت‌سرهم: ورود به این خانه‌ها ابتدا با عبور از یک هشتی بزرگ و پس از آن، هشتی کوچک‌تری صورت می‌گیرد. تفکیک این دو فضا به‌صورت اختلاف سطح با چند پله، با دری که بین مرز این دو قرار دارد، با تغییر مسیر گردش (تغییر زاویه هشتی‌ها نسبت به هم) و با ترکیبی از آنها است.

ب- خانه با هشتی، دالان و رواق: سلسله‌مراتب ورود به این خانه‌ها به این ترتیب است که ابتدا یک فضای هشتی وجود دارد و بعد از آن دالان قرار می‌گیرد. حریم فضای هشتی و دالان نیز با ترفندهای مختلفی از جمله اختلاف سطح و چرخش زاویه این فضاها نسبت به هم مشخص می‌شود.

گونه دوم: ورودی در این نوع، بر روی یکی از اضلاع بنا قرار می‌گیرد. در این خانه‌ها سلسله‌مراتب ورود نسبت به نوع اول کم‌رنگ‌تر است؛ گویی ساکنان این بناها به حداقل تفکیک بین

جدول ۵. عناصر ایجادکننده حریم در خانه‌های بوشهر.

خانه گلشن	خانه بهزاد	خانه مهربان	خانه طبیب	ورودی‌ها
				هشتی
	-		-	دالان
-		-		هشتی دوم
				حیاط مرکزی

اصلی و آشپزخانه است که آنها را به هم وصل می‌کند (Ismail, 2005). همچنین این فضا جهت ایجاد آسایش حرارتی و تقویت روشنایی کاربرد دارد. در «تصویرهای ۳ و ۴» بخش‌های مختلف خانه مالایی نشان داده شده‌اند.

۸. محرمیت در خانه‌های مالزی

در ادامه به بررسی دو نمونه خانه کوتای^{۲۶} با نام‌های «توک سدرا بونگسو^{۲۷}» (TSB) و «کولوب ساماه^{۲۸}» (KSH) در ایالت پراک^{۲۹} می‌پردازیم. (تصویر ۴)

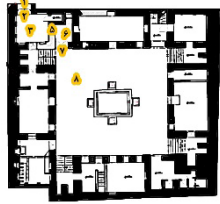
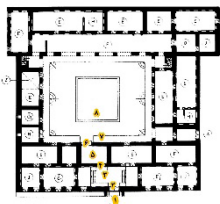


شست‌وشو و آماده‌سازی مواد غذایی صورت می‌پذیرد درحالی‌که سطح آن در پایین‌ترین ارتفاع قرار دارد (Abidin, 1991; Yuan, 1981).

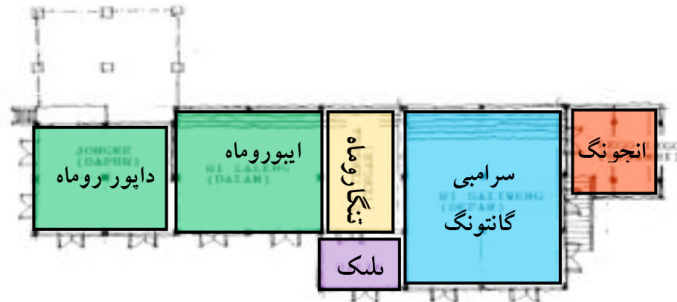
ج. بلیک^{۳۲}: یک فضای عمومی به نام «بلیک» که به معنی اتاق است در خانه‌های مالایی وجود دارد. در ضمن فضاهای خارجی خانه کارکردهای دیگری داشته از جمله «جامبان^{۳۳}» به معنی توالت و «بنگسال^{۳۴}» به معنی کپر (آلونک) است (Abidin, 1981).

چ. سلانگ^{۳۵}: به عنوان فضایی جهت ارتباط اتاق نشیمن

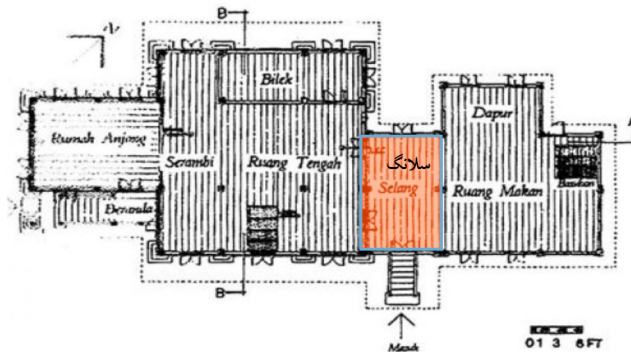


جدول ۶. سلسله مراتب دسترسی در خانه‌های بوشهر.

خانه گلشن	خانه بهزاد	خانه مهربان	خانه طیب	پلان خانه
				
۱. عقب نشستگی؛ ۲. در؛ ۳. هشتی؛ ۴. تغییر جهت؛ ۵. در؛ ۶. دالان؛ ۷. در؛ ۸. حیاط	۱. عقب نشستگی؛ ۲. در؛ ۳. هشتی اول؛ ۴. در؛ ۵. هشتی دوم؛ ۶. در؛ ۷. رواق؛ ۸. حیاط	۱. دالان؛ ۲. در؛ ۳. هشتی؛ ۴. تغییر جهت؛ ۵. در؛ ۶. دالان؛ ۷. رواق؛ ۸. حیاط	۱. پله؛ ۲. در؛ ۳. هشتی اول؛ ۴. پله؛ ۵. هشتی دوم؛ ۶. تغییر جهت؛ ۷. رواق؛ ۸. حیاط	سلسله مراتب ورود به فضای خانه



تصویر ۳. خانه حاجی کونوک در ایالت جوهر (Ismail, 2005).



تصویر ۴. خانه پراک در کوالا کانگستر، سرتیپی پور، ۱۳۸۶.

۸.۱. حریم در خانه‌های کوتای

خواهیدن، دعا، خوردن، گپ‌وگفت خانوادگی و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بنابراین حریم خصوصی خانوادگی در داخل حتی زمانی که مهمانان در سرامبی گانتونگ (پذیرایی) حضور دارند، حفظ می‌شود. ورودی خانه در جهت حمایت از حریم خصوصی اعضای خانواده طراحی شده است. طراحی خانه‌های کوتای

طراحی خانه‌ها از منظر مذهبی و فرهنگی به گونه‌ای است که حرمت زنان در فضای اصلی خانه (ایبو روماه) حفظ می‌شود. تفکیک فضایی به این معنی است که ایبو روماه (نشیمن) تنها توسط اعضای خانواده جهت فعالیت‌های روزمره خود مانند

این عمل جهت احترام به صاحب‌خانه و خانواده‌اش است؛ همان‌گونه که در قرآن (سوره نور آیات ۲۷ و ۲۸)، (جدول ۱) اشاره شد. رفتارهای مناسب مانند سلام و اعلام حضور بدون روبه‌رو شدن مستقیم با در به اصطلاح «ایستی زن^۳» نامیده می‌شود. سلام کردن و اذن ورود خواستن در خانه‌های کوتای، جهت انتظار، فاصله زمانی را ایجاد می‌کند که زنان خود را با لباس مناسب آماده نمایند (Bin Musa, Bin Misnat, Talib 2014). در «تصویر ۷»، دیاگرام‌های ب و د نشان می‌دهد که سطح کف دوخانه، حدود ۲۲۰ سانتی‌متر و ۱۶۵ سانتی‌متر بالاتر از ارتفاع چشم انسان است که باعث می‌شود داخل خانه دیده نشود. حتی اگر به داخل دید وجود داشته باشد، محدودیت روشنایی داخل برای تنظیم و عادت کردن چشم به زمان نیاز دارد. در واقع این ترفندی است که مالایی‌ها برای حریم بصری از طریق زمان ایجاد کرده‌اند. اندازه و تعداد محدود پنجره‌ها و بازشوها، یک امکان

بر اساس «پلان باز» برنامه‌ریزی و ساخته شده است. حفظ حریم در این نوع طراحی بسیار چالش‌انگیز است؛ بنابراین سازمان‌دهی فضاهای خانه کوتای بر اساس حفظ حریم خصوصی است (Bin Musa, Bin Misnat, Talib 2014). فضای خانه کوتای از طریق سلسله‌مراتب فضایی، به بخش‌های عمومی (راه‌پله و در ورودی)، نیمه عمومی (سرامبی یا پذیرایی) و قسمت خصوصی (ایبوروماه یا نشیمن) تقسیم می‌شود.

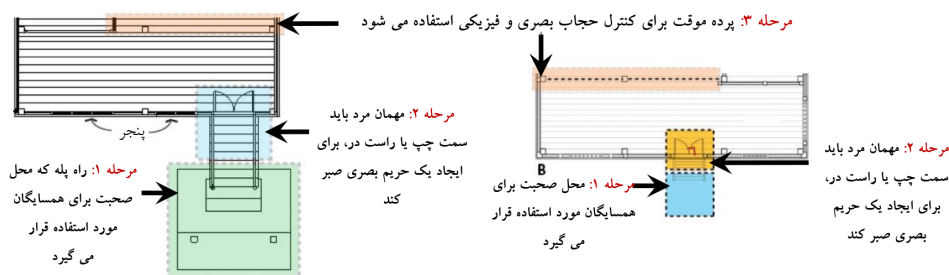
۲.۸. حریم در ورودی خانه

با بررسی‌ها مشخص شده است که سه مرحله در طراحی ورودی این خانه‌ها در نظر گرفته شده است:
الف. مرحله اول: راه‌پله ورودی (تنگا روماه) برای مکالمات بین اعضای خانواده و مهمانان (غیرمسلمان و مهاجر) مورداستفاده قرار می‌گیرد (تصویر ۶).
قبل از ورود به خانه مهمان باید به صاحب‌خانه سلام دهد.



تصویر ۵. ب: خانه TSB (Bin Musa, et al. 2014)

تصویر ۵. الف: خانه KSH (Bin Musa, et al. 2014).

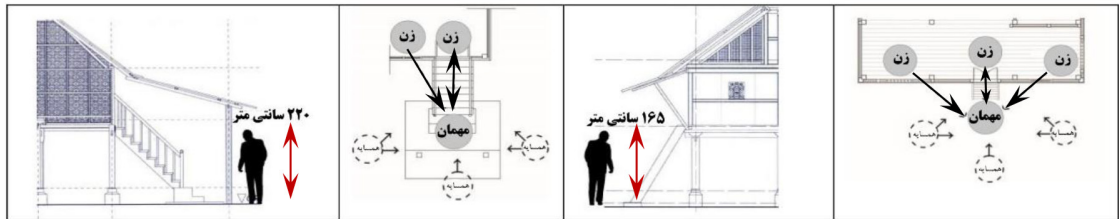


تصویر ۶. راست: سلسله‌مراتب فضایی در خانه KSH؛ چپ: سلسله‌مراتب فضایی در خانه TSB.

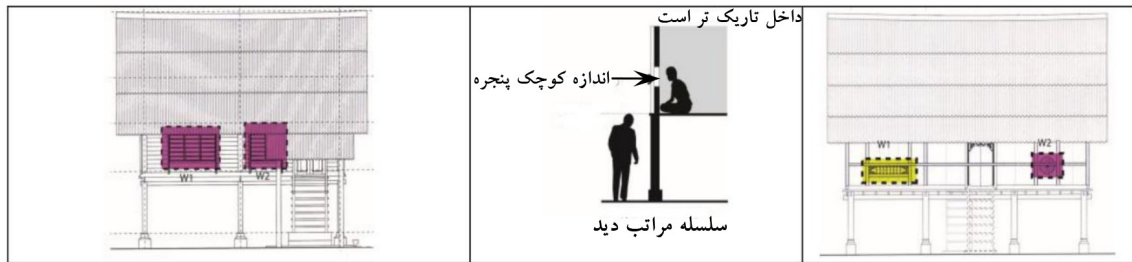


بازدیدکنندگان پیش از اجازه ورود به داخل خانه، طراحی شده است. موقعیت مهمان در سمت چپ‌راه پله، نیز از اصول طراحی برای عرض پله و برنامه‌ریزی طراحی نقشه برای داخل را فراهم می‌کند. این موقعیت و فضا فقط برای خویشتاوندان، و دوست نزدیک به اعضای خانواده است (Talib, 2005). ارتفاع در، نیز کمتر از قد انسان است؛ بنابراین جهت ورود توجه و نگاه فرد به کف افتاده و به حریم خانه احترام می‌گذارد (تصویر ۹) (Bin Musa, Bin Misnat, Talib 2014).

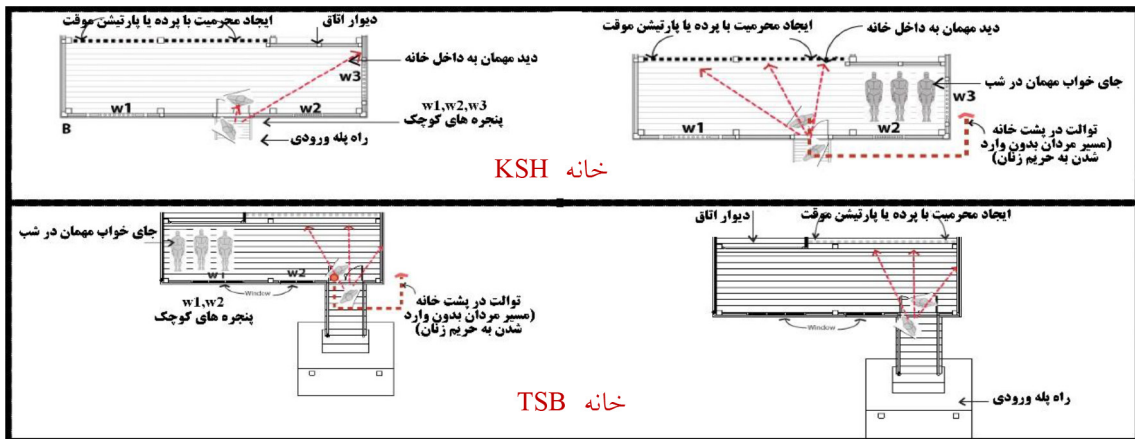
مناسب برای زنان است که برای مهمان غیرمنتظره آمادگی پیدا کنند. پنجره دارای بازشوی افقی است که در ارتفاع بالا در طراحی داخلی تنظیم شده است. از کاربردهای دیگر آن، دید به بیرون و همچنین تأمین نور و تهویه است (تصویر ۸).
ب. مرحله دوم: انتقال و گذار بین فضای خارج و داخل (فضای نیمه عمومی) که مهمان در آنجا می‌نشیند قبل از اینکه مجاز برای ورود به خانه شود. طبق اصول طراحی خانه‌های کوتای، راهروی ورودی اصلی به عنوان یک فضای نشیمن و انتظار برای



تصویر ۷. مقایسه سلسله‌مراتب حریم بصری؛ از راست به چپ: الف. دیاگرام نقشه خانه TSB؛ ب. نمای خانه TSB؛ ج. دیاگرام نقشه خانه KSH؛ د. نمای خانه KSH.



تصویر ۸. نمایش سلسله‌مراتب حریم بصری؛ از راست به چپ: الف. خانه TSB؛ ب. دیاگرام کلی؛ ج. خانه KSH.



تصویر ۹. جانمایی سلسله‌مراتب فضایی.

دالان و یا پله با تغییر جهتی که ایجاد می‌کند باعث خصوصی‌تر شدن فضای داخل می‌شود. وجود ایوان یا رواق پیرامون حیاط علاوه بر اینکه سلسله‌مراتب ورود از فضای بسته، نیمه‌باز و باز را ایجاد می‌کند، پرده دیگری جهت حفظ حریم خصوصی است. در نهایت مکان‌یابی فضاهای خانوادگی در قسمتی دورتر از ورودی و جانمایی فضای مهمان در نزدیکی ورودی می‌تواند بیان دیگری از موضوع ایجاد حریم باشد. (جدول ۷)

جدول ۷. عناصر به وجود آوردن محرمیت در خانه‌های بوشهر ایران.

عناصر کلیدی	کارکرد	کیفیت فضایی
نمای خارجی	عبور	حریم دیداری - حریم شنیداری - درون‌گرایی
پیش‌ورودی	مکث	منتظر ماندن - گپ و گفت دوستانه
ورودی	مکث	منتظر ماندن - گپ و گفت دوستانه
درب ورود	مکث - عبور	منتظر ماندن - گپ و گفت دوستانه - امنیت - دو کوبه زنانه و مردانه
هشتی (پس از ورود)	مکث	منتظر ماندن - مشایعت - تقسیم فضایی
دالان، پله، چرخش مسیر	عبور	حریم دیداری
حیاط اندرونی	مکث - عبور	سلسله‌مراتب فضایی - درون‌گرایی - فضای اعضای خانواده
حیاط بیرونی	مکث - عبور	سلسله‌مراتب فضایی - درون‌گرایی - فضای مهمان
اتاق سه‌دری - پنج‌دری	مکث	فضای خانوادگی و خصوصی - فضای مهمان و عمومی

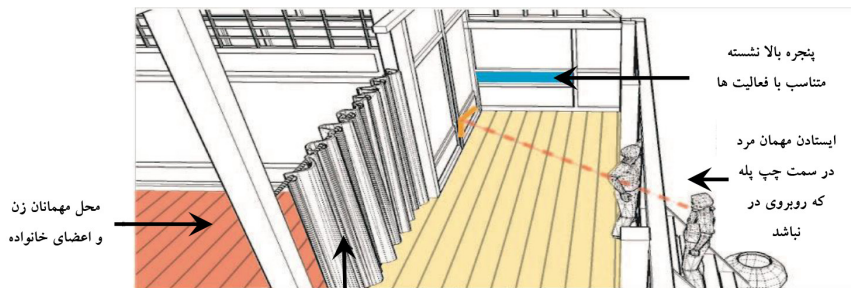
ج. **مرحله سوم:** انتقال بین منطقه نیمه عمومی و منطقه خصوصی که فضاها با دیوارک و یا پرده موقت جدا می‌شوند. قسمت مربوط به مردان محدود به سرامبی گانتونگ (پذیرایی) است که مساحتی در حدود ۴۰ تا ۷۰ مترمربع می‌تواند داشته باشد. این فضا به عنوان فضای زندگی، برگزاری جشن‌های مذهبی، تدریس قرآن و قسمتی برای خواب مورد استفاده قرار می‌گیرد. محدوده زنان بیشتر در قسمت نشیمن (ایبو روماه) و آشپزخانه (داپور روماه) است، در عین حال در بعضی از مواقع مردان بزرگ خانواده یا خویشان در این قسمت نیز استراحت می‌کنند که در این صورت همسران و دختران جوان در اتاق‌ها (بلیک) اقامت می‌کنند (Talib, 2005).

جهت ایجاد حریم می‌توان از دیوارک‌های فیزیکی که حوزه فضایی زن و مرد را از هم جدا می‌کند استفاده کرد. همچنین زنان می‌توانند پوشش مناسب داشته باشند. از آویزها و پرده‌ای موقت نیز می‌توانند جهت ایجاد یک اتاق موقت نیز استفاده نمایند (تصویر ۱۰) (Talib, 2005).

۹. بحث و تحلیل

همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد برای اینکه فضای خانه مکانی جهت آرامش یافتن انسان باشد نیاز است شرایطی را داشته باشد که دین اسلام نیز به آن توجه دارد و آن موضوع محرمیت است. ایجاد حریم دیداری، شنیداری یکی از عوامل مهم در ایجاد مرزبندی‌هاست.

الف. **خانه‌های بوشهر ایران:** ایجاد حیاط مرکزی و باز شدن بیشتر بازشوها به آن مؤید این موضوع است. جهت ورود به خانه‌ها عموماً درها عقب رفته بوده و پس‌از آن وجود یک هشتی مرحله دیگری از سلسله‌مراتب دسترسی است. در مرحله بعد وجود



پرده متحرک جهت کنترل محرمیت بین مردان و زنان

تصویر ۱۰. سلسله‌مراتب فضایی.



جدول ۸. عناصر به وجود آوردن محرمیت در خانه‌های کوتای مالزی.

عناصر کالبدی	کارکرد	کیفیت فضایی
پیش فضای قبل از پلکان	مکت - عبور	حریم دیداری - حریم شنیداری - گپ و گفت افراد غریبه
پلکان	مکت - عبور	منتظر ماندن - گپ و گفت دوستانه
در	عبور	منتظر ماندن - گپ و گفت دوستانه - امنیت
ایوان مسقف (انجونگ)	مکت - عبور	منتظر ماندن - جای خواب مهمان
پرده	مکت	منتظر ماندن - مشایعت - حریم دیداری
ارتفاع پنجره	مکت	حریم دیداری
ورودی اصلی به ایوان مسقف	مکت - عبور	جهت ورودی مردان
ورودی فرعی به آشپزخانه	مکت - عبور	جهت ورودی زنان

ب. خانه‌های کوتای مالزی: ورودی سه بخش جهت مواجه شدن با افراد خارجی خانه دارد که به ترتیب با آشناتر بودن فرد خارجی (اقوام و خویشان) می‌تواند در قسمت نزدیک‌تری به فضای داخلی خانه صورت پذیرد. جانمایی پله در قسمتی صورت می‌پذیرد که با قرارگیری فرد خارجی، فضای داخلی خانه دیده نشود. در ضمن با ایجاد یک پرده موقت نیز به سلسله مراتب حریم خانه افزوده می‌شود. قرارگیری سطح پایین پنجره در بالای خط دید نیز راهکار دیگری جهت ایجاد حریم بصری است. در نهایت کوچک‌تر بودن پنجره بیرونی در قسمت بیرونی باعث بهار خواب‌تر شدن فضای داخلی شده و در نتیجه دید به داخل را محدودتر می‌کند. (جدول ۸)

در «جدول ۹» نیز به صورت تصویری به مقایسه عناصر محرمیت‌ساز نمونه‌های موردی می‌پردازیم.

جدول ۹. مقایسه تصویری عناصر محرمیت‌ساز.

مالزی (پراک)		ایران (بوشهر)		
فضا	پلان	فضا	پلان	موضوع
ورودی اصلی (مرد) ورودی فرعی (زن)		ورودی اصلی ورودی فرعی		ورودی خانه
تنگاروماه		عقب‌رفتگی در ورودی		پیش فضای قبل از ورودی
انجونگ		هشتی		فضای مکت پس از ورودی

ادامه جدول ۹. مقایسه تصویری عناصر محرمیت‌ساز.

سرامبی		پنج‌دردی		پذیرایی مهمان
ورودی اصلی (جلو) تنگاروماه انجونگ سرامبی		حیاط بیرونی اتاق پذیرایی اتاق کار		فضای مردانه
ورودی پشتی داپورروماه (آشپزخانه) ایبو روماه (نشیمن) بلیک (اتاق)		حیاط اندرونی آشپزخانه اتاق سهدری		فضای زنانه

۱۰. نتیجه‌گیری

در فضای ابتدایی پس از ورودی (انجونگ) ایجاد شده است. در نهایت آیه ۳۱ سوره نور و حدیث نبوی استراق سمع را مضموم شمرده که در خانه‌های بوشهر با ایجاد جداره‌های قطور، وجود هشتی و دالان، محدود شدن پنجره‌ها در نمای بیرونی، دیوارهای بلند در کنار همسایه، عقب رفتگی پنجره‌های اتاق سهدری (خصوصی) به نسبت اتاق‌های پنج‌دردی (عمومی) و در نهایت وجود سلسله‌مراتب حرکتی، فضای داخل از خارج و فضای عمومی از خصوصی خانه مجزا شده است. در خانه‌های کوتای نیز، با ایجاد سلسله‌مراتب سه‌مرحله‌ای در ورودی خانه، حریم شنیداری محقق شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم اشتراکات دینی و اقلیمی در این دو منطقه، راهکارهای طراحی برای تأمین حریم‌های بصری و شنیداری در فضاهای مسکونی، متأثر از مؤلفه‌های فرهنگی، متفاوت بوده است. در معماری سنتی بوشهر، سلسله‌مراتب فضایی (همچون هشتی، دالان و اختلاف سطوح) و تفکیک دقیق عرصه‌های عمومی و خصوصی، بازتابی از ضرورت حفظ محرمیت است. از سوی دیگر، خانه‌های مالزی اگرچه از شفافیت بیشتری در ارتباط بین

این پژوهش با تمرکز بر مفهوم محرمیت و حریم شخصی از منظر اسلامی، به بررسی تطبیقی خانه‌های سنتی در دو بافت فرهنگی متفاوت، یعنی بوشهر (ایران) و کوتای (مالزی) پرداخته است. همان‌گونه که پیش‌تر عنوان شد آیات مبارکه ۲۷ و ۲۸ سوره نور (جدول ۱) اشاره به نحوه و اجازه ورود به خانه اشاره داشته که در خانه‌های بوشهر این موضوع با طراحی پیش ورودی، هشتی، کوبه‌های متفاوت برای زن و مرد تجلی‌یافته و در خانه‌های کوتای مالزی با ایجاد پیش فضای ورودی، پلکان و نحوه قرار گرفتن روی پلکان و جانمایی در ورودی محقق شده است. آیات ۵۸ الی ۶۰ سوره نور (جدول ۱)، حدیث پیامبر (ص) و کلام امیرالمؤمنین (ع) در جدول ۲ نیز به موضوع ایجاد حریم خصوصی فضاهای خواب و رعایت حریم برای اهل خانه پرداخته که در خانه‌های بوشهر با ایجاد حیاط اندرونی و بیرونی و تفکیک فضاهای خصوصی از فضاهای مهمان شکل گرفته و در خانه‌های کوتای با ایجاد پرده، ورودی مجزا برای اعضای خانواده و قرارگیری مهمان



ضرورت‌های مادی، بلکه در جهت تأمین خواسته‌های فطری و روحی ساکنان شکل گرفته است. این پژوهش نشان می‌دهد که معماری سنتی در هر دو منطقه، با درک عمیق از مفهوم حریمیت، توانسته است راهکارهایی همساز با بستر فرهنگی خود ارائه دهد و به عنوان میراثی ارزشمند، تبلور تعامل میان دین، فرهنگ و محیط کالبدی است. «جدول ۱۰» را می‌توان خلاصهٔ شاخصه‌های اصل حریمیت در بناهای مذکور دانست.

درون و بیرون برخوردارند، اما با تعریف قلمروهای عملکردی انعطاف‌پذیر و مرزبندی‌های مشخص، به نیازهای حریم خصوصی پاسخ می‌دهند. براین اساس، می‌توان استنباط کرد که انگیزه‌های طراحی در معماری سنتی این دو منطقه، فراتر از پاسخگویی به نیازهای عملکردی و اقلیمی است و به عنوان بستری برای تجلی مفاهیم معنوی و باورهای دینی عمل می‌کند. درواقع، سازمان‌دهی فضایی این بناها، نه تنها بر مبنای

جدول ۱۰. مقایسه سلسله‌مراتب حریمیت در خانه‌های دو منطقه.

موضوع	ایران (بوشهر)	مالزی (کوتای)
	کارکرد	کارکرد
فضاهای ورودی خانه	<ol style="list-style-type: none"> ۱. قرارگیری دیوارهای مرتفع در اطراف بنا. ۲. وجود پنجره محدود در نمای بیرونی. ۳. عقب‌نشینی در ورودی نسبت به کوچه. ۴. استفاده از مصالح عایق صدا و ضخامت زیاد در جداره‌های اطراف بنا. ۵. وجود دیوارهای بسیار ضخیم در اطراف هشتی و محل ورودی. 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. ایجاد یک فضا خارج از خانه به عنوان یک منطقه انتقال برای مهمان (سلام و اجازه ورود توسط صاحب‌خانه). ۲. محدودیت دید پنجره‌ها و بازوها در ورودی و نما. ۳. ممانعت از دید مستقیم مهمان در موقعیت ایستاده جلوی در خانه. ۴. کوتاه بودن در خانه جهت ایجاد احترام و دید به پایین.
فضای داخل خانه	<ol style="list-style-type: none"> ۱. قرارگیری در ورودی اتاق‌ها در فضای تقسیمی عمود بر محور اصلی حیاط. ۲. استفاده از پنجره‌های بزرگتر و بیشتر در شاه‌نشین و پنجره‌های کوچک‌تر در سهدری و پنج‌دری‌ها. ۳. توفرتگی پنجره‌های سهدری و پنج‌دری نسبت به نما. ۴. تعریف پیش فضاهای ورودی و ایوان در جلوی اتاق‌ها. ۵. ترکیب کردن اتاق سهدری و پستو و تفکیک آنها توسط درهای بین اتاق‌ها. 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. مناطق زندگی چندمنظوره و ورودی جدا برای زن و مرد. ۲. جدا کردن محل مردان از زنان در کار و استراحت. ۳. محل سرویس در پشت خانه و دسترسی از بیرون برای مردان. ۴. استفاده از دیوارک و تقسیمات موقت جهت فعالیت‌های روزانه.

پانویس‌ها:

1. Grabar, Oleg (1929)
2. Altman, Irwin (1930)

۳. دهخدا (۱۲۵۷-۱۳۳۴)

۴. معین (۱۲۹۷-۱۳۵۰)

5. Longman Dictionary
6. Tajuddin Mohamad Rasdi

۷. آیه ۳۱ سوره نور: «و به زنان باایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فروبندند و پاک‌دامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [هم‌کیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند ...».

۸. آیات ۵۸-۶۰ سوره نور: ای کسانی که ایمان آورده‌اید قطعاً باید غلام و کنیزهای شما کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند سه بار در شبانه‌روز از شما کسب اجازه کنند پیش از نماز بامداد و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید و پس از نماز شامگاهان [این] سه هنگام برهنگی شماست نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیراز این [سه] هنگام گرد یکدیگر بچرخید [و باهم معاشرت نمایید] خداوند آیات [خود] را این‌گونه برای شما بیان می‌کند و خدا دانای سنجیده کار است (۵۸) و چون کودکان شما به [سن] بلوغ رسیدند باید از شما کسب اجازه کنند همان‌گونه که آنان که پیش از ایشان بودند کسب اجازه کردند خدا آیات خود را این‌گونه برای شما بیان می‌دارد و خدا دانای

سنجیده کار است (۵۹) و بر زنان ازکارافتاده‌ای که [دیگر] امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند [به شرطی که] زینتی را آشکار نکنند و عفت ورزیدند برای آنها بهتر است و خدا شنوای داناست (۶۰).

۹. آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور: ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید این برای شما بهتر است باشد که پند گیرید (۲۷) و اگر کسی را در آن نیافتید پس داخل آن مشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد برگردید، برگردید که آن برای شما سزاوارتر است و خدا به آنچه انجام می‌دهید داناست (۲۸).

۱۰. آیات ۲۳ و ۲۴ سوره اسرا: و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرسید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها (حتی) اول مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی (۲۳) و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند (۲۴).

۱۱. آیه ۱۲ سوره حجرات: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مردارش را بخورد از آن کراهت دارید ...».

۱۲. رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: در خواب پسر بچه با پسر بچه و پسر بچه با دختر بچه و دختر بچه با دختر بچه در سن ۱۰ سالگی باید از هم جدا شود (هما، ۱۳۹۱ق: ۲۸) و همچنین می‌فرمایند زمانی که فرزندان شما هفت‌ساله شدن بستر خوابشان را از یکدیگر جدا کنید (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۱۴). امام باقر (ع) می‌فرماید باید بستر خواب پسر بچه

- | | | |
|---------------------|----------------------|---|
| 16. Malay | 17. Anjung | ۱۰. ساله را از زن‌ها جدا کنید (نوری طبرسی، ۱۳۷۲ق: ۲۲۳) در حدیث دیگری از موسی بن جعفر آمده است که بستر خواب کودکان در ۶ سالگی از هم جدا می‌شود (نوری طبرسی، ۱۳۷۲ق: ۲۲۳). |
| 18. Serambi Gantung | 19. Rumah Ibu | ۱۳. در پرده حجاب نگاهشان دارد تا نامحرمان را بنگرند؛ زیرا که سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است (نهج البلاغه، ترجمه دشتی نامه ۳۱). |
| 20. Rumah Tengah | 21. Rumah Dapur | ۱۴. Malaysia؛ کشور مالزی در جنوب شرقی قاره آسیا، در کنار دریای چین جنوبی قرار دارد. کشور مالزی با آب‌وهوای گرم و مرطوب است که از خط استوا سه درجه فاصله دارد. دارای بارندگی زیاد، هوای همیشه گرم و دمای آن بین ۳۰-۳۵ درجه سانتی‌گراد است. |
| 22. Bilik | 23. Jamban | |
| 24. Bangsal | 25-Selang | |
| 26. Kutai | 27. Tok Seder Bongsu | |
| 28. Kulub Samah | 29. Perak | |
| 30. isti'dzan | | |

فهرست منابع

- الماسی‌فر، نینا؛ پورمند، حسنعلی؛ انصاری، مجتبی (۱۳۹۱)، بومی‌سازی استانداردهای حریمیت در فضاهای مسکونی با تأکید بر تعالیم اسلامی و فرهنگ ایرانی، نخستین همایش بومی‌سازی مقررات ملی ساختمان، گرگان، اردیبهشت، سازمان نظام مهندسی گلستان: ۳۸-۵۷.
- باقری، اشرف السادات (۱۳۹۳)، تحلیل و بررسی درون‌گرایی در شهرهای اسلامی، تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، شماره ۲: ۱۴۵-۱۵۸.
- بهشتی، سید محمد (۱۳۹۵)، خانه (از آغاز پهلوی اول تا دههٔ چهل شمسی)، مطالعات معماری ایران، شماره ۱۱: ۲۴۲-۲۴۹.
- دایرةالمعارف فارسی (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، دهخدا علی‌اکبر، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دایرةالمعارف فارسی (۱۳۸۷)، معین، معین محمد، انتشارات فرهنگ نما: تهران.
- سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۶)، مسکن: مسکن روستایی در مالزی و اندونزی و برونی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۱۸: ۱۱-۲.
- غلام‌زاده جفیره، فراز (۱۳۹۲)، معماری پوشهر در دوره زند و قاجار، تهران: آباد بوم.
- فرخ یار، حسین (۱۳۹۰)، صد خانه صد پلان (ویژگی‌های معماری خانه‌های قدیمی در بافت‌های تاریخی)، کاشان: دانشگاه آزاد اسلامی.
- گرابار، الگ (۱۳۷۹)، شکل‌گیری هنر اسلامی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مصباح، فرشید (۱۳۹۵)، حریمیت در خانه‌های سنتی شوشتر در اواخر دوره قاجار نمونه موردی خانه‌های امین زاده و مستوفی، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری، مدیریت شهری و محیط زیست در هزاره سوم، رشت.
- معماریان، غلام‌حسین (۱۳۷۳)، آشنایی با معماری مسکونی ایران، گونه‌شناسی درون‌گرا، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- مؤمنی، کوروش؛ و ناصری، ندا (۱۳۹۴)، بررسی ابزارها و روش‌های ایجاد حریمیت در خانه زینت الملک شیراز منطبق بر آیات و روایات اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۹: ۱۸-۳۴.
- ناصری، ندا؛ مومنی، کوروش؛ کای زاده، محمد امیر؛ و وثیق، بهزاد (۱۳۹۵)، بازشناسی تأثیر شغل و سطح اجتماعی مالکان مسلمان خانه‌های قجری پوشهر در شکل‌گیری سلسله‌مراتب حریمیت فضای ورودی، دو فصلنامه فیروزه اسلام، شماره ۳: ۷۷-۹۲.
- نیری فلاح، سیامک؛ خلیلی، اکرم؛ و تاج‌الدین بن محمد رسدی، محمد (۱۳۹۲)، لایه‌های حریمیت در خانه‌های سنتی ایران، نماد الگوی دینی در زندگی خانواده، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم: مؤسسه فرهنگی سفیران مبین، ۱۰۴۰-۱۰۵۰.
- هدایت، اعظم؛ و طبائیان، سیده مرضیه (۱۳۹۴)، بررسی عناصر شکل دهنده و دلایل وجودی آنها در خانه‌های بافت تاریخی پوشهر، معماری اقلیم گرم و خشک، دوره ۳، شماره ۳: ۳۵-۵۲.
- وثیق، بهزاد؛ و پشتونی زاده، آزاده (۱۳۸۸)، مفاهیم سکونت در آیات و روایت اسلامی، مسکن و محیط روستا، شماره ۲۹: ۶۵-۵۰.

Abidin, Wan Burhanuddin B. Wan (1981), The Malay House: rationale and change, PhD Thesis. Massachusetts Institute of Technology, Department of Architecture.

Altman, Irwin; & Chemers, Martin M. (1984), Culture and Environment, No 2: 337.

Bin Musa, Muhammad Suhaimi; bin Misnat, Nordin; & Talib, Anuar bin (2014), Islamic design guidelines: an analysis of the aspect of hijab in the main entrance design of Kutai Malay house. : 2nd International Conference On Innovation And Technology For Sustainable Built Environment.

Dobby, Ernest Henry George (1942), Settlement patterns in Malaya. Geographical Review, No 32.2, PP 211-232.

Fahey, Tony (1995), Privacy and Family: Conceptual and Empirical Reflections. Sociology. Journal of the British Sociol-



- ogy Association, 24 (4): 687–702.
- Hashim, Ahmad Hariza; Harlina, Mohamad Ali; Asnarulkhadi, Abu Samah (2009), Urban Malays' user-behaviour and perspective on privacy and spatial organization of housing. *International Journal of Architectural Research*, No 3.1: 197-208.
- Hassan, Ahmad Sanusi; & Ramli, and Mahyuddin (2010), Natural Ventilation of Indoor Air Temperature: A Case Study of the Traditional Malay House in Penang, *American J. of Engineering and Applied Sciences* 3 (3): 521-528.
- Ismail, Hashimah Wan (2005), *Houses in Malaysia. Fusion of the east and the west*, Malaysia: Penerbit UTM.
- Newell, Patricia Brierley (1995), Perspectives on Privacy. *Journal of Environmental Psychology*, No 15: 87–104.
- Rapoport, Amos (1969), *House Form and Culture*, Prentice-Hall, Inc., Englewood Cliffs, N.J.
- Rasdi, Mohamad Tajuddin Haji Mohamad (2005), *The architectural heritage of the Malay world: The traditional houses*, Penerbit UTM.
- Richards, Jack C.; & Schmidt, Richard W. (2013), *Longman dictionary of language teaching and applied linguistics*. Routledge.
- Talib, Anuar (2005), *The Perak Kutai Asli Malay House*. Universiti Teknologi MARA. Shah Alam: Unpublished Thesis.
- Yuan, Lim J. (1991), *The Malay House: rediscovering Malaysia's indigenous shelter system*, Malaysia: Institute Masyarakat.
- Yuan, Lim J. (2001). *Transforming traditions: Architecture in Asean countries*, Singapore: Asean committee on culture and information.



of entrances and the layout of spaces for access by men, women, and guests in houses. The “grounded theory” approach, which is one of the “qualitative strategy” approaches, has been used. In the second part of the research, the “case study” strategy, which involves the description and analysis of individual houses, has been employed. Accordingly, the strategy considered in the context of library studies, concerning the documents of the Kutai house in the state of Sarawak, Malaysia, and field observations of traditional houses in the province of Bushehr, Iran, involves comparing the elements that create privacy. Considering the similar climates (hot and humid) in the selected samples, the issue of privacy is examined in them. This research aims to address the following question: What is the impact of privacy in traditional houses in Iran and Malaysia? 2- Despite the common religion in both countries, what are the differences in the privacy of the entrances of the houses? The results of this study demonstrate that privacy was designed in multiple layers to maintain the independence of individuals and spaces, and to provide mental and physical comfort for family members, which is fully consistent with Islamic sources. In both regions, a hierarchy of access existed in the form of public, semi-private, and private areas, but the degree of separation between areas differed. This research has primarily focused on the concept of privacy from an Islamic perspective in traditional houses in Bushehr, Iran, and Perak, Malaysia. Just as men and women observe the Islamic hijab in different ways with modest clothing, the house also has the same privacy in different ways to create visual and auditory privacy within its structure. Different cultures have different solutions for creating privacy in their residential spaces. Just as in Bushehr, houses have a hierarchy of access (eighths, corridors, level differences), and each space has a specific area based on its function, Malaysian houses are no exception to this rule, and the spaces of the house have public and private areas; according to the type of family needs (livelihood, type of social relations, climatic needs), the function of the rooms is generally flexible and has multiple functions that are separated by creating specific boundaries and limits; therefore, Malaysian houses, while having transparency between their inside and outside, have mechanisms to create privacy and demarcate their functions. Ultimately, it can be demonstrated that the entrance hierarchy in both regions aims to maintain privacy by their respective cultures and religions. From the studies, it can be concluded that the main motivation for designing traditional housing is higher than creating shelter based on the type of spaces and meeting functional needs. Rather, the main motivation, in addition to responding to physical needs, is to express the meanings hidden in human religion and belief. Privacy in Bushehr houses in Iran is more physical and tangible, whereas in Malaysian houses, it is more perceptual and mental.

Keywords: Privacy, Traditional Houses, Entrance, Bushehr, Malaysia



The Recognition of Privacy in the Hierarchy of Entry into Houses in Hot and Humid Climates: A Comparative Study of Houses in Bushehr, Iran, and Kota, Malaysia

Farshid Mesbah¹

Received: 2025-02-13, Accepted: 2025-08-05
DOI: 10.22034/rau.2025.2053360.1151

Abstract

Iranian architecture has historically placed a strong emphasis on privacy and seclusion. Maintaining privacy is important because humans always need peace and a sense of security in their private lives, and for their privacy to be respected by others. With the advent of Islam, by the recommendations of Quranic verses and narrations, emphasis has been placed on the issue of introversion and maintaining family privacy. Islamic beliefs, social relations, and a specific way of life are crucial factors in shaping home spaces, and on this basis, a sense of belonging to the home is established within them. In addition, social and cultural factors lead to the formation of functional spaces and the interior environment of the home; in fact, it can be said that privacy is more of an internal and innate element. The concept of privacy in Islam means separating private life from external interactions and also separating non-mahram men and women, which is done to ensure family security. On the other hand, considering the sixty percent Muslim population of Malaysia, the privacy of traditional houses in this country also has a distinct hierarchy. House design in Malaysia is designed with the social and cultural interactions of Malay communities in mind, and Malay houses are essentially cultural metaphors for the lifestyle of the people of that country. Culture, as a key factor in social sustainability, plays a significant role in shaping the home space. Among these, the role of religion in shaping cultures is profound and enduring. Therefore, examining the basic patterns of house design in areas with different religions also confirms this issue. This research aims to examine the layers of privacy at the entrance of traditional houses in both countries. The research method employed in this study is a descriptive-analytical approach, utilizing logical reasoning to analyze qualitative data. In this regard, the research is divided into two main parts. In the first part, we will extract the principles and rulings of privacy and confidentiality in Islam (based on verses and narrations) and the field of psychology, such as the hierarchy

1. Assistant Professor, Department of Architecture, Arv.C., Islamic Azad University, Abadan, Iran.
Email: Farshid.mesbah@iau.ac.ir



es”, “time”, “convergence of solutions” and “knowledge in different fields of construction” to reduce the time between the problem and the solution, in the framework of wisdom thinking, there are at least four pillars of “Hekmi knowledge”, “Hekmi economy”, “Hekmi universe” and “Hekmi life” coincide and re-define the geometry of components and signs, the use of materials, forms and spaces, the relationship with nature, human and social relations, the aesthetic system, functions and uses in a way that While paying attention to the needs of the day, put the ego and human nature at the center of design. The other side of the issue is rethinking the position of the architect, as well as the mechanisms of architect training, in this diagram, which should be reviewed within the academic systems of architecture education based on its redefined role. In the current era, the processes of designing and creating “built or architectural spaces” and “public and collective spaces” can only reproduce the deep meanings of human life, including “the concept of goodness”, “happiness”, “hope and vitality”, that the attributes of consumption and being a commodity are removed from space and once again, it becomes a platform for the growth, flourishing and excellence of human nature. Architecture should regain its essential role in the way of human being-in-the-world and be considered as something that elevates. Spaces designed and produced by the hands of benevolent architects in academic structures that base human nature on their design and bring a life focused on the sublime to their users. In this way, the artist-architect attempts to create and foster the conditions of self-transcendence in order to be worthy of perceiving sublime and divine beauty. Based on their accurate understanding and reception, they then begin to create beauty within human society. In the architectural design process based on Hekmi’s epistemological system, form, meaning the completeness and totality of the external appearance of the work with all its components and details, as well as the functional program of each building derived from the needs and wishes of individuals, must be redefined based on the mythological semantic system and human values. The point of departure in this way is the unique nature of humans. Man, today, is inevitably of deep and wise thinking. It has become clear that intellectual movements such as sustainable architecture, green architecture, and architecture compatible with nature have not been able to prevent the destructive trends of the 20th century because they lack a genuine, profound understanding of humanity’s place in the world. Measuring the quality of the design of spaces and the external embodiment of each architectural work should be evaluated to preserve human nature, his exaltation towards goodness, and his true position in the system of creation, the universe, and nature.

Keywords: Design process, Hekmi epistemology, Architecture and wisdom of existence, Architectural design education, Human architecture



Explanation of the Components of the Architecture Design Process Based on the Wisdom of the Existence Epistemology System

Ali Akbari¹

Received: 2025-01-24, Accepted: 2025-07-31
DOI: 10.22034/rau.2025.2051592.1136

Abstract

The current approaches to defining the process of architectural design and the procedures of creating living spaces, although influenced by the ideas of post-modern theorists, have to some extent focused on addressing cultural issues; however, they are still primarily based on solving problems of function, form, and construction. After the peak of the digital revolution's achievements, this issue has become increasingly distant from its human roots. The procedures followed in the 20th century and up to today in compiling the process of architectural design, based on their scientific epistemological systems, have not been able to provide suitable and desirable solutions for humans, and have instead made modern humans more confused and alienated from themselves and their environment. In this research, it is assumed that a comprehensive intellectual and philosophical system that answers all the material and spiritual needs of human beings is a system of Hekmi epistemology, and an attempt has been made to reinterpret the architectural design process, whose ultimate goal is to create a living space for humans, in this philosophical system. The primary issue of this research is to determine which diagram of the architectural design process can be explained and drawn based on its components. Those who define their ontological foundations focus on the wisdom of human existence and their unique nature. What are these components, and where do they fit into this process? The research paradigm is critical, the research approach is qualitative, the research method is discourse analysis, and the research strategy is an analytical thesis based on logical reasoning. The results of the discussion show that the main elements influencing the design process of wise architecture, including the epistemological system, fashion and consumption, needs and daily life, the transcendental society and collective and individual happiness, and finally the wise life of the members of the society, should be redefined based on pure human nature. The design problem that examines the components of "resourc-

1. Assistant Professor, Department of Architecture, Y.I.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author).
Email: ali.akbari@iau.ac.ir



tions, and addressing people's spiritual needs by transforming the tomb into a hopeful and reflective space. Using descriptive-analytical methods and library research, this study analyzes mystical concepts and their inferences. Through field observations, it examines the spiritual impact of elements within the Malakout Garden plan, such as the river, shrine, and hermitage, which symbolize life and death, to inform the design of a landscape that represents paradise. According to the results, Malakout Garden is a parable of heaven, which is entirely consistent with the main approach of the research, namely, spatial design arising from mystical meanings and themes. In addition to having the proper function and creating comfort and relaxation for the user, it also displays as much of the beauty of nature as possible. By being in this space, the audience, in addition to understanding the concepts that affect his mind both consciously and unconsciously, communicates with the place.

As mentioned, one of the practical components of the formation of Malakout Garden is the design based on the worlds of existence in mysticism, which involves a process of substitution and combination with the symbols and signs found in Rumi's poems about the garden and Attar's Seven Valleys of Love. In the landscape design of Malakout Garden, the physical interpretation necessitates observing a hierarchy that progresses towards the ultimate destination: home. This journey encompasses the worlds of Jame, Nasout, Malakout, Jabarout, Lahout, and Hahout. The observer traverses each world, experiencing its unique characteristics either directly through milestones within each zone or indirectly through hidden metaphorical concepts embedded in the elements of nature. In the meantime, the pristine and natural area, such as the designed site "Kasma", has also brought significant advantages to the landscape design of Malakout Garden. Physical elements of the landscape, such as water, plants, light, and shadow, as well as paths, have also contributed to achieving the primary goal of the design, which is to realize mystical meanings and concepts in the Malakout Garden landscape design. Despite the existence of the Cemetery and the fact that being in this space may seem unpleasant, the presence of the river, as well as the existing mausoleum and the dominant vegetation, has helped to soften the space and provided a suitable platform for designing the aforementioned approach. In the end, the attention to and application of the principles of meaning and their emergence and occurrence in human activities, accompanied by the system of nature and the use of senses in interaction with the environment, have led to the creation of an all-round plan that fosters knowledge and evolution, and encourages the audience to return to nature.

Keywords: Landscape architecture, Malakout garden, Conceptual garden, Worlds of existence, Seven valleys of love



Malakout Garden Landscape¹

Mersedeh Bidarigh Kasmaei², Mehranoush Mofidi³

Received: 2024-09-07, Accepted: 2025-08-03

DOI: 10.22034/RAU.2025.2040527.1098

Abstract

Nature, as a boundless and potent resource, serves as a profound source of metaphors and symbolic expressions that resonate within the human mind. Using the power of imagination, the artist strives to reveal the spirit and power inherent in nature, and to portray the ironic qualities it embodies for the viewer. Considering that the desired quality and quantity of the designer are what come to the audience's mind and affect their senses, the necessity of avoiding futility in architecture and dealing with metaphorical concepts arising from truth and meaning is more evident. The garden can be a place for the symbolic presentation of concepts, and the designer uses hidden meanings in the elements of the garden to bring to the fore an interpretable plan that unfolds a mystical narrative. The current research titled "Malakout Garden" is located within the scope of the proposed project (in Kasma village, located in Gilan province) in the vicinity of important places such as shrines, cemeteries, and rivers. The spiritual influence and sanctity of these elements in the collection can help to achieve the principles of conceptual design about the realm of the "world of Malakout". Malakout Garden's design incorporates a hierarchy of key elements and functions, drawing inspiration from mystical concepts like the worlds of existence, the Seven Valleys of Love, and Rumi's gardens, while also integrating symbolic landscape architectural features. It is a sign and evokes the concepts of mystical progress. The purpose of the present research is to design a landscape based on mystical concepts and interpretations of the Malakout world. It addresses the question of how to physically interpret semantic themes and their examples in the landscape design of the Malakout Garden. This research aims to explore the meanings and concepts in the landscape design of Malakout Garden, fostering transcendental thoughts, enhancing social interac-

-
1. This paper extracted from the Thesis of the first author titled "Malakout Garden Landscape design", by guidance of the second author in 2021, which was Presented in the Khatam University.
 2. M.Sc of Landscape Architecture, Faculty of Art And Architecture, Department of Architecture, Khatam University, Tehran, Iran (Corresponding author).
Email: mbidarigh@yahoo.com
 3. Visiting Professor, Department of Urbanism, Faculty of Architecture and Urbanism, Soore University, Tehran, Iran.
Email: mehranosh.mofidi@soore.ac.ir

analyzed using MAXQDA software to identify patterns and themes related to sensory design. Based on these qualitative findings, a structured questionnaire was developed for the quantitative phase of the study. A pilot survey with 30 users was conducted to determine an appropriate sample size using Cochran's formula, which ultimately resulted in a sample of 61 participants. Finally, a total of 95 users completed the questionnaire, and statistical analyses were performed using SPSS 26 to interpret the data.

The findings of this study reveal significant challenges in creating retail environments that are both engaging and aesthetically appealing. Many retail spaces currently lack emotional connection, optimized sensory engagement, stress reduction mechanisms, inclusivity, and effective user interactions. Addressing these barriers requires a strategic application of sensory design principles. Key elements such as lighting, color, texture, sound, and scent must be thoughtfully integrated to maximize sensory stimulation. By doing so, designers can strengthen emotional connections, enhance user experiences, and reduce spatial monotony. Moreover, effective sensory design fosters user interaction, optimizes functionality, and promotes comprehensive engagement.

The study identifies several critical factors that contribute to effective sensory design in retail interiors. These include visual aesthetics, meaning and identity, lighting and acoustics, functionality and ergonomics, comprehensive sensory perception, coherence, visual organization, and brand-related sensory associations. Users value visual elements and a strong sense of meaning and identity, recognizing their significant impact on a space's sensory quality. Therefore, retail design should incorporate semantic and identity-related elements to enhance the sensory experience. By embedding meaning and identity into design elements, designers can create more engaging environments that resonate with users on an emotional and psychological level.

Furthermore, sensory design plays a vital role in enhancing brand identity and consumer loyalty. Retail spaces that successfully integrate sensory elements aligned with a brand's identity can create lasting impressions on customers. For instance, consistent use of specific colors, scents, and textures associated with a brand can reinforce brand recognition and evoke positive emotional responses. This strategic application of sensory design strengthens brand engagement and fosters customer retention.

The implications of this study extend beyond retail interiors to broader architectural applications. Sensory design principles can be applied to various built environments, including hospitality, healthcare, and workplace settings, to enhance user well-being and experience. In healthcare settings, for example, sensory design can contribute to stress reduction and patient comfort by incorporating calming colors, natural materials, and soothing sounds. Similarly, in workplace environments, thoughtful sensory integration can improve employee productivity and satisfaction.

Ultimately, this study advances our understanding of the influence of sensory design on retail architecture and user engagement. By emphasizing the importance of a holistic, multisensory approach, it highlights the need for designers to move beyond traditional aesthetics and consider the broader implications of sensory experiences. Future research can further explore how technological advancements, such as virtual and augmented reality, can enhance sensory design in retail and other architectural domains. As the field of interior architecture continues to evolve, the integration of sensory design will remain a crucial factor in shaping spaces that are not only visually appealing but also emotionally and experientially enriching.

Keywords: Sensory design, Retail architecture, Interior architecture, Sensory experience, Identity, Sensory association



Modeling the Impact of Sensory Design Components in Retail Interior Architecture¹

Mojdeh Soltantooyeh², Reza Naghdishi³

Received: 2025-02-15, Accepted: 2025-08-05

DOI: 10.22034/RAU.2025.2053476.1154

Abstract

The integration of interdisciplinary scientific approaches into interior architecture plays a crucial role in its evolution. One of the most significant contributions to this field is sensory design, which draws from perceptual psychology to introduce new perspectives. Sensory design enhances user experiences by engaging multiple senses, fostering emotional connections, and creating more immersive environments. This study examines the influence of sensory design elements on retail interiors, with a specific emphasis on user engagement and experience. While previous research has examined sensory design, most studies have primarily addressed its short-term effects, overlooking its sustainable integration beyond visual aesthetics. To address this gap, the present study proposes a model that assesses the long-term impact of sensory design in retail spaces. This model integrates various sensory components to enhance aesthetics, emotional engagement, and perceptual interactions over time.

A holistic and multisensory approach to retail interior design is essential in meeting users' psychological, emotional, and experiential needs. Retail spaces, by their very nature, engage multiple senses simultaneously, making it ineffective to evaluate them based on a single sensory dimension. Instead, a well-balanced sensory integration strategy is necessary to maintain engagement without overwhelming users. Multisensory neurons in the brain integrate distinct sensory inputs to create a cohesive experience, emphasizing the importance of combining sensory elements in architectural design. Integrating visual, auditory, olfactory, and tactile components not only enhances visual appeal but also strengthens emotional interaction, ultimately leading to a more meaningful and engaging user experience.

This study employs a mixed-methods approach grounded in sensory design theory. Initially, a comprehensive literature review was conducted to identify key sensory design factors in retail spaces. In the qualitative phase, open and axial coding were used to establish relationships among extracted categories. To gain deeper insights, semi-structured interviews were conducted with 24 experts in interior architecture and retail design. The data from these interviews were

1. This article is derived from the Master's thesis of the first author, entitled "Interior Architecture of a Clothing Store with a Sensory Design Approach (Stella McCartney Brand)," conducted under the supervision of the second author. The thesis is currently in progress (2025) at Islamic Azad University, South Tehran Branch.


2. Department of Architecture, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: mojdeh.slt@gmail.com

 0009-0000-7985-6351

3. Department of Architecture, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author).

Email: reza.naghdishi@iau.ac.ir

 0000-0002-0662-5955



nature of the research topic, it can be said that this study deals with an in-depth understanding and analysis of the qualitative and value load of components related to improving the quality of the interior space of apartment housing based on the lived experience of residents; therefore, it is an exploratory study. The research approach is qualitative. A qualitative approach is practical for studying human-environmental phenomena. A qualitative approach can be employed to study phenomena such as emotions and mental processes that are challenging to understand using conventional research methods. Since the research topic aims to understand the factors affecting the quality of spatiality from the residents' perspectives and their lived experiences, the research methodology is phenomenology. The phenomenological method is employed in the classification of methods related to the qualitative approach, which aims to understand and explain patterns among individuals based on their lived experiences. The data obtained from the interviews in the present study are analyzed using the thematic analysis (TA) approach. This method involves analyzing and describing the perspectives of the participants (in this study, the residents). Thematic analysis focuses on the context within which the data is situated. Therefore, based on this analysis method, the researcher can systematically collect people's perceptions and interpretations with greater accuracy and sensitivity in relation to a phenomenon, utilizing a range of data. The statistical population of the study consists of 15 residents from a typical apartment building in Borujerd city, who were purposefully selected. The method used to analyze the data obtained from the interviews with residents is thematic analysis. Thematic analysis, a qualitative method in data analysis, categorizes patterns to understand users' experiences of environmental characteristics based on their lived experiences. To explain the components of spatial quality from the residents' perspective, a six-step thematic analysis (TA) method is employed. Semi-structured interview questions from residents of a typical apartment building in Borujerd are categorized into three levels: 1- Descriptive information to control for social, cultural, economic, and individual variables. 2- Designing categorized questions based on the components obtained from the research literature as a starting point and preliminary fieldwork, and 3- Questions related to what components make the interior space of the house appear larger (perceived larger) and the satisfaction of its residents, regardless of the components obtained from the research literature. The results of the study indicate that the use of physical spatial components —spatial dimensions, spatial properties, spatial organization, spatial details, and the characteristics associated with each of these components —leads to the desirability of the interior space for residents and contributes to their satisfaction.

Keywords: Spaciousness quality, Apartment building, Interior space, thematic analysis



Explanation of Influential Components on Improving the Interior Space of Apartment Housing with an Emphasis on the Quality of Spaciousness (Based on Residents' Perspectives)

Farhad Chegeni¹, Mohsen Afshari²

Received: 2025-01-28, Accepted: 2025-08-05

DOI: 10.22034/RAU.2025.2051841.1143

Abstract

Today, most of our living spaces in cities are apartments, small apartments with limited spatial dimensions. The significant reduction in the quantitative dimensions of apartments in urban environments due to urbanization growth, increasing land prices, and construction costs has become a concern for users and designers.

The reduction in apartment dimensions makes residential interior spaces with large and spacious areas desirable for residents. One of the spatial qualities that contributes to an enhanced sense of the interior space and creates satisfaction among apartment residents is the use of spaciousness. The focus of the present study is to understand the spatial physical components that affect the quality of spaciousness, to improve the interior space of apartment housing from the residents' perspective. Spaciousness is a spatial quality that can be utilized to enhance the interior space of apartment housing and contribute to the desirability and satisfaction of residents within the apartment space. However, given the importance of understanding the quality of spatiality and its influential components concerning improving the interior spaces of apartment housing, research that has so far addressed this spatial concept has focused chiefly on physical components and has paid less attention to spatial components that influence the quality of spatiality. The present study aims to identify the physical spatial components that affect the quality of spatiality in apartment housing, which provide favorable conditions for residents in the interior space of apartment housing and lead to their satisfaction. Given the complex and multidimensional

1. Ph.D. Student in Architecture, Art University of Isfahan, Faculty of Architecture and Urban Design, Isfahan, Iran.

Email: efarch313@gmail.com

 0000-0002-8883-3271

2. Associate Professor, Art University of Isfahan, Faculty of Architecture and Urban Design, Isfahan, Iran (Corresponding author).

Email: m.afshary@au.ac.ir

 0000-0003-1244-5608



development, and municipal affairs in District Seven of Isfahan. To ensure analytical rigor, the data were processed using **Structural Equation Modeling (SEM)** in **Smart-PLS** to model complex relationships between latent variables and identify significant influences among observed factors. The findings revealed that **physical and infrastructural indicators** exerted the most substantial influence on the success of regeneration efforts in District Seven. These included the quality of buildings, access to basic services, transportation networks, and the resilience of public infrastructure. Following these, **economic-institutional indicators** were identified as the next most impactful, encompassing aspects such as funding mechanisms, local governance capacity, institutional transparency, and inter-agency coordination. Finally, **social and cultural indicators**—including community cohesion, social participation, cultural heritage preservation, and educational opportunities—also played a meaningful but comparatively less pronounced role in the regeneration process. An essential insight emerging from the qualitative phase was the **critical role of citizen participation** and transparent decision-making processes in enhancing legal compliance and stakeholder accountability. Research shows that citizen involvement in local decision-making, particularly regarding their urban environment, fosters a sense of ownership and responsibility toward urban regulations. This encourages more responsible and transparent actions from urban managers and public officials, strengthening the rule of law and civic governance. Furthermore, the study highlights that adherence to urban management laws and policies, when combined with responsive and accountable administration, can significantly enhance the efficiency of urban renewal projects. It creates a dynamic feedback loop where institutional performance and citizen cooperation mutually reinforce each other. This synergy is instrumental in driving cities toward a more **law-abiding, equitable, and sustainable future**, particularly in areas afflicted by structural vulnerabilities and historical neglect. The theoretical contribution of this research lies in its **integration of New Urbanism principles** into the context of urban regeneration within a Middle Eastern city, thus expanding the geographical and cultural applicability of New Urbanism as a planning doctrine. By focusing on a real-world case with specific socio-political and economic conditions, the study bridges the gap between abstract planning theory and grounded urban practice. From a practical standpoint, the research offers a **framework for prioritizing regeneration initiatives** in urban districts similar to District Seven. Planners and municipal leaders can utilize the identified indicators to structure policy interventions more effectively, ensuring that limited resources are directed toward components with the highest regenerative potential. Moreover, the participatory and institutional dimensions highlighted in the study offer policy insights for cities seeking to incorporate **inclusive governance mechanisms** into their redevelopment strategies. In conclusion, the regeneration of vulnerable urban fabrics demands a **multidimensional and participatory approach**, one that aligns physical, institutional, economic, and socio-cultural priorities within a sustainable and human-centered framework. The case of District Seven in Isfahan exemplifies how adopting New Urbanism principles, grounded in community participation and supported by robust urban governance, can not only revitalize declining urban areas but also serve as a model for integrated urban transformation across other cities facing similar challenges.

Keywords: Urban regeneration, Vulnerable urban fabrics, New urbanism, District Seven of Isfahan



Enhancing Urban Regeneration Indicators in Vulnerable Urban Fabrics with an Emphasis on New- Urbanism (Case Study: District 7, Isfahan)





Parisa Mohseni¹, Keramatollah Ziari², Masoud Elahi³, Seyed Mohammadreza Khatibi⁴

Received: 2025-01-05, Accepted: 2025-08-05

DOI: 10.22034/rau.2025.2049973.1115

Abstract

Vulnerable urban fabrics represent a complex system composed of intertwined and multifaceted elements that challenge conventional definitions of urban decay. The interpretation of “urban deterioration” varies significantly across cities, depending on each municipality’s unique priorities, socioeconomic conditions, and planning concerns. One of the key challenges facing deteriorated urban areas is the lack of integration of New Urbanism principles—an approach that emphasizes walkability, mixed-use development, community engagement, and sustainable infrastructure—in contemporary urban development strategies. Given the profound impact of these neglected elements on the quality of life, sustainable development, and the overall efficiency of urban management, this research aims to identify and elucidate the key indicators essential for regenerating vulnerable urban fabrics, with a particular focus on the principles of New Urbanism. The study focuses on District Seven of Isfahan, a historically rich yet structurally and functionally degraded urban area that faces intensified developmental pressures. This research adopts a **mixed-methods approach**, integrating both **quantitative** and **qualitative** methodologies to ensure a comprehensive understanding of the issue. Quantitative data were primarily collected through structured questionnaires, while qualitative insights were obtained through semi-structured interviews and content analysis. This applied research addresses real-world problems to inform practical urban regeneration policies. Data collection included field observations and literature reviews to establish a theoretical foundation. The main tool for data collection was a structured questionnaire distributed purposefully among 50 experts specializing in housing, urban

1. Ph.D. Student, Department of Urban Planning, Qa.c, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
Email: pa.mohseni@iau.ac.ir  0009-0002-6571-0890
2. Professor, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author).
Email: zayyari@ut.ac.ir  0000-0001-9135-4768
3. Assistant Professor, Department of Urban Planning, Qa.c, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
Email: m_elahi@iau.ac.ir  0000-0002-0206-8485
4. Assistant Professor, Department of Urban Planning, Qa.c, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
Email: Mr.khatibi@iau.ac.ir  0000-0002-7784-2922



Title	Pages
<input type="checkbox"/> Improving the Regeneration Indicators of Vulnerable Urban Textures with an Emphasis on Neo-Urbanism (Case Study: Isfahan-District 7) Parisa mohseni, Keramatollah Ziari, Masoud Elahi, Seyed Mohammadreza Khatibi	4
<input type="checkbox"/> Explanation of Influential Components on Improving the Interior Space of Apartment Housing with an Emphasis on the Quality of Spaciousness (Based on Residents' Perspectives) Farhad Chegeni, Mohsen Afshari	6
<input type="checkbox"/> Modeling the Impact of Sensory Design Components in Retail Interior Architecture Mojdeh Soltantooyeh, Reza Naghdbishi	8
<input type="checkbox"/> Malakout Garden Landscape Mersedeh Bidarigh Kasmaei, Mehranoush Mofidi	10
<input type="checkbox"/> Explanation of the Components of the Architecture Design Process Based on the Wisdom of the Existence Epistemology System Ali Akbari	12
<input type="checkbox"/> The Recognition of Privacy in the Hierarchy of Entry into Houses in Hot and Humid Climates: A Comparative Study of Houses in Bushehr, Iran, and Kota, Malaysia Farshid Mesbah	14



Rahpooye Memari-o Shahrsazi
(Quarterly Journal of Architecture and Urbanism)
Vol. 3, No. 12, Winter 2024

Director in-charge: **Mohammad Hossein Saei**
Editor in-chief: **Seyed Gholamreza Islami**
Published By: **Soore International University**

■ **Mohammad Hossein Saei**

President of Soore University

■ **Seyed Gholamreza Islami**

Professor, Department of Islamic Architecture,
Faculty of Architecture and Urbanism, Soore
University, Tehran, Iran.

■ **Hossein Soltanzadeh**

Professor, Department of Architecture, Faculty
of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad
University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

■ **Alireza Einifar**

Professor, Department of Architecture, Faculty
of Architecture, University College of Fine Arts,
University of Tehran, Tehran, Iran.

■ **Rima Fayaz**

Professor, Department of Architectural technology,
Faculty of Architecture and Urban Planning,
University of Art, Tehran, Iran.

■ **Minou Gharehbaglou**

Professor, Department of Architecture, Faculty
of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art
University, Tabriz, Iran.

■ **Naser Barati**

Associate Professor, Department of Urbanism,
Faculty of Architecture and Urbanism, Soore
University, Tehran, Iran.

■ **Hossein Zabihi**

Associate Professor, Department of Urban
Development, Faculty of Civil, Architecture and
Art, Science and Research Branch, Islamic Azad
University, Tehran, Iran.

■ **Abdulhamid Noghrekar**

Associate Professor, Department of Architecture,
Faculty of Architecture and Urban Planning,
University of Science and Technology, Tehran, Iran.

■ **Mehran Houshiar**

Associate Professor, Department of Advanced
Studies in Art, Faculty of Art, Soore University,
Tehran, Iran.

■ **Heidar Jahanbakhsh**

Associate Professor, Department of Architecture,
Faculty of Architecture and Urbanism, Payame
Noor University, Tehran, Iran.

■ **Azadeh Shahcheraghi**

Associate Professor, Department of Architecture,
Faculty of Civil, Architecture and Art, Science and
Research Branch, Islamic Azad University, Tehran,
Iran.

■ **Ghasem Motalebi**

Associate Professor, Department of Architecture,
Faculty of Architecture, University College of Fine
Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

■ **Najme Dashtaki**

Assistant Professor, Department of Urbanism,
Faculty of Architecture and Urbanism, Soore
University, Tehran, Iran.

■ **Zakie Sadat Tabatabaei lotfi**

Assistant Professor, Department of Islamic
Architecture, Faculty of Architecture and Urban
Planning, Soore University, Tehran, Iran.

Executive Director: Sare Nikabadi

Preparation, Printing, and Publication: Soore International University Press, supervised by Vahid Rouzbahani;
Persian Section – Technical & Literary Editing, Layout: V. Rouzbahani

English Section – Editing: Zakieh-al-Sadat Tabatabaei



Soore International
University

Website: <http://rau.soore.ac.ir>

Email: architecture.rahpooyeh@soore.ac.ir



Rahpooye Memari-o Shahrzazi
(Quarterly Journal of
Architecture and Urbanism)
Vol. 3, No. 12, Winter 2024